

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب ایرانی

چهارمقاله درمباحث متن پژوهی نسخه شناسی و کتاب آرایه

تالیف

فرانسس ریشار

ترجمه

ع. ربو حنشان

Richard, Francis	م ۱۹۴۸ - ریشار، فرانسیس،
کتاب ایرانی: چهار مقاله در مباحث متن‌پژوهی، نسخه‌شناسی و کتاب‌آرایی / تألیف فرانسیس ریشار؛ ترجمه ع. روحبخشان - تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵.	
ده، ۱۵۸ ص. - نمونه - (میراث مکتوب؛ ۱۳۷: متن‌پژوهی و نسخه‌شناسی؛ ۲)	
ISBN 964-8700-15-X	
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.	
Le livre persan, c2003.	عنوان اصلی:
	کتابنامه.
۱. نسخه‌های خطی فارسی. ۲. نسخه‌های خطی فارسی - فرانسه - فهرستها. ۳. کتابخانه ملی فرانسه. بخش نسخه‌های خطی	
Bibliothèque nationale (France). Department des manuscrits	
۴. تذهیب - ایران. ۵. تذهیب - کشورهای اسلامی. ۶. کتاب‌آرایی. الف. روحبخشان، عبدالمحمد، ۱۳۱۷ - مترجم. ب. مرکز پژوهشی میراث مکتوب. ج. عنوان.	
۹۳ ز ۶۶۰۵ / ف ۱۱ / ۲۱	
۱۳۸۵	
کتابخانه ملی ایران	
۳۶۸۲۰ - ۸۴ م	



کتاب ایرانی

چهار مقاله در مباحث متن‌پژوهی، نسخه‌شناسی و کتاب‌آرایی

تألیف: فرانسیس ریشار

ترجمه: ع. روحبخشان

ناشر: میراث مکتوب

مدیر تولید: علی اوجبی

حروفچین و صفحه‌آرا: رضا سلگی - محمود خانی

چاپ اول: ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: X - ۱۵ - ۸۷۰۰ - ۹۶۴

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: رویداد

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>



دریابی از فرهنگ پر مایه اسلام و ایران در نسخه های خطی موج می زند. این نسخه ها، در حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامد ما ایرانیان است. بر عهده هنرمندی است که این میراث پرج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به حیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

با همه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و جمع در آنها انجام گرفته و صد ها کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب و رساله خطی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگر چه بارها به طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و به تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد. ایضا و نشر کتابها در ساله های خطی و طیفهای است بر روش محققان و مؤسسات فرسپهنگ. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۴ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوششهای محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرسنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ سببی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه های ارزشمند از متون مساج تحقیق به جامعه فرسنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

فهرست مطالب

پیشگفتار.....نه

«ضمیمه فارسی» کتابخانه ملی فرانسه:

تملک نسخه‌های خطی به وسیله شعبه نسخ خطی از سال ۱۷۳۹ (۱۱۵۲ق) تا امروز .. ۱

نقل و انتقال متون در ایران زمین:

چند شیوه رایج مرتبط با نسخه‌نویسی..... ۳۷

درآمد..... ۳۷

استنساخ..... ۴۳

تصحیح و اصلاح متن..... ۵۴

خانواده‌های نسخه‌های خطی..... ۶۹

نمونه‌ای از «موفقیت ادبی»:

انتشار آثار شاعرانه جامی هراتی در سراسر خاورمیانه..... ۸۱

سرلوح مذهب:

تزیین رایج نسخه‌های خطی فارسی..... ۱۰۹

سر منشأ تذهیب..... ۱۱۲

آغاز سبک "سنتی مرسوم"..... ۱۱۶

سده شانزدهم / دهم..... ۱۳۰

نتیجه..... ۱۳۴

۱۵۵	گزارش احوال و آثار فرانسیس ریشار
۱۵۶	زبانها
۱۵۶	موضوعها و رشته‌های مطالعه و تحقیق
۱۵۶	فعالیت در موزه لوور
۱۵۷	فعالیت حرفه‌ای در کتابخانه ملی فرانسه (تا سال ۲۰۰۳ / ۱۳۸۲)
۱۵۷	فعالیت‌های خارجی
۱۵۸	آموزش حرفه‌ای
۱۵۸	نشانه‌های افتخاری

پیشگفتار

فرانسیس ریشار، نویسنده کتاب ایرانی که چکیده گزارش احوالش در پایان این رساله نقل می‌شود، از آن دسته محققان است که در فرانسه به صفت "موش کتابخانه" شهرت دارند. در واقع، از روزی که کتابخانه ملی امروز فرانسه (با اسامی مختلف) در چهار قرن پیش پا گرفت تا به امروز، که یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های جهان به شمار می‌رود، کمتر کسی پیدا می‌شود که مثل فرانسیس ریشار و به اندازه او در زمینه شناسایی نسخ و تنظیم فهرست و معرفی آنها زحمت کشیده و کار کرده باشد. صرف نظر از نوشته‌های مختلف او به صورت کتاب و مقاله، همین کتاب ایرانی به تنهایی برای شناساندن او و آشنایی با کارها و فعالیت‌هایش کفایت می‌کند. این کتاب، که حاصل تجربیات و تحقیقات چندین ساله او در زمینه نسخه‌شناسی و فهرست‌نویسی است، سرشار از اطلاعات دقیق علمی در زمینه چهار مبحث متمایز است.

مبحث نخست در گزارش چگونگی تشکیل و تنظیم "مخزن فارسی" کتابخانه ملی فرانسه است که در طی چهار قرن به یمن کوشش دهها تن کتابشناس و علاقه‌مند و محقق شکل و سامان گرفته و اکنون به قولی نزدیک به سه هزار نسخه خطی فارسی دارد.

اما نکته جالب و مهمی که ما عموماً از آن بی‌خبریم یا به آن بی‌توجه مانده‌ایم، موضوع نقل و انتقال متون در ایران از روزگار قدیم تا زمان ماست؛ و البته در این جا

سخن از ایران در معنای وسیع آن در میان است که در آن زبان فارسی، در مقام زبان رسمی و عمومی، از هندوستان تا یونان رواج داشته است؛ و این موضوع مبحث دوم کتاب است.

نویسنده برای نشان دادن وجه عملی دامنۀ این گستردگی، جامی شاعر نامدار قرن نهم را مثال می‌زند و تحقیقی جامع دربارهٔ آثار او و چگونگی شکل‌گیری و شناختگی و دامنۀ یابی آنها ارائه می‌دهد، و او را "نمونهٔ موفقیت ادبی" می‌شناساند.

اما یکی از مشخصه‌های کتاب ایرانی "تزیین" است که مخصوصاً به صورت "سرلوح" در آغاز کتاب و ابتدای هر باب یا فصل به کار می‌رود، که شناخت و معرفی آن موضوع مبحث چهارم است.

به این ترتیب کتاب ایرانی خواننده را با کم و کیف کتاب فارسی در جهان ایرانی و چگونگی شکل‌گیری و تکامل صنعت کتابسازی و کتاب‌آرایی آشنا می‌کند.

«ضمیمه فارسی» کتابخانه ملی فرانسه:

تمک نسخه‌های خطی به وسیله شعبه نسخ خطی

از سال ۱۷۳۹ (۱۱۵۲ ق) تا امروز

در سال ۱۷۳۹ (۱۱۵۲ ق)، در هنگامی که فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سلطنتی تدوین شد، مدیریت کتابخانه با کشیش بینیون / Bignon بود. در آن فهرست ۳۸۸ نسخه معرفی شده بودند که بعداً «مخزن قدیمی فارسی» کتابخانه ملی کنونی فرانسه را تشکیل دادند.^۱ آن دوره چه در زمینه کسب و تملک کتابهای تازه و چه در کار فهرست‌نویسی دوره‌ای شکوهمند و پررونق بود. کتابخانه سلطنتی برای تهیه و شناسایی نسخه‌های خطی شرقی به مترجمان متوسل می‌شد که برخی از آنان، مثل پی‌یر آرمین / Pierre Armain شاگرد پیشین مدرسه «جوانان زبان»، ادیب و دانشمند و قادر به شرح و وصف انواع کتابها بودند. مدرسه «جوانان زبان» در آن هنگام به وسیله کشیشان کاپوسنی گالاتا / Galata اداره می‌شد. و بدین‌سان این امر پیش‌بینی شدنی بود که به محض پایان گرفتن کار تدوین فهرست ۱۷۳۹^۲ نسخه‌های دیگری به کتابخانه خواهند رسید و قفسه‌های شعبه نسخه‌های خطی آن را خواهند انباشت.

به این ترتیب به آسانی می‌توان دریافت که از این مجموعه یک مخزن مرده باقی نماند. از سال ۱۷۳۹ تاکنون این کتابخانه با ۲۱۸۶ نسخه دیگر غنی‌تر شده است (که اگر نسخه‌هایی را که شامل چند مجلد هستند به حساب بیاوریم این رقم عملاً به بیش از ۲۲۰۰ نسخه بالغ می‌شود). بر این رقم باید پانزده نسخه خطی فارسی مجموعه

اوگوست لوزوئف / Auguste Lesouëf را هم، که در سالهای ۱۸۲۹ تا ۱۹۰۶ (۱۲۴۵ تا ۱۳۲۴ ق) می‌زیسته است، افزود. این مجموعه در سال ۱۹۱۳ (۱۳۳۲ ق) به نام «مخزن اسمیت لوزوئف» به کتابخانه ملی بخشیده شد. افزون بر این، پاره‌ای از مجلدات عربی کتابخانه ملی حاوی رساله‌های فارسی هستند. این مجموعه با هفده نسخه خطی عبری - فارسی «مخزن عبری» کتابخانه تکمیل می‌شود که شانزده نسخه از آنها در قرن هفدهم یعنی در حدود سال ۱۶۶۶ (۱۰۷۷ ق) به پاریس رسیده بودند. خلاصه این که این مجموعه، یعنی «مخزن فارسی»، همراه با نسخ مختلف دیگر نمایانگر صدها متن است که غالباً کمیاب و در مواردی نسخه منحصر به فرد هستند. وانگهی ۶۲۰ نسخه دارای سرلوح و تزیینات مذهب هستند. همچنین ۲۰۳ نسخه دارای انواع نقاشی و طرح هستند که شمارشان به ۷۶۶۰ تصویر می‌رسد. در واقع مجموعه‌ای متنوع است که بررسی تاریخ آن امکان می‌دهد تا بهتر و بیشتر به تنوع آن پی ببریم.

می‌توان مراحل مختلف تملک این نسخه‌ها را که مخزن کنونی را تشکیل می‌دهند، از سال ۱۷۳۹ تا امروز تشخیص بدهیم و پیگیری کنیم.

در سال ۱۷۴۰ (۱۱۵۳ ق) ژان اوتر / Jean Otter، یک سوئدی که به مذهب کاتولیک گرویده بود، و دوست پی‌یر آرمن بود، برای انجام یک مأموریت سیاسی به ایران فرستاده شد. او از بصره بیست و دو نسخه خطی فارسی به پاریس فرستاد که بعضی از آنها در اصل به مجموعه‌های سلطنتی صفوی تعلق داشتند. اوتر که سه سال پیش از آن، در ۱۱۵۰ قسطنطنیه را به قصد ایران ترک کرده بود، در فاصله همان سال و سال ۱۱۵۲ آن کتابها را در اصفهان به دست آورده بود. او از سال ۱۷۳۹ تا ۱۷۴۳ (۱۱۵۲ تا ۱۱۵۶) در بصره سرکرد، و از این اقامت طولانی برای خرید کتابهای بیشتر از جمله ۷ یا ۸ نسخه فارسی بهره‌گرفت و آنها را در سال ۱۱۵۶ به فرانسه فرستاد. یک کتاب از این ۷ - ۸ کتاب اخیر پیش از آن به دولهرس / De Lairesse عضو شرکت هند شرقی هلند تعلق داشت.

در حدود سال ۱۷۵۰ (۱۱۶۴) هم یک فرانسوی به نام کلود لویی فورمون /

Claude-Louis Fourmont به نوبه خود نسخه‌ای از فرهنگ لغت قانون الادب را از مصر به پاریس فرستاد. در این احوال در آبان ۱۱۵۳ ق کتابخانه سلطنتی همراه با کتابهای مارشال دو نوئی / De Noailles صاحب سه نسخه خطی فارسی (بوستان، گلستان و دیوان مکتبی) شده بود.

اعزام اوتر به ایران با اعزام یک پزشک فرانسوی در سال ۱۷۵۱ (۱۱۶۵) دنبال شد. این پزشک ژان توما سیمون دو ویرویل / Jean-Thomas Simon de Vierville نام داشت^۳، و اقامت او با آشوبها و آشفتگیهای آن عصر که زندگیش را به خطر انداختند، همراه شد. اما او به‌رغم ناملایمات توانست نسخه یک کتاب جالب را از اصفهان از طریق آرژانسون / d'Argenson برای کتابخانه سلطنتی بفرستد. این کتاب نسخه شماره ۲۰۶ «مخزن فارسی» کنونی است که تاریخ‌های پادشاهان دارد و پیش از آن متعلق به کتابخانه شاهرخ تیموری بوده است. سیمون از سال ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۰ ق، همچنان از اصفهان نوزده نسخه خطی فارسی دیگر برای آرژانسون فرستاد (به شماره‌های زیر در فهرست «مخزن فارسی»: ۱۰۴، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۵۹، الف، ۱۵۹، ب، ۱۵۹، ج، ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۷۹، ۱۷۹ الف، ۲۱۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۷۴، ۵۱۶، ۵۱۷، ۶۷۴، ۶۹۸ و ۷۲۹). این نسخه‌ها پس از سال ۱۷۶۴ (۱۱۷۸) وارد مجموعه پولمی / Paulmy در کتابخانه آرسونال / Arsenal شدند و فقط در حدود سال ۱۸۶۰ (۱۲۷۷) همراه با شانزده نسخه خطی فارسی دیگر همان کتابخانه به غرفه‌های کتابخانه خیابان ریشلیو [ملی] انتقال یافتند [آرسونال نام کتابخانه‌ای در پاریس است که امروزه در مهمانسرای فرمانده کل توپخانه جای دارد و بیش از یک میلیون جلد کتاب، از جمله پانزده هزار نسخه خطی و مخزن عمده‌ای از کتابهای مرتبط با نمایش در آن نگهداری می‌شود]. کتابهایی که سیمون فرستاده بود عمدتاً متون تاریخی هستند.

در این احوال مجموعه‌های دیگری هم به کتابخانه افزوده شدند. همچون مجموعه ژ. اف. پ. لوفور دو کومارتین / J.-F.-P. Le Fèvre de Caumartin (۱۶۶۸ تا ۱۷۳۳) که اسقف، عضو فرهنگستان و کتابشناس بود و چندین نسخه فارسی نفیس و گرانبها

داشت هر چند که تاریخ ورود این مجموعه به کتابخانه دقیقاً دانسته نیست. تا آنجا که به کار ما مربوط می‌شود به نظر می‌رسد که هسته اصلی این مجموعه از بخشی از کتابهایی تشکیل شده بود که یک خاورشناس فرانسوی (احتمالاً همان آنتوان گلان / Antoine Galland معروف) در حدود سال ۱۶۸۵ (۱۰۹۷) در امپراتوری عثمانی فراهم آورده بود. البته بسیاری از عناصر این تاریخچه تاریک و ناشناخته‌اند (فهرستی مفصل از کتابها - که گاه می‌توان برخی از آنها را به دقت و با اطمینان شناسایی کرد، با ذکر مبلغ خرید آنها به پیاستر / Piastre در ورق ۵۹ و ۵۹ ب نسخه شماره ۸۲۱ مخزن فارسی ضبط شده است، اما نمی‌دانیم که این خرید برای چه کسی انجام گرفته است). کومارتن در سال ۱۷۳۳ (۱۱۴۶) درگذشت و پس از آن مجموعه‌اش به فروش رفت و چند بار دست به دست شد تا سرانجام بخشی از آن به کتابخانه سلطنتی رسید. اکنون می‌توان با اطمینان^۴ بسیاری از آنها را در میان نسخه‌های مخزن فارسی، که در اواخر قرن هجدهم / دوازدهم مهر و نشانه‌گذاری شدند، شناسایی کرد و بازیافت.

در این جا باید مخصوصاً به دهش معروف آنکتیل دو پرون / Anquetil - Duperron (۱۷۳۱ تا ۱۸۰۵ / ۱۱۴۴ تا ۱۲۲۰) اشاره کرد که در سال ۱۱۷۶ ق هجده نسخه خطی فارسی (و مزدایی) را که از سفر خود به هند آورده بود به کتابخانه بخشید. او در سالهای ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۶ در هند و مخصوصاً در سورات به سر برد، که اقامت او در سورات بسیار پربار و خاطره‌آمیز است زیرا که در ضمن آن هم فارسی یاد گرفت و هم توانست چند متن رایج در میان پارسی‌ها (زرتشتیان) را به امید یافتن آرا و مکتب زرتشت، تهیه کند. بیشتر این متون مزدایی را در پاریس با پارچه مخمل آبی در چند جلد صحافی کردند تا به پادشاه فرانسه تقدیم شوند.

در پرتو تجدید چاپ اخیر سفرنامه آنکتیل دو پرون، که با نظارت پی یرسیلون فیلیوزا / Pierre - Silvain Filiozat انجام گرفته است^۵، می‌توان همچنین به دقت ردیف کنونی ۱۵۶ نسخه خطی دیگر مجموعه آنکتیل را بازیابی کرد. این نسخه‌ها در تاریخ ۲ مه ۱۸۰۵ (۱۲ اردیبهشت ۱۲۲۰ ق) در مقابل شش هزار فرانک به تملک "کتابخانه" - که

حالا عنوان امپراتوری پیدا کرده بود - درآمدند. البته این معامله با پادرمیانی سیل و ستر دوساسی (Silvestre de Sacy) (۱۷۵۸ تا ۱۸۳۸ / ۱۱۷۲ تا ۱۲۵۴) معروف تحقق یافت. این نسخه‌ها، به استثنای تقریباً ۱۵ کتاب (شماره‌های ۱۴، ۱۵، ۹۷، ۲۴۳، ۴۳۱، ۴۶۶، ۵۰۷، ۵۷۵، ۶۲۱، ۶۶۷، ۶۸۲، ۷۸۵، ۸۱۰، ۸۳۶، ۸۴۰ که همه آنها ارزش تاریخی و مخصوصاً ادبی دارند) در سال ۱۱۷۶ ق از هند به پاریس حمل شدند. آنکتیل دوپرون آنها را به وسیله ژی. - بی. ژانتی / J. B. Gentil که در سال ۱۱۸۹ ق از هند به فرانسه باز می‌گشت، به پاریس فرستاد. آنکتیل در هندوستان با ژانتی آشنا شده بود. او در هنگام توقف در سورات نسخه‌های خود را در چند مجلد مرتب کرده و آنها را به شکلی یکنواخت صحافی کرده بود.

در سال ۱۷۷۸ (۱۱۹۲ ق) یک مخزن عمده دیگر از نسخه‌های فارسی بر مجموعه‌های موجود پادشاه افزوده شد، و آن مجموعه‌ای بیش از صد کتاب بود که یک سروان ارتش فرانسه به نام ژان - باتیست - ژوزف ژانتی / Jean - Baptiste - Joseph Gentil (۱۷۲۶ تا ۱۷۹۹ / ۱۱۳۹ تا ۱۲۱۴ ق) از هند آورده بود.^۶ سروان ژانتی پس از یک ماجراجویی نظامی در هندوستان که در سال ۱۱۶۶ ق در پوندیشری / Pondichéry آغاز شده بود، در سال ۱۱۷۷ ق در فیض آباد اقامت جست و به خدمت شجاع‌الدوله، وزیر اعظم پادشاه مغولی هند و نواب اوده / Awadh درآمد و تا سال ۱۱۸۹ ق در این سمت در آنجا به سر برد. او زبان فارسی را آموخته بود، و شیفته تاریخ هند بود. به همین سبب کتابخانه معتبری فراهم آورده بود که همچون آنکتیل دوپرون غالباً مشخصات هر کتاب از جمله بهای آن را به دقت ضبط کرده بود، و فراموش نکنیم که برخی از آن کتابها پیش از آن به کتابخانه سلاطین مغول تعلق داشته بودند. در این مجموعه، که در سال ۱۱۹۲ به "کتابخانه" تعلق یافت، ۷۹ نسخه خطی فارسی وجود داشتند که مرتبط با تاریخ سرزمینهای اسلامی، هند مسلمان و نیز تواریخ محلی بودند. بدیهی است که شمار متون دینی هندی خیلی کمتر است و متون ادبی تقریباً نادر هستند. اما در همین مجموعه شمار کتابهای منحصر به فرد و متون نفیس پر ارزش بس فراوان است.

در کنار این دهشهای نفیس و معتبر، که نشانه حضور فرانسه در هند هستند، درخور توجه است که به چند مورد دیگر از تملک، که البته کم اهمیت‌تر هستند، نیز اشاره کنیم. به این معنی که کتابخانه سلطنتی در سال ۱۱۹۹، پس از مرگ اتی ین لوگران / Etienne Legrand مترجم، صاحب شش نسخه خطی شد که یکی از آنها در اصل به یسوعیهای ایران تعلق داشته است. لوگران کتابخانه معتبری داشت که به استثنای آن شش نسخه بقیه کتابهای متفرق شدند و هیچ آگاهی از سرنوشتشان در دست نیست. دنی - دومینیک کاردون / Denis-Dominique Cardonne هم که در طرابلس لبنان و حلب مترجم هیئت سیاسی فرانسه بود، و در سال ۱۱۸۴ جنگ ادبیات شرقی / *Mélanges de Littérature orientale* را منتشر کرده بود، مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی شرقی در اختیار داشت که فقط چهار نسخه از آنها به تملک کتابخانه سلطنتی درآمد و بقیه آنها را کتابخانه آرسونال تملک کرد.

در میان مترجمان دیگر که در قرن هجدهم / دوازدهم آموزش دیدند و در رشته کار خود فعالیت درخشان داشتند باید از ژان - فرانسوا روسو / Jean-François Rousseau (۱۷۳۸ تا ۱۸۰۸ / ۱۱۵۱ تا ۱۲۲۳) یاد کرد که در اصفهان زاده شده بود و در بزرگسالی به مجموعه‌دار نسخه‌های خطی تبدیل شد. اما چون متأسفانه کتابخانه سلطنتی حاضر به خرید مجموعه‌های او نشد، این مجموعه‌ها سرانجام به وسیله روسیه خریداری شدند و اکنون در «انجمن شرق‌شناسی سن پترزبورگ» جای دارند.

قرن هجدهم، از سال ۱۷۴۰ (۱۱۵۳) به بعد دیگر شاهد جست و جو و خریداری و تملک نظام‌مند نسخه‌های خطی فارسی در مشرق‌زمین برای کتابخانه سلطنتی نخواهد بود، تا در سال ۱۷۸۰ (۱۱۹۴) بار دیگر علاقه به گردآوری و تملک متون شرقی در آنجا جان می‌گیرد. برای نشان دادن این دگرگونی کافی است که نام سیل وستر دوساسی را ذکر کنیم. دوساسی در نوجوانی و جوانی شاگرد موریستها / Mauristes و از جمله دوم برترو / Dom Berthereau بود. بر اثر کوششهای همو بود که «جامعه آسیایی پاریس» / Société asiatique de Paris در سال ۱۸۲۲ / ۱۲۳۸ پدید آمد و پا گرفت. او از مدتی

پیش با نشریه یادداشتها و چکیده‌های مربوط به نسخ خطی / *Notices et extraits des manuscrits* که انتشارش از سال ۱۷۸۷ / ۱۲۰۳ آغاز شده بود، همکاری می‌کرد. در این جا همچنین باید از لویی لانگلس / Louis Langlès (۱۷۶۳ تا ۱۸۲۴ / ۱۱۷۷ تا ۱۲۴۰) یاد کرد که در سال ۱۷۹۵ / ۱۲۱۰ یک «مدرسه زبانهای شرقی» در یکی از ساختمانهای کتابخانه ملی بنیان نهاد و خودش در آنجا فارسی و مالزیایی درس می‌داد.

با تحقق "انقلاب فرانسه" موج حرکت مجموعه‌های نسخ خطی به سوی کتابخانه ملی جدید در خیابان ریشلیو به راه افتاد. بسیاری از این مجموعه‌ها حاوی نسخه‌های خطی فارسی بودند. شناسایی این نسخه‌ها و تهیه فهرست آنها کاری شاق بود که عمدتاً به گردن لانگلس و دوساسی افتاد زیرا که هر دو فارسی می‌دانستند. در سال ۱۷۹۶ / ۱۲۱۱ پس از مصادره اموال کلیسایی ۱۰۴ نسخه خطی فارسی از صومعه سن ژرمن به کتابخانه رسید. برخی دیگر از کتابهای آن صومعه کمی پیش از آن به وسیله دوپروسکی / Doubrowsky تملک شده و به روسیه فرستاده شده بودند. همین نسخه‌ها هستند که پایه اصلی کتابخانه امپراتوری را در سن پترزبورگ تشکیل دادند. از کلیسای سن ویکتور هم دو کتاب و از کتابخانه یعقوبی (ژاکوبین)ها چندین نسخه نصیب کتابخانه ملی (ناپلثونی) شد. این کتابها به مجموعه لویی پیک / Louis Picques تعلق داشتند.^۸ صرف نظر از کتابهایی که به سن پترزبورگ برده شدند مخزن فارسی سن ژرمن دارای کتابهای زیر بود: ۹۲ نسخه خطی از آن کشیش اوزب رنودو / Eusèbe Renaudot که آنها را در سال ۱۷۲۰ / ۱۱۳۳ وقف "موریستها" کرده بود. بیشتر این کتابها همانها بودند که کلود برو / Claude Bérault و بارته لمی در بلو / Barthélemy d'Herbelot استادان مدرسه سلطنتی گرد آورده بودند.^۹ حداقل ۳۸ جلد از این کتابها پیش از سال ۱۶۰۸ / ۱۰۱۷ به وسیله دو برادر فلورانسی به نام وکی یتی / G. B. Vecchietti (و) G. از مشرق زمین به اروپا آورده شده بودند. این دو برادر در آن روزگار ایران و هند را درنوردیده بودند. این مجموعه همچنین حاوی یازده نسخه خطی فارسی بود که در سال ۱۷۳۲ / ۱۱۴۵

اسقف دو کوئزلن / de Coislin وقف کرده بود، و بیشتر آنها پیش از آن به پی‌یرسه‌گی‌یه
 Pierre Segurier / (۱۵۸۸ تا ۱۶۷۲ / ۹۹۷ تا ۱۰۸۳) تعلق داشته بودند، و خود او هم
 شمار قابل توجهی از آنها را از دنی دولئه دو وانتوله / Denis de La Haye de Ventelet
 دریافت کرده بوده که سفیر فرانسه در "باب عالی" بود. برخی دیگر از آن کتابها را از
 آندره دوری‌یه / André Du Ryer دریافت کرده بود. دوری‌یه نخستین مترجم گلستان
 سعدی، در سال ۱۶۳۴ / ۱۰۴۴ به زبان فرانسوی است.

کتابخانه ملی در سال ۱۷۸۹ / ۱۲۰۴ به گونه‌ای نامناسب فرصتی گرانقدر را برای
 تقویت و افزایش غنای خود از دست داد. به این معنی که در اوایل تابستان آن سال ۶۹
 نسخه خطی فارسی ژان باتیست شووالیه دوکونان / Jean - Baptiste Chevalier de
 Caunan که تازه درگذشته بود، به فروش گذاشته شد اما کتابخانه در خرید آنها اهمال
 کرد. شووالیه دوکونان از سال ۱۷۷۰ تا ۱۷۷۹ / ۱۱۸۴ تا ۱۱۹۳ فرماندار چاندرناگور /
 Chandernagor در هند بود. مجموعه او مخصوصاً ارزش تاریخی خاص داشت زیرا که
 حاوی متون کمیابی بود که آنها را ژان باتیست ژانتی در هنگام اقامت در اوده برای او
 گردآورده بود. ژانتی می‌توانست به راحتی کتابهای مورد نظر خود را در آن شهر بخرد.
 اما این مجموعه پراکنده شد چنان که برخی از آنها هم‌اکنون در کیمبریج و رم یافت
 می‌شوند. متون شماره ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۸۴ کنونی مخزن فارسی کتابخانه ملی هم از
 همان مجموعه هستند، اما پس از انقلاب کبیر فرانسه به کتابخانه رسیده‌اند.

دوره پس از آن پربارتر بود. البته متأسفانه سرمنشأ برخی از نسخه‌ها که در فاصله
 سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۸۱۵ / ۱۲۱۵ تا ۱۲۳۱ به کتابخانه رسیده‌اند هنوز با دقت روشن و
 تعیین نشده است. در عین حال می‌توانیم تاریخچه ورود برخی از آنها را تعیین کنیم.

در سال ۱۸۰۲ / ۱۸۱۷ کتابخانه ملی توانست یک مخزن مهم را به تملک درآورد که
 سرشار از متون ادبی فارسی بود. برخی از این متون به مجموعه‌های سلاطین دکن تعلق
 داشته بودند. مثل مجموعه پی‌یر دو بروی / Pierre de Bruyes^۱ که حاوی بیشتر از صد
 نسخه بود و غالب آنها در حدود سال ۱۷۹۰ / ۱۲۰۵ به یک شکل و شیوه در سورات،

که او چند سال در آنجا مقیم بود، صحافی شده بودند. او به وسیله منشی خود، میرزا قنبرعلی گجراتی فهرست کتابهای خود را فراهم می‌آورد و محتوای آنها را واری می‌کرد (حتی موارد ناقص آنها را تکمیل می‌کرد و گاهی یک سرلوحه مذهب بر کتاب می‌افزود). او برای واری محتوای کتابها از دانش ویلیام جونز / William Jones بهره می‌گرفت.

به طور کلی قرن نوزدهم / سیزدهم برای غنای کتابخانه - که به ترتیب ملی، امپراتوری و سلطنتی لقب گرفت - دوره‌ای خوش‌یمن و شکوهمند بود،^{۱۱} که همواره همچنان در جهت توسعه مجموعه‌های شرقی و مخصوصاً ایرانی خود و بهره‌برداری علمی از آنها می‌کوشید. البته توجه علمی و عمیق فرانسه نسبت به نقاشی (میناتور؟) ایرانی در زمان برپایی نمایشگاه جهانی سال ۱۸۸۹ / ۱۳۰۷ [سالهای آخر سلطنت ناصرالدین شاه] پدید آمد و دامنه یافت، اما توجه و علاقه به ادبیات فارسی و تاریخ رویدادهای آن و آراء و نظرات ایرانی از همان آغاز قرن بسیار زنده و گسترده بود. افزون برنامهایی که تا این‌جا ذکر کرده‌ایم مثل لویی ماتیولانگلس و سیل و ستر دوساسی، باید از چند تن دیگر که به غنای مخزن فارسی کتابخانه کمک کردند، یاد کنیم مثل آنتوان لئوناردو شه‌زی / Antoine - Léonard de Chézy که کتابخانه سلطنتی را در سال ۱۸۲۴ / ۱۲۴۰ ترک کرد و بسیاری از نسخه‌های خطی از طریق او به کتابخانه رسیده‌اند،^{۱۲} و اتی‌ن کترمر / Etienne Quatremère (۱۷۸۲ تا ۱۸۵۷ / ۱۱۹۷ تا ۱۲۷۴) مورخ و فقه‌اللغوی. اینان دانشجویان بسیار را تعلیم دادند که بعداً راهشان را پی‌گرفتند.

به طور کلی باید دانست که تملک کتاب و تهیه فهرست همپای هم قرار دارند. تا سال ۱۸۳۰ / ۱۲۴۶ کتابها را به صورت مجموعه و برحسب مبدأ تهیه آنها مرتب می‌کردند. از اوایل قرن نوزدهم کتابهایی را که به طور جداگانه و پراکنده به کتابخانه می‌رسیدند با مهر «مخزن فارسی» مشخص می‌ساختند و همزمان با آن آنها را به گونه‌ای نظام‌مند برحسب نوع کتاب و محتوای آن دسته‌بندی می‌کردند. پس از آن، در دوره «امپراتوری دوم» و پس

از آن مخزن فارسی شکل گرفته بود، کتابهای تازه دریافت شده را در مخزن تازه‌ای که خاص این کتابها بود، جای می‌دادند و مرتب می‌کردند و نام مخزن فارسی دوم بر آن نهادند. این دو فهرست و شماره‌گذاری سرانجام در یک فهرست و مخزن فارسی واحد ادغام شدند که مجموعه‌های ژانتی، آنکتیل و دیگران را، که تا آن هنگام جداگانه دسته‌بندی و فهرست‌بندی شده بودند، دربر می‌گرفت. این کار در حدود سال ۱۸۷۰ / ۱۲۸۷ انجام گرفت و البته در بطن این فهرست‌بندی جدید نوعی طبقه‌بندی موضوعی نظام‌مند هم مورد توجه قرار گرفته بود.

تا این تاریخ مخزن فارسی صاحب بیش از هزار نسخه بود که از آن پس (و به‌رغم فهرست تازه‌ای که ادگار بلوشه / Edgare Blochet فراهم آورد) هر روز کتب و مجموعه‌های تازه به آن افزوده می‌شد که برحسب تاریخ ورودشان به کتابخانه فهرست‌بندی می‌شدند، کاری که تا به امروز ادامه دارد. در حدود سال ۱۸۶۰ / ۱۲۷۷ نسخه‌های خطی مخزن‌های دیگر (سنت ژنویویو / Sainte - Geneviève، مازارن، آرسونال) به کتابخانه امپراتوری منتقل شده بودند. در فاصله سالهای ۱۸۲۴ تا ۱۸۶۷ / ۱۲۴۰ تا ۱۲۸۴ یک ادیب بزرگ متصدی کار عظیم دسته‌بندی کتابها شد. این شخص ژوزف توسن رینو / Joseph-Toussaint Reinaud (۱۷۹۵ تا ۱۸۶۷ / ۱۲۱۰ تا ۱۲۸۴) نام داشت که ابتدا در جلسات درس در اکس آن پرووانس / Aix - en - Provence آموزش دید و پس از آن شاگرد دوساسی شد.^{۱۳} او در کار فهرست‌نگاری نسخه‌ها از کمک هرمان زوتنبرگ / Hermann Zotenberg بهره‌مند شد. او برای هر متنی که فهرست می‌کرد یادداشت‌هایی تهیه می‌نمود. پس از درگذشت رینو، کار فهرست‌نگاری از ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۴ / ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۲ به دست ادمون فانیان / Edmond Fagnan انجام می‌گرفت، و پس از او از ۱۸۹۵ تا ۱۹۳۵ / ۱۳۱۳ ق [۱۲۷۴ ش] تا ۱۳۱۴ ش ادگار بلوشه انجام این کار را به‌گردن گرفت. این طبقه‌بندی عالمانه و آگاهی عمیق نسبت به مخزن به مسؤولان و اداره‌کنندگان آن امکان داد تا حتی با بودجه‌ای محدود، نتایج چشمگیر به دست آورند و با کسب مجموعه‌های نفیس، گنجینه کتابخانه را غنی‌تر کنند.

اما برای این که دریابیم که این دستاوردهای تازه چه بودند باید به تاریخچه غنی تر شدن مُدام کتابخانه از زمان انقلاب فرانسه به بعد مراجعه کنیم.

در نسیمه تابستان ۱۷۹۸ / ۱۲۱۳ یک پارسی به نام دولئه مولی‌ین / Delahaye - Molien پیشنهاد فروش مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی فارسی و بنگالی را به کتابخانه ملی داد که در اصل از آن اوگوستن ژاک آن اوسان / A. J. Anne Aussant بود که تازه درگذشته بود. آن اوسان در حدود سال ۱۷۷۰ / ۱۱۸۴ در مقام مترجم در بنگاله به سر می‌برد و در سال ۱۷۸۵ / ۱۲۰۰ همچنان در منطقه چاندرناگور زندگی می‌کرد. به این ترتیب کتابخانه ملی از این طریق صاحب ۲۶ عنوان کتاب فارسی و چهار عنوان کتاب عربی شد. یکی از آن ۲۶ کتاب همان است که به شماره ۷۷ در مخزن فارسی ثبت شده است. ۲۵ کتاب دیگر از لحاظ فرهنگ عامه و زبانشناسی درخور توجه بودند.

در اوایل قرن نوزدهم چند مجموعه دیگر که از هند آورده شده بودند به گنجینه خیابان ریشلیو افزوده شدند. از آن جمله اند ۸ نسخه فارسی که در همان اوایل قرن به وسیله ژان باتیست ژولیف / Jean - Baptiste Jolif در هند تهیه شده بودند. پس از آن در سال ۱۸۲۴ / ۱۲۴۰ دوازده نسخه فارسی دیگر که به مزون نو / Maisonneuve تعلق داشتند به کتابخانه رسیدند. مزون نو یک فرانسوی بود که مدتی را در پوندیشری گذرانده بود، و کتابخانه ملی آن کتابها را از بیوه‌اش خرید. خیلی از این نسخه‌ها حاوی یادداشتهایی به زبان ارمنی بودند. یکی از آنها هم در اصل به روسو آندرئا دونرسیا / Andréa de Nerciat تعلق داشته بود.

در سال ۱۸۲۷ / ۱۲۴۳ کتابخانه ملی امکان یافت تا از یکی از پسران آنتوان پولیه / Antoine Polier (۱۷۴۱ / ۱۱۵۴ لوزان تا ۱۷۹۵ / ۱۲۱۰ آوینیون) ۳۱^{۱۴} نسخه خطی فارسی بخرد. پولیه کتابخانه‌ای بس غنی داشت. او در جوانی به خدمت انگلیسیها در هند درآمد و از ۱۱۸۷ تا ۱۱۹۷ در اوده و پس از آن از ۱۱۹۷ تا ۱۲۰۳ در لکهنو به سر برد. او با ژ. ب. ژانتی، که مثل خودش مجموعه‌دار و گردآورنده پرده‌های نقاشی و کتاب بود، دوستی و رفت و آمد داشت. اکنون بقیه مجموعه‌اش در انگلستان و برلین

یافت می‌شود. کتابهایی که کتابخانه ملی از او خرید مخصوصاً برای مورخان جالب و سودمند هستند.

کتابخانه ملی تا پیش از سال ۱۸۳۰ / ۱۲۴۶ توانست صاحب چند مجموعه دیگر، که در هند فراهم آمده بودند، شود، مخصوصاً چند جلد که پیش از آن به دانگری / Dangery تعلق داشتند و او در حدود سال ۱۷۶۰ / ۱۱۷۴ "سردار" یعنی فرمانروای جهانگیر نگر بود. این کتابها به شماره‌های ۹۲، ۱۴۳، ۳۲۴، ۵۹۶، ۷۵۵ و غیره در مخزن فارسی جای دارند.

وانتورا / Ventura، آلا / Allard، و کور / Court نظامیانی بودند که پس از خدمت در سپاه ناپلئون به هند رفته بودند. آنان با شاهزادگان هندی نشست و برخاست داشتند و به تقلید آنان مجموعه‌هایی ترتیب دادند که بعدها به فرانسه رسیدند. چنان که در سال ۱۸۳۸ / ۱۲۵۴ از لاهور نسخه‌ای برای ای. اف. ژومار / E. F. Jomard رسید که آن را به کتابخانه سلطنتی داد و همان است که به شماره ۹۲۹ به ثبت رسیده است. این نسخه مذهب و حاوی نقاشیهای زیبا و قوی به سبک لاهوری آن زمان است. پس از آن کتابخانه ملی در سال ۱۸۸۳ / ۱۳۰۱ صاحب نسخه‌های شماره ۱۰۳۸ تا ۱۰۴۲ مخزن شد که پیش از آن به ژنرال کلود اوگوست کور / Claude-Auguste Court تعلق داشته بودند. ژنرال کور در سال ۱۸۶۴ / ۱۲۸۱ در لاهور درگذشته بود.

کتابخانه ملی از طریق چند کتابفروش توانست تعدادی نسخه خطی فارسی بخرد که پیش از آن به کشیش عالی‌مقام آدام کلارک / Adam Klarke (۱۷۶۲ تا ۱۸۳۲ / ۱۱۷۶ تا ۱۲۴۸) تعلق داشته بودند. کلارک کشیشی از خانواده وسلی / Wesley و متولد ایرلند، دانشمندی متکلم و خاورشناس بود که از سال ۱۸۰۵ در لندن می‌زیست و مجموعه‌دار بزرگ و با سلیقه‌ای بود که بخشی از مجموعه‌اش در سال ۱۸۳۶ / ۱۲۵۹ در حراج فروخته شد.^{۱۵} کتابخانه آدام کلارک از کتابهای مجموعه‌داران غیر حرفه‌ای انگلیسی تشکیل شده بود مثل سمونل گیز / Samuel Guise (که مجموعه‌اش در سال ۱۸۱۲ به فروش رفت)، آرچیبالد سوینتون / Archilald Swinton (که پیش از آن مالک نسخه‌های

شماره ۶۱۹، ۷۵۴، ۱۹۱۶، ۲۱۵۱ مخزن فارسی بود و در حدود سال ۱۷۶۵ / ۱۱۷۹ به انگلیسیها در کلکته هند خدمت کرده بود)، کشیش جان هادن هیندلی / John Haddon Hindley که کتابهایش در سال ۱۸۰۵ در لندن به فروش گذاشته شدند (که نسخه شماره ۱۰۲۵ مخزن از آن جمله است)، جان وِدر برن / John Wedderburn (مالک قبلی نسخه‌های شماره ۱۷۱، ۲۱۳، ۲۹۸، ۶۱۹ و ۹۸۴ مخزن فارسی)، و همچنین چارلز فاکس / Charles Fox خاورشناس انگلیسی اواخر قرن هجدهم (نسخه شماره ۳۸۷ مخزن فارسی دیده شود). فهرستی از کتابهای کلارک که در سال ۱۸۳۵ / ۱۲۵۱ تهیه شده بود، کمی بعد به چاپ رسید و چند کتاب از آن فهرست را که اکنون در کتابخانه ملی جای دارند توانسته‌ایم بازشناسی کنیم. از آن جمله‌اند شماره‌های مخزن فارسی به شرح زیر (شماره‌های داخل پرانتز به فهرست اصلی کتابخانه کلارک مربوط می‌شوند): ۶۲۷ (۶۶)، ۳۸۷ (۷۳)، ۶۰۵ (۸۵)، ۴۷۶ (۸۶)، ۸۴۱ (۸۷)، ۱۴۵ (۸۹)، ۸۷۸ (۱۱۱)، ۶۱۹ (۱۱۹)، ۱۰۲۴ (۱۴۳)، ۲۹۱ (۱۵۲)، ۹۳۰ (۱۷۵)، ۸۲۷ (۱۹۳)، ۹۳۱ (۲۰۱)، ۴۷۰ (۲۲۸)، ۱۰۵ (۲۹۰). همه این نسخه‌ها از هند حمل شده‌اند.

کتابخانه ملی در سال ۱۸۲۴ / ۱۲۴۰ به هنگام مرگ الکساندر هامیلتون / A. Hamilton صاحب دو نسخه از کتابهای او شد (شماره‌های ۲۱۹ و ۲۱۹ الف، مخزن فارسی). کتابخانه همچنین صاحب یکی از نسخه‌های هانری استراشی H. Strachey است (شماره ۱۵۲ مخزن فارسی) که در سال ۱۷۶۷ / ۱۱۸۱ جزو کتابخانه او بوده و پس از آن به دست داوید شی / D. Shea افتاده است. دو نسخه هم (شماره‌های ۱۱۰۳ و ۱۳۰۲ مخزن فارسی) متعلق به دَبلیو سْتیرلینگ / W. Stirling بوده‌اند که یکی از آنها را در مشهد و دیگری را در بمبئی تهیه کرده بود. یک شخصیت جالب توجه هم در این میان وجود دارد به نام سرهنگ جان سْتاپلز هاریبوت / John Staples Harriot که در پاریس اقامت گزید و در حدود سال ۱۸۳۲ / ۱۲۴۸ مُبلَغ «کلیسای کاتولیک فرانسه» در خیابان فوبور - سن - مارتن بود. او در سال ۱۸۳۹ / ۱۲۵۵ درگذشت و چندین نسخه خطی فارسی برجا گذاشت که نمایانگر فعالیت او در هند هستند. او در دیناپور (پتنه) به

مترجمی اشتغال داشت. شماره‌های ۶۴، ۱۷۴، ۳۲۱، ۳۵۹، ۳۹۷ و ۴۱۹ مخزن فارسی از آن او بوده‌اند. نسخه شماره ۳۳۶ هم به برادرش، جورج، تعلق داشته که در سال ۱۸۲۳ / ۱۲۳۹ در بنارس می‌زیسته است.

یکی از شاگردان فارسی‌آموز دوساسی که مدتی در هند اقامت گزید ژوزف اچ. گارسن دوتاسی (۱۷۹۴ تا ۱۸۷۸ / ۱۲۰۹ تا ۱۲۵۹) است که نسخه‌های خطی فارسی بسیار گرد آورده بود و یکی از آنها (شماره ۱۰۳۲ مخزن فارسی) به طور قطع و یقین به کتابخانه ملی رسیده است. بقیه آنها در حال حاضر در آراس / Arras [مرکز شهرستانی ۱۷۸ کیلومتری شمال پاریس] و کتابخانه‌های دیگر جای دارند. از سوی دیگر، اوژن بورنوف / Eugène Burnouf که در سال ۱۸۵۲ / ۱۲۶۹ درگذشت، پس از آن که مدتی را در هند به جست و جوی نسخه‌های خطی گذراند، بر آن شد که کارهای آنکتیل را در زمینه کیش مزدایی دنبال کند. هشت جلد از نسخه‌هایی که او تهیه کرده بود (شماره ۱۶۶۳ تا ۱۶۷۰ مخزن فارسی) اکنون در کتابخانه ملی جای دارند. شارل دوشوئا / Charles d'Ochoa (۱۸۱۶ تا ۱۸۴۵ / ۱۲۳۲ تا ۱۲۶۱) که در جوانی درگذشت، در سال ۱۸۴۳ - ۴ / ۱۲۶۰ یک مأموریت علمی در هند انجام داد. او توانسته بود در احمدآباد، بمبئی و بیجاپور نسخه‌های خطی کاملاً کمیاب، که غالباً نسخه‌های منحصر به فرد بودند، تهیه کند. آن نسخه‌ها عبارتند از شماره‌های ۸۶۵، ۹۴۹ تا ۹۷۹، ۹۸۹ و ۱۲۱۹ مخزن فارسی و چندین نسخه دیگر که پس از درگذشت او به گنجینه خیابان ریشلیو منتقل شدند.

جیمز دارمستتر / James Darmesteter (۱۸۴۹ تا ۱۸۹۴ / ۱۲۶۶ تا ۱۳۱۲) استاد کولژ دو فرانس و استاد نامدار تحقیقات ایرانی، سفری به شمال هند (بمبئی و پیشاور) کرده و تعدادی نسخه خطی فارسی گرد آورده بود که بسیاری از آنها اکنون در کتابخانه ملی هستند (شماره‌های ۱۱۷۹ تا ۱۲۱۶ مخزن فارسی).

در این احوال کتابخانه ملی به طور پراکنده هم تقویت می‌شد، مثلاً در سال ۱۸۰۰ / ۱۲۱۵ صاحب چهار نسخه خطی فارسی از کتابهای ژان باتیست لورون / Jean-Baptiste

Leroy عضو فرهنگستان علوم پاریس شد، و در همان زمان تنها نسخه خطی فارسی بوئی به / Bouhier رئیس فرهنگستان به کتابخانه رسید، و آن نسخه‌ای از خمسة نظامی است که در اوایل قرن شانزدهم / دهم کتابت شده است و بوئی به آن را در سال ۱۷۰۴ / ۱۱۱۶ از یکی از اعضای مجلس فرانسه خریده بود. افزون بر اینها باید از تقویت کتابخانه ملی بر اثر لشکرکشی ناپلئون به مصر یاد کرد.

به این معنی که مثلاً مونژ / Monge یکی از همراهان ناپلئون پس از بازگشت به پاریس دو نسخه فارسی نفیس مصور (شماره‌های ۵۴۷ و ۷۷۵ مخزن فارسی) به کتابخانه داد. نسخه‌های شماره ۹۲۲ و ۱۰۱۶ مخزن فارسی هم به ژاک دنی دوله پور / Jacques Denis Delaport (۱۷۷۷ تا ۱۸۶۱ / ۱۱۹۱ تا ۱۲۷۸) تعلق داشته‌اند که مترجم سپاه در سال ۱۷۹۸ بود. یک جنگ زیبای شعر هم که در سال ۱۷۹۸ / ۱۲۱۳ کتابت شده است و اکنون به شماره ۵۸۴ در مخزن فارسی کتابخانه است، به وسیله رژ / Raige به پاریس آورده شد و در ۱۸۰۲ به تملک کتابخانه درآمد.

یکی از فرانسویانی که در عالم روابط فرانسه با ایران جایگاهی دارد امه‌د ژوبر / Amédée Jaubert (۱۷۷۹ تا ۱۸۴۷ / ۱۱۹۳ تا ۱۲۶۴) است که ابتدا مترجم سپاه ناپلئون در مصر بود و در ۱۸۰۰ به درجه دبیری - مترجمی رسید. او در سال ۱۸۳۸ / ۱۲۵۴ جای دوساسی را در مقام استادی زبان فارسی گرفت. مأموریتی که در سالهای ۱۸۰۵ و ۱۸۰۶ / ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ [به روزگار فتحعلی شاه] در ایران انجام داد شهرتی برای او به دنبال داشت. او در ضمن این مأموریت توانست شمار قابل توجهی نسخه خطی فارسی تهیه کند و به پاریس بیاورد. او بعداً، پیش از سال ۱۸۱۵ برخی از آنها را به کتابخانه امپراتوری داد که از آن جمله‌اند شماره‌های ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۵، ۸۲۴، ۸۹۶ مخزن فارسی. همچنین نسخه‌های شماره ۳۵۵، ۶۷۶ و ۸۷۱ هم به احتمال زیاد به مجموعه او تعلق داشته‌اند. مجموعه او در سال ۱۸۴۷ فروخته شد و نسخه‌های آن پراکنده شدند. ۱۶ متأسفانه کتابخانه سلطنتی از این فروش سهمی نبرد و فقط نسخه شماره ۴۱۰ را خرید.

سیل وستر دوساسی با بسیاری از معاصران خود مکاتبه داشت که یکی از آنان آنتوان ژوزف دوکوروئا / Antoine - Joseph Ducauroy نام داشت (۱۷۷۵ تا ۱۸۵۳ / ۱۱۸۹ تا ۱۲۷۰). او دانشمندی بود که از سال ۱۸۰۳ تا ۱۸۱۴ مدرسه جوانان زبان استانبول را اداره کرد و در سال ۱۸۳۱ از ترکیه به میهن بازگشت. او در آن مدت همه درآمد خود را صرف خرید نسخه‌های خطی، که با نهایت دقت برمی‌گزید، می‌کرد. کتابخانه سلطنتی در پرتو این علاقه‌مندی او این بخت را یافت که کمی پیش از سال ۱۸۳۰ صاحب ۵۲ جلد از آن کتابها شود،^{۱۷} که در آغاز در یک قفسه اختصاصی جای داده شدند و سرانجام به مخزن فارسی انتقال یافتند.

یکی دیگر از شاگردان و طرف مکاتبه دوساسی ژان لویی اسلن / Jean - Louis Asselin معروف به شرویل / Cherville (۱۷۷۲ تا ۱۸۲۲ / ۱۱۸۶ تا ۱۲۳۸) بود که زبانشناس و مجموعه‌داری خستگی‌ناپذیر بود. او در سال ۱۸۰۶ پس از لشگرکشی ناپلئون به مصر رفت، و زندگی کاری خود را به گونه‌ای ساده و محقرانه در کنسولگری فرانسه در قاهره گذراند، او همه مدت اقامت خود در مصر را تا لحظه‌ای که در ۲۵ ژوئن ۱۸۲۲ / چهارم تیر ۱۲۳۸ در قاهره درگذشت، به جست‌وجو و گردآوری نسخ خطی گذراند. نخستین کشفیات او درست در زمانی تحقق یافتند که یو. ژ. سیتزن / U.J. Seetzen در فاصله سالهای ۱۸۰۳ تا ۱۸۰۹ در حلب و بعداً در قاهره به خرید کتابهای شرقی برای کتابخانه ارنست یکم / Ernst Ier فرمانروای سکس گوتا / Saxe - Gotha اشتغال داشت. بسی جالب و سرگرم‌کننده خواهد بود که میان آنچه سیتزن فراهم آورد با آنچه اسلن تهیه کرد مقایسه‌ای صورت گیرد. اسلن به هنگام مرگ، در کنار صدها جلد کتاب به زبان عربی ۱۶۳ نسخه خطی فارسی هم برجا نهاد^{۱۸} که نخستین فهرست آنها در سال ۱۸۵۲ / ۱۲۴۱ تهیه شد. در سال ۱۸۲۹ چیزی نمانده بود که این مجموعه به خارج از فرانسه منتقل شود، اما کتابخانه سلطنتی در آن سال آن را خرید که در سال ۱۸۳۳ به قفسه‌های خیابان ریشلیو منتقل شدند. در این مجموعه شعر فارسی و ادبیات و فرهنگ عامه و مذهبی و صوفیانه جایگاه درجه اول دارند. بسیاری از آنها متعلق به خانقاههای

مولویه مصر بوده‌اند. همچنین چند جزوه خطی در میان آنها دیده می‌شوند که آنها را به صورتی نظام‌مند و بقاعده مرتب کرده‌اند و در کنار هم قرار داده‌اند. برخی از کتابها هم به خواهش اسلن از روی متون اصل رونویسی و کتابت شده‌اند.^{۱۹}

دیپلماتها و مترجمان دیگر هم نسخه‌هایی به کتابخانه داده‌اند. چنان‌که: توماگزاوی به بییانچی / Thomas Xavier Bianchi (۱۷۸۳ تا ۱۸۶۴ / ۱۱۹۸ تا ۱۲۸۱) مترجم کنسولگری فرانسه در از میر در سال ۱۸۱۶ کتابی به کتابخانه بخشید که اکنون به شماره ۱۶۳ مخزن ثبت شده است. الکساندر تیمونی / A. Timoni، که از سال ۱۸۳۷ تا ۱۸۴۷ در ترکیه به سر برده بود، دو کتاب به کتابخانه داد: شماره‌های ۵۴۳ و ۶۱۱ مخزن فارسی. همچنین باید از ژان ژوزف مارسل / Jean - Joseph Marcel معروف یاد کرد که در سال ۱۸۳۷ به مصر رسید و صاحب کتابخانه‌ای بس غنی بود که در سال ۷- ۱۸۵۶ فروخته شد، اما فقط چهار نسخه از آنها به کتابخانه رسید، که البته بس اندک هستند و عبارتند از شماره‌های ۱۷۸، ۱۷۸ الف، ۱۷۸ ب و ۸۳۳، و شمار انبوهی از کتابهایش سر از کتابخانه‌های دیگر مثل ژنو درآوردند.

درباره دوستداران غیر حرفه‌ای کتاب عملاً هیچ اطلاع دقیقی در دست نیست، از آن جمله است شخصی به نام آلفونس ماتیس گرانکوری / Alphonse Mathis de Grancourt که اهل پاریس بود و در اواخر پاییز ۱۸۳۴ هفده نسخه خطی فارسی به کتابخانه فروخت.^{۲۰} در میان آنها چندین نسخه دیده می‌شوند که در کتابخانه‌های صفویه در سده هفدهم / یازدهم فراهم آمده‌اند، و از آن جمله‌اند نسخه‌هایی که کشیش ایمه شزو / Aimé Chézaud بر آنها یادداشت و حاشیه نوشته است. شزو جوانی یسوعی اهل لیون بود که در سالهای ۱۶۵۳ تا ۱۶۶۴ / ۱۰۶۴ تا ۱۰۷۵ در اصفهان مأموریت تبلیغی انجام می‌داد.

برخی از شخصیت‌های فرانسوی که چند مدتی را در ایران گذرانده بودند، به تقلید از ایرانیان باسواد و فرهیخته‌ای که با آنان نشست و برخاست داشتند به گردآوری

نسخه‌های خطی فارسی می‌پرداختند. کتابخانه ملی شواهدی از این علاقه فرانسویان به ادبیات فارسی در اختیار دارد. مثلاً کتابخانه در سال ۱۸۳۵ / ۱۲۵۱ این فرصت را یافت که سه نسخه از کتابهای فردریک شولتز / Frédéric Schultz را به تملک درآورد که عبارتند از شماره‌های ۳۱۹، ۳۶۰ و ۳۶۸ مخزن فارسی. شولتز در طی گردشها و فعالیتهایی که در مشرق‌زمین انجام می‌داد، درگذشت.

عسکرخان افشار، سفیر ایران در فرانسه در سال ۱۰ - ۱۸۰۹ / ۱۲۲۴ دو کتاب شماره ۲۳۲ و ۹۸۲ را به کتابخانه بخشید. کمی پس از آن اوتره / J. B. Outrey، که در بازگشت عسکرخان به ایران او را همراهی می‌کرد، در استانبول دو نسخه فارسی شماره ۸۱۴ و ۸۹۵ را برای کتابخانه خرید. ژوزف ماری ژوانن / Joseph - Marie Jouannin هم که در استانبول مترجم بود، به سهم خود در سال ۱۸۱۶ / ۱۲۳۲ دو نسخه به کتابخانه اهدا کرد (شماره‌های ۶۶۹ و ۶۸۹ که نسخه دوم مجموعه اشعار فتحعلی شاه است که منشی و کتابدارش خوشنویسی کرده است).^{۲۱} چند سال بعد، یعنی در ۱۸۴۷ / ۱۲۶۴ یک سفیر ایرانی دیگر به نام محمدعلی خان نسخه مذهب و خوشنویسی شده فوق‌العاده‌ای از کتابخانه شخصی خود را به کتابخانه ملی اهدا کرد (نسخه شماره ۴۸۵). این هدایا خصوصیت‌های استثنایی و منحصر به فرد دارند.

در میان کتابهایی که در سالهای پیش از آن به تملک کتابخانه ملی درآمدند، می‌توان به چند جلد از مجموعه نفیس اوگوست آندرئا دونرسیا / Auguste - Andréa de Nercia اشاره کرد که در سالهای ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۹ / ۱۲۲۲ تا ۱۲۲۴ در تبریز و تهران به سر برده بود. نسخه‌های شماره ۵۲۹ و ۲۲۴ از آن جمله‌اند. یک نسخه بسیار زیبا و نفیس عجاینامه هم، به شماره ۳۳۲ مخزن فارسی، به مجموعه دونرسیا تعلق داشته است که بیوه‌اش آن را در سال ۱۸۴۹ / ۱۲۶۶ به کتابخانه فروخت. در همان زمان چهار نسخه نفیس دیگر از آن مجموعه به کتابخانه دولتی مونیخ فروخته شد.

یکی از فرانسویانی که نامش با ایران پیوند خورده است اوژن بوره / Eugène Boré (۱۸۰۹ تا ۱۸۷۸ / ۱۲۲۴ تا ۱۲۹۵) است که کتابخانه ملی فقط یک نسخه از او تملک

کرده است.^{۲۲} او این کتاب را در ضمن اقامت خود در ایران در سال ۱۸۳۹ / ۱۲۵۵ تهیه کرده بود، و آن خاطرات جالب سفری است که یک بانوی فرانسوی از تهران به شیراز کرده بوده است، و این کتاب به شماره ۳۵۸ مخزن فارسی ترجمه فارسی آن است. یک مترجم فرانسوی دیگر که پس از طی مقامات مختلف از جمله استادی کولژ دوفرانس، در ۱۸۵۴ / ۱۲۷۱ درگذشت، الیکس دگرانژ / Alix Desgranges نام دارد که همراه دوسرسی / de Sercey سفیر فرانسه به ایران سفر کرده بود. کتابخانه امپراتوری در سال ۱۸۶۲ یک نسخه (شماره ۴۵۲ مخزن فارسی) از مجموعه او را به دست آورد. و در سال ۱۸۶۵ که مجموعه اش به فروش گذاشته شد شش نسخه دیگر را خرید. شماره‌های ۲۱۴، ۸۹۸، ۱۳۳۹، ۱۴۴۳، ۱۰۹۱ و ۱۹۳۹.

از فرانسویان نامداری که نامش در پیوند با ایران مطرح می شود کنت ژوزف آرتور دو گوبینو / Le comte Joseph - Arthur de Gobineau (۱۸۱۶ تا ۱۸۸۲ / ۱۲۳۲ تا ۱۳۰۰) است که از ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۸ سفیر فرانسه در ایران بود. او نیز توانست مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی فارسی فراهم آورد که بخشی از آنها از سال ۱۹۰۳ / ۱۳۲۱ در استراسبورگ جای دارد. کتابخانه او در بهار ۱۸۸۴ در پاریس به فروش گذاشته شد که کتابخانه ملی دو نسخه شماره ۱۰۴۵ و ۱۰۷۱ را در همان هنگام خرید، و چندی بعد به خرید نسخه شماره ۱۳۸۰ اقدام کرد. بسیاری از این نسخه‌ها به سفارش خود او در ایران بازنگاری شده بودند که نسخه پنج جلدی حمزه‌نامه از آن جمله است که در ۱۸۵۵ / ۱۲۷۲ برای او استنساخ شده است.

یکی از مترجمانی که گوبینو را همراهی می کرد لویی ژان باتیست نیکولا / Louis - Jean - Baptiste Nicolas (۱۸۱۴ تا ۱۸۷۵ / ۱۲۳۰ تا ۱۲۹۲) ی معروف بود^{۲۳} که در سال ۱۸۴۰ / ۱۲۵۶ به ایران آمد و ضمن اقامت خود نسخه‌هایی فراهم آورد. کتابخانه او در سال ۱۸۷۷ در پاریس به فروش گذاشته شد که شماره‌های ۱۰ و ۱۲ آن (شماره‌های ۱۰۳۵ و ۱۳۶۳ مخزن کنونی) نصیب کتابخانه امپراتوری شدند. کتابخانه

پیش از آن در سال ۱۸۶۳ / ۱۲۸۰ نسخه شماره ۱۹۶ مخزن کنونی را از او خریده بود. چندی بعد کتابخانه تغییر نام داد و نام کتابخانه ملی به خود گرفت. این کتابخانه در سال ۱۸۷۷ دو نسخه فوق‌العاده، که بس شکوهمند تذهیب شده‌اند، از بیوه او خرید. این دو نسخه عبارتند از شماره ۱۰۲۹ (خمسۀ نظامی) و ۱۰۳۰ (تاریخ [سیره] پیامبر).

یک مترجم فرانسوی دیگر شارل بری به دومنار / Charles - Barbier de Meynard (۱۸۲۶ تا ۱۹۰۸ / ۱۲۴۲ تا ۱۳۲۶)، نام دارد که در ترکیه آموزش دیده بود و پس از آن که در سال ۱۸۶۳ / ۱۲۸۰ به پاریس بازگشت استاد زبان ترکی، و پس از آن فارسی، در کولژ دو فرانس شد. او هم از تهران و اصفهان نسخه‌های خطی با خود آورده بود که در سال ۱۸۶۷ نُه نسخه از آنها را به کتابخانه فروخت. این کتابها عمدتاً ارزش تاریخی یا جغرافیایی داشتند.^{۲۴}

ریشار بوشه / Richard Boucher هم از فرانسویانی بود که به ایران آمده و سال ۱۸۶۷-۸ را در این جا گذرانده بود. او در آن مدت سفارش استنساخ نسخه‌ای را داده بود که اکنون به شماره ۱۱۰۳ در مخزن فارسی جای دارد. او همچنین کتابهای خاورشناسان دیگر مثل گرانژره لگرانژ / Grangeret Lagrange و ژول مُل / Jules Mohl را تملک کرده بود. مجموعه او در سال ۱۸۸۷ / ۱۳۰۵ به فروش رفت که چندین نسخه از آنها در اختیار کتابخانه امپریال قرار گرفت. نسخه‌های شماره ۱۰۸۱ تا ۱۱۰۷ و ۱۲۰۸ مخزن فارسی کتابخانه ملی از آن جمله‌اند.

یکی از دیپلماتهای آن روزگار بره دولانسی / Barré de Lancy نام داشت که مدتی سرکنسول و پس از آن دبیر اول و مترجم دولت فرانسه (و مدیر مدرسه جوانان زبان از ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۲) بود و کتابخانه‌ای درخور توجه داشت که متأسفانه بخش اعظم آن پراکنده شده است. می‌دانیم که او از سال ۱۸۷۷ / ۱۲۹۴ در استانبول به گردآوری نسخه‌های خطی اشتغال داشت.^{۲۵} در سال ۱۹۰۲ / ۱۳۲۰ کتابخانه ملی نسخه شماره ۱۶۱۰ را خرید که قبلاً به کتابخانه او تعلق داشته بود. نسخه‌های شماره ۱۱۱۰، ۱۱۲۳، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۷۷ مخزن فارسی نیز قبلاً از آن دولانسی بوده‌اند.

الکساندر خودزکو / Alexandre Chodzko (۱۸۰۶ تا ۱۸۹۱ / ۱۲۲۱ تا ۱۳۰۹) یک لهستانی است که در حدود سالهای ۱۸۳۳ تا ۱۸۴۰ در خدمت تزار روسیه در مقام مترجم کنسولگری در رشت و تهران خدمت کرد. او اشرافزاده جوانی بود که پس از تحصیل در ویلنو / Wilno و سن پترزبورگ به عضویت «انجمن فلسفه دوستان» درآمد، و به سبب علاقه به تحقیق در فرهنگ عامه میهن خود را ترک کرد. او از اقامت خود در ایران بهره گرفت و بسیاری از نقاط این سرزمین را درنوردید و در هر جا که توانست نسخه خطی فارسی تهیه کرد، چنان که در سال ۱۸۳۵ / ۱۲۵۱ در نیشابور نسخه‌ای قدیمی از ترجمه تاریخ طبری را به دست آورد.^{۲۶} همچنین او نخستین کسی است که جزوه‌های کوتاه تعزیه ایرانی را گردآوری کرد. نسخه‌های شماره ۹۹۳ تا ۹۹۷ و ۱۱۲۵ تا ۱۱۳۵ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه قبلاً به کتابخانه او تعلق داشته‌اند که در میان آنها دو مجموعه اسناد سیاسی فارسی جای دارند که آنها را در طی اقامت خود در ایران فراهم آورده است. خودزکو با حفظ ملیت لهستانی خود از سال ۱۸۴۰ / ۱۲۵۶ در پاریس اقامت گزید و به تدریس در کولژ دو فرانس پرداخت.

نکته جالب این است که کتابخانه ملی در سال ۱۸۶۸ / ۱۲۸۵ نسخه‌ای بس ارزشمند و گرانهارا به تملک درآورد که در سالهای ۱۵۳۸ تا ۱۵۴۶ / ۹۴۵ تا ۹۵۳ در بخارا کتابت شده است: نسخه شماره ۹۸۵ مخزن فارسی که قبلاً به میخائیل سیمونیچ / Mikhaïl Simonitsch، فرزند کنت سیمونیچ سفیر روسیه در ایران تعلق داشته است. میخائیل هم که همراه خودزکو به ایران رفته بود و در خدمت او بود، مجموعه‌داری بود که عمدتاً کتابهای نقاشی یا دارای پرده‌های نقاشی را گرد می‌آورد، و بیشتر آنها امروز در سن پترزبورگ هستند. بدین سان چنان که ملاحظه می‌شود، جست و جوی کتابهای خطی شور و سووایی بود که به جان بیشتر اروپائینی که به ایران می‌رفتند، می‌افتاد.

برای این که گزارش ما کامل باشد باید از یک شخصیت دیگر هم یاد کنیم. او ژوزف دزیره تولوزان / Joseph Désiré Tholozan (۱۸۲۰ تا ۱۸۹۷ / ۱۲۳۶ تا ۱۳۱۵) پزشک است که در جزیره موریس زاده شد، در ۱۸۴۳ / ۱۲۵۹ مدرک پزشکی گرفت، مدتی

پزشک سپاه بود، بعد به استخدام دولت ایران درآمد و پزشک خصوصی ناصرالدین شاه تا پایان عمر او بود. او از اقامت طولانی خود شمار انبوهی نسخه خطی و کتابهای چاپ سنگی به پاریس آورد که پس از درگذشتش برخی از آنها به کتابخانه ملی رسیدند، مثل شماره‌های ۱۲۷۱ تا ۱۲۷۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۹۰ و ۱۳۰۱ مخزن فارسی.^{۲۷}

در کنار این تملکات که به سفر و اقامت دانشمندان و مأموران سیاسی در مشرق زمین مرتبط هستند باید به جایگاه مهم ادیبان و کتابدوستان در توسعه مطالعات ایرانی در قرن نوزدهم / سیزدهم اشاره کرد. رد پای آنان در تاریخ تملک مجموعه‌های کتابخانه ملی وسیعاً مشاهده می‌شود، که البته خالی از تناقض هم نیست.

پیش از این به اهمیت سهم دوساسی در پیشرفت و گسترش مطالعات ایرانی و فارسی اشاره کردیم، در عین حال کتابخانه ملی فقط یک نسخه از مجموعه کتابهای او را در اختیار دارد که نسخه شماره ۳۲۱ مخزن فارسی است. در واقع کتابخانه خصوصی او بسیار غنی و مهم بود، و سبب آن شاگردان او و کسانی بودند که او با آنان ارتباطات مکاتبه‌ای داشت، هرچند که خودش هرگز به مشرق زمین سفر نکرده بود. توضیح این خلأ یا نقص عمدتاً این است که شاگرد دانشمندش اتی‌ین کترمر که در سال ۱۸۳۸ صاحب نسخه‌های خطی (و عربی) دوساسی شده بود، با عقاید الهیاتی ارنست رنان / Ernest Renan که در آن روزگار در دانشگاه بسیار متنفذ بود، عمیقاً و شدیداً مخالف بود و لذا نتوانست کتابخانه را به خرید کتابهای دوساسی برانگیزد. کترمر در سال ۱۸۵۷ / ۱۲۷۴ درگذشت.

در نتیجه این شرایط ناگوار کتابخانه کترمر از فرانسه خارج شد و در سال ۱۸۵۸ شخصی به نام کارل هالم / Karl Halm آنها را در پاریس برای کتابخانه سلطنتی باوی‌یر آلمان به مبلغ ۳۴۰ هزار فرانک خرید. در آن هنگام کتابخانه کترمر حاوی ۵۰ هزار نسخه چاپی و ۱۲۰۰ نسخه خطی عرب، فارسی و ترک بود.^{۲۸} به این ترتیب آن نسخه‌های خطی که ارزش و اهمیت استثنایی داشتند و بسیاری از آنها به کتابخانه خصوصی

دوساسی تعلق داشته بودند، سر از مونیخ درآوردند. تعداد دیگری از نسخه‌های خطی کتابخانه دوساسی هم به منچستر در انگلستان برده شدند.

در عوض، چند جلد از نسخه‌های خطی همعصر دوساسی یعنی لویی لانگلس که در ۱۸۲۴ / ۱۲۴۰ درگذشت، نصیب کتابخانه ملی شدند. لانگلس، چنان که خودش می‌گفت «به سبب علاقه و کسب لذت» فارسی و عربی فراگرفته بود و در ۱۷۹۲ / ۱۲۰۷ به کار در کتابخانه ملی پرداخت و از ۱۷۹۶ تا ۱۸۲۴ که درگذشت، در آنجا فارسی درس می‌داد و در عین حال به کار نسخه‌های خطی می‌پرداخت و می‌کوشید تا بر تعداد آنها بیفزاید. در زمان او یعنی سالهای ۱۸۱۹ و ۱۸۲۰ بود که کتابخانه ملی صاحب چند نسخه فارسی شد، از جمله شماره‌های ۱۹۷، ۲۱۸، ۵۵۷، ۹۰۸ و ۹۳۷ که در اصل جزو کتابخانه خود لانگلس بودند.

اگر در تاریخ رسیدن کتابها به کتابخانه ملی دقیق شویم به رد آنها که تا پیش از آن به این یا آن ادیب تعلق می‌داشته‌اند پی می‌بریم مثل امانوئل سدیو / Emmanuel Sédillot و لویی ژاک پرنی یه / Louis - Jacques Brenier، یا کوسن دوپرسووال / Caussin de Perceval که دو نسخه خطی او در سال ۱۸۳۶ به کتابخانه ملی رسیدند (شماره‌های ۳۳۵ و ۳۷۱) و بری‌یه دو نوویل / Barbier de Neuville که کتابخانه ملی در سال ۱۸۲۲ نسخه شماره ۲۳۰ را از او خرید، و گییوم تیره بوتی / Guillaume Trébutien که نسخه شماره ۷۳۴ را از یک ادیب اتریشی به نام فینسنتز فون روزنتزوایگ / Vincenz Von Rozenzweig خرید و آن را در سال ۱۸۳۸ به کتابخانه فروخت.

همچنین در مخازن کتابخانه ملی یک نسخه خطی یافت می‌شود که از آن آنکتیل دوپرون بوده و پیش از آن به کتابخانه کنت آرتونا / Comte d'Artois (در شمال فرانسه، معروف به شارل دهم) تعلق می‌داشته است.^{۲۹} یک نسخه هم متعلق به د.د. کاردون / D. D. Cardonne می‌بود که در سال ۱۸۵۰ از طریق بارون آمه دوسن دیدی یه / A. Amé de Saint-Didier به کتابخانه رسید.^{۳۰} یک نسخه دیگر که دارای پرده‌های نقاشی قرن شانزدهم / دهم است،^{۳۱} در سال ۱۸۶۴ به وسیله آدولف پرژه / Adolphe

Bergé (۱۸۲۸ تا ۱۸۹۶ / ۱۲۴۴ تا ۱۳۱۴) به کتابخانه اهدا شد. او در سال پیش از آن هم سه نسخه نفیس فارسی را به موزه آسیایی سن پترزبورگ اهدا کرده بود. یک فرانسوی دیگر به نام اوژن پیو / Eugène Piot در تابستان ۱۸۹۱ / ۱۳۰۹ کتابهایش را به فروش گذاشت که کتابخانه ملی یکی از آنها را خرید (نسخه شماره ۱۱۲۱ مخزن فارسی). از مجموعه مهم ژول تونلی یه / Jules Thonnelier هم که خاورشناس بود، فقط دو نسخه فارسی به کتابخانه ملی رسیده است (شماره‌های ۱۹۰۸ و ۱۹۳۲ مخزن فارسی) و بقیه آنها پراکنده شده‌اند.

یکی از ایرانشناسان نامدار آن روزگار ژول مول / مل آلمانی - فرانسوی است که در سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۸۷۶ / ۱۲۱۵ تا ۱۲۹۳ می‌زیست و شاهنامه فردوسی را به زبان فرانسوی درآورد. او پس از آمده ژوبر، از ۱۸۴۷ تا زمان بروز جنگ ۱۸۷۰ در کولژ دو فرانس زبان فارسی درس می‌داد و مجموعه قابل توجهی از کتابهای فارسی داشت، اما کتابخانه ملی فقط چند جلد از آنها را خرید که برخی از آنها مثل شماره‌های ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۸ مخزن فارسی در جریان حراج کتابها که همسرش پس از مرگ او ترتیب داد توسط کتابخانه خرید شدند.^{۳۲} این نسخه‌ها به دقت و حوصله به وسیله مل حاشیه‌نویسی و نشانه‌گذاری شده‌اند و یادگارهای نفیس و ذی‌قیمتی از کار سترک او در مقام ادیبی پرکار هستند.

آمبروئاز فرمن دیدو / Ambroise Firmin Didot (۱۷۹۰ تا ۱۸۷۶ / ۱۲۰۵ تا ۱۲۹۳) به نقاشیهای هند و ایرانی علاقه داشت و مجموعه‌ای فراهم آورده بود که بخشی از آنها، از جمله یک آلبوم از مجموعه ژانتی / Gentil، را اوگوست لوزوئف / Auguste Lesouëf خرید که امروز در کتابخانه ملی جای دارد.

یک نقاش فرانسوی به نام ژولین لئوپولد بیی معروف به ژول / Julien - Léopold Bailly (dit Jules) (۱۷۹۶ تا ۱۸۷۴ / ۱۲۱۱ تا ۱۲۹۱)^{۳۳} یکی از نخستین هنرمندانی است که به

هنر ایرانی و ادبیات فارسی توجه یافتند. متأسفانه مجموعه کتابهای او پراکنده شده است و فقط دو نسخه از آنها به کتابخانه ملی رسیده است: نسخه اسمیت لوزوئف ۲۰۰، و نسخه شماره ۱۰۱۵ مخزن فارسی، که دارای پرده‌های نقاشی است و در سال ۱۸۲۹ از سوماریپا / Somaripa خریداری شده است که در قاهره با آسلن / Asselin در ارتباط بود. اما متأسفانه بازسازی و تهیه فهرست این مجموعه‌ها دشوار است.

در سال ۱۸۹۳ / ۱۳۱۱ کتابخانه ملی توانست ۲۶ نسخه خطی فارسی (شماره‌های ۱۱۴۴ تا ۱۱۶۹ مخزن فارسی) آلفونس رنو / Alphonse Renaud وزیر دارایی وقت فرانسه را خریداری کند که مجموعه‌ای بس ارزشمند و با اهمیت است. در همان روزگار شخصی به نام ژول ریشار (۱۸۱۶ تا ۱۸۹۱ / ۱۲۳۲ تا ۱۳۰۹) می‌زیست که به علت اطلاع و شناخت فوق‌العاده‌ای که از ایران داشت، گویا عامل خرید و فراهم آورنده کتاب برای بسیاری از کتابدوستان فرانسوی بوده است. او که اول بار در سال ۱۸۴۴ / ۱۲۶۰ به ایران آمده بود، بعدها چند نسخه نفیس فارسی به کتابخانه فروخت، همچون آلبوم شکوهمند شماره ۱۱۷۱ و نسخه خطی شماره ۱۱۷۲ و نیز یک متن یهودی فارسی اثر بابایی بن فرهاد.^{۳۴} اوگوست لوزوئف هم حداقل یک نسخه خطی از ژول ریشار خریداری کرد که اکنون به شماره ۲۳۰ در مخزن اسمیت لوزوئف جای دارد.

این دوره برای کتابخانه ملی بسیار خوش یمن و پرفایده بود، که البته در طی آن دو نام بیشتر از نامهای دیگر به میان می‌آیند و عبارتند از شه فر و دوکوردومانش.

مجموعه شارل شه فر / Charles Schefer (۱۸۲۰ تا ۱۸۹۸ / ۱۲۳۶ تا ۱۳۱۶) مجموعه یک مترجم سفارتی است، که ابتدا در ۱۸۴۴ در بیروت و پس از آن در ۱۸۴۹ در استانبول خدمت می‌کرد، و در جریان تدارک قرارداد ۱۸۵۶ / ۱۲۷۳ پاریس بر حسب دلخواه سلطان عبدالمجید، به شهرت رسید. علاقه او به کتاب سابقه قدیم داشت، چه که در سال ۱۸۴۶ / ۱۲۶۳ یک نسخه خطی به زبان پشتو از امیر برای کتابخانه سلطنتی فرستاده بود.^{۳۵} او در زمستان ۱۸۵۷ / ۱۲۷۴ به سمت دبیر و مترجم اول شعبه زبانهای شرقی در وزارت امور خارجه نصب شد و در پاییز سال بعد برای تصدی جای کترمر به

استادی کرسی زبان فارسی برگزیده شد. او پس از انجام مأموریت‌های مختلف در سال ۱۸۶۷ / ۱۲۸۴ به مدیریت مدرسهٔ زبانهای شرقی انتخاب شد و با شایستگی و لیاقت تمام تا هنگام مرگ به تدریس پرداخت، و طبعاً در این امر از احاطهٔ وسیع خود در زمینهٔ نسخه‌های خطی بهره می‌گرفت. او به هنگام مرگ کتابخانه‌ای غنی شامل ۱۳ هزار جلد کتاب از جمله ۸۰۰ جلد نسخهٔ خطی شرقی بر جای نهاد.^{۳۶}

دولت فرانسه در سال ۱۸۹۹ / ۱۳۱۷ هفتصد و نود و یک نسخهٔ خطی شرقی، از جمله ۲۷۶ نسخهٔ خطی فارسی (شماره‌های ۱۳۰۳ تا ۱۵۷۸ مخزن فارسی) برای کتابخانهٔ ملی خرید که بیشتر آنها نسخه‌هایی هستند که پیش از آن به مجموعه‌های سلطانها و بزرگان عثمانی تعلق داشته‌اند. نسخه‌های دیگر این مجموعه به وسیلهٔ رابطان و آشنایان شه فرمثل لتنر / Leitner و بلوخمان / Blochmann به پاریس فرستاده شده بودند. برخی از این کتابها نسخه‌هایی هستند که به سفارش او توسط مهمت [محمد] یوسف در استانبول استنساخ شده‌اند، چنان که نسخهٔ شمارهٔ ۱۳۲۱ مخزن فارسی در سال ۱۸۴۷ در این شهر برای او کتابت شده است. او همچنین نسخه‌هایی از ایران دریافت چنان که صنیع‌الدوله [محمدحسن خان اعتمادالسلطنه] در سال ۱۸۷۸ / ۱۲۹۶ سه نسخه از ایران برایش فرستاد. چندین نسخه هم میرزا حسین خان، حکیمباشی ناصرالدین شاه برایش فرستاده بود. شه فر با جعفر قلی خان، مدیر مدرسهٔ دارالفنون تهران ارتباط داشت. همهٔ این ارتباطات و دوستیها به او در تشکیل آن کتابخانهٔ افسانه‌ای او کمک کردند. البته این کتابها با نهایت دقت و وسواس از وجه کتابداری (صحافی، تذهیب، نقاشی ...) انتخاب می‌شدند و این ملاحظات در همهٔ آنها محسوس و مشهود است. از همهٔ اینها که بگذریم شه فر در جریان همهٔ حراجهای کتاب در پاریس حضور می‌یافت و بسیاری از کتابهای خود را در این مراسم می‌خرید. با وجود اینها تاریخ کتابخانهٔ او هنوز نوشته نشده است و جای آن خالی است. این تاریخ باید همزمان با تاریخ فعالیت کتابدوستان دیگری که در حدود میانهٔ قرن نوزدهم در استانبول فعالیت می‌کردند، تکمیل شود؛ هرچند که چنین می‌نماید که در پایان جنگ ۱۸۵۶ کریمه سلطان

عثمانی شخصاً شمار قابل توجهی نسخه خطی به او اهدا کرده بوده است.

ژان ادولف دوکوردمانش / Jean - Adolphe Decourdemanche (۱۸۴۴ تا ۱۹۱۵) /
 ۱۲۶۰ تا ۱۳۳۴) حقوقدانی قاضی بود که مدتی دراز در اودسا، استانبول و مصر گذرانده
 بود.^{۳۷} او بر زبان ترکی مسلط بود و به گردآوری سکه‌های قدیمی و نسخه‌های خطی
 علاقه داشت. او غالباً به کتابفروشیها و حراجیهای کتاب در فرانسه و خارج از آن
 سر می‌زد و کتاب می‌خرید. او چندین بار کتابهایش را به کتابخانه ملی اهدا کرد. مثلاً در
 زمستان ۱۹۰۸ / ۱۳۲۶ نسخه‌های شماره ۱۶۷۱ تا ۱۷۳۷ را به کتابخانه داد، در زمستان
 ۱۹۱۲ نسخه‌های شماره ۱۷۸۸ تا ۱۷۹۴ را اهدا کرد. در زمستان ۱۹۱۶، یک سال پس از
 مرگش هم نسخه‌های شماره ۱۸۴۳ تا ۱۹۴۵ مخزن فارسی به کتابخانه رسیدند، که
 جمعاً حداقل بالغ بر ۱۷۵ کتاب می‌شوند، که در میان آنها انبوهی شامل ۶۶ نسخه از
 ماوراءالنهر به پاریس رسیده بودند.^{۳۸} در آن روزگار این منطقه دور و شگفتی‌آور در پرتو
 راه آهن دریای مازندران به سمرقند (که ساختن آن از ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۸ / ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۶
 طول کشید) دستیاب شده بود. این مجموعه دارای ارزش و اهمیت فوق‌العاده است.

کتابخانه ملی در نخستین سالهای قرن بیستم / چهاردهم صاحب دهها نسخه خطی
 فارسی شد که آنها را در سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۲۸ از کتابفروشهای پاریس مثل الیاس ژژو
 / Elias Géjou یا پل / Paul و گیمن / Guillemin (در حدود چهل نسخه تا قبل از سال
 ۱۹۱۱) و ارنست لورو / Ernest Leroux (۱۹ نسخه از ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴) و کتابفروشهای
 دیگر و افراد عادی خرید. آن دوره روزگاری بود که پاریس به کانون نمایش مینیاتورهای
 ایرانی تبدیل شده بود و توجه و علاقه به ایران به نقطه اوج رسیده بود.

افزون بر اینها کتابخانه ملی پیش از بروز جنگ جهانی اول صاحب شماری نسخه
 خطی بس ارزشمند (متون نایاب، کتابهای مذهب نفیس) شد که آنها را یک ادیب و
 دانشمند بزرگ ایرانی که چند سالی در پاریس سر کرده بود به کتابخانه فروخت. او افزون
 بر این که کتابخوان و کتابدوستی بزرگ بود، چندین متن کهن ارزشمند فارسی را به چاپ
 رسانده و صاحب مقالات و همچنین تحقیقات خاورشناسی به فارسی، انگلیسی و

فرانسوی بود. سخن از [علامه] محمد قزوینی (۱۸۷۷ تا ۱۹۴۹ / ۱۲۹۴ ق تا ۱۳۲۸ ش) در میان است که نام کامل او میرزا محمدخان پسر حاج ملا عبدالوهاب پسر عبدالعلی قزوینی است. او مدتی را در لندن گذرانده و در بریتیش میوزیم به مطالعه نسخه‌های خطی پرداخت، بعد به پاریس رفت و از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۴ در آنجا گذارند، پس از آن به برلین رفت. در ۱۹۱۹ به پاریس بازگشت و از ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸ / ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ در مدرسه ملی زبانهای شرقی به تعلیم و تدریس پرداخت. آنگاه به ایران بازگشت و در آنجا درگذشت.^{۳۹}

قزوینی در فاصله سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴ پنجاه و دو نسخه خطی فارسی به کتابخانه فروخت: یک نسخه در ۱۹۱۰،^{۴۰} پنج نسخه در ۱۹۱۱،^{۴۱} چهار نسخه در ۱۹۱۲،^{۴۲} یازده نسخه در ۱۹۱۳،^{۴۳} و بیست و شش نسخه در ۱۹۱۴.^{۴۴} در همین سال چند نسخه عربی هم به کتابخانه فروخت. در میان نسخه‌های فارسی چندین متن ادبی سده پانزدهم / نهم و نیز چندین جلد کتاب که قبلاً به ادبای بزرگ روزگار قاجار تعلق داشته بودند، دیده می‌شوند. او همچنین برای تحقیقات خود بسیاری از نسخه‌های موجود در پاریس را مطالعه کرده بود.

مجموعه Marteau / مارتو که به وسیله ژرژ مارتو به دولت واگذار شد به کتابخانه ملی امکان داد تا صاحب چند نسخه فوق‌العاده زیبا و نفیس شود. در واقع مارتو صاحب چند آلبوم خوشنویسی شده و چند جلد با صحافی بس شکوهمند بود. به این ترتیب در سال ۱۹۱۶ نسخه‌های شماره ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۷ مخزن فارسی وارد کتابخانه شدند. بسیاری از این نسخه‌ها از آن عتیقه فروشهای ایرانی بودند چنان که نسخه شماره ۱۹۴۶ متشکل از دو ورق از شاهنامه «دموت / Demotte» است. این مجموعه همچنین نشانگر توجه استثنایی فرانسویان به هنر ایرانی در سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰ است.

از آن پس خرید و تملک نسخه‌های خطی فارسی ادامه یافت، اما سرعت و آهنگ سابق را نداشت. در عین حال صورتی منظم داشت چنان که امروز، در سال ۲۰۰۲ /

۱۳۸۱ شماره نسخه‌های خطی مخزن فارسی به رقم ۲۱۸۶ جلد رسیده است. در این میان می‌توان به ورود چند مجموعه مهم دیگر به کتابخانه اشاره کرد، همچون مجموعه ادوئار بلان / Edouard Blanc (۱۸۵۸ تا ۱۹۲۳ / ۱۲۷۵ تا ۱۳۴۲) که چند بار در ۱۸۹۲ و ۵-۱۸۹۴ به ماوراءالنهر سفر کرد. در کتابخانه ملی ۳۵ نسخه خطی جای دارند که از جهات بسیار شبیه نسخه‌هایی هستند که دوکور دمانش به کتابخانه داده بود. در این مدت دهشهای افراد عادی به کتابخانه بس فراوان بودند، و افزون بر آنها کتابخانه در ضمن حراجیه‌های کتاب هم توانست چندین نسخه و اسناد بسیار مهم را به تملک درآورد. از آن جمله می‌توان از یادداشت‌های آمابل ژوردن / Amable Jourdain خاورشناس اوایل قرن نوزدهم، و جزوه‌های مربوط به روابط ناپلئون با ایران یاد کرد. یا مجموعه اسنادی که در مارس ۱۹۲۴ / اسفند ۱۳۰۲ پرنس ملکم خان به کتابخانه اهدا کرد (نسخه‌های شماره ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۷ که بعداً با اضافه شدن شماره ۲۰۹۲ تکمیل شد). یا دوازده‌تایی نسخه خطی فارسی که از ترکستان چین به پاریس رسیده بودند و آنها را سرگرد شارل الکساندر ماری دولون / Charles - Alexandre - Marie d'Ollone از مأموریتی که به آن خطه رفته بود و در ۱۹۰۸ از آن بازگشت، به همراه آورده بود. او در لان چه‌ئو / Lan Tchéou پایتخت کانسو / Kan Sou از بزرگان مسلمان محلی نسخه‌های خطی جالبی گرفته بود که از نظر مردم‌شناسی و کتیبه‌شناسی بس پرارزش هستند.

کتابخانه ملی در حدود سال ۱۹۶۰ / ۱۳۳۹ صاحب شاهنامه معروف آندره گودار / André Godard (نسخه شماره ۲۱۱۳ مخزن فارسی) شد که نسخه مذهبی است که در سده شانزدهم / دهم کتابت شده است و به احتمال بسیار به سلاطین گلکنده / Golconde [در ایالت ایندرا پرادش هند] تعلق می‌داشته است. در ۱۹۶۶ / ۱۳۴۵ همزمان با نسخه‌های شرقی کتابخانه ژان دُنی (۱۸۷۹ تا ۱۹۶۳) ده نسخه خطی فارسی به کتابخانه رسید. این دانشمند در کی یف / Kiev زاده شد، در دبیرستان اودسا تحصیل کرد، پس از آن به پاریس آمد و شاگرد بریی‌یه دومنار در مدرسه زبانهای شرقی شد. کمی پس از آن مجموعه‌ای از کتابهای تاریخی که در حدود سالهای ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ به آلفونس

نیکولا تعلق می‌داشتند، به کتابخانه ملی رسید که بیشتر آنها برای تاریخنگاری دوره قاجار اهمیت بسیار دارند.

پس از سال ۱۹۸۰ / ۱۳۵۹ تحویل نسخه‌های خطی «انجمن آسیایی پاریس» (که در ۱۸۲۲ / ۱۲۳۸ بنیان نهاده شده بود)^{۴۵} به کتابخانه موجب غنی‌تر شدن کتابخانه با ۱۶ نسخه خطی فارسی شد که سرمنشأهای گوناگون داشتند (سویتون، آری‌یل / Ariel هندشناس که در ۱۸۴۴ از طریق انجمن آسیایی کلکته چندین نسخه به پاریس فرستاده بود، و ...). و سرانجام این که در سال ۱۹۸۲ / ۱۳۶۱ یازده نسخه فارسی به کتابخانه رسید که عمدتاً به فلسفه اسلامی و تصوف ارتباط دارند. این نسخه‌ها همراه با مخزن‌ای که هانری گُربن (۱۹۰۳ تا ۱۹۷۸ / ۱۲۸۲ تا ۱۳۵۷ ش) ترتیب داده بود، به کتابخانه رسیدند. هانری کرین که به جست و جوی مسیر آنکتیل دوپرون پرداخته بود، این نسخه‌ها را عمدتاً در سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ ش در تهران تهیه کرده بود. از آن هنگام به بعد تعدادی نسخه خطی فارسی، که بیشتر متون ادبی هستند،^{۴۶} به مجموعه‌ای که در خیابان ریشلیو فراهم آمده است، افزوده شده‌اند.

به این ترتیب احتمال می‌رود که در سالهای آینده مخزن فارسی بیش از پیش غنی شود. این ضمیمه از لحاظ کیفیت بسیاری از نسخه‌های خطی‌یی که آن را تشکیل می‌دهند، مجموعه‌ای استثنایی است، و به رغم چند فرصت که از دست داده است، بازتاب بس دقیق فعالیت مسافران، جهانگردان، مأموران سیاسی، دانشمندان و کتابدوستانی است که به پیوند خوردن رشته‌های ظریف رابطه میان ایران و فرانسه از سده شانزدهم / دهم تا کنون خدمت کرده‌اند.

یادداشتها

۱. فرانسویس ریشار، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ... / Francis Richard, *Catalogue des manuscrits persans, I. Ancien fonds*, Paris, Bibliothèque Nationale, département des Manuscrits, 1989, p. 1-23 (introduction historique).
 ۲. فهرست شماره‌گذاری شده نسخه‌های خطی کتابخانه سلطنتی (به لاتین) / *Catalogus codicum mancriptorum Bibliothecae Regiae*, Paris, 1739.
 ۳. فرانسویس ریشار، «نسخه‌های خطی فارسی سیمون دو ویرویل»، ... / F. Richard, "Les manuscrits persans de Simon de Vierville et la bibliothèque de L'Arsenal", *Littérature persane - Kârnâme*, IV, Paris, LHarmattan, 1998, p. 9-16.
 ۴. مثلاً نسخه شماره ۶۶۵ ضمیمه فارسی همان شماره ۶۵۹۷ فهرست فروش، و شماره ۹۴۰ ضمیمه فارسی شماره ۶۵۹۳ آن فهرست است.
 ۵. آبراهام آنکتیل دوپرون، سفر در هند در ۱۷۵۴ تا ۱۷۶۲ (۱۱۶۸ تا ۱۱۷۶)، گزارش سفر مقدماتی برای ترجمه زند اوستا ... / Abraham - Hyacinthe Anquetil - Duperron, *Voyage en Inde 1754-1762, relation de voyage en préliminaire à la traduction du Zend-Avesta*, présentation, notes et bibliographie par J. Deloche, M. et P.-S. Filliozat, Paris, Maisonneuve et Larose, 1997, p. 482 - 493.
 ۶. فرانسویس ریشار، «ژان باتیست ژانتی، مجموعه‌دار نسخ خطی فارسی»، ... / F. Richard, "Jean - Baptiste Gentil, collectionneur de manuscrits persans", *Dix - Huitième Siècle*, 28, 1996, p. 91-110.
- ما در این جا مجموعه‌های نقاشی او را مطرح می‌کنیم نه نسخه‌های خطی سنسکریت را.

۷. دوساسی در سال ۱۷۹۹ / ۱۲۱۴ در جلد چهارم این مجموعه با همکاری ژوردن، لانگلس و کترمر، شروع به چاپ متون شرقی کرد و متونی از عتبی، بیضاوی، میرخوند، عبدالرزاق، خانمیرزا و جامی را به چاپ رساند.

۸. فرانسیس ریشار، «ادبیی در جست و جوی متون دینی مشرق زمینی»، ... /

F. Richard, "Un érudit à la recherche de textes religieux venus d'Orient, le docteur Louis Picques (1637-1699)", *Les Pères de l'Église au XVII^e siècle*, Paris, Le Cerf, 1993, p. 253-277.

۹. فرانسیس ریشار، «فرهنگ دریلو»، ... /

F. Richard, "Le dictionnaire de d'Herbelot", *Istanbul et les langues orientales (Actes du colloque organisé par l'IFEA et l'INALCO 29-31 mai 1995)*, Paris, 1997, p. 79-88 (Varia Turcica, XXXI).

برخی از نکات مربوط به مسیر انتقال کتابها میان فلورانس و مجموعه رنودو هنوز روشن نیستند و باید بررسی شوند. دو نسخه فارسی از کتابهایی که برادران وکی یتی آورده بودند در طی انقلاب فرانسه به کتابخانه پاریس رسیدند (شماره‌های ۲ و ۲۶۰ ضمیمه) که از مصادره اموال یک صومعه ایتالیایی به دست آمده بودند.

۱۰. مراجعه شود به کتابخانه ملی فرانسه، بخش نسخه‌های خطی، قسمت «یادداشت‌های خاورشناسان»، شماره ۸۳. بروی / Brueys در کنار کتابهای بسیاری که خریده بود صاحب چند کتاب بود که قبلاً به دیوید پرایس / David Price ساکن سورات، و کشیش مارسل دلپ / Marcel d'Alep تعلق داشته بودند. نسخه‌های بروی در حدود سال ۱۷۹۰ در سورات به شکلی همسان صحافی شده بودند.

۱۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه و چگونگی تملکات کتابخانه در قرن نوزدهم نگاه کنید به:

فرانسیس ریشار، «چند مجموعه‌دار فرانسوی متون خطی فارسی در قرن نوزدهم»، ... /

"Quelques collectionneurs français de manuscrits persans au XIX^e siècle", *Luqmân*, Annales des Presses Universitaires d'Iran, X (1), 1993-1994, p. 53-67 où nous donnons des références bibliographiques. Mais, dans la présente conférence, nous corrigeons et complétons cet article sur de nombreux points.

۱۲. شاید همچون نسخه شماره ۶۰۳، یعنی نسخه‌ای که به کاردون تعلق می‌داشته است، و چند نسخه دیگر.

۱۳. نسخه شماره ۲۰۷ اسمیت لوزونف که در سال ۱۸۳۰ / ۱۲۴۶ به وسیله مک‌گاکین دواسلین / Mac G. de Slane به رینو داده شد، نسخه‌ای است از دیوان حافظ دارای پرده‌های نقاشی که در قرن شانزدهم / دهم کتابت شده است، و تنها بازمانده از "مجموعه" شخصی آن دانشمند است.

۱۴. جی. کولا (و) ف. ریشار، «ضمیمه پولیه در کتابخانه ملی»، ... /
 G. Colas et F. Richard, "Le fonds Polier de la Bibliothèque nationale", *Bulletin de l'École française d'Extrême - Orient*, LXXIII, 1984, p. 99-123.
۱۵. در میان نسخه‌های خطی‌یی که به مجموعه او تعلق داشته‌اند و کتابخانه سلطنتی آن زمان در سال ۱۸۳۵ آنها را خرید، می‌توان به شماره‌های ۱۱۶، ۲۷۱، ۳۱۶ و ۴۷۷ ضمیمه فارسی اشاره کرد. این نسخه‌ها به وسیله دوبور / de Bure خرید شدند، اما در فهرست سال ۱۸۳۵ به ثبت نرسیده‌اند.
۱۶. مثلاً نسخه شماره ۳۱۹/۱ کتابخانه تسارتوریسکی کراکویایی / Czartoryski de Cracovie یکی از کتابهای فارسی ژوبر است در حالی که یک نسخه دیگر او در رم (فرهنگستان دی لینچی) یافت می‌شود.
۱۷. نسخه‌های شماره ۶۴۸ و ۱۴۹۸ از آن مجموعه‌اند.
۱۸. پی‌یرفرانسوا بورژه، «ژان لویی اسلن، مأمور کنسولگری و مجموعه‌دار نسخه‌های خطی شرقی»، ... /
 Pierre - François Burger, "Jean - Louis Asselin, agent consulaire et collectionneur de manuscrits orientaux", *Dix - Huitième Siècle*, n° 28, 1996, p. 125-133.
۱۹. نسخه‌های شماره ۵۲۵ تا ۵۲۷ و نیز نسخه ۷۶۲ ضمیمه فارسی که در سال ۱۸۱۶ تهیه شده‌اند بی‌گمان نسخه‌هایی هستند که برای او در ارتباط با تحقیقاتش در زمینه زبانشناسی استنساخ شده‌اند.
۲۰. شماره‌های ۶۶، ۱۳۵، ۱۵۷، ۲۲۴، ۲۲۸، ۳۴۰، ۳۴۴، ۴۴۰، ۴۶۳، ۵۷۳، ۹۲۴ و ۹۲۸ ضمیمه فارسی از آن جمله‌اند. چنین می‌نماید که بسیاری از آنها قبلاً در اختیار یک هلندی بوده‌اند و بعداً به کتابخانه ماتیس دوگرانکور رسیده‌اند. در مجموعه او همچنین چند نسخه خطی مالزیایی - پولینزیایی یافت می‌شد.
۲۱. کتابخانه ملی فقط یک نسخه خطی دیگر از ژوئانن در اختیار دارد که شماره ۸۶۵ ضمیمه فارسی است.
۲۲. فروش نسخه‌های خطی بوره / Boré در هفدهم اکتبر ۱۸۶۳ / ۲۵ مهر ۱۲۸۰ در پاریس انجام گرفت. این نسخه دارای شماره ۴۸ بود. یک نسخه دیگر، یعنی شماره ۱۹۶ ضمیمه فارسی خیلی دیرتر به کتابخانه رسید.
۲۳. مثلاً نگاه کنید به: فرانسویس ریشار، *خمسه نظامی*، پاریس، ۱۹۹۵ /
 F. Richard, *Les Cinq poèmes de Nezâmî*, Paris, 1995, p. 95-96.
۲۴. شماره‌های ۱۷۲، ۱۸۸، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۲۹، ۲۸۱، ۳۲۲، ۳۵۷ و ۳۶۱.
۲۵. مجده، فهرست ...
- T. Majda, *Katalog Rekopisów tureckich i perskich* (Catalogue des manuscrits orientaux des

collections polonaises, V, 2), Varsovie, 1967, p. 105. Ils'agit d'un recueil de calligraphies. On trouve aussi des manuscrits de sa collection à la British Library (Or. 13 193 par exemple).

۲۶. نسخه خطی کترمر که امروز به شماره ۲۰۳ فارسی در کتابخانه مونیخ جای دارد.

۲۷. نسخه شماره ۱۳۰۰ ضمیمه فارسی ابتدا از آن سیدنی چرچیل، مأمور سیاسی و مجموعه‌دار بود. وانگهی نسخه‌هایی هستند که از آن تولوزان بوده‌اند و به «ولکام اینستیتوت» / Wellcome Institute، لندن رسیده‌اند (مثل کتاب در سایه ابن سینا / *L'ombre d'Avicenne* A L'ombre d'Avicenne، پاریس، انستیتوی جهان عرب، ۱۹۹۶ / ۱۳۷۵).

۲۸. فریتس میکائو (و) گنورگ لیه، خودآموزدانش‌کنابداری، ... /

Fritz Milkau, Georg Leyh, *Handbuch des Bibliotheks Wissenschaft*, III, Leipzig, 1940, p. 624.

۲۹. نسخه شماره ۴۳۹ ضمیمه فارسی.

۳۰. نسخه شماره ۱۰۱۰ ضمیمه فارسی.

۳۱. نسخه شماره ۵۸۱ ضمیمه فارسی.

۳۲. نسخه‌های شماره ۱۰۹۰، ۱۰۹۴، ۱۱۰۷، ۱۱۸۴، ۱۸۹۳، ۱۸۹۴، ۱۹۲۹ و ۲۰۸۰ ضمیمه فارسی؛ مجموعه اسمیت لوزونف، شماره‌های ۲۲۲ و ۲۲۴. نسخه‌های خطی دیگر به کشورهای دیگر اروپا انتقال یافته‌اند.

۳۳. نگاه کنید به: فهرستنامه نمایشگاه بی، ... /

Catalogue de l'exposition Bailly. Un grand peintre français de la Révolution à la Restauration, Lille, 1989.

در حراج کتاب نیمه بهار ۱۹۸۶ / ۱۳۶۵ در دروئو / Drouot یک نسخه خطی فارسی عرضه شده بود. یک نسخه دیگر آن در ایتالیا و یک نسخه سوم در آرا / Arras (شمال فرانسه) جای دارد.

۳۴. کتابخانه ملی، ضمیمه عبری، شماره ۱۳۳۶. ژول ریشار در جریان برگزاری نمایشگاه معروف ۱۸۸۹ پاریس که به مناسبت آن ناصرالدین شاه به پاریس سفر کرد، فعالیت بسیار از خود نشان داد. در مورد زندگی و کارهای او می‌توان به کتاب سیمون دوسیموندی که ناصر پاکدامن منتشر کرده است، مراجعه کرد:

Simon de Simondy, *Économie politique (âdâb-e mamlekat dârân) tarjome - ye R. Rishâr va M. H. Chîrâzî*, Paris, 1998, p. 9-13.

۳۵. نسخه شماره ۹۹۰ در ضمیمه فارسی فعلی.

۳۶. برخی از کتابهای این مجموعه (به صورت امانت یا اهدا؟) از پاریس انتقال یافته‌اند، مثل منطق الطیر،

- نسخه شماره ۳۸۸۵ کتابخانه تزارتوریسکی کراکویایی که به شهفر تعلق یافت (نگاه کنید به: ت. مجده، ص ۱۰۷).
۳۷. نگاه کنید به «یادداشت درگذشتگان» در روزنامه لوتان / Le Temps، ۱۶ اکتبر ۱۹۱۵ (مهر ۱۲۹۴ ش). او در سالهای ۱۸۷۸ تا ۱۹۰۸ تحقیقات گوناگون (درباره اندازه‌شناسی و مقیاسها، زبانشناسی و نیز ترجمه متون ترکی) منتشر کرد. او افزون بر نسخه‌های خطی فارسی خود چند کتاب دیگر به کتابخانه اهدا کرد: شماره‌های ۱۳۰۹ تا ۱۴۱۳ ضمیمه ترکی، و شماره‌های ۶۱۷۲ تا ۶۲۴۴، ۶۳۰۹ تا ۶۳۹۵، ۶۵۶۷ تا ۶۵۸۹ و ۶۶۶۷ تا ۶۷۱۳ ضمیمه عربی.
۳۸. فرانسیس ریشار، «نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی که به ماوراءالنهر ارتباط دارند»، ... / F. Richard, "Manuscrits persans de la Bibliothèque nationale de France se rapportant à l'Asie centrale musulmane", *Cahiers d'Asie centrale*, VII, 1999, p. 62.
۳۹. در نامه بهارستان، تهران، سال ۳، ش ۱، ۱۳۸۱، ص ۲۹۷ تا ۳۰۰ نامه‌ای از [علامه] قزوینی، مورخ ۱۹۲۳ / ۱۳۰۲ در باب نقش عمده کتابخانه‌ها در زمینه حفظ میراث معنوی نسخه‌های خطی ایرانی چاپ شده است.
۴۰. نسخه شماره ۱۷۷۲ ضمیمه فارسی.
۴۱. نسخه‌های شماره ۱۷۷۷ تا ۱۷۸۱ ضمیمه فارسی.
۴۲. نسخه‌های شماره ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۶ ضمیمه فارسی.
۴۳. نسخه‌های شماره ۱۸۰۵ تا ۱۸۱۵ ضمیمه فارسی.
۴۴. نسخه‌های شماره ۱۸۱۷ تا ۱۸۴۲ ضمیمه فارسی.
۴۵. نسخه‌های شماره ۲۱۴۴ تا ۲۱۵۹ ضمیمه فارسی.
۴۶. در میان آنها که در سال ۲۰۰۰ / ۱۳۷۹ به کتابخانه ملی راه یافته‌اند می‌توان از ۸۱ نامه صادق هدایت به شهید نورایی یاد کرد. همچنین متون دیگر که برای تاریخ نقاشی ارزش بسیار دارند (نگاه کنید به: فرانسیس ریشار، «شاهنامه سلطان کابل، نسخه‌ای خطی که تاریخچه‌ای پیچیده دارد»، ... / F. Richard, "Le Livre des rois du sultan de Kaboul, un manuscrit à l'histoire complexe [manuscrit Supplément persan 2182]", *Revue de la BNF*, n° 2, juin 1999, p. 42-46.

نقل و انتقال متون در ایران زمین:

چند شیوه رایج مرتبط با نسخه‌نویسی

درآمد

بقای نسخه خطی در مقام تقریباً تنها شکل کتاب در دنیای فرهنگ ایرانی تا نیمه سده نوزدهم / سیزدهم، آثار و پیامدهای بسیار مهم در زمینه نقل و انتقال متون و استنساخ و تصحیح آنها داشته است. ادبیات زبان فارسی خیلی دیر با صنعت چاپ آشنا شد و نخستین متون چاپ شده، آن هم از سده هفدهم / یازدهم و مخصوصاً از اواخر سده هجدهم / دوازدهم، در اروپا به منصفه ظهور رسیدند. این متون آراسته شدن به حلیه چاپ را مرهون کیفیت نسخه‌های خطی‌یی بودند که در اختیار نخستین ناشران قرار داشتند. افزون بر این، شناختی که در آن روزگار نسبت به زبان فارسی وجود داشت در چاپ متون فارسی مؤثر بود. در این زمینه ترکیه عثمانی و هند مسلمان در مقام "انتقال دهنده" نسخه‌های خطی نقشی مهم ایفا کرده‌اند. همچنین باید به سهم انبوه شروع و تفسیرهایی اشاره کرد که ادبا و فرهنگ‌نگاران عثمانی در سده‌های شانزدهم و هفدهم / دهم و یازدهم و رقیبان هندی آنان در سده‌های شانزدهم / دهم و هجدهم / دوازدهم در زمینه متون ادبی کهن فراهم آورده بودند.

در طول سده هجدهم / دوازدهم و در نخستین سالهای سده نوزدهم / سیزدهم نقش هند، که زبان فارسی در آنجا هنوز زبان رسمی بود، و حتی پس از استقرار

انگلیسیها در بنگاله، تا سال ۱۸۳۰ / ۱۲۴۶ این مقام را حفظ کرد، بسیار قابل ملاحظه بود.

در عین حال باید به مشکلی که برای دستیابی به نسخه‌های خطی خوب و سالم رایج‌ترین متون وجود داشت اشاره کرد، زیرا که غالباً به وسیله کاتبان ناشی و بی‌دقت دستکاری می‌شدند و تغییر می‌یافتند. کاتبان که معمولاً کم‌سواد بودند و در کار خود دقت و وسواس نداشتند، هرگاه به کلمات و اصطلاحات نامفهوم و مهجور برمی‌خوردند آنها را به دلخواه و برحسب میزان سواد خود تغییر می‌دادند، و گاه مصراعها و ابیات شایع و حتی فصلهای جعلی و دروغین به متن می‌افزودند، حتی اگر با کتابهایی سر و کار داشتند که هر فارسی‌زبان با فرهنگی با آنها آشنا بود. این دستکاری مخصوصاً در متونی که بی‌نهایت کمیاب بودند، و نیز متون مهمی که به فراموشی سپرده شده بودند، صورت می‌گرفت. در برخی از موارد جای متون کمیاب و مهم را کارهای تقلیدی می‌گرفتند، یا آثاری که دنباله اثر اصلی قلمداد می‌شدند، و یا تألیفهای جدیدی که کاملاً متأخر بر اصل بودند، به جای اثر اصلی یا دنباله آن عرضه می‌شدند. با این احوال نقل و انتقال متون وابسته به وجود کتابخانه‌ها و ثبات آنها و وجود فهرستنامه‌ها بود. کتابخانه‌ها عمدتاً به شاهان و بزرگان تعلق داشتند و می‌دانیم که وجود این کتابخانه‌های سلطانی چه نقش عمده‌ای در ایرانزمین در جهت توسعه و غنای میراث فرهنگی مکتوب به زبان فارسی داشته است.

البته باید بی‌تردید میان ادبیات مذهبی و فلسفی، ادبیات علمی و طبی، و ادبیات تاریخی، و آثار ادبی منثور و منظوم تفاوت گذاشت. متون این رشته‌ها دقیقاً به یک شکل و شیوه جابه‌جا نمی‌شدند. مثلاً در یک مورد خاص همچون مورد مؤسسات دینی یعنی "مدرسه" پیدایی و موجودیت میراث معنوی وابسته به وجود یک نهاد آموزش علوم قرآنی است که غالباً وابسته یا پیوسته به یک مسجد است و از برکت و قنایات غالباً به اندازه کافی غنی است. این کتابها را معمولاً نیکوکاران سخاوتمندی که علاقه‌مند به کسب سلامت معنوی از طریق انجام یک کار خیر بودند، اهدا می‌کردند و این‌گونه ودیعه‌ها در

حُسن ادامه کار آن مؤسّسات سهم اساسی داشتند. در واقع دانش و معرفت از راه شرح و تفسیر یک کتاب و تحقیق در فلسفه و کلام بر مبنای متون اساسی مستلزم وجود نسخه‌های کامل و خوب و سالم است.

مورد دیگر، مجموعه‌های وابسته به سلطان، شهریار و فرمانروا هستند که در آنها کتابهای گوناگون، و غالباً نسخه‌های استنساخ شده نادر، گاه به تعداد بسیار یافت می‌شوند و فعالیت برای تولید کتابهای تازه به چشم می‌خورد که این کار مستلزم وجود افراد خوشنویس، تذهیب‌کار، نقّاش، ورّاق و صحّاف است. برخی از این تولیدات، مثل آثار مربوط به سلطان بایزید در ترکیه در اواخر قرن پانزدهم / نهم، یا سلاطین مغول هند، بحق به دلیل غنا و نفاست خود شهرت پیدا کرده‌اند. کتابهای این کتابخانه‌ها نسبتاً به آسانی دست به دست می‌شوند، و معمولاً ادیبان و دانشمندانی که در دربار سر می‌کنند خیلی آسان به آنها دسترسی دارند و می‌توانند به راحتی از روی آنها نسخه بردارند که این نسخه‌ها گاه بس باشکوه و شاهانه‌اند.

یک نوع دیگر کتابخانه‌ها که به نسبت خیلی محقّرند کتابخانه‌هایی هستند که افراد عادی ترتیب می‌دهند. تعیین شماره این کتابخانه‌ها دشوار است، محتوای این کتابخانه‌ها ممکن است فقط چند کتاب باشد - مثل قرآن خانوادگی، چند نسخه از متون شعری بسیار معروف که البته خوب هم نگهداری نمی‌شوند، کتابهای علمی یا دم دستی مرتبط با مناصب صاحبان آنها، کتابهای آموزشی حاوی چکیده‌های متون آموزشی در مدرسه -، گاه هم ممکن است با یک کتابخانه واقعی اهل علم و ادبا و دانشمندان سروکار داشته باشیم.

در ایران تا پیش از سال ۱۸۳۰ / ۱۲۴۶ نسخه خطی در زمینه‌های ادبی، علمی و دینی نقشی اساسی ایفا می‌کند. کمیابی و اعتبار نسخه خطی که سبب تقویت اهمّیت جایگاه کاتب و خوشنویس در جامعه ایرانی مسلمان می‌شود، آن را به ماده‌ای معمولاً پرخرج تبدیل می‌کنند.

می‌دانیم که در ادبیات فارسی از دیرباز - و بی آن که نیاز باشد که تا اوستا و سنّت

پارتی عقب برویم - همواره برای شعر جایگاه درجه اول و نقش برتر قائل بوده‌اند. حتی چنین می‌نماید که در ادبیات فارسی جدید پس از اسلام شعر پیش از نثر شکل گرفته و پدید آمده است. مجموعه‌ها یا دیوانهای شعر به آسانی هم به طور شفاهی - روایت - و هم به صورت کتبی منتقل می‌شوند. لازم است در این جا اشاره شود که در فارسی به قرائت و مطالعه «خواندن» می‌گویند که هم به معنای گفتن و قرائت به صدای بلند است و هم به معنای روایت کردن و هم به معنای خواندن با آب و تاب و ادا و اطوار.

در نمونه‌های اشکانی و ساسانی که مسلمانان از آنها سرمشق گرفتند، دربار مرکزی و ایالتی نقش مهم در شکل‌گیری نسخه‌های خطی ایفا می‌کند. دربار کانون زندگی فکری و معنوی و اعمال حمایت اشرافیت نسبت به این‌گونه فعالیتهاست، و به همین سبب در آن‌جا است که کتابها حفظ و استنساخ می‌شوند. در نتیجه، ادبیات و قدرت حاکم روابط بسیار نزدیک دارند. هر سلطان و شاهزاده‌ای که فرهنگ ایرانی دارد ناگزیر است که مدافع و محافظ ادبیات باشد و تعدادی شاعر، تاریخنگار و دانشمند در کنار خود داشته باشد. تعلیم و تربیت او شامل آموزش خوشنویسی و هنر تألیف و کتابت است. او همچنین باید بتواند شعر بسراید و شعر را بشناسد و قدر نهد.

در هر دربار، از روزگار قدیم یعنی از سده‌های چهارم و پنجم هجری به بعد، در ایالات شرق ایران، به روزگار سامانیان و غزنویان - البته گاهی با رکودهای نسبی در سده‌های ششم و یازدهم - کسانی ظهور می‌کنند که آنان را "ملک الشعرا" یعنی شاعر قدر اول، می‌نامند. او پس از یک رزم‌آزمایی با همترازان و رقیبان برگزیده می‌شود و با زر و سیم پاداش می‌گیرد. چنان که فردوسی نامدار، سراینده حماسه ملی بزرگ ایران در قرن پنجم امیدوار بود که برای اثر گرانسنگ خود از سلطان محمود غزنوی (درگذشته به سال ۱۰۳۰ / ۴۲۱) پاداشی شایسته دریافت کند، و چون چنین نشد و نومید گردید می‌گویند هجویه‌ای بر ضد سلطان سرود که بس معروف است.

اهمیت این حامی مالی یا حمایت و حفاظت شهریاری توجیه‌کننده وجود ابیاتی در ستایش شهریاران حکمران در سرآغاز هرگونه کتاب است، که البته به امید دریافت صله

سروده می‌شوند، و این جدا از یک نوع خاص شعر به نام قصیده است که در برخی از موارد فقط به مدح اختصاص می‌یابد. خاقانی که در حدود سال ۱۲۰۰ / ۵۹۷ درگذشته است، در سرودن قصیده بس استاد بوده است. غالباً کتاب در وقتی به مخاطب آن عرضه می‌شد که فرصتی جهت باریابی برای سراینده یا نگارنده آن فراهم می‌آمد.

در این جا لازم است که به چگونگی تعلیم و تربیت شاعران توجه شود و اهمیت تقلید در شاعری و در زورآزماییهای شاعرانه خاطر نشان گردد. در سده یازدهم هجری جایگاه دیدار و هم نبردی شاعران در اصفهان "قهوه‌خانه" در میدان نقش جهان بود که در آن جا شاعران می‌توانستند در سرودن بالبداهه شعر با یکدیگر رقابت کنند. در همین فرصتها بود که برخی از حاضران اشعار را یادداشت می‌کردند. این علاقه و توجه شورمندانه نسبت به شعر خاص همه سرزمینهایی بود که فرهنگ فارسی در آن جاها رواج داشت و به همین سبب عثمانیها - همچون هندیها - به آموختن شعر از طریق مجموعه‌ها و دیوانهای معروف و رایج مثل بوستان سعدی (و گاه اشعار مندرج در گلستان) و منتخبات مجموعه‌های مشهور مثل خمسه نظامی پرداختند. بدیهی است که در حول و حوش این متون بسی کتابهای دستور زبان و فرهنگ لغت تألیف شدند. قرائت و روایت شعر - و حماسه - به همان اندازه که در دربار رایج بود در محافل مردمی هم رواج داشت. شه‌ریاران ایران از نخستین سده‌های اسلام به گردآوری کتاب و تشکیل کتابخانه توجه نشان دادند. آنان می‌کوشیدند تا همه متون کهن را - و البته به صورت نسخه‌های سالم و خوب و زیبا - فراهم بیاورند، و کتابدوستی آنان سبب می‌شد که غالباً به جست‌وجوی کتابهای نادر پردازند. چنان که مؤلف یک جزوه کوچک که در سده پنجم هجری دربار قواعد نگاهداری و پرورش اسب نوشته شده است،^۱ می‌گوید در "کتابخانه" فرمانروای سیستان کتابهای دیگری یافته است که از مؤلفان یونانی و بس کمیاب یا ناشناخته مانده بوده‌اند. و این سخن یا یک ترفند ادبی معنی دار است و یا واقعیت دقیقی که او در ضمن جست‌وجوهایش یافته است.

از جمله اخلاق و عادات شه‌ریاران این بود که اطرفیان باسواد و عالم خود را

وامی داشتند تا برایشان کتاب بخوانند و آنان گوش می‌دادند و گاه بحث می‌کردند. همچنین مترجمان را وامی داشتند تا کتابهای عربی و دیگر زبانها را برایشان به فارسی درآورند. و به همین دلیل است که می‌بینیم که در سده چهارم نوعی ادبیات علمی "عامیانه" به زبان فارسی رونق گرفته است. شاه صفی در حدود سال ۱۶۴۰ / ۱۰۵۰ در اصفهان فرمان داد تا برای سرگرمی و تفریح خاطرش چندین کتاب از زبان لاتین به فارسی ترجمه کنند که نه تنها جنبه علمی داشتند بلکه به گزارش زندگی قدیسان مسیحی تعلق داشتند. بخش عمده‌ای از "مجالس" شخصیت‌های بزرگ به مباحثات ادبی و مذاکرات و تبادل نظرهای علمی اختصاص می‌یافتند. در قلمرو ایرانزمین نمونه‌ی اعلای شهریار روشن‌نگر و آگاه اسکندر مقدونی بود که چنین تصور می‌شد که انبوهی از پزشکان، فیلسوفان و دانشمندان یونانی همچون ارسطو، افلاطون، جالینوس، هرمس و غیره گرداگردش را گرفته‌اند که هریک از آنان دانسته‌های خود را عرضه می‌دارد و در مباحثات شرکت می‌کند. یک مؤلف، پس از خواندن تألیف خود یا چکیده‌هایی از آن در حضور شهریار - به شیوه بیدپای که داستانهای کلیه و دمنه خود را برای شاه ساسانی می‌خواند - نسخه‌ای از آن را که به دقت کتابت و گاه تذهیب و خوشنویسی شده است، به او تقدیم می‌کرد. پس از آن گاه اتفاق می‌افتاد که شهریار مخاطب از مؤلف یا اطرافیان دانشمند خود می‌خواست که بر آن کتاب شروحن بنویسند یا سبک آن را تغییر دهند و بهتر کنند. مؤلف در همان مجلس یا مجالس بعد به انتقادهای بزرگان و شخصیت‌های حاضر - که خودشان هم غالباً ادیب و دانشمند می‌بودند - پاسخ می‌داد.

در این میان شخصیت مهمی که وجود دارد و نقش عمده ایفا می‌کند "منشی" است. او به تحریر و تألیف اسناد و مکتوبات رسمی و اسناد سیاسی اشراف و در این زمینه تبخّر دارد. برخی از این شخصیتها، همچون محمدطاهر وحید، منشی اعظم پادشاه صفوی در میانه قرن هفدهم / یازدهم، و البته در پی بسیار شخصیت‌های دیگر، افزون بر منشیگری تاریخنگار هم بودند. پاره‌ای از آنان حتی به مقام صدارت عظمی رسیدند. با توجه به این که زبان فارسی از سده هشتم تا سده دوازدهم به صورت زبان سیاسی

مشرق زمین درآمد، هنر منشیگری، و منشیان "صاحب سبک" تأثیر عمیق و گسترده بر مسائل روز و تحوّل علوم داشته‌اند. برخی از این منشیان ادیبان متبحر و بزرگی بودند: ابوالفضل منشی در دربار اکبر شاه در هند چند گاهی پیش از سال ۱۶۰۰ / ۱۰۰۹ به تألیف کتابهای تاریخی پرداخت و با به کار واداشتن گروههای دانشمندان به انجام کارهای منظم بزرگ و سنگین نایل آمد (همچون ترجمه کتابهای هندی به فارسی، تألیف رساله‌های علمی که مثلاً در آیین اکبری گرد آورده شده‌اند. و آیین اکبری دایرةالمعارف مانندی است حاوی همه دانسته‌ها و معارف هندی از ابتدا تا پایان قرن دهم هجری). در همین سده‌های نزدیک به خودمان، یعنی به روزگار نادرشاه در سالهای ۱۷۳۶ تا ۱۷۴۰ / ۱۱۴۹ تا ۱۱۵۳ می‌توان از یک "منشی" فوق‌العاده یعنی میرزا مهدی خان کوكب استرآبادی یاد کرد که هم شاعر بود، و هم مورّخ، هم کتابشناس و هم وزیر. به رغم اوضاع تاریخی و منطقه‌ای کاملاً متفاوت، کتاب که روش و ابزار اصلی نقل و انتقال متن است، همواره مورد احترام خاص و کامل قرار دارد، که قرآن نمونه آن است چه از جهت سلامت استنساخ و کتابت و چه به لحاظ دقتی که برای تزیین و تذهیب آن اِعمال می‌شد.^۲

استنساخ

یک کشیش فرانسوی به نام رافائل دومان / Raphaël Du Mans که چهل سال در اصفهان به سر برده بود، در سال ۱۶۸۴ / ۱۰۹۶ کتابی نوشت به نام دوپرسیا / De Persia / ایران^۳ که در آن این داوری به چشم می‌خورد: «... آنان [ایرانیان] جز از نسخه خطی استفاده نمی‌کنند، و به همین دلیل است که در نگارش غلطهای بسیار رخنه می‌کند، گاهی اغلاطی به متن افزوده می‌شود و گاهی چیزهایی از متن از قلم می‌افتد، که البته بستگی به ذوق و دلخواه کاتب دارند... در واقع کتابها دچار استحاله و دگردیسی شگفتی‌آور می‌شوند. در حقیقت مؤلف یک متن که هنوز زنده است و خیلی خوب مورد استقبال قرار گرفته و چندین بار از روی اثرش استنساخ شده است، اگر چند سال بعد آثار خود را

بخواند به زحمت آنها را می‌شناسد و درمی‌یابد که از آن خودش هستند.»*

ژان شاردن^۴ سیاح نامدار فرانسوی که تقریباً در همان روزگار به ایران سفر کرده بود، همین نکته را البته به زبان و در عباراتی دیگر چنین متذکر شده است: «آثار مؤلفان قدیم بس کمیاب هستند و چون یافت نمی‌شوند در صورت لزوم باید سفارش داد تا از روی آنها بازنویسی کنند. وقتی که می‌خواهند یک کتاب بازنویسی شود کاغذ لازم را در اختیار کاتب می‌نهند و برای نگارش آن قرارداد می‌بندند ...»

«شمار کاتبان در ایران فراوان است، مخصوصاً در شهرهای بزرگ، اما این کار به زحمت خرج بخور و نمیر آنان را تأمین می‌کند. کاتبان به طور معمولی روزی پانزده "پول" دریافت می‌کنند، آن هم به شرطی که از صبح تا شب کار کنند. بیشترین مقداری که می‌توان نوشت، آن هم در صورتی که یک کاتب متبحر بدون وقفه کار کند، پانصد تا ششصد سطر در روز است. بدین سان می‌توان دریافت که این گرانی کتاب تا چه اندازه مانع گسترش علم می‌شود، و تا چه اندازه مانع از آن می‌شود که دانشمندان مواد علمی و تحقیقی را تعمیق بخشند و بازیافته‌ها و حاصل مطالعات خود را پرورش و دامنه دهند. اما عیب کار فقط در این نیست، و این تنها اشکال کار یا حتی مهمترین اشکال مرتبط با نسخه‌های خطی نیست، بلکه اشکال عمده مربوط به افزایش اغلاط به هنگام استنساخ است، و این غلطها گاه چنان هستند که آدمی مفهوم آنچه را که می‌خواند در نمی‌یابد و نوشته بی‌معنی می‌نماید. این اغلاط ناشی از بیسوادی کاتبان هستند، و در صورت باسوادی کاتب ناشی از بی‌توجهی و کم‌دقتی او هستند، به‌ویژه در وقتی که می‌خواهند به سرعت کار کنند هیچ توجهی به نسخه اصلی ندارند و نوشته خود را پس از نوشتن حتی یک بار هم نمی‌خوانند. در نتیجه، چنان که در بیشتر موارد دیده می‌شود، آنچه را

* نگاه کنید به: آزاد بروجردی، «روایت یک فرنگی از کتاب، نگارش و تحصیل در عهد صفوی»، کلک، شماره ۸۰ تا ۸۳، آبان - بهمن ۱۳۷۵، ص ۳۹۹ تا ۴۰۵، که گزارشی است از آنچه رافائل دومان در یادداشت‌های خود درباره کتاب در ایران نوشته است. این گزارش از کتاب معرفی شده در یادداشت بالا گرفته شده است.

که می‌نویسند نمی‌فهمند و لذا هزار غلط مرتکب می‌شوند بی آن که متوجه آنها گردند. گاهی این کتابهای پر غلط به وسیله کاتبان دیگری، که با سوادتر از کاتبان پیشین نیستند، بازنویسی می‌شوند، و اینان هم غلطهای دیگر بر غلطهای پیشین می‌افزایند، و در نتیجه با گذشت زمان شمار غلطها چند برابر می‌شود. اهل ادب و دانش نسخه‌های خود را با نسخه‌های اصیل سالم مطابقت می‌دهند و ضمن بازخوانی و مطابقت آنها را اصلاح می‌کنند. این کار معمولاً به وسیله افراد باصلاحیتی که مهر خود را به نشانه تأیید در پای نوشته می‌گذارند، انجام می‌شود.»

این نوع کارها تأیید می‌کنند که با "نسخه‌های خوب" سروکار داریم. در واقع، این مهر و نشانها بر روی تقریباً همه نسخه‌هایی که متعلق به کتابخانه سلاطین مغول هند بوده‌اند، دیده می‌شوند. بر روی صفحه حفاظ این کتابها معمولاً شمار قابل توجهی نشانه واریسی و بازدید (عرض دیده) اثر دانشمندان یا شخصیت‌های مهم همراه با مهر و نشان آنان ملاحظه می‌شود.^۵ این نکته در مورد مجلداتی هم که در سده‌های یازدهم یا اوایل سده دوازدهم هجری در مجموعه‌های صفویان جای داشته‌اند و حاوی همان نوع مهر و نشان هستند، مشهود است.^۶ مهرهای شخصیت‌های مشهور که بر روی صفحه‌های حفاظ یک نسخه خطی حک شده‌اند طبیعتاً نشانه‌ای در جهت نشان دادن کیفیت نسخه و تأیید جنس و ماهیت آن هستند. بدیهی است که این امر سبب افزایش ارزش نسخه در چشم دانشمندان می‌شود.

ژان شاردن در کتاب خود، ضمن وصف کتابخانه سلطنتی در میانه سده یازدهم، نوشته است که کارگاه صحافان درست در کنار کتابخانه جای داشت. این شهادتی دیر هنگام است اما نشان می‌دهد که کتابخانه سلطنتی یک مجموعه همگون بود که در کنار "خزانه کتاب" به معنای واقعی کلمه، دارای یک کارگاه استنساخ، تذهیب و صحافی بود. در واقع برای تهیه نسخه‌های تازه لازم است که یک مجموعه از نسخه‌های نفیس و با کیفیت وجود داشته باشد که برای ادبا و دانشمندان سودمند باشد. به این ترتیب به آسانی می‌توان دریافت که چرا جست و جوی نسخه‌های خوب و سالم متون

مهم یکی از دل مشغولیهای عمده کتابداران بوده است. در نتیجه، درست است که در خطه ایرانزمین کتابخانه سلطنتی جایگاهی نبوده است که در آن به روی پژوهندگان باز باشد، در عوض جایگاه ممتاز و مطلوب نگاهداری و نقل و انتقال متون بوده است. یکی از نهادهای مناسب برای تولید و توزیع نسخه‌های نفیس بوده است. به این ترتیب قدرت حاکم از طریق همین وسیله و نهاد مخصوص، در کار انتخاب و توزیع و جا به جایی متون سهم اساسی دارد.

ما درباره چگونگی کار کاتب آگاهی درستی نداریم. آنچه می‌توان گفت این است که کاتبان معمولاً کاغذ و دفتر را روی زانو می‌گذاشتند و می‌نوشتند، و این نکته از تصویرهایی که نقاشان از روی کاتبان کشیده‌اند دانسته می‌شود، هرچند که این تصویرها در بیشتر موارد به "منشی" هایی تعلق دارند که کارشان نگارش نامه‌های رسمی پادشاهان بوده است. از این شیوه که بگذریم، کاتب معمولاً از یک میز کوچک کوتاه بهره می‌گرفته است، و این شیوه در پرده‌های نقاشی که در سال ۱۴۳۱ / ۸۵۳ در هرات برای نمایش حکایات چهارمقاله نظامی عروضی کشیده شده‌اند، به چشم می‌آید.^۷ هرگاه که یک مؤلف می‌خواست که یک یا چند "نسخه اهدایی" برای تقدیم به حامی خود تهیه کند به یک خوشنویس مراجعه می‌کرد و آنچه را که می‌خواست مستقیماً به او املاء می‌کرد. یک نمونه از آن قطعه نوشته‌ای است با شعری درباره کشمیر به نام جلوه ناز که به صوفی خان رضوی، حکمران منطقه در سده هفدهم / یازدهم اهدا شده است. نسخه حاوی قطعه اهدائیه که دارای حواشی جدول‌بندی فوق‌العاده زیباست در نسخه شماره ۵۰۵ مخزن فارسی کتابخانه ملی جای دارد. وانگهی در برگ اول همین نسخه نام صوفی خان رضوی دیده می‌شود، و شاید این نسخه منحصر به فرد آن متن باشد که تا کنون حفظ شده است.

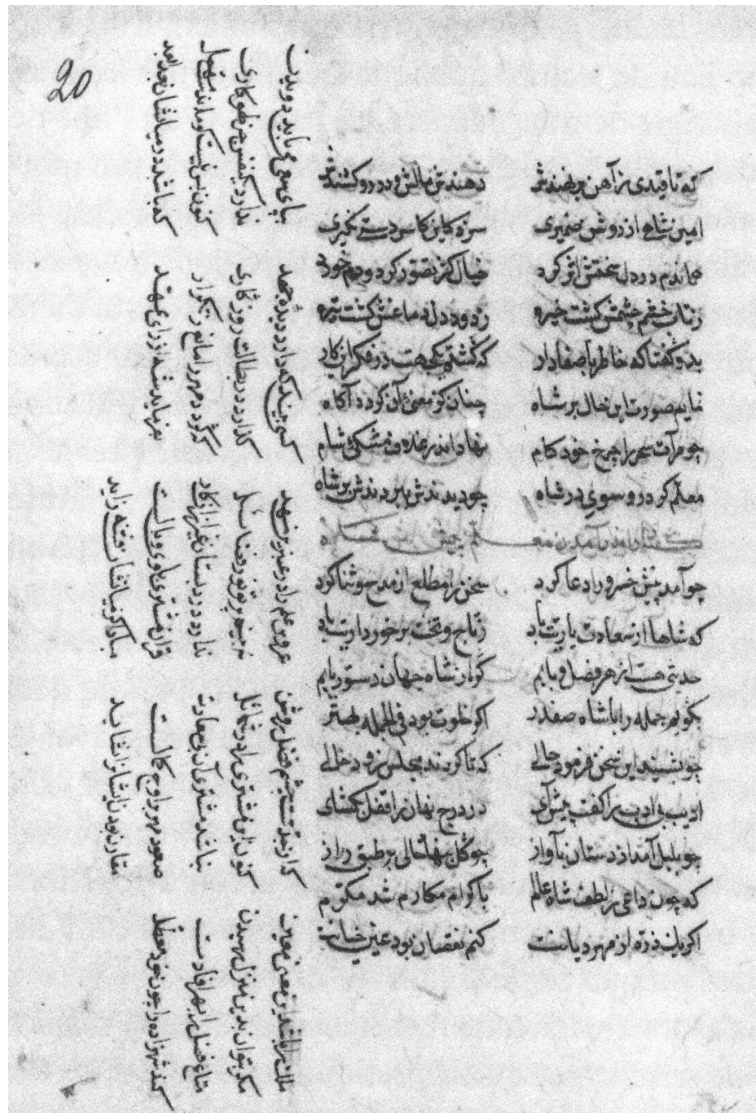
در موارد دیگر آگاهیهای بس اندکی درباره روش کار کاتبان و نسخه‌برداران داریم. سابقاً در صومعه‌های ارمنی رسم بود که جلد یک کتاب را جدا و در واقع اوراق می‌کردند تا جزوه یا رساله دیگری به مجموعه بیفزایند و مجموع را دوباره صحافی کنند. اما چنین

می‌نماید که این شیوه در ایران خیلی کم به کار می‌رفته است. طبیعتاً یک نمونه قابل توجه قرآن است که معمولاً به وسیله خوشنویسانی کتابت می‌شد که آن را از حفظ بودند (و نام "حافظ" از همین جا آمده است)، پس از آن کسانی که دانش قرآنی سرشار و مقبول همگان داشتند آن را بازمی‌خواندند و با نسخه اصل مطابقت می‌کردند. چنین می‌نماید که این شیوه، به گونه‌ای داوطلبانه، به متون دیگر هم اشاعه داده شده است.

برای تهیه یک کتاب، جزوهای از پیش آماده شده را در کنار هم می‌چیدند که هر جزوه معمولاً از چهار یا پنج دو برگگی تشکیل می‌شد. می‌دانیم که هرگاه که پای نگارش یک نسخه دقیق و آراسته در میان بود، متن را به طور منظم و با شمارش روشن، با دقت روی این جزوهای متفاوت کتابت می‌کردند، کاری که مستلزم تدارک دقیق و حساب شده هر جزوه با احتساب سطح تقریبی هر صفحه بود. افزون بر این، خودکاتب در پایین صفحه پشت ورق، یک یا چند کلمه نشان دهنده آغاز صفحه بعد را به هنگام نگارش، ثبت می‌کرد.^۸ این نکته هم جالب توجه است که باز تولید نسخه اصل به ندرت به صورت صفحه به صفحه انجام می‌شد و راستی را که به ندرت می‌توان نسخه‌ای را یافت که در صفحات آن کلمات به همان صورت نمونه اصل کتابت شده باشند، جز این که در نسخه‌های رونویسی شده گاهی استثنائاً هر صفحه با همان کلمات صفحه نسخه اول تمام می‌شود و در نتیجه جا به جایی صفحه‌ها و کلمه‌ها بسیار شایع است.

به این ترتیب به نسخه‌هایی برمی‌خوریم که در آنها کاتب با شکاندن متن یک شعر و تقسیم آن در چند برگ مختلف، دچار اشتباه شده است. در این جا به ذکر یک نمونه اکتفا می‌کنیم: یک نسخه از منظومه مهر و مشتری سروده عصار تبریزی به شماره ۳۷۴ مخزن فارسی در کتابخانه ملی یافت می‌شود که در قرن شانزدهم / دهم کاتبی به نام اسحاق که احتمالاً اهل ترکیه عثمانی بوده، آن را رونویسی کرده، اما مقداری از آن را در ورق ۲۰ از قلم انداخته و چون متوجه شده است آن را در حاشیه صفحه نوشته است. این متن قاعدتاً باید در صفحه بعد جا می‌گرفت، اما کاتب ضمن تدارک جزوه یا دفتر خود، آن را

به حساب نیاورده بوده و ناگزیر شده است خط کشی تازه‌ای در حاشیه صفحه ترتیب بدهد. [تصویر شماره ۱]



۱. عصار تبریزی، مهر و مشتری. از جزوه اصلی یک صفحه افتاده است.

و متنی که به طور عمودی در حاشیه نوشته شده نشان می‌دهد که کاتب چگونه اشتباه خود را جبران کرده است (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن شرقی، نسخه شماره ۳۷۴ مخزن فرعی فارسی، ورق ۲۰).

کاتب در برگ ۱۴۸ هم این اشتباه را تکرار کرده و در نتیجه باز هم یک صفحه کم آورده است و ناچار شده است متن جافتاده را به طور مورّب در حاشیة صفحه جا بدهد زیرا که در صفحه پشت آن هم جا به اندازه کافی وجود نداشته است. [تصویر شماره ۲]

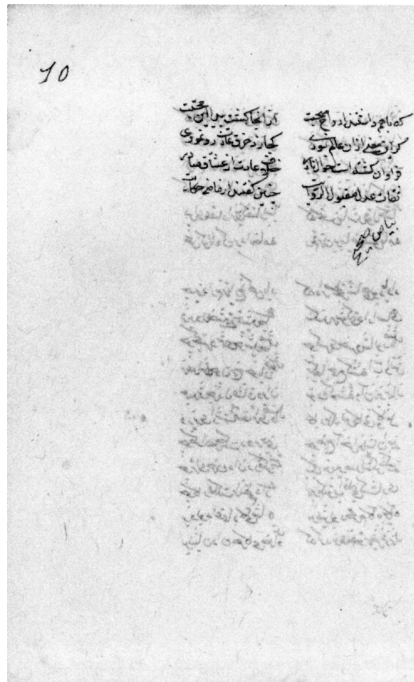


۲. همان نسخه خطی، که در آن صفحه جا افتاده از متن صفحه در حاشیة آن نوشته شده است (کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۳۷۴، برگ ۱۴۸).

و بالاخره این که در برگ ۱۰ با یک اشتباه وارونه این کاتب، که بیگمان آدم بداقبال بدیاری بوده است، مواجه می شویم، زیرا که چنان که در تصویر ۳ دیده می شود بخش عمده ای از صفحه سفید مانده است. او چون شعر کم آورده است برای نشان دادن دقت خود، قضیه را با افزودن دو کلمه «بیاض» (یعنی صفحه سفید مانده /

نانوشته) و «صحیح» (یعنی این که واریسی شده و درست است) سرهم بندی کرده است.

[تصویر شماره ۳]



۳. همان نسخه خطی. کاتب در این صفحه جای سفید زیاد آورده است، لذا پس از سطر چهارم با افزودن دو کلمه «بیاض» و «صحیح» موضوع را منتقل کرده است.

در زمینه نسخه‌های خطی بی که به علت‌های مختلف مادی، سبکی، محتوایی و غیره ناتمام مانده‌اند، می‌توان خیلی حرف زد. میزان اتمام آنها که بسیار متغیر است، گاه امکان می‌دهد تا دریابیم که شیوه کار کاتبان و تذهیبکاران چگونه بوده است: آیا مرحله به مرحله انجام می‌گرفته است یا این که انجام هر بخش از کتاب میان افراد دست‌اندرکار تقسیم می‌شده است؟

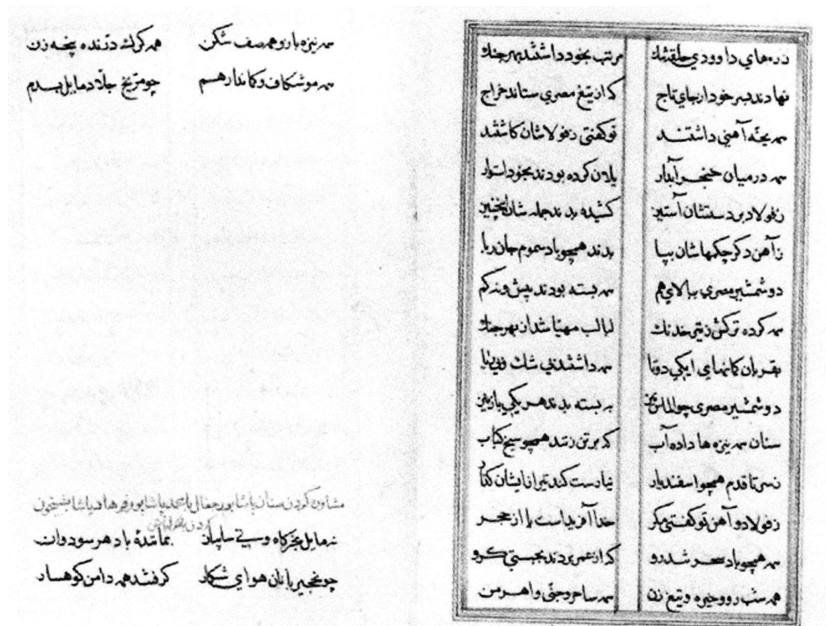
در این زمینه کتابخانه ملی فرانسه نمونه بسیار خوبی در اختیار دارد، و آن نسخه‌ای

ناتمام مانده از سده شانزدهم / دهم است: شاهنامه‌ای که در حدود سال ۱۵۳۰ / ۹۳۷ در اوایل کار صفویه در تبریز کتابت شده است، و اکنون در برگهای ۵۵۲ پشت تا ۶۱۵ نسخه شماره ۴۸۹ مخزن فارسی جای گرفته است.^۹ در این نسخه سرآغاز شعر و جدولها یعنی قاب و قالب متن در جای خود قرار دارند. پنج جای سفید هم برای تصاویر پیش‌بینی شده که فقط دو پرده از آنها کشیده شده‌اند: برگ ۵۵۸ (جشن نوروز) و برگ ۵۶۶ (جشن مهرگان).

کار کتابت نسخه به سببی نامعلوم متوقف مانده است. هیچ نشانی از بازخوانی متن دیده نمی‌شود. آیا کسی که سفارش استنساخ را داده بوده در نیمه راه از طرح خود انصراف پیدا کرده است؟ آیا پرده‌های نقاشی را نپسندیده است؟ هیچ نمی‌دانیم. این نکته امکان می‌دهد تا خاطر نشان کنیم که معمولاً جدول‌بندی مذهب و رشته‌ها یا خطوط رنگی متنوع پیش از آغاز نگارش متن در دفترهای آماده کتابت، رسم می‌شدند. از این شیوه نمونه‌های فراوان در دست هست. در کتابخانه ملی فرانسه یک مجموعه به شماره ۸۱۰ مخزن فرعی فارسی جای دارد که در آن عناصر تذهیب شده سرلوح آغازین کتاب (برگ ۴) همزمان با جدول‌بندی خود نسخه نگاشته شده‌اند، در حالی که خود نسخه هنوز نوشته نشده است؛ حتی تزیینات آن ناتمام مانده‌اند و فقط تذهیبکار کار خود را به انجام رسانده است.

در نسخه شماره ۲۳۶ مخزن فارسی با یک مورد متفاوت روبه‌رو هستیم: نسخه‌ای از فتوحات عجم جمالی شوشتری که در سال ۱۵۸۸ / ۹۹۷ به سلطان مراد سوم تقدیم شده است و گزارش تصرف تبریز به دست عثمان پاشا در سال ۱۵۸۵ / ۹۹۳ است. کار صفحه اول کتاب و سرلوح مذهب آن پایان یافته است و در بسیار جاها جای صفحات مفقود یا ناقص هم پر شده است و حتی در مواردی مثل برگهای ۱۷۶ ب و ۱۷۷ پرده‌های نقاشی در جای خود به کار رفته‌اند. به نظر می‌رسد که در این مورد خاص با یک نسخه هدایی سر و کار داریم که کار اتمام آن در هنگامی صورت گرفته است که مؤلف از هدای آن به شخص مورد نظر یعنی حامی خود منصرف شده است، و علت آن هم به

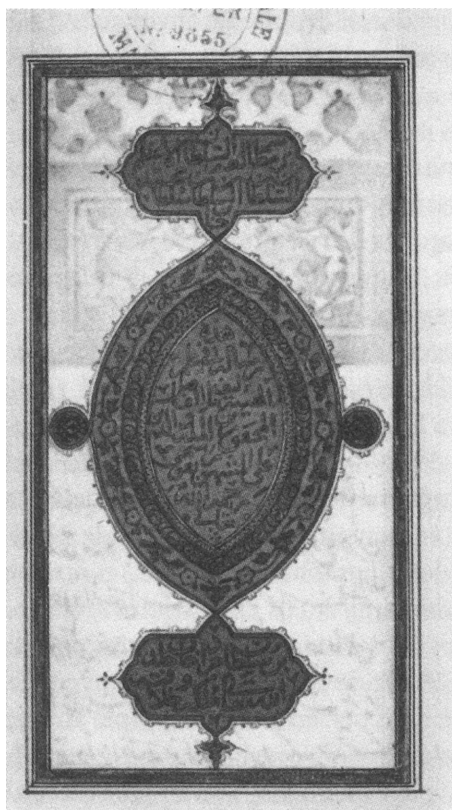
احتمال زیاد این است که شخص مورد نظر مؤلف، منصب خود را از دست داده یا مغضوب شده بوده است. [تصویر شماره ۴]



۴. جمالی شوشتری، فتوحات العجم، برگ سمت چپ نه جدول دارد،
و نه تصویری که قرار بوده است در آن جا داده شود، و حال آن‌که صفحه سمت راست
تمام و کامل است. این برگ ناتمام نسخه‌ای از یک اهدائیة ناتمام است
(کتابخانه ملی فرانسه، مخزن شرقی، نسخه فارسی شماره ۲۳۶، برگ ۱۷۶ پشت و برگ ۱۷۷).

این احتمال هم وجود دارد که نیمه کاره رها کردن کار کتابت ناشی از وجود یک اشتباه خیلی بزرگ و چشمگیر در کتاب باشد چندان که ناتمام گذاشتن آن از ادامه کار ارزشمندتر بوده است. در این جا مناسب است به این نکته هم اشاره شود که بعداً در این کتابهای نیمه تمام تغییرات ماهرانه داده شده است، به این معنی که آنها را تمام و "کامل" کرده‌اند تا بتوانند آنها را به کتابدوستان ساده لوح بفروشند. البته هر چند که این گونه موارد نسبتاً نادر هستند، اما گاهی موجب بروز دشواریهای حل نانشدنی می‌شوند، مثل این‌که آیا این تغییرات شامل افزودن مطالبی بر نسخه می‌شوند یا عبارت از مرمت و

احیای نسخه "عین اصل" هستند؟ در کتابخانه ملی فرانسه یک نمونه از این نوع دیده می شود که به مجموعه "شه فر" تعلق داشته است: نسخه شماره ۱۳۹۳ مخزن فارسی که با یک صفحه تذهیب شده به سلطان محمد دوم اهدا شده است، نهایت این که این افزوده در سده نوزدهم / سیزدهم به کتاب اضافه شده است. کتاب یک رساله اخترشماری به زبان فارسی است که در اصل در قرن پانزدهم / نهم در خاک عثمانی به وسیله خوشنویسی که در خدمت سلطان بوده، کتابت شده است. [تصویر شماره ۵]

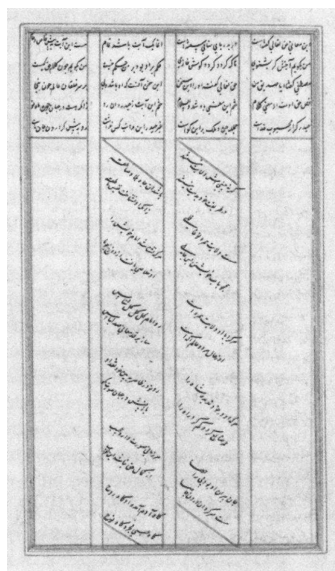


۵. رساله اختر شماری (نجوم) علی قوشچاهی، نسخه ای از سده پانزدهم / نهم که به سلطان بایزید دوم (۱۴۸۱ تا ۱۵۱۲ / ۸۸۶ تا ۹۱۸) تقدیم شده است، اما تذهیب صفحه اول آن، که به دست یک جاعل در سده نوزدهم / سیزدهم، ساخته شده است، حاوی یادداشتی است مبنی بر این که نسخه برای کتابخانه سلطان محمد دوم تهیه شده است (کتابخانه ملی فرانسه، نسخه شماره ۱۳۹۳ مخزن فارسی).

تصحیح و اصلاح متن

نسخه‌های شکوهمند و گرانبها معمولاً به وسیله خوشنویسان بزرگ کتابت شده‌اند و معمولاً خیلی کم نشان از بازخوانی و اصلاح دارند. این دسته از کاتبان غالباً خودشان سراینده شعر به فارسی هستند و به هرحال ادیبانی ظریف و سوادآموخته‌اند. در عین حال، زیبایی نسخه ممکن است دستخوش چه بسیار خط خوردگی و قلم‌اندازی و افزوده‌ها شده باشد مگر این‌که این دستکاریها به دقت تمام از چشمها پنهان شده باشند.^{۱۰} با وجود اینها در کتابخانه ملی یک نسخه نفیس از خمسه نظامی یافت می‌شود که دارای تزیینات تذهیب شده است و در اواخر سده شانزدهم / دهم در کتابخانه اکبر مغول در فتحپور - سیکری هندوستان کتابت شده است. در حواشی این کتاب نسخه بدل‌های بیشماری یادداشت شده‌اند که منشأ بیشتر آنها غیر قابل شناسایی است. به احتمال بسیار این نسخه برای ادیبان دربار تهیه شده بوده است و حتی شاید بخشی از مقدمات کار تهیه یک صورت سالمتر از متن خمسه بوده است.

در برخی دیگر از نسخه‌های نفیس، کاتب گاهی ناگزیر می‌شود که یک مصراع غلط را در حاشیه متن ضبط کند و غلطها را به حال خود بگذارد، چنان که در یک مجموعه بس حجیم از همه آثار منشور منتسب به عطار نیشابوری یا قابل نسبت دادن به او - که در حدود سال ۱۲۲۲ / ۶۱۹ درگذشته است -، مشاهده می‌شود. این نسخه حجیم که به شماره ۸۱۱ در مخزن فارسی کتابخانه ملی جای دارد، در سال ۱۶۰۵ / ۱۰۱۴ به وسیله شیرمحمد بن تاج محمد قریشی، و احتمالاً در دکن هندوستان، کتابت شده است. افزون بر اشتباهی که در برگ ۱۳۶ پشت روی داده است و در آن بیشتر از مقدار لازم برای کتابت یک قطعه شعر جای سفید باقی مانده است، در برگ ۷۳۳ هم نظیر این اصلاح غلط دیده می‌شود. [تصویر شماره ۶]



۶. مجموعه‌ای از همهٔ مثنویهای عطار (که در این جا صفحه‌ای از مظهر العجایب او نقل شده است)، که در سال ۱۶۰۵ / ۱۰۱۴ به وسیلهٔ شیرمحمد بن تاج محمد قریشی در هند کتابت شده است. کاتب در محاسبهٔ جای لازم اشتباه کرده و با نگارش متن به این شکل عجیب اشتباه خود را جبران کرده است (کتابخانهٔ ملی فرانسه، نسخهٔ شمارهٔ ۸۱۱ مخزن فارسی، برگ ۱۳۶ پشت).

این اصلاح احتمالاً مدت کمی پس از کتابت و به هنگام بازخوانی نهایی یا در زمان نوشتن عنوانها، با مرکب سرخ، صورت گرفته است. می‌توان نمونه‌های بسیار از این گونه به اصطلاح اصلاحها گرد آورد، حتی اگر که نسخه‌ها به وسیلهٔ خوشنویسان بزرگ و نامدار کتابت شده باشند، مثل نسخهٔ شمارهٔ ۶۱۷ مخزن فارسی که در سال ۱۴۵۳ / ۸۵۷ به دست کاتب معروف، علی پاگیر اصفهانی، کتابت شده است و آثار اصلاحات به قلم خود او در حواشی دیده می‌شوند.

کتابهای خطی که برای کار مورد استفاده قرار می‌گرفتند (نسخهٔ تحریری) یا کتابهایی که از آنها برای تعلیم استفاده می‌شد آکنده از شرح و تفسیرهای گوناگون هستند و بیگمان خالی از فایده نخواهد بود اگر بررسی کنیم که چگونه نسخه‌نویسی انجام می‌گرفته است یا این گونه کتابها را چگونه تحشیه می‌کردند.

یک نمونهٔ جالب و شگفتی‌انگیز از آنچه می‌توان نام "نسخهٔ مؤلف" بر آن نهاد، نسخهٔ شمارهٔ ۷۹۰ مخزن فارسی کتابخانهٔ ملی است که مجموعه‌ای از آثار یک شاعر

خراسانی به نام حسابی است. این نسخه در سال ۱۵۹۶ / ۱۰۰۵ به وسیله «جرولامو وکی یتی» از مصر به ایتالیا فرستاده شده است و احتمالاً گیرنده آن جی. ب. ریموندی / G. B. Raimondi، استادکار حروفچینی / *La Typographie médicéenne* بوده است. این نسخه به صورتی نامنظم در یک مجموعه جای داده و صحافی شده بوده، اما هیچ معلوم نیست که چرا و چگونه به مصر رسیده بوده است. وانگهی نسخه‌ای ناقص است. شاید علت حضور نسخه در مصر این باشد که مؤلف آن در اوایل سده شانزدهم / دهم از موطن خود گریخته و به خاک عثمانی مهاجرت کرده بوده است.

حسابی شاعری است که آگاهی چندانی از احوالش در دست نیست جز این که در حدود سال ۱۵۰۰ / ۹۰۶ در هرات می‌زیسته است. باری، در ابتدای این اشعار چند قطعه دیده می‌شود که آنها را خود او یا یکی از شاگردانش کتابت کرده است. در برگ ۲ پشت این یادداشتها تصریح شده است که: «این ابیات که در بیان توحید الهی هستند، در وزنهای مختلف سروده شده‌اند... و اصل آنها دستنوشته‌هایی بوده‌اند که به هنگام تهاجم ازبکها [یعنی در سال ۱۵۰۷ / ۹۱۳ و تسخیر هرات] گم شده‌اند و از میان رفته‌اند. و این که فعلاً سرآغاز قصاید و چند قطعه (سخن) شعری دیگر در این جا گرد آورده شده‌اند تا مثل سابق روی تکه کاغذهای پراکنده ضبط نشده باشند و باز هم گم نشوند.» در برگ ۴۳ نمونه‌ای از موارد بیشماری دیده می‌شود که کاتب قصیده‌ها و غزلهای حسابی را تصحیح کرده است. این تصحیحات در حواشی نسخه اما با قلمی دیگر افزوده شده‌اند. تا آنجا که می‌دانیم هرگز تحریر نهایی مجموع سروده‌های شاعرانه (یا دیوان) حسابی تحقق نیافته است و از فعالیت ادبی او فقط همین گواه عجیب باقی مانده است. در "نسخه مؤلف" های دیگر اشعاری دیده می‌شوند که شاعر / کاتب آنها را سر دستی ضبط کرده است، این نسخه‌ها عبارتند از مجموعه‌هایی مرکب که همه چیز در آنها ضبط می‌شود، و آکنده از قطعات شعر با قلمهای متفاوتند [که آنها را معمولاً جُنگ و گاهی کشکول می‌نامند]. مثلاً نسخه شماره ۳۱۵ مخزن فارسی کتابخانه ملی از آن جمله است که در آن ابیاتی دیده می‌شوند که در حدود سال ۱۴۹۵ / ۹۰۱ در خواف خراسان به وسیله ابوالمفاخر حسینی ضبط شده‌اند، یا در یک مجموعه دیگر که در میانه سده شانزدهم فراهم آمده است قطعات شعر در بی‌نظمی آشکار نگاشته شده‌اند. بعداً از این

نوع مجموعه‌ها (بیاض) منتخباتی گزیده می‌شوند که آنها را خوشنویسی می‌کنند و کتابت و صفحه‌بندی آنها در نهایت دقت و ظرافت انجام می‌گیرد، همچون نسخه شماره ۱۷۹۸ مخزن فارسی در کتابخانه ملی^{۱۱} که نمونه نهایت خیالپردازی و تفنّن در تهیه این مجموعه‌هاست. این نسخه که در حدود میانه سده پانزدهم / نهم کتابت شده است، دارای ظواهر همه مجموعه‌هایی است که به طور سردستی کتابت می‌شوند، اما در عین حال استادی و چیره‌دستی کاتب را هم نشان می‌دهند. ناشران دیوانهای شاعران فارسی گاهی در منتخبات اشعاری که به این ترتیب فراهم آمده‌اند^{۱۲} مواد لازم را برای تکمیل دیوانها باز می‌یابند. در واقع یک شاعر گاهی دارای قطعات گوناگون پراکنده‌ای است که خودش، به هنگام تنظیم مجموعه اشعارش، فرصت یا امکان گردآوری آنها را نداشته بوده است. این قطعات پراکنده برای مورخ تاریخ ادبیات بس ارزنده‌اند.

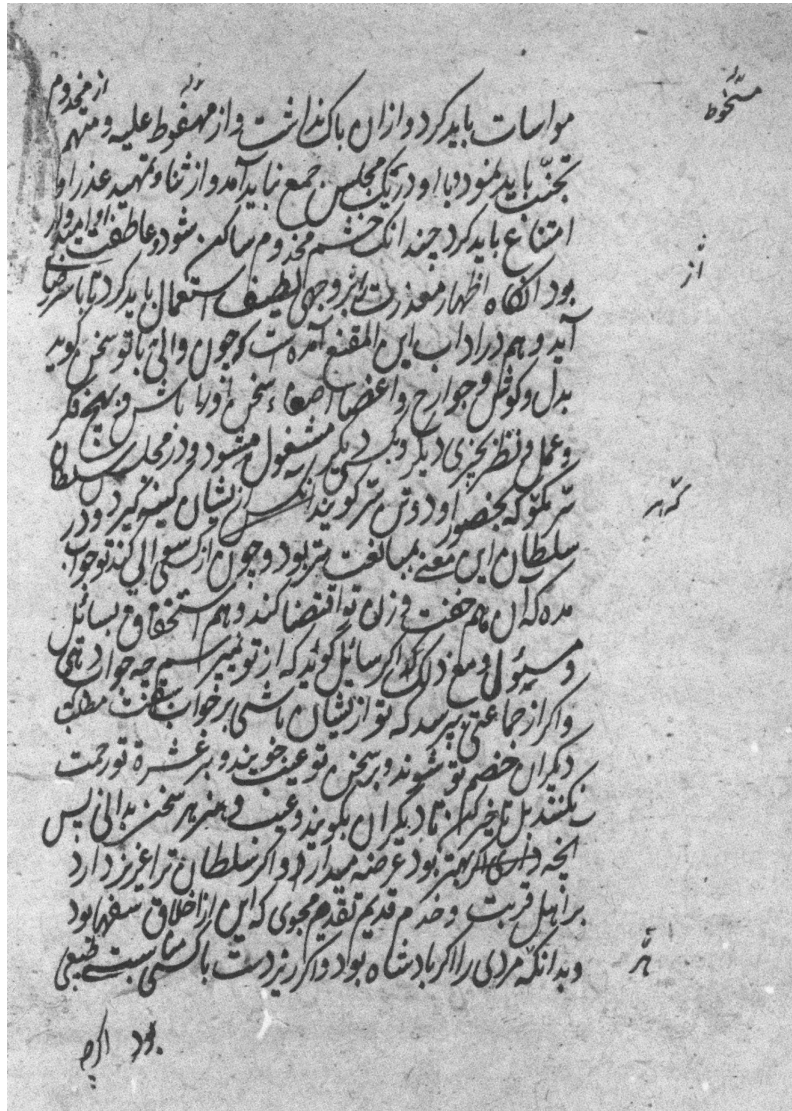
وقتی که به جست و جو و احصای کتابها می‌پردازیم به صراحت می‌بینیم که در سده‌های شانزدهم و هفدهم / دهم و یازدهم در ایران کاتبانی می‌زیسته‌اند که در انتشار کتابهای تاریخی واقعاً متبحر و کاردان بوده‌اند. مثلاً در میان نسخه‌های خطی کتابخانه ملی می‌توان به سه نمونه از این کتابها اشاره کرد: عبدالواحد بن مولانا عرب مروذستی، کاتب تاریخ عالم آرای عباسی در سال ۱۷۰۷ / ۱۱۱۹ که به شماره ۲۲۵ ضمیمه فارسی در کتابخانه ملی فرانسه جای دارد، حداقل یک نسخه دیگر از این متن تهیه کرده است که در کتابخانه رشت در ایران حفظ می‌شود. همچنین میرزا علی بن مظفر بن محمد جعفر کاتب خاتون آبادی که ترجمه فارسی تاریخ طبری را در سال ۱۵۸۸ - ۹ / ۹۹۸ کتابت کرده است، کاتب شمار قابل توجه و تحسین برانگیز متون تاریخی مکتوب که در فاصله سالهای ۱۵۸۸ تا ۱۶۲۷ کتابت شده‌اند و اکنون در کتابخانه‌های مختلف پراکنده هستند.^{۱۳} محمود بن حاجی محمد، کاتب کارگاههای فعال و پرکار شیراز، چندین جلد از تاریخ معروف میرخوند را کتابت کرده است که یک جلد از آنها در کتابخانه ملی فرانسه (نسخه شماره ۵۱B ضمیمه فارسی) و یک جلد دیگر آنها در کتابخانه ملی برلین است.^{۱۴} یک کاتب دیگر نسخه‌های خطی تاریخی در قرن هفدهم / یازدهم در ایران محمد صالح خاتون آبادی است که به نظر می‌رسد که متخصص کتابت و تهیه این نوع کتابها بوده است. او در سال ۱۶۶۴ (۱۰۷۴ هجری) نسخه دیگری از عالم آرای عباسی را

خوشنویسی کرد که اکنون به نام *Codex Persianus 231* یعنی کتاب ایرانی در کتابخانه مونیخ یافت می‌شود. شاید علت وجود این هنرمندان "متخصص" و آزموده شیوه‌ای است که در تهیه و کتابت این نوع کتابها به کار می‌رفت زیرا که این شیوه چندان آسان و مناسب برای از حفظ کردن نبود و انجام آن نیاز به نمونه و سرمشق داشت.

افزون بر اینها، آیا حافظ آبرو [که به غلط حافظ آبرو گفته و نوشته می‌شود] در اوایل سده پانزدهم / نهم به کتابت متون تاریخی برای کتابخانه سلطان شاهرخ تیموری اشتغال نداشت؟ یکی از این متون نسخه‌ای است از جزئی از تاریخ خواجه رشیدالدین [جامع‌التواریخ] که اکنون در موزه توپقاپی سرای استانبول جای دارد. بخش دوم نسخه شماره ۱۱۱۳ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه روایت دیگری از همان تاریخ رشیدالدین است که برای شاهرخ کتابت و مصور شده است - ۱۵ به احتمال بسیار در هرات که بخشی از نقاشیهای آن را نقاش و شاعر آن عصر یعنی سیف‌الواحدی کشیده است. این نمونه‌ها به خوبی نشان می‌دهند که حافظ آبرو هم مورّخی در خدمت شاهرخ تیموری بوده است و هم کاتب کتابهای تاریخی.

شیوه سنتی یادداشت‌گذاری یعنی حاشیه‌نویسی کتابهای تعلیمی - یا کتابهای دم دستی - نیز شایسته ملاحظه و بررسی است. به نظر می‌رسد که این شیوه یک نظام کاری است که قواعد و آداب آن از دیرباز تدوین شده بوده است. نمونه‌های خوب این شیوه را می‌توان در یک نسخه از اخلاق ناصری، رساله اخلاقی معروف، به کتابت سید ابدال باز یافت که در سالهای ۱۶۷۲ تا ۱۶۷۹ / ۱۰۸۳ تا ۱۰۹۰ در لاهور نوشته شده است. این نسخه را که به شماره ۱۹۷۱ مخزن فارسی در کتابخانه ملی فرانسه جای دارد، یک دانشجو (طالب‌العلم) به نام محمدعلی از کاتبش خریده بوده است، نکته‌ای که در سرلوح برگ ۱۸۳ پشت منعکس شده است. این نسخه حاوی نشانه‌های مقابله و تطبیق است که مالک آن انجام داده است، چنان که در برگ ۱۷۷ پشت یک نشانه کوچک «وی / V» مانند با نقطه‌ای در بالای آن دیده می‌شود و نشانه آن است که یک کلمه باید به جای یک کلمه دیگر گذاشته شود. در برگ ۱۳۶ پشت هم این نشانه با همین معنی دیده می‌شود. اما در برگ ۱۷۸ فقط همین نشانه کوچک گذاشته شده است و به این معنی است که یک کلمه جا افتاده است که آن نشانه محل آن را مشخص می‌کند. وجود کلمه

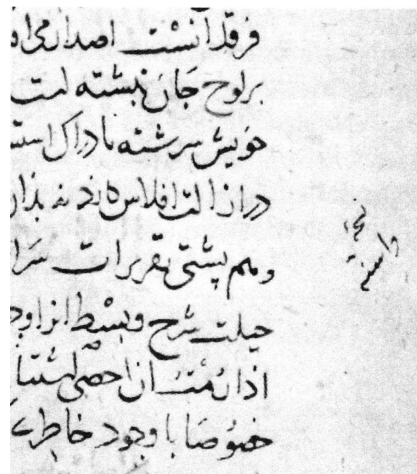
" بدل " هم به معنای نسخه بدل است. [تصویر شماره ۷]



۷. نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری. نشانه‌ای که حکایت از نسخه بدل دارد، در حاشیه سمت راست بالای صفحه، روی کلمه‌ای که باز نوشته شده، ضبط شده است. همچنین کلمات افزوده‌ای دیده می‌شوند که از متن جا افتاده‌اند
(کتابخانه ملی فرانسه، مخزن فارسی، شماره ۱۹۷۱ برگ ۱۶۸ پشت).

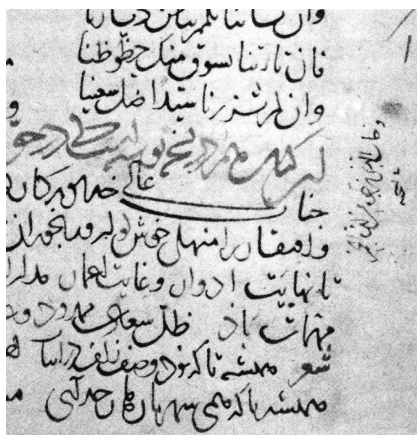
متأسفانه، همان گونه که در همه موارد مشاهده می شود، در این نسخه حاشیه نویسی مشخص نکرده است که مقابله را بر پایه کدام نسخه / نسخه ها انجام داده است. انجام گرفتن مقابله را بر پایه وجود یکی از کلمات "مقابله" یا "مقابله شد" و یا صرفاً "بلغ" در حاشیه نسخه تشخیص می دهیم که برخی از کاتبان یا خوانندگان یادداشت می کنند و نشان می دهند که کار بازخوانی و مقابله انجام گرفته است.

در یک نسخه خیلی قدیمی تر، که به شماره ۱۳۵۳ در مخزن فارسی کتابخانه جای دارد، و مجموعه ای است از رساله های سیاسی و نمونه های نامه نویسی که در سال ۱۲۸۶ / ۶۸۵ در انطالیه [بندری در حاشیه مدیترانه در ترکیه] فراهم آمده است، خود کاتب نسخه را مقابله کرده و با به کار بردن کلمه «نسخه» به یک نسخه دیگر ارجاع داده است (که احتمالاً همان نسخه است که از روی آن کتابت کرده است). این نشانه "نسخه" در برگ ۱۳۶ پشت دیده می شود. [تصویر شماره ۸]



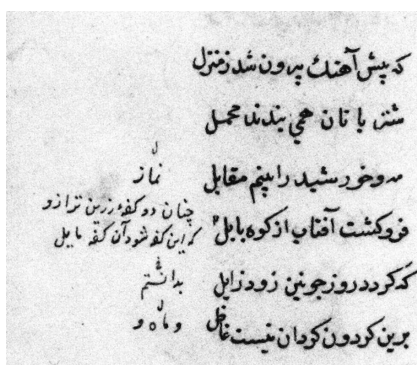
۸. مجموعه ای از نامه ها و مکاتبات رسمی. اصلاحات کاتب در حاشیه صفحه دیده می شوند که آن را "نسخه" نامیده است و می توان آن را به معنای نسخه خطی گرفت (کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۱۳۵۳، برگ ۱۳۶ پشت).

گاهی نیز اصطلاح "فی نسخه" را به کار برده است چنان که در برگ ۱۶۷ پشت.



۹. همان مجموعه پیشین، کاتب یکی از کارکنان دیوان است و خط او خط اسنادی است که او عادت به نگارش آنها یا رونویسی آنها دارد (کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۱۳۵۳، برگ ۱۶۷ پشت).

در حواشی نسخه شماره ۷۲۵ مخزن فارسی که نسخه‌ای از دیوان منوچهری است که در سده شانزدهم / دهم کتابت شده است، همین نشانه کوچک ✓ مثلاً در برگ ۱۰۴ دیده می‌شود که نشانه از قلم افتادگی است. [تصویر شماره ۱۰]

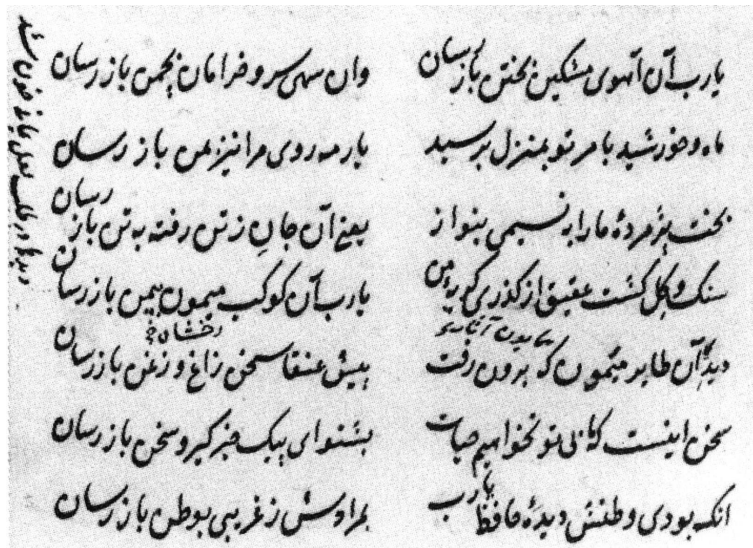


۱۰. دیوان منوچهری، که بیگمان برای جامباتیستا وکی یتی / Giambattista Vecchietti سیاح فلورانس، در فاصله سالهای ۱۶۰۱ تا ۱۶۰۶ / ۱۰۱۰ تا ۱۰۱۵ کتابت شده است و کاتب آن شمس‌الدین کلاتی خنجی نام دارد. اصلاحات حاشیه کتاب یا کار کاتب هستند و یا کار خود وکی یتی، که سه مورد از قلم افتادگی را با علامت «✓» مشخص کرده است (کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۷۲۵، برگ ۱۰۴).

در همین حاشیه حرف "خ" نشانه نسخه است و حرف "ل" (که خلاصه کلمه " بدل " است) حکایت از نسخه بدل دارد. این شیوه با شیوه‌ای که در قرون میانه در مورد نسخه‌های عربی به کار می‌رفته است، تفاوتی ندارد.

در کنار این نسخه‌های تعلیمی کتابهای بسیاری وجود دارند که آکنده از قلم‌گرفتگی و خط خوردگی و اصلاحات میان خطوط هستند. لذا در این موارد باید به منشأ نسخه‌ها و تاریخ اتمام کتابت آنها توجه کرد تا معلوم شود که آیا با فقط کتابهای دانشجویی و تعلیمی سر و کار داریم یا با کتابهای خاص ادیبان و دانشمندان، و یا این که فقط پای تصحیح ساده اشتباهات در میان است تا دانسته شود که این تصحیحات بر پایه کدام نسخ صورت گرفته‌اند.

مثلاً نسخه شماره ۶۰۷ مخزن فارسی کتابخانه ملی نسخه‌ای از دیوان حافظ است که در حدود میانه سده شانزدهم / دهم در خاک عثمانی کتابت شده است. این نسخه حاوی بسیار تصحیحات از این نوع است، چنان که در برگ ۱۱۴ پشت که با ذکر چند نسخه بدل و توضیح همراه است. [تصویر شماره ۱۱]



۱۱. دیوان حافظ. کلمات میان خطوط نتیجه بازخوانی و دقت کاتب یا خواننده‌اند (کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۶۰۷، برگ ۱۱۴ پشت).

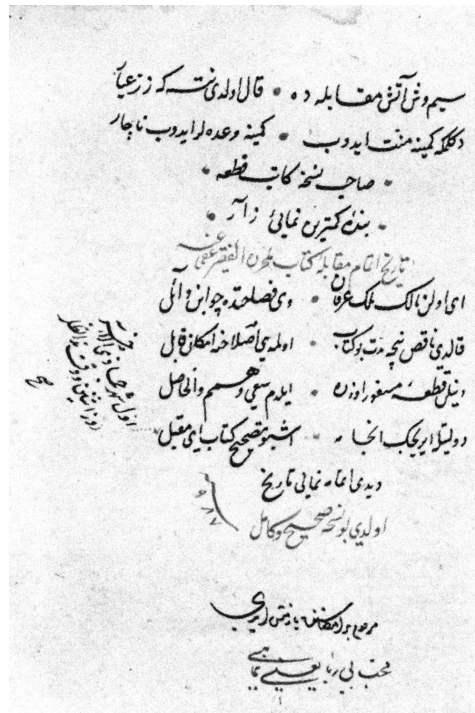
یا برگ ۱۴۵ پشت که بسیار افزوده‌های دیگر دارد. [تصویر شماره ۱۲]



۱۲. همان نسخه. نسخه بدلها در فاصله خطوط نگاشته شده‌اند. در سطر چهارم هم یک مورد تصحیح شده است (کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۶۰۷، برگ ۱۴۵ پشت).

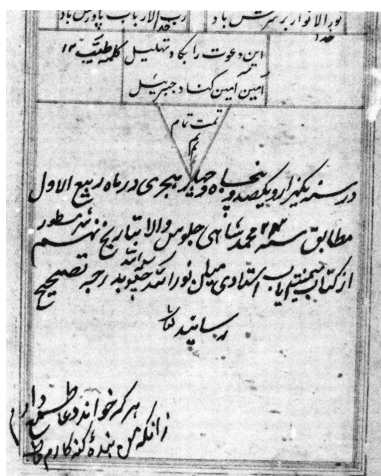
ارزش این گونه نسخه‌ها بستگی تمام با کمیابی متن یا کیفیت نسخه‌های مورد استفاده دارد. در این مورد خاص این ارزش ضعیف است.

گاهی کاتب - که در نسخه ۲۵۰ مخزن فارسی کتابخانه یک شاعر عثمانی به نام نمایی است -، در انجامه کتاب (در این جا برگ ۱۹۲) نه فقط تاریخ اتمام کتابت، که تاریخ اتمام مقابله را هم یادداشت می‌کند، مثلاً اول شهر جمادی الآخر / پنجم مرداد ۹۸۷ تاریخی است که کاتب بازخوانی تذکره الشعرا دولتشاهی را به پایان برده است. [تصویر شماره ۱۳]



۱۳. تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی. در پایان نسخه شاعری به نام «نمایی» به خط خودش نام خود و تاریخ یادداشت را ضبط کرده است: ۵ مرداد ۹۸۷ / ۲۷ ژوئیه ۱۵۷۹ (کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۲۵۰، برگ ۱۹۲).

اما متأسفانه گاهی شرح و تفسیرها خیلی بعد و به وسیله شخصی دیگر به متن افزوده می شوند. مثلاً یک نسخه دیوان خاقانی در سده شانزدهم / دهم کتابت شده است، اما همان گونه که در حاشیه تصریح شده است، شرح و تفسیرها در سال ۱۷۴۱ / ۱۱۵۴ به وسیله یک هندی که هیچ چیز از او نمی دانیم، و با مقابله با «نسخه میان نورالله شیوندرای» در حواشی آن افزوده شده‌اند. این نسخه به شماره ۶۲۱ در مخزن فارسی کتابخانه جای دارد. [تصویرهای شماره ۱۴ و ۱۵]

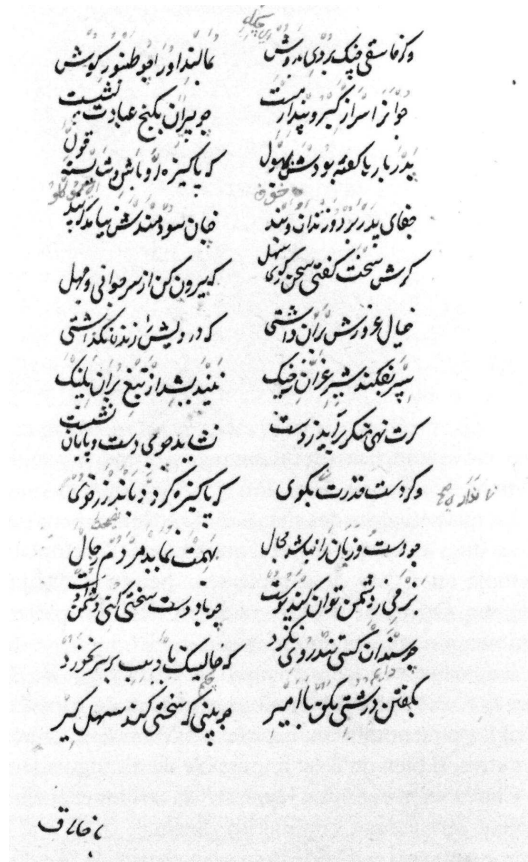


۱۴. کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۶۲۱، برگ ۳۸۰، که کلیات افضل‌الدین خاقانی است. سرلوح را مصحح افزوده است که نوشته است کتابت را در چهارم خرداد ۱۱۵۴، در زمان سلطنت محمد شاه مغول به پایان رسانده است و این نسخه را بر پایه نسخه استاد / ارباب خود میان نورالله تصحیح کرده است. او به شیوه برخی از کاتبان یک بیت شعر فارسی در حاشیه افزوده است.



۱۵. همان نسخه کلیات، که در سده هجدهم / دوازدهم اصلاحات زیاد در آن انجام گرفته است. بی آن که کاتب کمترین توجهی به ملاحظات زیبایی شناختی کتاب داشته باشد. البته در این جا با یک کتاب تعلیمی سر و کار داریم (کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۶۲۱، برگ ۳۲۷ پشت).

مقابله نسخه‌ها گاهی، مخصوصاً در هند و ترکیه عثمانی، با اعراب گذاری همراه است، مثل یک نسخه بوستان سعدی که در سده شانزدهم / دهم کتابت شده است و به شماره ۳۰۶ مخزن فارسی در کتابخانه ملی فرانسه است. این نسخه به وسیله چند نفر کتابت شده و لذا به نظر می‌رسد که یک کتاب تعلیمی بوده است. اعراب گذاری آن به دست یک طلبه انجام گرفته است. [تصویر شماره ۱۶]



۱۶. بوستان سعدی شیرازی. نسخه‌ای که در اواخر سده شانزدهم / دهم به وسیله حسین بن اسماعیل کتابت شده است. او بخشی از نسخه را به ترکی ترجمه کرده و شرحی بر آن نوشته است. در این صفحه اعراب‌گذاری کلمات با مُرکب سرخ انجام گرفته است. متن همراه با چند شرح و تفسیر به قلمهای مختلف است (کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۳۰۶، برگ ۹۴ پشت).

ضبط نشانه‌های مقابله گاهی با ضبط نشانه‌های شرح و تفسیر همراه می‌شود که کار "مُحرر" هستند، و نمونه آنها در برگ ۱۶ پشت نسخه شماره ۶۶۶ مخزن فارسی کتابخانه دیده می‌شود، و آن مجموعه معماست. در این جا دیگر نمی‌توان واقعاً از مقابله سخن گفت، بلکه در واقع پای شرح کمابیش ادیبانه در میان است. [تصویر شماره ۱۷]



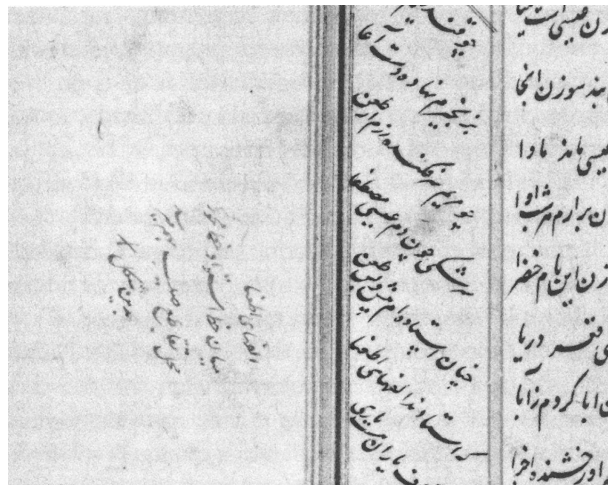
۱۷. مجموعه‌ای از معما به فارسی همراه با جواب تألیف میرحسین نیشابوری. نسخه در سال ۱۷۳۷ / ۱۱۵۰ به وسیله محمدالسید بن احمد کتابت شده است. شرح و تفسیرهای حواشی به شکلی ترتیب داده شده‌اند که بر حسب رسم رایج در عثمانی یک گلدان با یک برگ درست کنند. این شرح و تفسیرها عمدتاً از نوشته‌های مفسران مختلف کتاب میرحسین گرفته شده‌اند (کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۶۶۶، برگ ۱۶ پشت).

در مورد کارگاه‌های بیشمار کاتبان مرکز فارس غالباً به اقوال پیر بُداق قزوینی استناد می‌شود: «در شیراز کاتبان بسیار یافت می‌شوند که به خط نستعلیق کتابت می‌کنند، و همه از روی دست هم کار می‌کنند چندان که تشخیص خط‌هایشان از یکدیگر ناممکن است. زنان شیراز هم به کار کتابت اشتغال می‌ورزند، هرچند که سواد خواندن ندارند

کورکورانه خطاطی می‌کنند چنان که گویی تصویر می‌کشند... در هر خانه افراد زیر یافت می‌شوند: زن کاتب است، شوهر: مینیاتور پرداز، دختر: طلا / مطلاکار و تذهیبکار، و پسر: صحاف.^{۱۶} البته به نظر می‌رسد که این قول در حد افراط قرار دارد، زیرا که شیراز در آن روزگار جایگاه تقریباً "صنعتی" تولید نسخه‌های خطی ادبی و قرآنی است [تولید انبوه در اصطلاح امروز]. وانگهی در مورد نسخه‌هایی که در سده شانزدهم / دهم در این‌گونه کارگاهها^{۱۷} تولید شده‌اند باید گفت که متن نسخه نوشته شده خیلی کمتر از نسخه‌های کتابت شده در زمانهای دیگر و کارگاههای دیگر قابل اطمینان است، و این که نسخه‌ای فاقد تذهیب باشد نمی‌تواند از چشم یک ادیب نقطه ضعف به شمار آید.

با وجود اینها استثناهایی هم وجود دارند: مثل نسخه‌ای از اشعار خاقانی که به شماره ۶۲۰ در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه جای دارد، و در آن شرح و تفسیرهای حاشیه هم عیناً نقل شده‌اند. این نسخه از نوع همان "تولید انبوه" است که در سال ۱۶۰۰ / ۱۰۰۹ در شیراز اتمام یافته است. آیا هدف کاتب این بوده است که نشان دهد که نسخه

مقابله شده است؟ [تصویر شماره ۱۸]



۱۸. افضل‌الدین خاقانی، کلیات. شرحی که با مرکب سرخ در حاشیه افزوده شده است به احتمال قوی از یک نسخه قبلی نقل شده و ارزش علمی و آگاهانه به کتاب می‌دهد (کتابخانه ملی، مخزن فارسی، شماره ۶۲۰، برگ ۱۵).

در مورد نسخه‌های کتابت شده در شیراز - که تعدادشان در فاصله سده سیزدهم / هفتم تا اوایل سده هفدهم / یازدهم بسیار فراوان است - سؤالی مطرح می‌شود: کاتبان برای یافتن نسخه‌هایی که استنساخشان از آنان خواسته می‌شد به کدام کتابخانه‌ها مراجعه می‌کردند و دسترسی داشتند؟ آیا نسخه‌ای که باید از روی آن استنساخ می‌شد توسط سفارش دهنده در اختیار خوشنویس قرار می‌گرفت؟ فقط با یک تحقیق دقیق و موشکافانه درباره خانواده‌ها یا گروه‌های مختلف نسخه‌های خطی می‌توان به این پرسش پاسخ داد.

خانواده‌های نسخه‌های خطی

سرچشمه‌ها (و دلایل) اشتباهات کاتبان فراوان هستند. می‌دانیم که در زبان فارسی وجود نقطه‌ها سبب تشخیص حروف می‌شود، و همین نقطه یکی از منشأهای تحریف و تغییر و پدید آمدن صورتهای متفاوت است. هرگاه که نقطه‌ها فراموش یا جا به جا شده باشند کاتب یک کلمه را که به کلمه دیگر می‌ماند، به جای این کلمه می‌گیرد. تقطیع متون شعری - در صورتی که کاتب به اندازه کافی در این زمینه وارد باشد - امکان می‌دهد تا برخی از اشتباهات را اصلاح کنیم. اما در وقتی که کاتب ضبط نسخه اصل را نادرست می‌پندارد تقطیع باعث بروز اشتباهات دیگر می‌شود. کاتب، در صورتی که بکلی ناوارد، یا برعکس کاملاً وارد و ادیبی بزرگ نباشد، همواره در این جهت گرایش دارد که صورتهای کهنه یا کلمات مهجوری را که نمی‌شناسد تغییر دهد و کلمات دیگر بر جایشان بگذارد، و در نتیجه اشتباهات تازه وارد متن می‌کند.

[استاد] سلیم نیساری در تحقیقی که در زمینه نسخه‌های خطی سده پانزدهم / نهم دیوان حافظ انجام داده است، برخی از این کلمات کهنه و مهجور را شناسایی کرده است که کاتب کلمات رایج‌تر را که شکل نوشتاری و تقطیع مشابه دارند، به جای آنها ضبط کرده است.

در مواجهه با وفور چشمگیر نسخه‌های برخی از متون، ضرورت تهیه یک متن منقح و قابل اطمینان از دیرباز احساس شده است.

بسیاری از شاعران ایرانی هرگز پیش از مرگ شکل نهایی از آثار خود را به صورت دیوان - که مورد تأیید خودشان باشد - تدوین نکرده‌اند. و اگر هم صورت مُدونی از آثار خود فراهم آورده‌اند به شکل کتابتهای پیاپی به فاصله هر چند سال بوده است به این معنی که دیوان خود را برای عرضه به حامیان مختلف خویش، با اصلاحات کمابیش مهم، تغییر می‌داده‌اند. بنابراین این امکان وجود دارد که اختلافهای موجود میان نسخه‌های یک متن حاوی آثار این وضعیتهای مختلف باشند، و گاه ممکن است که میان این "نشر" های متفاوت خلط و تداخل پدید آید. نمونه شاخص این حالت جامی است که در دوران زندگی خود سه روایت پیاپی از دیوان خویش عرضه کرد که هر روایت بکلی متفاوت از روایتهای دیگر است.

از این گذشته، با سرنوشت آثار سعدی شیرازی، که پیش از وفات در سال ۱۲۹۱ / ۶۹۱ به شهرت تمام رسیده بود، آشنا هستیم. علی بن احمد بیستون در سال ۱۳۲۶ / ۷۲۷ آثار سعدی را که تا آن هنگام فراهم آمده بودند، در چند جلد کتابت کرد. او اشعار را برحسب نوع آنها (غزل، قصیده، قطعه، رباعی و غیره)، و هر نوع شعر را برحسب حرف اول قطعه‌های شعر به ترتیب حروف الفبا منظم کرد. اما ناچار شد که در سال ۱۳۳۴ / ۷۳۵ کتابت تازه‌ای عرضه کند و در دیباچه آن توضیح داد که شیوه تازه‌ای برای مرتب کردن اشعار در پیش گرفته است که تنظیم اشعار برحسب قافیه‌های آنهاست. این شیوه سنتی‌تر و رایج‌تر است و میان شاعران عرب زبان مرسوم بوده است، و امکان می‌دهد تا اشعار و ابیات را خیلی آسانتر پیدا کنیم. اما بیستون با وجود این که نوشته است که از نسخه‌های بسیار برای تنظیم کلیات استفاده کرده است هیچ توضیحی نه درباره آن نسخه‌ها می‌دهد و نه درباره روش انتقادی کار خود.

در این میان یک مورد کاملاً متفاوت مورد اشعار حافظ است. حافظ شاعر رسمی دربار نبود، و به همین سبب در زمانی که زنده بود اشعار خود را گرد نیاورد، چه رسد به این که آنها را دسته‌بندی کند تا برای عرضه به بزرگان زمان مناسب و آماده باشند. لذا قدیمی‌ترین نسخه خطی اشعار او فقط دارای ۱۷۳ بیت است. پس از درگذشت او که در

سال ۱۳۸۹ / ۷۹۲ یا ۱۳۹۰ / ۷۹۳ روی داده است، اسکندر سلطان که شهریاری باسواد و ادیب و حامی شاعران و دانشمندان بود و از سال ۱۴۱۰ / ۸۱۳ به بعد در شیراز فرمانروا شد، پیش از سال ۱۴۱۵ / ۸۱۸ حداقل یک نسخه از اشعار حافظ را برای کتابخانه خود گرد آورد. و احتمالاً او نخستین کسی نبوده که اقدام به گردآوری آن اشعار کرده بوده است، زیرا که اندک مدتی پیش از آن تاریخ نسخه‌ای از اشعار حافظ در فارس فراهم آمده بود که اکنون در «فرهنگستان علوم دوشنبه» [تاجیکستان] جای دارد. شهرت شاعر خیلی زود عالمگیر شد و در اواخر سده پانزدهم / نهم نسخه‌های فراوان از اشعارش نوشته شد. اما این نسخه‌ها هم از لحاظ محتوا بس مختلف بودند، و به دیوان او انواع شعرهای دیگر افزوده شدند، از جمله انواع جُنگهای حاوی گزیده اشعار گوناگون شاعران مختلف. این جُنگها یا گزیده‌ها در سراسر سده پانزدهم / نهم بسیار پر رونق و مورد اقبال بودند و طبعاً آکنده از شعرهای منتسب به حافظ هم بودند.

کار تدارک یک نسخه انتقادی واقعی از اشعار حافظ - که خیلی هم کم شناخته است - در اواخر سده پانزدهم / نهم در دربار حسین میرزا بایقرا در هرات انجام گرفته است. این نکته از طریق دو نسخه تأیید شده است. نسخه شماره ۲۲۱۳ در کتابخانه گنج بخش پاکستان،^{۱۸} و نسخه شماره ۵۹۷ مخزن فارسی کتابخانه ملی پاریس.^{۱۹} در مقدمه این نسخه‌ها که به قلم شخصی به نام مولانا شرف‌الدین علی است، تصریح شده است که این متن در سال ۹۰۷ هجری، به روزگار سلطنت سلطان حسین بهادر، شهریار هرات، و به فرمان پسر او یعنی سلطان ابوالفتح فریدون حسین بهادر کتابت شده است. سلطان ابوالفتح تعداد بیشماری از دانشمندان را به نزد خود فراخوانده بود و «شمار بسیاری نسخه خطی» گرد آورده بود تا روایت بهتری از دیوان حافظ تهیه کنند. نتیجه کار عبارت بود از گردآوری ۴۸۹ غزل برحسب ترتیب الفبایی قافیه‌های اشعار - چنان که رسم و عادت بود -، ۳۵ قطعه، ۳۲ رباعی، و چهار شعر دیگر. اما چنین می‌نماید که این کار توجه عامه را جلب نکرده بوده است، زیرا که موفقیت اندکی نصیب آن شد، که البته ممکن است به این سبب باشد که کتاب خوب توزیع نشده بود.^{۲۰}

این متن دیباچه‌ای دارد که به محمد گلندام نسبت داده می‌شود و قبل از رایج‌ترین و متداول‌ترین نسخه دیوان حافظ نقل می‌شود، اما تاریخ ندارد، و هیچ اطلاع واقعاً دقیق و صریحی درباره نسخه‌هایی که دیوان بر اساس آنها تدوین شده است، و یا درباره روش کارگردآورنده آن به دست نمی‌دهد. آیا این امر به معنای احترام آرایبی است که کهن‌ترین آرا به شمار می‌آیند؟ آیا نشانه و دلیل یک شیوه ادبی یا سبک شناختی است؟ احتمالاً رویه‌های گوناگون فراوان به کار گرفته شده بوده‌اند زیرا که پای یک مورد کاملاً خاص و شاعری در میان بوده است که با وجود این که زندگیش اسرارآمیز باقی مانده است و کمتر چیزی از آن می‌دانیم، ستوده‌ترین شاعر ایرانیان است.

همچنین از کوششهای دیگری در زمینه تدوین متون ادبی دیگر خبر داریم. این کوششها معمولاً به وجود حمایت‌های دربار که ادبا و شعرا به گونه‌ای مناسب و بجا در آنها گرد می‌آمدند و می‌توانستند در کار تدوین متون مفید واقع شوند، بستگی داشتند.

از اینها گذشته می‌توان از تدوین دیوانهای برخی از کهن‌ترین شاعران ایران (عمیق بخاری، ازرقی، منوچهری، رشید و طواط، سوزنی، فلکی شیروانی، عمادی شهریار و دیگران) و از تألیف زندگینامه‌هایشان در خلاصه‌الشعار و زبدة‌الافکار تقی‌الدین محمد بن شرف‌الدین حسینی کاشانی یاد کرد. این کار با جست و جوی نسخه‌های خطی قدیمی و کمیاب همراه بود و موجب شکوفایی کار استنساخ و کتابت نسخه‌های جدید از متون بسیار قدیمی شد که به این ترتیب "بازیافته" می‌شدند. همچنین جنبش ادبی تازه‌ای در جهت نوعی بازگشت به سرچشمه‌ها پدید آورد. به رغم وجود اشتباهات احتمالی در ضبط اسامی و کلمات یا انتساب نادرست متون، می‌توان از وجود کار تألیف استادانه و فاضلانه سخن گفت، هرچند که حسینی کاشانی مشخصات نسخه‌هایی را که مورد استفاده قرار داده ذکر نکرده است.

یک متن بسیار معروف قرن سیزدهم / هفتم مثنوی است، شعر عرفانی بلند جلال‌الدین بلخی که در شش دفتر در قونیه سروده شده است. تدوین این نسخه موضوع کار فاضلانه گسترده و عمیقی بوده است که توسط عبداللطیف عباسی گجراتی

(در گذشته در ۱۶۳۸ / ۱۰۴۸) به انجام رسیده است. چنان که نسخه شماره ۶۷۲ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه نشان می‌دهد عبداللطیف ۸۰ نسخه از مثنوی را با هم مقابله کرده است. او نخست در کابل و پس از آن در پیشاور و جاهای دیگر به جست و جوی نسخ مثنوی پرداخته و همه این متون را گرد آورده، و از آن پس از سال ۱۶۲۲ / ۱۰۳۲ در شهر بُرهانپور هند سالها بر سر این کتاب عمر گذارده و سرانجام نسخه کاملی از کتاب فراهم آورده است. این متن دارای مقدمه‌ای توضیحی همراه با جدولهای مستقل و نیز شرح و تفسیر در حواشی است.

این مثنوی شاخص‌ترین و چشمگیرترین نمونه کار انتقادی است که در فاصله سده‌های شانزدهم / دهم تا هجدهم / دوازدهم در زمینه معروفترین متون فارسی در هند انجام گرفته است.

در مورد یکی از متداول‌ترین متون ادبیات فارسی یعنی شاهنامه فردوسی باید گفت که با وفور بی‌نهایت نسخه‌های خطی و نسخه بدل‌هایی سر و کار داریم که سبب بروز بحث‌های تند و شدید میان متخصصان شده‌اند. وجود قطعات بیشماری که به وسیله شاهنامه خوانان یا کاتبان به متن افزوده شده‌اند مشکلات و مسائل گوناگون فراوان پدید آورده‌اند. چاپ‌های مختلف شاهنامه که بس فراوان هستند، غالباً بر پایه متنی صورت گرفته‌اند که به دلایل گوناگون، مخصوصاً ملاحظات ادبی، بر متون دیگر مرجح دانسته شده است. ناشران دیگر متنی را که ژول مُل فرانسوی در میانه سده نوزدهم / سیزدهم بر پایه ده نسخه سالم قابل اعتماد فراهم آورده است، اساس کار قرار داده‌اند.^{۲۱}

اما فقدان نسخه یا نسخه‌هایی که زمان کتابتشان به روزگار شاعر برسد، موجب بروز سؤالات بسیار درباره متنی شده است که قاعدتاً باید به روزگار شاعر نسخه‌های بسیار پیاپی از آن تهیه می‌شد.

می‌دانیم که بایسنقر، سلطان هرات، در حدود سال ۱۴۳۰ / ۸۳۴ در کتابخانه خود نسخه‌ای از شاهنامه نویسانده بود. اما نسخه‌های کهن‌تر از آن وجود دارند. در حدود سال ۱۹۶۰ / ۱۳۳۹، نسخه چاپ مسکو بر اساس چند نسخه که در حدود سالهای ۱۲۷۹ تا

۱۳۰۰ / ۶۷۸ تا ۷۰۰ نوشته شده بودند و کهن‌ترین نسخه‌ها به شمار می‌آیند، انتشار یافت. در تدوین این نسخه اصل این بود که هرچه بر متن شاهنامه افزوده شده است حذف شود و ابیات بسیار و نیز داستانکهایی که وارد متن شده‌اند کنار گذاشته شوند. کشفی که چند سال پیش توسط پی‌ی‌ه مونتسه / A.M. Piemontese در فلورانس انجام گرفت^{۲۲} و نسخه نیمه‌ای از شاهنامه پیدا شد که در سال ۶۱۴ هـ یعنی ۱۲۱۷ م در ماوراءالنهر کتابت شده است، تحول عمده‌ای در شاهنامه‌شناسی به شمار می‌آید، زیرا که حاوی روایتی متفاوت از متن چاپ مسکو است.^{۲۳} این کشف موجب درگیری مباحثات تند و شدید شده است، و موضوع نسبت ارتباطی نسخه‌ها مطرح شده است. این مباحث زمینه را برای یک چاپ انتقادی جدید فراهم آورده‌اند. این چاپ به وسیله جلال خالقی مطلق^{۲۴} بر اساس دوازده نسخه خطی عمده و اساسی انجام گرفته است. کتاب با تحقیقی جالب و درخور توجه درباره خانواده‌های نسخه‌ها آغاز می‌شود. مسأله اصلی دانستن این نکته است که آیا نسخه بدلها مطابق با اختلافهای کهن هستند یا نه. در واقع چنین می‌نماید که چندین "تدوین" متن این حماسه نامدار در زمانهای پیشین صورت گرفته است: اکنون انتخاب یک روایت متن شاید به سادگی عبارت از انتخاب یکی از این "تدوین"ها باشد. فقط کشف نسخه‌های قدیمی‌تر امکان می‌دهد تا تاریخ این متن در طی دو قرنی که زمان اتمام آن را از زمان تحریر نسخه‌های سده هفتم - که به دست ما رسیده‌اند - جدا می‌کنند، روشن و دانسته شود.

به این ترتیب مسأله‌ای رخ می‌نماید که حل آن به دشواری دست می‌دهد، و آن مسأله تدوین متون فارسی کهن است. دلایل صرفاً فقه اللغوی و سبک‌شناختی گاهی در برابر ملاحظات نسخه‌شناختی قرار می‌گیرند. برخی از ناشران / تدوین‌کنندگان نسخه‌هایی غالباً شتابزده فراهم می‌کنند. در مورد متون فارسی کهن باید از تعیین برتری یک نسخه بر پایه ملاحظات و برآوردهای صرفاً ادبی یا امتیاز دادن به یک نسخه به دلیل این‌که قدیمی‌تر است، اجتناب شود. غالباً کشف نسخه‌های تازه همه آنچه را که تا آن هنگام درباره یک متن به دست آمده بوده است بکلی باطل می‌کند. اشتباهات کاتبان، در

صورتی که اشعار و حکایات را از حفظ کتابت کنند به حافظه آنان نسبت داده می‌شوند، و در صورتی که به ابهامات رسم‌الخطی فراوان فارسی نوشتاری برخورد کنند ناشی از کم توجهی آنان دانسته می‌شوند. و در هر حال نتیجه این می‌شود که این اشتباهات غالباً متن را دگرگون می‌کنند. بگذریم از نسخه‌هایی که بر پایه نسخه‌های ناقص یا نسخه‌هایی که در صحافی نظم آنها درهم ریخته است، تهیه شده‌اند.

در جامعه‌ای که در آن حافظه نقش عمده را در آموزش دارد، خوشنویس غالباً متونی را که باید کتابت می‌کرد، از حفظ می‌نمود، مخصوصاً در حالتی که از روی یک متن چندین نسخه می‌نوشت. بر اثر همین شیوه است که در متون فردوسی یا نظامی به ابیات افزوده فراوان برمی‌خوریم. انتساب نادرست برخی از غزلیات یک شاعر به شاعر دیگر فقط ناشی از این است که در وقتی که دو شعر به هم شباهت دارند تخلص یک شاعر به اشتباه در پایان غزل شاعر دیگر گذاشته شده است. در متون منثور مثل قصص الانبیاء اختلاف یک نسخه با نسخه دیگر حتی از قدیم (قرون میانه) بس رایج و عمومی است. در این موارد باید در نظر داشت که با یک نوع ادبی کاملاً نزدیک به ادبیات شفاهی سروکار داریم. به این معنی که متن به وسیله روایان مختلف با اختلافات صریح روایت شده و چون به نوشته درآمده است آن اختلافات محفوظ مانده‌اند و کاتب آنها را تکرار کرده است.

عرفای مسلمان ایرانی رساله‌های بسیار نگاشته‌اند که در این رساله‌ها مؤلف گاه چندین صفحه کامل را از متقدمان خود نقل کرده است. بررسی و چاپ این متون و انتساب یک متن به چندین مؤلف مستلزم وجود یک حس انتقادی قوی در محقق و مصحح است. گاهی شاگردان پارسا و پرهیزگار یک عارف و استاد معروف مجموعه‌ای از رساله‌های کوتاه که منشأهای متفاوت دارند، گرد آورده در نهایت حسن نیت به نام استاد خود تألیف کرده‌اند. فقط با بررسی دقیق محتوا، سبک و تاریخ نسخه گاهی می‌توان این کلاف سردرگم را از هم گشود.

این ملاحظات، مشکلات گوناگونی را که بر سر راه تحقیق چگونگی نقل و انتقال

متون فارسی قرار دارند، نشان می‌دهند. پیشرفت علوم نسخه‌شناسی و فقه اللغه، شناخت بهتر مجموعه‌ها و آگاهی از اوضاع و احوال تاریخی تألیف متون بی‌گمان امکان خواهند داد تا در سالهای آینده درک خود را از چگونگی نقل و انتقال میراث مکتوب زبان فارسی و تولید و توزیع آن بازسازی و اصلاح کنیم. تردیدی نیست که توسعه فنون مربوط به چاپ، هرچند که خیلی دیر در ایران تحقق یافته است، کار مصححان و ناشران متون را به گونه‌ای فوق‌العاده پیچیده و دشوار کرده است.

یادداشتها

۱. مجموعه خصوصی، که در سده ششم ق استنساخ شده است.
۲. در این جا عمدتاً به کتابی که زیر نظر فرانسوا دروش انتشار یافته است، احاله می‌دهیم:
Manuel de codicologie des manuscrits en écriture arabe, publié sous la direction de François Déroche, Paris, 2000.
۳. رک: فرانسویس ریشار، رافائل دومان، *میلغ مسیحی در ایران قرن هفدهم ...* /
F. Richard, *Raphaël Du Mans, missionnaire en Perse au XVII^e siècle, II, Estats et Mémoire*, Paris, 1995, p. 299-301 (Moyen Orient et Océan Indien, 9).
[نگارنده در کار ترجمه این کتاب به فارسی است].
۴. ژان شاردن، سفرها، ... /
Jean Chardin, *Voyages*, éd. Louis Langlès, Paris, 1811, VII, p. 281-282.
[این کتاب به همت روانشاد اقبال یغمایی به فارسی درآمده است].- ۵. مثلاً بنگرید به: جان سیلر، «بازرسی و قیمت‌گذاری نسخه‌های خطی در کتابخانه امپراتوری مغول»، ... /
John Seyller, "The Inspection and Valuation of Manuscripts in the Imperial Mughul Library",
Artibus Asiae, 57, 1997, p. 243-349.
- ۶. بنگرید به: ایرج افشار، «عرض در سنت کتابداری ایران و هندی»، ... /
Iraj Afshâr, "arz dans la tradition bibliothéconomique irano-indienne", *Scribes et manuscrits du Moyen-Orient*, sous la dir. de F. Déroche et F. Richard, Paris, 1997, p. 331-343.
- ۷. نسخه خطی شماره ۱۹۵۴ موزه آثار ترک و اسلام در استانبول /
Türk ve Islam Eserleri Müzesi, /
(مورخ سال ۸۳۵ که برای کتابخانه سلطان بایسنغر تهیه شده بود). این تصویر را الینور سیمس ... در

تصویرهای بی‌مانند ... چاپ کرده است: Istanbul

Eleanor Sims, Boris I. Marshak et Ernst J. Grube, *Peerless Images, Persian Painting and its Sources*, New Haven-London, Yale University Press, 2002, p. 194.

۸. چنین می‌نماید که افزودن این کلمه یا کلمه‌نشانه در اواسط و اواخر سده چهاردهم / هشتم در ایران رایج بوده است.

۹. فرانسیس ریشار، شکوهمندیهای ایرانی [که ترجمه آن با عنوان نادرست جلوه‌های هنر پارسی و آکنده از اظهار لحن‌های نابجای به اصطلاح ویراستار ... چاپ شده است]، ... /

F. Richard, *Splendeurs persanes*, Paris, 1997, n° 123. که در صفحه ۱۷۷ آن دو نسخه که با هم

صحافی شده‌اند، وصف شده‌اند. برای نسخه دوم به کتاب شگفتی و عجایب در خاک اسلام، ... /

L'Étrange et le merveilleux en terre d'islam, Paris, musée du Louvre, 23 avril-23 juillet 2001, n° 124, p. 178-179.

نگاه کنید.

۱۰. به یاد داشته باشیم که چون کاتب برحسب کمیت سطور (ابیات) مزد می‌گیرد، نفعش در این است که هرچه می‌تواند شمار بیشتری بیت کتابت کند. در برخی از نسخه‌های شکوهمند و نفیس، همچون خمسه نظامی، به شماره ۱۰۲۹ در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه، کاتب که عبدالجبار نام داشته است، شمار انبوهی ابیات تحریف شده یا ابیاتی که منشأ آنها دانسته نیست به متن افزوده است (نگاه کنید به: فرانسیس ریشار، خمسه نظامی، شاهکار فارسی قرن هفدهم / یازدهم، ... /

Les Cinq Poèmes de Nezâmi, chef-d'oeuvre persan du XVII^e Siècle, Paris, 1995, p. 92-96.

به این ترتیب نسخه‌های شکوهمند و نفیس معمولاً و الزاماً حاوی متون کاملاً قابل اعتماد نیستند، مگر این که کاتب زیر نظر کتابدار یا سفارش دهنده نسخه کار کرده باشد، زیرا که او در مقام مالک اثر بر تحقق اثر و انجام کار نظارت دارد. به نوشته رافائل دومان (یادداشت شماره ۳ و حاشیه همین فصل، ج ۲، ص ۳۰۱): «پنجاه حرف یا علامت تشکیل یک بیت را می‌دهند، به همین میزان بیت در هر سطر، و به همین میزان صفحه در هر کتاب یافت می‌شود که بهای کتاب بر پایه آن محاسبه و به خریدار پیشنهاد می‌شود».

۱۱. بنگرید به: فرانسیس ریشار، شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۴۹، ص ۸۳.

۱۲. می‌توان به یک مجموعه (بیاض) موجود در کتابخانه ملی یعنی نسخه شماره ۸۱۰ مخزن فارسی در کتابخانه ملی اشاره کرد، که در حدود ۱۶۷۰ / ۱۰۸۰ احتمالاً بخش عمده آن در اشرف مازندران و اصفهان فراهم آمده است. در این مجموعه اشعار دهها شاعر یافت می‌شود که برخی از آنها را نصرآبادی در سال ۱۶۷۹ / ۱۰۹۰ در تذکره خود که به شاعران سده هفدهم / یازدهم اختصاص دارد، احصا کرده

است (مقایسه شود با ایرج افشار، «تذکره نصرآبادی، و داده‌های اجتماعی و اقتصادی آن» [به فرانسوی]، ... /

Iraj Afshâr, "Le *Tazkere-ye Nasrâbâdi*. Ses données socio-économiques et culturelles", *Études safavides*, sous la direction de Jean Calmard, Paris-Téhéran, 1993, p. 1-12).

اما بسیاری دیگر از آن شاعران هنوز ناشناخته‌اند.

۱۳. احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، جلد ششم، تهران.

۱۴. مقایسه کنید با شکوهمندیهای ایرانی / *Splendeurs Persanes*، شماره ۱۴۵، ص ۲۰۳.

۱۵. درباره این نسخه نگاه کنید به: شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۴۰، ص ۷۶. مهر کتابخانه شاهرخ از صفحات آن پاک شده است، اما در برخی از صفحه‌ها مثل برگ ۱۹۱ هنوز خواناست.

۱۶. بنگرید به: اولگ اکیموشکین و آناتول ایوانف، «هنر تذهیب»، ... /

Oleg Akimushkin et Anatol Ivanov, "The Art of Illumination", *The Arts of the Book in Central Asia, 14th-16th Centuries*, Paris, Unesco, 1979, p. 50.

۱۷. کارگاههای شیراز اخیراً موضوع تحقیق لاله اولوچ بوده‌اند:

Lele Uluç, *Arts of the Book in Sixteenth Century Shiraz*, 2 vol., Ann Arbor, UMI Dissertation Services, 2000.

مخصوصاً صفحه‌های ۶ تا ۳۸ و ۲۶۵ به بعد جلد اول دیده شوند.

۱۸. احمد منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۷، اسلام آباد، ۱۹۸۶ / ۱۳۶۵، ص ۴۵۱ و ۴۵۲.

۱۹. این نسخه که مورخ ۱۵۷۰ / ۹۷۸ است، قطعاً در شیراز کتابت شده است و دارای ۲۰۷ برگ است.

۲۰. مثلاً بنگرید به: نسخه چاپ محمد قزوینی و قاسم غنی بر پایه نسخه کتابخانه کاخ گلستان، تهران، ۱۳۲۱.

۲۱. تفتیح، تصحیح و چاپ شاهنامه در هفت جلد به دست ژول مِل / Jules Mohl در سالهای ۱۸۳۸ تا ۱۸۷۸ / ۱۲۵۴ تا ۱۲۹۵ در چاپخانه سلطنتی پاریس (که بعداً به چاپخانه امپراتوری و پس از آن به چاپخانه ملی تغییر نام داد) انجام یافته است.

۲۲. بنگرید به: فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های ایتالیا /

Angelo Michele Piemontese, *Catalogo dei Manoscritti persiani conservati nelle biblioteche d'Italia*, Rome, 1989, n° 145, p. 112-115.

۲۳. شاهنامه، زیر نظر برتلس / J. E. Bertel's، ج ۱ تا ۹، مسکو، ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۱.

24. *The Shâhnâme*, 5 vol., Costa - Mesa, 1988-1997 (Persian texts Serie, n° 1).

نمونه‌ای از "موفقیت ادبی":

انتشار آثار شاعرانه جامی هراتی در سراسر خاورمیانه

تاریخ ادبی نیمه دوم سده پانزدهم / نهم با نام جامی عجین شده است و زیر سیطره آن است. مولانا نورالدین عبدالرحمان بن احمد جامی در سال ۱۴۱۴ / ۸۱۷ زاده شد و در ۱۴۹۲ / ۸۹۸ درگذشت. او هم دانشمند بود و هم شاعر، و افزون بر اینها یکی از چهره‌های شاخص تفکر عرفانی اسلامی روزگار خود بود. نام او کاملاً به تاریخ دربار تیموری هرات در روزگار شهریار باسواد و ادیب آن یعنی سلطان حسین میرزا بایقرا پیوند خورده است. غالباً این سلطان حسین را به سبب گستردگی و درخشش حمایتش از اهل علم و ادب، با مدیسی فلورانسی / Médicis de Florence مقایسه می‌کنند. سلطان حسین مسلمان سنی بود و عمده وقت خود را در نزدیکی هرات در خراسان گذراند. او عضو یکی از فرقه‌های صوفی یعنی طریقت نقشبندی بود که یکی از شیوخ آن در آن هنگام در ماوراءالنهر، خواجه عبیدالله احرار، همعصر سلطان حسین بایقرا، بود که به سال ۱۴۹۰ / ۸۹۶ درگذشت. خود جامی هم یکی از سروده‌های خویش به نام تحفة الاحرار را به نام او کرده است. جامی همچنین کتابی دیگر نگاشته است به نام نفحات الأئیس در شرح حال ۶۱۴ و به قولی ۶۱۶ دانشمند، صوفی و شاعر. او در زمینه اعتقادی و فلسفی متأثر از آرای وحدت وجودی محیی‌الدین عربی عارف نامدار اندلسی سده سیزدهم / هفتم است.

در حدود چهل و پنج عنوان اثر، که انتسابشان به جامی مسلم است، از آثار جامی

شناخته شده‌اند. در واقع جامی، هم در زمینه نثر و هم در کار شعر، بسیار درازنویس و پرگو بوده است، دوستی او در هرات با امیر علیشیر نوایی (۱۴۴۱ تا ۱۵۰۱ / ۸۴۵ تا ۹۰۷، و به قولی ۸۴۴ تا ۹۰۶) وزیر دانشمند سلطان حسین، که او هم شاعر و صوفی بود، به گسترش دامنه اشتهار جامی کمک کرد. او حامی متنقد و قدرتمند جامی بود.

جامی در زمینه شعر نوآور است زیرا که محتوا را بر شکل ترجیح می‌دهد. در آن روزگار حافظ "شاعر کامل" شناخته می‌شد، و در واقع شهریاران تیموری سده نهم او را کشف کرده و شناسانده بودند. جامی در غزل از او پیروی می‌کرد؛ و در مثنوی از نظامی که در سده دوازدهم / ششم انبوه‌ای از اشعار عرفانی و عاشقانه در معرض دید و مطالعه لایه اشرافی مسلمان جامعه ایرانی قرار داده بود. آثار او در مجموع حاوی یک رشته مقررات و ملاحظات اخلاقی شهریارانه است. جامی همچنین از سبک امیرخسرو دهلوی متأثر بود، امیرخسرو هم در عین حال پیرو و ادامه دهنده سبک جامی در دربار مغولان هند در دهلی بود. چنین می‌نماید که جامی علاقه داشته است که آموزشهای آنان را به سلیقه روز درآورد. در عین حال در آثار او نوعی دغدغه خاطر در جهت حفظ و بیان صداقت بر کمال صوری غلبه دارد، و حال آن‌که دستیابی به این کمال صوری عنصر ثابت تمامی شعر فارسی کهن است.

نظامی سراینده مجموعه خمسه است که امیر خسرو به تقلید آن پنج گنج را سروده است. جامی هم به شیوه این دو، هفت اورنگ را سروده است که متشکل از این مثنویهاست: روایت تازه‌ای از لیلی و مجنون (۱۴۸۴ / ۸۸۹)؛ اسکندرنامه (۸۹۰)؛ تحفة الاحرار که در مقابل مخزن الاسرار نظامی سروده شده است. جامی در سال ۸۸۷ هـ سلسله الذهب را بر این مجموعه افزود. او این مثنوی را در سال ۸۷۳ هـ به مناسبت بر تخت نشستن سلطان حسین بایقرا به او تقدیم کرده بود. سبحة الابرار را هم که زمینه اخلاقی و عرفانی دارد، و نیز مثنوی بس معروف یوسف و زلیخارا در همان تاریخ بر آن مجموعه اضافه کرد. این مثنوی که در گزارش داستانهای پیامبران است، در سده پانزدهم / نهم خواننده و طرفدار بسیار داشت. جامی در سال ۱۴۸۰ / ۸۸۵ مثنوی

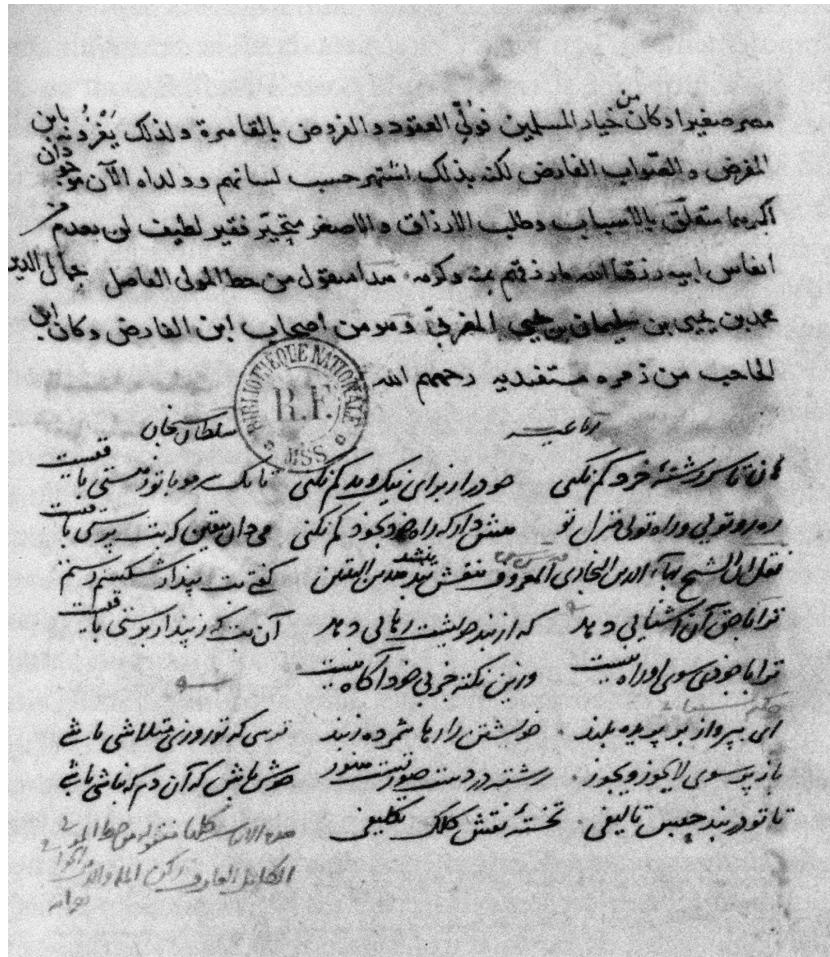
سلامان و ابدال را سرود که موضوع آن از آثار ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی گرفته شده است. بهارستان جامی تقلیدی است از مجموعه حکایات اخلاقی بسیار معروفی که سعدی شیرازی زیر نام گلستان در سده سیزدهم / هفتم در شیراز تألیف کرده است و جامی در اصل آن را برای تعلیم یکی از پسران خود فراهم آورده بوده است.

در میان دیگر آثار جامی چند رساله در زمینه‌های دستور زبان عربی، عروض، عرفان متصوفه (لویح) و همچنین درباره هنر معمّاسازی، شرح اشعار عارفانه (نی نامه) و نیز جزوه‌های دیگر یافت می‌شوند.

جامی در جوانی در سمرقند، که در آن هنگام مرکز تعلیم و تربیت و دارای مدرسه‌های متعدّد بود، شاگرد موسی قاضی‌زاده رومی منجم، درگذشته در حدود سال ۱۴۳۵ / ۸۳۹ بود. موسی منجم در رصدخانه‌ای که الغ بیگ در سمرقند تأسیس کرده بود، کار می‌کرد. جامی به مناسبت همین آموزش رساله‌ای در اخترشناسی تألیف کرد.

در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه نسخه‌ای فارسی به شماره ۵۴۵ یافت می‌شود که در سال ۱۴۵۶ / ۸۶۱ در هرات به دست کاتبی به نام شمس بن محمد بن علی الجامی، بیگمان برای خود عبدالرحمان جامی کتابت شده است و حاوی دو شرح از اشعار عربی ابن الفارض است که یکی از آنها را فرغانی و دیگری را علی همدانی نگاشته است. ناگفته نماند که این شمس بن محمد کاتب همچون خود عبدالرحمان جامی زاده جام از توابع خراسان بوده است.

در این نوشته حواشی بسیار به خط خود جامی دیده می‌شوند که رسم الخط آنها، که کاملاً مشخص است، در مجموعه‌ای از نوشته‌هایی به خط جامی نیز مشهود است، این مجموعه هم‌اکنون در «کتابخانه بیرونی» در تاشکند جای دارد. او در پایان متن موجود در پاریس، که گواه منحصر به فرد فعالیت شاعر جوان در کار درسخوانی و آموزش است، چند رباعی از رکن‌الدین خوافی کتابت شده است. [تصویر شماره ۱۹]



۱۹. چند بیت از اشعار جامی که پس از سطر ششم افزوده شده‌اند و به خط خود او هستند (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن فارسی، نسخه شماره ۵۴۵، برگ ۲۹۱ پشت).

این نکته را باید یادآوری کرد که جامی در سال ۸۱۷ در روستای خَرَجَرِد، در منطقه جام در غرب هرات زاده شده است، اما خانواده‌اش در اصل اهل "دشت" در نزدیکی اصفهان بودند. او شاگرد عارف نقشبند، سعدالدین محمد کاشغری بود که یکی از جانشینان بهاءالدین نقشبند، درگذشته در سال ۱۳۸۹ / ۷۹۲ و خواجه محمد پارسا

در گذشته به سال ۱۴۱۹ / ۸۲۲ بوده است.

جامی به یاد منشأ خانوادگی خود در ابتدا در اشعار خود " دشتی " تخلص می‌کرد و بعدها تخلص جامی را برگزید. او پس از دوره تحصیل در سمرقند، همه عمر خود را تا هنگام مرگ در هرات گذراند. در عین حال دو بار به زیارت مشهد [امام رضا (ع)] در خراسان رفت و در سال ۱۴۷۲ / ۸۷۷ هم به زیارت کعبه در مکه نایل آمد. شیخ جامی، که مراسم تشییع جنازه او در حضور شخص سلطان حسین میرزا بایقرا برگزار شد، از همسر خود، که دختر استادش شیخ سعدالدین کاشغری بود، چهار پسر داشت که هیچ یک از آنان باقی نماند و همه پیش از پدر درگذشتند.

مرگ او در نوامبر ۱۴۹۲ / آبان ۸۹۸ پیش از مرگ امیر علیشیر وزیر روی داد که یکی از دوستان و حامیانش بود. افزون بر این، جامی مکاتبات گسترده‌ای با شیخ بزرگ نقشبند، یعنی خواجه ناصرالدین عبیدالله احرار (۸۰۷ تا ۸۹۶ هـ)، که داماد و جانشین سعدالدین کاشغری در رأس طریقت نقشبندی بود، داشته است. آرامگاه جامی اندک زمانی پس از درگذشت او به صورت زیارتگاه درآمد و بسیار کسان را در کنار قبر او به خاک سپردند همچون شاگردش عبدالغفور لاری، و خواهرزاده‌اش هاتقی شاعر. جامی شاگردانی داشت که از مشهورترین آنان می‌توان افزون بر لاری، از عبدالواسع نظامی و عمادالدین افضل‌الله نام برد.

امیر علیشیر نوایی وزیر که در سال ۱۴۴۱ / ۸۴۵ در هرات زاده شده است، از خانواده دیوانسالاران ترک اویغور بود که به خدمت تیموریان درآمد بودند. پدرش در دربار سلطان ابوسعید صاحب مقام بود. امیر علیشیر از کودکی با حسین میرزا بایقرا، متولد سال ۱۴۳۸ / ۸۴۲ دوستی و ارتباط داشت. آن دو، همچون قهرمانان داستان مهر و مشتری عصار تبریزی شاعر (سروده شده در حدود یک سده پیش از آن در سال ۱۳۷۶ / ۷۷۸)، و احتمالاً برحسب یک رسم رایج، با هم آموزش دیده بودند. علیشیر در آغاز از حدود سال ۱۴۵۵ / ۸۶۰ در کنار حسین بایقرا، در خدمت شاهزاده ماجراجوی عاری از وجدان یعنی بابر به سر می‌برد. پس از آن که بابر درگذشت، او در سال ۸۶۲ به سمرقند رفت و به تحصیل فقه پرداخت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید در سال ۱۴۶۸ / ۸۷۳، سلطان حسین بایقرا قدرت را در هرات به دست گرفت، و علیشیر کمی بعد به خدمت او

درآمد و تا لحظه مرگ در ژانویه ۱۵۰۱ / دی ۹۰۷ در هرات ماند در حالی که مسؤولیتهای گوناگون داشت بی آنکه واقعاً دارای عنوان وزیر باشد.

امیر علیشیر در مقام نویسنده‌ای به زبان ترکی شرقی چغتای بیشتر به نام "نوایی" شهرت دارد و در زمینه زبان و ادبیات چغتای نقشی قابل ملاحظه ایفا کرده است. او یکی از آفرینندگان واقعی ادبیات چغتای به خط عربی است. افزون بر این، او یکی از حامیان جدی شمار انبوهی از هنرمندان و ادبای خراسان، از جمله جامی و خواهرزاده‌اش هاتفی شاعر بود. او درآمد مالی هنگفت داشت. خوشنویسان و نقاشان و مُذهبان در خدمت او کار می‌کردند. او در حدود سال ۸۸۱ به وسیله استاد (مُرشد) خود جامی به طریقه نقشبندی پیوست و تا پایان عمر در این طریقت پابرجا ماند.

سلطان حسین میرزا بایقرا هم که سه سال بزرگتر از علیشیر بود، شاعر بود و به ترکی چغتای شعر می‌گفت. او پنج سال پس از درگذشت علیشیر، در سال ۱۵۰۶ / ۹۱۲ چشم بر جهان فرو بست. او اربابی بس روشن و آگاه بود، به علیشیر دلبستگی تمام داشت و آرا و نظرات او را با کمال میل می‌پذیرفت. لازم است خاطر نشان شود که این افراد، چه در زمینه دینی و چه در عالم ادب، تا چه اندازه به هم پیوسته و نزدیک بودند، و لذا به آسانی می‌توان دریافت که چرا شهر هرات در سالهای ۸۸۰ تا ۹۰۶ هـ به کانون ممتاز زندگی فکری و ادبی تبدیل شده بود.

در هنگامی که نورالدین عبدالرحمان جامی، که شخصیت اصلی این محیط فرهنگی به شمار می‌رفت، در هفتاد و هشت سالگی درگذشت، چنان که دیدیم اثر عظیم و حجیمی از خود برجا گذاشت. جامی پیش از هر چیز شاعری پر کار و اثرآفرین بود. افزون بر نوشته‌هایی که پیش از این از آنها یاد کردیم، او همچون هر ایرانی با سواد دیگر، از روزگار جوانی قطعات شعری پراکنده در انواع مختلف ادبی می‌سرود که عبارتند از:

– قصیده، اشعار بلند مدح‌آمیز متشکل از ابیات هم قافیه؛

– غزل، شعر تغزلی مرکب از پنج تا هفت [؟] بیت که آخرین بیت آن حاوی تخلص جامی است. غزلیات، در مجموعه آثار یک شاعر (دیوان) غالباً برحسب حروف آخر قافیه به ترتیب الفبای فارسی، مرتب می‌شوند؛

– رباعیات، نوعی چهار پاره متشکل از دو بیت که سه مصرع از چهار مصرع آن

هم قافیه هستند؛

– قطعه، نوعی شعر به صورتهای گوناگون و ناتمام مانده؛

– ترجیع، نوعی شعر بلند مرکب از چند قطعه با قافیه‌های مختلف که بیت آخر قطعه

اول در پایان قطعه‌های دیگر تکرار می‌شود؛

– معمّا، چیستان، شعری که معمولاً خیلی کوتاه است.

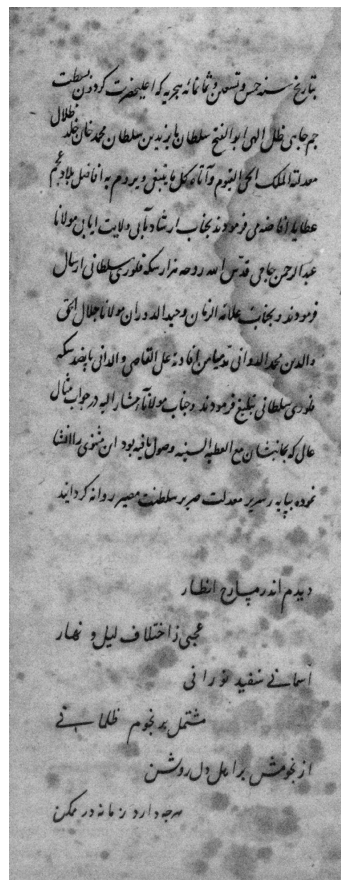
به این ترتیب جامی انواع اصلی سنتی شعر فارسی را در وزنه‌های مختلف آزموده بود، بی آن‌که هیچ یک از شکل‌های کهن شعر فارسی را کم‌ارج بشمارد. او خیلی زود، یعنی به هنگامی که سلطان ابوسعید فرمان می‌راند (۸۵۵ تا ۸۷۳ / ۱۴۵۱ تا ۱۴۶۹) شهرت و محبوبیتی کسب کرده بود، و در همان هنگام سروده‌های خود را گرد آورد و به صورت دیوان مرتب کرد.

این نخستین "تألیف" دیوان جامی در سال ۸۶۷ / ۱۴۶۳ تحقق یافت و به سلطان ابوسعید، نایب‌السلطنه خراسان، اهدا شد. این نکته نشانه این است که شاعر از آن زمان در جست و جوی فرصت برای ایفای نقشی رسمی در جامعه بوده است. چنان‌که از برخی از نسخه‌های خطی دیوان جامی برمی‌آید، او در سال ۸۷۲ / ۱۴۶۸ "تألیف" تازه‌ای از دیوان خود فراهم آورد که صورت بازبینی شده تألیف اول توسط خود او بود. این روایت جدید هم به همان سلطان ابوسعید تقدیم شده است.

چند سال بعد، در حدود سال ۸۸۰ هـ، جامی پس از بازگشت از سفر حج که بین سالهای ۸۷۷ و ۸۷۸ / ۱۴۷۲-۳ انجام گرفت، "تألیف" سومی از دیوان خود تهیه کرد که اشعار تازه خود را بر آن افزوده بود، همچون قصیده «لُجّة الاسرار» که در همان سال سروده بود. همین تألیف سوم است که سرمشق استنساخ‌های بعد شده است و به نام دیوان قدیم جامی اشتهار یافته است. این نسخه حاوی دیباچه‌ای منثور است که به روزگار پادشاهی سلطان حسین بایقرا نگاشته شده است. نخستین چاپ این مجموعه در اواخر سده نوزدهم یعنی به سال ۱۳۲۵ هجری در تاشکند صورت گرفته است.

شهرت جامی خیلی زود به دربار عثمانی رسید و بایزید دوم که از سال ۱۴۸۱ تا ۱۵۱۲ / ۸۸۶ تا ۹۱۷ سلطان عثمانی بود، از جمله دوستاران و ستایشگران او به شمار می‌رفت. او حتی دو نامه برای جامی فرستاد و او را به استانبول دعوت کرد. در سال ۸۹۵

هجری هم پاداشی به مبلغ هزار سکه (فلورن) برایش فرستاد. رونوشت یکی از نامه‌های سلطان بایزید به جامی [به زبان و خط فارسی] در برگ ۱۹۷ مجموعه‌ای از کتابخانه خود بایزید دیده می‌شود. این مجموعه اکنون به شماره ۳۴۲۳ مخزن عربی در کتابخانه ملی فرانسه جای دارد. [تصویر شماره ۲۰]



۲۰. سفینه، مجموعه‌ای در قطع پالتویی بزرگ، حاوی چندین متن شعری و عرفانی که در میانه سده پانزدهم / نهم در هرات و شیراز کتابت شده‌اند. این مجموعه در کتابخانه سلطان بایزید دوم (۸۸۶ تا ۹۱۷ هـ) جای داشته است و حاوی دعوتنامه سلطان خطاب به جامی است. در این سند رونویس شده تأکید شده است که چنان که جامی به دربار عثمانی برود پاداشی شامل چندین صد فلورن دریافت خواهد داشت (کتابخانه ملی، مخزن عربی، شماره ۳۴۲۳، برگ ۱۹۷ پشت).

پاسخ جامی به سلطان بایزید در قصیده‌ای داده شده که دارای پنجاه و نه بیت است و خود جامی آن را در روایت سوم دیوانش نقل کرده است. جامی در سال ۱۴۸۱ / ۸۸۶ به خواهش سلطان محمد دوم - که سلطان بایزید دوم در همان سال جایش را گرفت - ، رساله عرفانی الدرّة الفاخرة را نوشت. البته فاتح استانبول، پیش از آن کوشیده بود تا شاعر را به دربار خود بکشاند. از سوی دیگر، شاهزاده جم / Djem، جوانترین فرزند سلطان محمد دوم، در قونیه درباری باشکوه ترتیب داده بود، و در روزگاری که فرهنگ و ادب فارسی در امپراتوری عثمانی هنوز شکوفا و پررونق بود، او به کارها و آثار جامی توجه خاص نشان می‌داد.

در کتابخانه او نسخه رونویس شده‌ای از سروده‌های جامی یافت می‌شد. این نسخه اکنون در مخزن کتابخانه سلیمانیه در استانبول حفظ می‌شود.^۱

میراث تیموری که اعتبار و حیثیت تمام و وسیع داشت، پس از آن به شکلی خیلی محسوس‌تر، و به سبب مناسبت اوضاع و احوال تاریخی، در ترکیه عثمانی انتشار گسترده یافت. بدیع‌الزمان میرزا، پسر بزرگ سلطان حسین بایقرا، چندگاهی با پدر خود درگیری پیدا کرد تا این‌که سرانجام با پادرمیانی امیر علیشیر نوایی در سال ۱۴۹۸ / ۹۰۴ با همدیگر آشتی کردند. بدیع‌الزمان میرزا، پس از درگذشت پدرش در سال ۱۵۰۶ / ۹۱۲ فرمانروا شد و با همدستی برادر خود شهر و مملکت را اداره می‌کرد. اما در سال بعد (۹۱۳ هـ) ازبکها شهر هرات را گرفتند و شاهزاده از آن جا گریخت، اما پس از چندی یعنی در سال ۱۵۱۳ / ۹۱۹ به خراسان، که در حمایت صفویان، اربابان تازه ایران، بود بازآمد. بدیع‌الزمان میرزا در سال ۱۵۱۴ / ۹۲۰ به هنگام تصرف تبریز به دست سلطان سلیم، در آن شهر بود، و فاتحان عثمانی او را با احترام تمام به استانبول بردند که در همان جا درگذشت. از او پسری ماند به نام محمد زمان میرزا که در دربار پای تخت ترکان سر می‌کرد. این شاهزادگان بخشی از میراث ادبی و هنری هرات را با خود به خاک عثمانی بردند، به گونه‌ای که عثمانیها می‌توانستند به نوعی خود را وارثان قانونی آنها بشمارند.

جامی پس از نخستین مجموعه اشعار خود دو دیوان دیگر تدوین کرد که شهرت و معروفیت سراینده آنها سبب شد که نسخه‌های فراوان از روی آنها کتابت و منتشر شوند. از روی این سه دیوان که مجموعه‌های همگون هستند، نسخه‌های خطی فراوان استنساخ شده‌اند. افزون بر آنها چاپهای مختلفی هم از روی آنها صورت گرفته است که در میان آنها باید مخصوصاً از چاپ اعلاخان افصح‌زاد یاد کرد که در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۸۰ / ۱۳۵۷ و ۱۳۵۹ انتشار یافته است و حاصل پژوهشی علمی است. این متن عمدتاً بر پایه نسخه‌های خطی زیر فراهم آمده است:*

— مجموعه‌ای از همه آثار (کلیات) جامی که به شماره د. ۲۰۴ / D. 204 در مؤسسه خاورشناسی سن پترزبورگ جای دارد و حاوی سه دیوان است. هرچند که این نسخه به خط خود مؤلف نیست، اما به سبب اهمیتی که دارد نسخه اساس کار افصح‌زاد بوده است؛

— نسخه‌ای از همه آثار جامی مورخ ۱۵۰۲-۳ / ۹۰۸-۹ که به دست محمد کاتب هروی در هرات کتابت شده است؛

— چند نسخه دیگر از سالهای ۱۵۰۴ / ۹۱۰، ۱۵۱۹ تا ۱۹۲۷ / ۹۲۵ تا ۹۳۴، ۱۵۱۲ / ۹۱۸ که در فرهنگستان علوم آذربایجان نگهداری می‌شوند که در آنها دیوان اول چشمگیرتر از همه است؛

— نسخه‌ای که میرعلی تبریزی در سال ۱۴۹۲ / ۸۹۸ یعنی سال درگذشت جامی کتابت کرده است و در کتابخانه دانشگاه سن پترزبورگ قرار دارد. این نسخه بر اساس یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های دیوان اول کتابت شده و بعدها تکمیل شده است؛

— نسخه‌ای که در سال ۱۴۸۷ / ۸۹۳ به وسیله نعیم‌الدین کاتب بن صدرالدین در شیراز کتابت شده است و دارای شش پرده نقاشی است. این نسخه که در مؤسسه خاورشناسی سن پترزبورگ جای دارد حاوی روایتی بسیار نزدیک به متن نسخه کتابت

* [دیوان جامی، با تصحیح و مقدمه اعلاخان افصح‌زاد، بار دیگر در سال ۱۳۷۸ در تهران به همت مرکز پژوهشی میراث مکتوب در دو جلد (۹۳۲ + ۷۲۵) منتشر شد که زود نایاب گردید و چاپ تازه آن به زودی منتشر خواهد شد].

شده به وسیله میرعلی تبریزی در ۱۴۹۲ / ۸۹۸ است؛

— مجموعه‌ای از " تمامی آثار " (کلیات) جامی که در کتابخانه ملی ایران در تهران نگهداری می‌شود و متن آن بسیار نزدیک به متن نسخه‌های دیگر است. این نسخه البته فقط حاوی هفده اثر جامی است و افصح‌زاد بر این باور است که این مجموعه نمی‌تواند دستخط خود جامی باشد.

احمد منزوی در جلد سوم فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های مختلف جهان، که او قادر به شناسایی آنها شده است و آن را در سال ۱۹۷۱ / ۱۳۵۰ در تهران انتشار داده است، صورتی از نسخه‌های خطی دیوان جامی به دست داده است. از این صورت برمی‌آید که دیوان اول جامی از سال ۱۴۶۹ / ۸۷۴ یعنی سال کتابت نسخه‌ای که اکنون در کراچی نگهداری می‌شود، و حتی از سال ۱۴۶۵ / ۸۷۰ یعنی سال کتابت نسخه محفوظ در کتابخانه مجلس در تهران، به شهرت رسیده بوده است. بنابراین شگفتی‌آور نیست که از حدود همان سالها منتخبات و تذکره‌ها به‌طور منظم حاوی نمونه‌های فراوان از آثار، به ویژه غزلیات جامی، هستند. و فرقی نمی‌کند که کتاب در کجا تهیه شده باشد: هرات، تبریز، شیراز و شهرهای دیگر و همین نکته به شهرت رسیدن سریع جامی را اثبات می‌کند.

بعدها برای این که این دیوان اول متمایز از روایتهای دیگر باشد نام فاتحة‌الشباب (سراغاز جوانی) بر آن نهاده شد. جالب توجه خواهد بود بدانیم که جامی شهرت خود را مدیون این نخستین دیوان نیست. تهیه آمار و شمارش نسخه‌های محفوظ در کتابخانه‌ها امکان می‌دهد تا این رأی را به اثبات برسانیم.

دیوان دوم، چنان که از دیباچه منشور آن که خود جامی آن را نگاشته است، برمی‌آید، در سال ۸۸۴ یعنی در زمانی که جامی «بیش از شصت سال» داشته، فراهم آمده است. در این دیوان اشعاری در مدح سلطان حسین بایقرا دیده می‌شود. اشعاری هم در پاسخ به سلطان یعقوب آق‌قویونلو که در حدود سال ۱۴۷۸ / ۸۸۳ بر غرب ایران (تبریز) حکم می‌راند است و او نیز حامی بزرگ اهل علم و ادب بوده است، در این دیوان وجود دارد.

همچنین اشعاری در ستایش شخصیت‌های مختلف همچون امیر علیشیر نوایی و شاهزاده بدیع‌الزمان میرزا در دیوان به چشم می‌خورد. در این دیوان مجموعاً ۴۹۳ غزل، ۵۲ قطعه (مقطعات)، ۷۵ رباعی و چند معماً یافت می‌شود.

سومین و آخرین دیوان جامی به نام خاتمة‌الحیات [؟] شهرت دارد. در این نسخه اشعاری در مدح سلطان یعقوب آق‌قویونلو به تاریخ سال ۸۹۶ (۱۴۹۱) جای دارد. جامی در این جلد چند قصیده، ۲۹۶ غزل، ۳۸ قطعه، ۴۵ رباعی و چند شعر دیگر گرد آورده است.

جامی در هنگامی که این جلد را به جامعه عرضه می‌کرد دیباچه‌ای بر هر سه جلد نگاشت. این دیباچه که در ابتدای نسخه کامل آثار (کلیات) او جای دارد، در آغاز همان سال نگاشته شده است.

جامی چندی پس از این تاریخ، دو اثر دیگر بر این مجموعه عظیم افزود که عبارتند از [شرح] فصوص‌الحکم نگاشته سال ۸۹۶، و فوائد ضیائیه که در تابستان ۸۹۷ تألیف شده است. دیگر نوشته‌های جامی به دلایل مختلف بر این "مجموعه آثار" افزوده نشده‌اند.

احمد منزوی در جلد سوم فهرست مشترک که پیش از این از آن نام بردیم، شمار درخور توجهی از نسخه‌های دیوان اول جامی را فهرست کرده است:

— نسخه‌ای به تاریخ ۸۶۹ که در کتابخانه مجلس در تهران حفظ می‌شود و فاقد دیباچه است؛

— نسخه انجمن سلطنتی آسیایی / RAS در لندن که ظاهراً در سال ۸۷۶ کتابت شده است؛

— نسخه‌ای در کتابخانه مجلس سنای [سابق] تهران، که در سال بعد یعنی ۸۷۷ کتابت شده است. در همین سال نسخه دیگری از آن به وسیله هاتف شیروانی کتابت شده که اکنون به شماره R 956 / ۹۵۶ در کتابخانه توقیاتی سرای استانبول جای دارد؛

— در کتابخانه توقیاتی سرای سه نسخه دیگر با تاریخهای ۸۸۳، ۸۸۷ و ۸۸۸ یافت می‌شوند همراه با چندین نسخه دیگر که در اواخر سده پانزدهم / نهم نگارش یافته‌اند؛

— در کتابخانه رامپور هندوستان هم نسخه‌ای به تاریخ سال ۸۸۸ محفوظ است. احمد منزوی در فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های پاکستان^۲ دو نسخه دیگر را بر این صورت افزوده است:

— یک نسخه، مورخ سال ۸۷۳ ه در موزه ملی کراچی که به وسیله خوشنویس نامی هرات، یعنی سلطان علی (مشهدی) کتابت شده است و حاوی دیباجه مفصل منثور است؛

— در همین موزه ملی کراچی نسخه‌ای به خط محمد بقال یافت می‌شود که در سال ۸۷۷ (۱۴۷۳) کتابت شده است و حاوی رباعیات و غزلیات است که در حاشیه دیوانی از قاسم انوار نگارش یافته‌اند. این نسخه متأسفانه هیچ نشانه و اشاره‌ای به محل کتابت آن ندارد.

بر این نسخه‌های دیوان اول جامی می‌توان یک نسخه ۲۹۷ برگی را افزود که حاوی غزلیات و مقطعات و قطعه‌های دیگر است و در اول ربیع‌الاول سال ۸۹۳ / ۱۴ فوریه ۱۴۸۸ به وسیله نعیم‌الدین کاتب بن صدرالدین کتابت شده است. این نسخه در ۶ و ۷ آوریل ۱۹۹۸ / ۱۷ و ۱۸ فروردین ۱۳۷۸ در هتل دروئو / Drouot به فروش رفت.^۳ این نسخه مخصوصاً از این جهت مهم و درخور توجه است که حاوی چندین پرده نقاشی است که یکی از آنها روی دو صفحه مقابل هم کشیده شده است و یک مجلس بارعام شاهانه را نشان می‌دهد. پرده دوم تصویر فرهاد و شیرین را نشان می‌دهد، و پرده پنجم تصویر صحنه‌ای از بازی چوگان است. تصویرها به سبک ترکمن ترسیم شده‌اند، اما نسخه در شیراز فراهم آمده است. این نسخه از اولین نسخه‌های مصور دیوان جامی است.

چنان که دیدیم، وجود شمار نسبتاً فراوان نسخه‌های قدیمی موفقیت عظیم آثار جامی را که در عین کهنگی و سنتی بودن نو و مبدعانه‌اند، ثابت می‌کند.

ناشران امروزی متن سه دیوان جامی، به گونه‌ای که شگفتی آور می‌نماید، نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه ملی فرانسه را که در عین حال تعدادشان هم فراوان است،

نادیده گرفته‌اند. تهیه و ارائه فهرستی سریع از این نسخه‌ها خالی از فایده نیست. در این‌جا مخصوصاً نسخه‌هایی مورد توجه قرار دارند که حاوی دیوان اول هستند (و تعدادشان در مجموع هجده نسخه است).

۱. در درجه اول باید کلیات ۶۲۰ برگگی را یاد کرد که به شماره ۸۲۲ [تصویر شماره ۲۱] در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه جای دارد، ولی ناقص است و قسمتی از آن افتاده است. این نسخه را سرهنگ ژان باتیست ژانتی در حدود سال ۱۷۷۵ / ۱۱۸۹ در هندوستان، احتمالاً در فیض‌آباد یا دهلی، خرید و برای آنکتیل دوپرون به پاریس فرستاد. این نسخه در اصل به کتابخانه سلاطین مغول هند تعلق داشته است.

کاتب این نسخه درویش محمد بن امیر سرخ بن امیر شیخ محمد است و زمان کتابت آن از ششم خرداد تا ۲۶ دیماه ۸۹۶ است. بنابراین در هرات و قطعاً در زمان حیات جامی کتابت شده است. این نسخه پیش از اتمام دیوان سوم (در سال ۸۹۶ یا کمی پس از آن) نگاشته شده است و بنابراین فاقد متن این دیوان است. در برگ ۴۲۰ این نسخه مهر ابوالغازی سلطان حسین خان بهادر دیده می‌شود*، لذا به کتابخانه سلطان حسین تعلق داشته و به احتمال قوی برای او کتابت شده بوده است.

این نسخه حاوی بخش عمده‌ای از آثار منثور و منظوم جامی است، از جمله هفت اورنگ و دیوانهای اول و دوم. به دلیلی که از آن آگاه نیستیم، متن دیوان دوم (در برگهای ۴۲۰ پشت تا ۴۶۳) پیش از دیوان اول که همین عنوان را دارد (برگهای ۴۶۴ پشت تا ۵۵۴ پشت) کتابت شده است که البته فاقد دیباجه مقدماتی است، اما در عوض دارای مقدمه‌ای منثور است. محتوای نسخه از قصاید، غزلیات، قطعه، رباعیات و معما تشکیل شده است. زبان اشعار این نسخه نزدیک به زبان نسخه شماره ۱۳۳۱ کتابخانه بیرونی تاشکند است که در سال ۹۰۸ در هرات کتابت شده است.

۲. از اواخر قرن پانزدهم / نهم دو نسخه در دست است که حاوی فقط منتخبی از غزلیات دیوان اول هستند. نسخه اول به شماره ۳۴۹ در مخزن فارسی کتابخانه ملی

*. همان مهر روی فرمان شماره ۲۰۵۱۷ موزه ملی ایران در تهران دیده می‌شود.

فرانسه منتخبی حاوی ۱۷۸ غزل جامی است که در سال ۱۴۹۷ / ۹۰۳ کتابت شده است، و چنان که از سبک و سیاق آن برمی آید ظاهراً در شیراز استنساخ شده است. نسخه دوم به شماره ۳۲۳ در مخزن فارسی، منتخب دیگری است که فقط ۸۵ غزل از دیوان اول را در بر دارد، اما نه تاریخ آن ثبت شده است و نه محل استنساخ آن (جز این که چنین می نماید که به اواخر سده نهم و اوایل سده دهم هجری تعلق دارد).

۳. دیگر نسخه‌های خطی دیوان اول که در پاریس یافت می شوند، اندازه‌های مختلف دارند و شماره اشعار موجود در آنها بسیار متغیر است. مثلاً نسخه شماره ۱۸۱۲ مخزن فارسی که در مهر ماه ۹۲۵ به وسیله مقصود بن بایزید هروی کتابت شده است، حاوی چند قصیده و ۸۴۰ غزل است.^۴ مقصود بن بایزید هروی خوشنویسی هراتی است که به هنگام حرکت همایون به سوی هند، به خدمت او درآمد. نسخه شماره ۱۸۳۴ مخزن فارسی که کاتبش ناشناخته است، رونوشتی از دیوان اول است که در سال ۱۵۳۸ / ۹۴۵ در شیراز روی کاغذی که متناوباً به رنگهای اخراپی و گل‌بهی است، نوشته شده است، و احتمال می رود که به خط مرشد کاتب شیرازی باشد. این نسخه حاوی دیباچه مشهور و تقریباً ۸۶۰ غزل است. نسخه شماره ۵۴۸ مخزن فارسی که از طریق اسقف لوفور دو کومارتن / Mgr Le Fèvre de Caumartin به کتابخانه ملی رسیده است، در سال ۱۵۴۵ / ۹۵۲ در تربت جام، نزدیک هرات و زادگاه جامی، کتابت شده است و حاوی ۸۸۲ غزل است. نسخه شماره ۲۰۰۰ مخزن فارسی که در حدود سال ۱۵۲۰ / ۹۲۷ یا ۱۵۳۰ / ۹۳۷ احتمالاً در تبریز و به وسیله درویش محمد استنساخ شده است حاوی متن دیوان اول است که در برگهای ۵۲ پشت تا ۲۷۰ جای دارد و تقریباً ۸۷۵ غزل را دربر می گیرد. نسخه شماره ۵۵۳ مخزن فارسی که احتمالاً در سال ۱۵۶۵ / ۹۷۳ کتابت شده است حاوی ۸۴۴ غزل است، یعنی اندکی کمتر از نسخه قبل. این کتاب را برادران وکی یتی در سال ۱۶۰۸ / ۱۰۱۷ از ایران به ایتالیا برده‌اند. و بالأخره نسخه شماره ۲۲۵ مخزن فارسی که در سال ۱۵۳۵ / ۹۴۲ به دست شمس‌الدین بن زین‌الدین در ایران کتابت شده است حاوی قصاید، ترجیع‌بند و ۹۲۹ غزل است. در مجموع، نسخه‌ای که افصح‌زاد تصحیح و

چاپ کرده است ۱۰۱۰ غزل و ۱۸۴ قطعه شعر گوناگون دیگر دارد. در این میان، نسخه شماره ۵۴۹ مخزن فارسی که در سال ۱۵۵۹ / ۹۶۷ در خاک عثمانی کتابت شده است حاوی فقط ۷۱۷ غزل از دیوان اول است؛ و نسخه شماره ۵۵۰ مخزن فارسی که در اواخر سده شانزدهم / دهم نگارش یافته است حاوی فقط ۴۹۷ غزل و چند قطعه درهم آمیخته است که منشأهای متفاوت دارند.

چندین نسخه قدیمی دیوان اول که منشأ عثمانی دارند و اکنون در پاریس نگهداری می‌شوند، امکان می‌دهند تا چگونگی انتقال متن را مشخص کنیم. در میان این نسخه‌ها می‌توان از نسخه شماره ۱۴۹۸ مخزن فارسی یاد کرد که به مجموعه "شه فر" و پیش از آن به «مدرسه سلطنتی جوانان زبان» در قسطنطنیه تعلق داشته است. این نسخه که در اواخر سده پانزدهم / نهم فراهم آمده است، از آن شخصی از اهالی بورسه / بروسه / Bursa در جنوب غربی ترکیه بوده است اما انجامه ندارد. این نسخه به طور معمول دارای تقریباً ۸۸۰ غزل است.

همچنین نسخه شماره ۱۳۸۴ مخزن فارسی که آن هم جزو مجموعه "شه فر" بوده است، مجموعه‌ای از سه دیوان با دیباچه‌های آنهاست. دیوان اول که در برگهای ۲ پشت تا ۲۸۶ پشت نگاشته شده است، دارای تقریباً ۸۸۰ غزل است. کاتب این نسخه شناخته نیست و نسخه تاریخ هم ندارد اما پس از سال ۱۴۹۲ / ۸۹۸ کتابت شده است. سبک تذهیبات آن یادآور سبکی است که در اواخر سده پانزدهم / نهم در کارگاههای استانبول رواج داشت. صحافی آن یادآور صحافیهایی است که در همان روزها در کارگاه امپراتوری عثمانی رایج بودند.^۵ افزون بر این، یک مهر یا نشانه که نشان از مالک آن دارد، به صورت "طغرا" (قوس مانند) در چهار جای مختلف نسخه دیده می‌شود که ثابت می‌کند که این نسخه جزو کتابخانه شاهزاده جوان، محمد (۱۵۲۱ تا ۱۵۴۳ / ۹۲۸ تا ۹۵۰) پسر سلیمان قانونی بوده است. اما متأسفانه هیچ نشانی وجود ندارد تا به کمک آن دریابیم که چه کسی در دربار عثمانی چندین سال پیش از آن دستور یا سفارش استنساخ آن را داده بوده است.

در میان این نسخه‌های "عثمانی" دیوان اول در کتابخانه ملی فرانسه حق این است که از نسخه شماره ۵۵۲ مخزن فارسی جداگانه یاد کنیم، بویژه این که این کتاب مؤید این نکته است که کسانی که این نسخه‌ها برای آنان نگاشته می‌شدند چندان اهمیتی به تعداد دفترهای گردآوری شده در یک مجلد شعر - که بسیار هم متغیر بود - نمی‌دادند. افزون بر این که کمیّت یعنی تعداد سطور تعیین‌کننده میزان دستمزد کاتب بود، و با توجه به این که کاتب غالباً از حفظ می‌نوشت، چنین می‌نماید که نسخه "کامل" (آن هم با وجود خطر الحاق اشعار ساختگی و جعلی) لزوماً مطلوبترین نسخه نبوده است. این نکته مخصوصاً در مورد اشعار جامی، که به شیوه‌های مختلف منتقل می‌شدند و بسیاری از اهل ادب آنها را حفظ بودند، صدق می‌کند.

نسخه شماره ۵۵۲ مخزن فارسی^۶ دارای ۲۲۶ برگ است که از کاغذ شرقی رنگ شده به رنگ گل‌بهی بارگه‌های عمودی تشکیل شده است به استثنای برگ ۱۴۴ که در حدود سالهای ۳۰ - ۱۵۲۰ / ۹۲۷ تا ۹۳۷ بازسازی شده است.^۷ جزوهای آن، به جز چند مورد استثنایی، چهار برگه هستند چنان که در آن هنگام در ایران رسم بود، و حال آن که عثمانیها غالباً جزوهای پنج برگه را می‌پسندیدند.

متن دیوان اول جامی به خط نستعلیق دقیق و مرتب نگاشته شده است اما به نظر نمی‌رسد که دستخط یک خوشنویس بزرگ بوده باشد. هر صفحه آن دارای هجده سطر است. سرفصلها با مرکب آبی، سفید، زرد یا قهوه‌ای نگاشته شده‌اند و چنین می‌نماید که بعداً به هنگام مرمت کتاب افزوده شده‌اند. همچنین است آغازه تذهیب شده ابتدای کتاب که عبارت «الله الکافی» در آن درج است. جدولهای صفحات هم بعداً افزوده شده‌اند.

این نسخه شماره ۵۵۲ مخزن فارسی پیش از آن جزء مخزن شرقی صومعه سن ژرمن د پره / Saint-Germain des Près بوده است که به دنبال مصادره‌های انقلابی در سال ۱۷۹۶ / ۱۲۱۱ به کتابخانه ملی انتقال یافت. پیش از آن جزء موقوفه‌ای بود که اسقف متز هانری شارل دو کمبود و کوئازلن / Metz Henri-Charles du Cambout de Coislin

(۱۶۹۷ تا ۱۷۳۲ / ۱۱۰۹ تا ۱۱۴۵) در سال ۱۷۳۱ / ۱۱۴۴ به کتابخانه آن صومعه واگذار کرده بود. این کتاب پیش از آن به کتابخانه غنی پی‌یر سِگییه / Pierre Séguier صدر اعظم تعلق داشته است. به نظر می‌رسد که پس از درگذشت پی‌یر سِگییه در سال ۱۶۷۲ / ۱۰۸۳ دو تن به نامهای مِلشیزدش ته ونو / Melchisédech Thévenot و کلود هاردی / Claude Hardy آن را پیدا کرده و صورت برداری کرده بوده‌اند. کلود هاردی یادداشتی را که در پشت صفحه سفید دوم دیده می‌شود، نوشته است که حاوی بهای کتاب به مبلغ شصت لیره است. این کتاب پیش از آن که به کتابخانه "سِگییه" برسد جزء کتابخانه هانری اوگوست لومه نی دو بری یین / Henri Auguste Loménie de Brienne بود که در سال ۱۶۶۶ / ۱۰۷۷ درگذشته است. دنیس دو لائه - وانتوله / Denys de La Haye-Ventelet سفیر فرانسه در کشور عثمانی این کتاب را در حدود سال ۱۶۵۵ / ۱۰۶۶ از استانبول برای "بری یین" فرستاده بود. این نکته را یادداشتی که در برگ سفید سوم اول کتاب دیده می‌شود و به خط خود دنیس دو لائه است، تأیید می‌کند. در همین صفحه یادداشتی به زبان ترکی حکایت از آن دارد که کتاب پیش از آن به خزانه امپراتوری عثمانی (خزانه عامره) تعلق داشته است.

مُهر یا نشانه‌ای که در برگهای ۱ و ۲۲۶ دیده می‌شود و حاوی "طُغرا"ی سلطان سلیم دوم (سلطنت از ۱۵۶۶ تا ۱۵۷۴ / ۹۷۴ تا ۹۸۲) است، نشان می‌دهد که این کتاب به کتابخانه سلطان تعلق داشته است. چندین مُهر دیگر که قدمت بیشتر دارند هنوز رمزگشایی نشده‌اند. مثلاً در برگ ۱۴۳ پشت، نقش یک مُهر دایره‌وار دیده می‌شود که کاملاً پاک شده است اما هنوز عبارت «توکلنا علی خالق» و اسم مصطفی در آن خوانده می‌شود. این مُهر دارای شکلی شبیه شکل مُهر سلطان سلیم اول است و احتمالاً نشان صدر اعظم عثمانی به نام مصطفی است که در سالهای ۱۵۱۷ و ۱۵۲۰ / ۹۲۳ و ۹۲۷ متصدی این منصب بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد که این نسخه جزء غنایمی است که عثمانیها پس از پیروزی بر صفویان در جنگ چالدران یا کمی بعد در حدود سال ۹۲۰ در تبریز به چنگ آورده بودند.

در برگ ۱۶۸ پشت و مخصوصاً در برگ ۱۷۲ پشت مُهرهای قدیمی‌تری دیده می‌شوند که از آن بزرگان ایرانی هستند. در برگ ۱۷۲ پشت نامهای میرمحمد با صفت "کمینه"، میرمحمد، "غلام شاه ولایت" دیده می‌شوند. عبارت اخیر نشان می‌دهد که صاحبِ مُهر در خدمت پادشاهان صفوی شیعی بوده است. در برگ ۱۵۶ پشت مُهری با نامهای دوازده امام شیعه و تاریخ ۹۰۷ - که احتمالاً سال هجری است - به چشم می‌خورد. نکتهٔ دیگر این است که نسخه هیچ‌گونه انجامه‌ای ندارد و می‌توان تاریخ کتابت آن را پایان قرن پانزدهم / نهم، و حداکثر اولین سالهای سدهٔ شانزدهم دانست.

این نسخه فاقد دیباچهٔ منثور است و هیچ قصیده‌ای در آن ضبط نشده است، و فقط پنج قطعهٔ چاپ افصح‌زاد، شماره‌های ۳۸ تا ۴۲، در آن دیده می‌شوند. این نسخه پیش از انتقال به خاک عثمانی دارای ۹۴۸ غزل بوده که نوزده غزل از آنها حک شده است یا روی آنها را با مرکب پوشانده‌اند. به این ترتیب این نسخه بس کامل بوده است زیرا که بعد از غزلیات ۳۷ قطعه، ۱۱۷ رباعی و ۵ معما در آن ضبط شده است. این نسخه به دلیل محتوایش با قدیمی‌ترین نسخه‌های هرات، از جمله نسخهٔ D. 204 / ۲۰۴ محفوظ در سن پترزبورگ هم‌خانواده است. اما محل کتابت آن تاکنون دانسته نشده است جز این که احتمال می‌رود که در غرب ایران کتابت شده باشد.

این نسخه عاری از آرایه‌های تذهیبی است اما همچون غنیمت به استانبول برده شده است. در همین جاست که تشخیص داده‌اند که درخور آن است که از جلدی فوق‌العاده زیبا برخوردار گردد، به همین جهت روی جلد و پشت جلد آن و آسترهای آن را لاک زده‌اند تا جلا پیدا کنند. [تصویر جلد] آرایه‌ای که روی جلد و پشت آن نقاشی شده است، و احتمالاً به فرمان صدراعظم مصطفی انجام گرفته است، ترکیبی است از بنمایهٔ سنتی کهنِ هالهٔ بادامی شکلِ چند پره و بنمایهٔ درخت واق واق که شاخه‌هایش به سرهای آدمی شکل تمام می‌شوند. وقتی که باد می‌وزد این سرها داد و فریاد راه می‌اندازند. این گونه تصویرسازی سابقهٔ دیرینه دارد: همان گونه که از روایت فارسی اسکندرنامهٔ کالیستن دروغین^۸ برمی‌آید. این درخت در هند می‌روید. در کار صحافی و تجلید، فن لاک

رنگ آمیزی شده از هرات به استانبول رسیده بود، و از سال ۱۵۱۰ / ۹۱۶ به بعد در پای تخت عثمانی رواج و رونق گرفت که نمونه‌های بسیار از آن موجود است.^۹ بر این نسخه، علاوه بر جداول و سرلوح مقدماتی پانزده پرده نقاشی افزوده شد، و منطقی خواهد بود اگر تصور کنیم که این کار در حدود سال ۱۵۳۰ / ۹۳۷ صورت گرفته است. در عین حال دو نکته امروز مایه شگفتی ما هستند. نخست این که مالک نسخه برای این کار متن نوزده غزل را پاک کرده است. دیگر این که تصویرها دقیقاً بیانگر متنهایی هستند که پیش از آنها جای دارند. در نتیجه می‌توان گفت که این تغییرات کار نقاشی هستند که خواندن خوب می‌دانسته است و همواره دقت داشته است که صحنه مطرح در یکی از ابیات متن پیش از تصویر را، به دقت نقاشی کند. در آن هنگام نمونه‌های فراوان از نقاشی ایرانی در دست بوده‌اند که نقاش این نسخه از آن "مجموعه" سنتی بهره گرفته است. در عین حال نام و امضای نقاش در هیچ یک از پرده‌ها ضبط نشده است.

اکنون مناسب می‌نماید که برای هر یک از این تصاویر شماره غزل مناسب با آن را از روی دیوان چاپ افصح‌زاد نقل کنیم. در برگهای ۶۶ پشت، ۸۵ پشت، ۱۰۲ پشت، ۱۲۲ پشت، ۱۴۹ پشت و ۱۹۸ پشت ناچار شده‌اند یکی از ابیات غزل مربوط را در یک گوشه کوچک از کاغذ بنگارند (کاغذ تصاویر اروپایی است و به نظر می‌رسد که شبیه کاغذ برگ ۱۴۴ باشد). علت این کار الزامات صفحه‌آرایی و ضرورت نوشتن صورت کامل غزل بوده است. نقاشیها به این شرح هستند:

۱. برگ ۲۲ پشت (۱۴۷×۸۸ میلیمتر)، شهریاری (شاید سلطان حسین بايقرا؟) است که بر تخت نشسته است و در حضور چند نوازنده دو ادیب یا شاعر را به حضور می‌پذیرد که یکی از آنان (جامی) کتاب (شعر) خود را به او تقدیم می‌کند. غزل شماره ۸۴ در چاپ افصح‌زاد.

۲. برگ ۲۸ (۱۱۴×۱۰۶ میلیمتر)، چندین شخصیت در حال نماز در برابر خانه کعبه هستند، و سه شخصیت دیگر (که یکی از آنان جامی است) از پشت یک دیوار کوتاه به

- آنان می‌نگرند: دو کیوتر در خانه کعبه، غزل شماره ۱۰۹.
۳. برگ ۴۲ پشت (۱۰۱×۱۰۰ میلیمتر)، دو شخصیت (که یکی از آنان جامی است؟) به جوانی زیبا رو که در ایوان ظاهر شده است می‌نگرند و از خود می‌پرسند: «آن سرو ناز، بر لب بام ایستاده، کیست؟»، غزل شماره ۱۷۵.
۴. برگ ۶۶ پشت (۹۴×۹۱ میلیمتر)، مجنون برابر چادر لیلی ایستاده است در حالی که کنیزی به او نزدیک می‌شود.
۵. برگ ۷۶ [تصویر شماره ۲۲] (۱۱۷×۱۴۶ میلیمتر)، چند نفر در حال نوشخواری در جشنی که شهریار هم در آن شرکت دارد. مهتر شهریار دهانه اسب او را دم در خانه در دست دارد: «دوش در بزم گدا شاه فرود آمده بود»، غزل ۳۲۶.
۶. برگ ۸۵ پشت (۱۱۹×۱۲۴ میلیمتر)، در ضمن شکار یک شکارچی مورد حمله شیر قرار گرفته است. شیر از پا درآمده و دیگر شکارچیان می‌کوشند تا پیکانها را از تن آن بیرون بیاورند: «نخستین تیر کاندازی، فکن بر سینه ریشم»، غزل ۳۷۰.
۷. برگ ۱۰۲ پشت (۸۴×۹۰ میلیمتر)، مردی (جامی شاعر) جوانی را بغل می‌کند: «نامه کز خوبان رسد تعویذ جان می‌خوانمش»، غزل ۴۸۹.
۸. برگ ۱۲۲ پشت (۹۴×۱۴۹ میلیمتر)، چند نفر، از جمله سلطان و جامی که در حال خواندن یک شعر است، در جشنی شرکت کرده‌اند، غزل ۵۸۰.
۹. برگ ۱۳۳ پشت (۸۰×۹۹ میلیمتر)، جامی شاعر در یکی از تالارهای کاخ با یک مرد جوان در حال گفت و گو است، غزل ۶۲۹.
۱۰. برگ ۱۴۹ پشت (۹۶×۱۰۸ میلیمتر)، یک ساقی برای جوانی که جامی در کنارش نشسته است، باده می‌ریزد، در همان حال مردی وارد حیاط کاخی که آن دو در آن نشسته‌اند، می‌شود: «شراب را که به هر جا حرام می‌دانند»، غزل ۷۰۲.
۱۱. برگ ۱۸۱ (۱۰۷×۱۱۷ میلیمتر)، در بیابانی، زیر یک درخت خرما، مردی در حال گفت و گو با مجنون است که انواع ددان او را در میان گرفته‌اند و او با آنها زندگی می‌کند: «گفتی: بگوی قصه جامی، چه حاجت است...»، غزل ۸۹۴.

۱۲. برگ ۱۸۵ پشت (۱۰۵ × ۱۳۸ میلیمتر)، در ضمن جشن که درون یک باغ برپا شده است جامی شاعر شعری را برای یک مرد جوان می‌خواند. این مصورسازی آخرین بیت غزل ۸۶۹ است.

۱۳. برگ ۱۹۱ [تصویر شماره ۲۳] (۹۱ × ۱۰۰ میلیمتر)، مردی جوان در حال نوشیدن باده است و در همان حال جامی برایش شعر می‌خواند و سه نوازنده ساز می‌نوازند: فلوت، چنگ، ضرب. متنی که همراه با تصویر است حاوی این مصراع است: «بانگ چنگ و نی که ورد آن نماز است این همه»، غزل ۸۸۸.

۱۴. برگ ۱۹۸ پشت (۱۱۴ × ۱۶۷ میلیمتر)، یوسف در مصر فروخته شده است. عزیز که او را خریده است او را به نزد پادشاه می‌برد، در حالی که زلیخا از یکی از پنجره‌های کاخ به این صحنه می‌نگرد: «خریدار تو زان رو شد جهانی / که چون یوسف به خوبی گشته فاشی»، غزل ۹۳۸.

۱۵. برگ ۲۰۶ (۱۱۶ × ۱۱۹ میلیمتر)، جامی شاعر وارد حیاط دربار شهریار جوان می‌شود و با او گفت و گو می‌کند. در بیرون از آن جا یک مهتر با یک اسب دیده می‌شوند: «تا چند گرد کوی تو کردم، گهی پرس / کاین جاچه می‌کنی و طلبکار کیستی؟»، غزل ۹۷۸.

می‌توان سبک این نقاشیها را با سبک نقاشیهای نسخه شماره ۹۹۳ مخزن ترک کتابخانه ملی فرانسه مقایسه کرد که نسخه معروف دیوان حسینی یعنی سلطان حسین بایقرا به زبان ترکی جغتایی است. این نسخه به وسیله سلطانعلی مشهدی خوشنویس در سال ۸۹۰ هـ در هرات برای کتابخانه خود سلطان حسین کتابت شده است. اما چنین می‌نماید که تذهیبکاری آن در سالهای آخر سده نهم در زمان حیات سلطان حسین انجام گرفته است. سرفصلهای کتاب نیز همزمان با تذهیب آن نوشته شده‌اند. البته تعیین زمان و مکان دقیق کشیده شدن نقاشیها به آسانی ممکن نیست. نمی‌توان پذیرفت که این کار در هرات و در سالهای بازپسین سلطنت سلطان حسین انجام گرفته باشد زیرا که با آنچه به نام "سبک بهزاد" می‌شناسیم تفاوت آشکار دارند. این نقاشیها وجوه مشترک فراوان

با آثار صفوی سالهای ۱۵۲۰ تا ۱۵۲۵ / ۹۲۷ تا ۹۳۲ دارند، جز این که دستارها به هیچ وجه شبیه دستارهای صفوی نیستند و هیچ نشانی از اصلاح در آنها دیده نمی‌شود. در واقع، همان گونه که شچوکین / چوکین Stchoukine تصور کرده بود، تقریباً مسلم است که در نسخه شماره ۹۹۳ مخزن ترک با نقاشیهای بسیار عالی و کاملاً ممتازی سر و کار داریم که، پیش از سال ۱۵۳۰ / ۹۳۷ به هنگام برآمدن سلطان سلیمان قانونی، در استانبول به نسخه افزوده شده‌اند. تزیینات کاغذ ابری برخی از حواشی احتمالاً کمی بعد از این تاریخ فراهم آمده‌اند، زیرا که شهریاری که در برگ ۲ پشت به چشم می‌آید سلطان سلیمان است که در سال ۱۵۲۰ / ۹۲۷ بر تخت نشسته است. نمونه دیگری که قابل مقایسه با این نسخه است، نسخه‌ای از اشعار نظامی است که به شماره ۱۳۹۴۸ در مخزن شرقی کتابخانه بریتانیا / British Library جای دارد که آن هم از غنایم جنگی سال ۱۵۱۷ / ۹۲۴ است و به روزگار سلطان سلیمان در استانبول نقاشی شده است.

نسخه شماره ۵۵۲ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه دارای پرده‌های نقاشی است. در ۲۳ آوریل ۱۹۹۷ / ۳ اردیبهشت ۱۳۷۶ در لندن کتابی به شماره ۸۶ به فروش رفت که نسخه‌ای از رساله اخلاقی واعظ کاشفی یعنی اخلاق محسنی است و دارای یازده پرده نقاشی است که یکی از آنها در ابتدای نسخه روی دو صفحه کشیده شده است. شمسه ابتدای نسخه اگر اصیل باشد حکایت از این دارد که نسخه در سال ۹۰۰ هجری تقدیم به کتابخانه شاهزاده ابوالحسن کتابت شده است. ابوالحسن میرزا یکی از فرزندان سلطان حسین بایقر است، و نام کتاب اخلاق محسنی از نام او گرفته شده است. او حکمران مرو بود و در سال ۱۵۰۷ / ۹۱۳ درگذشت. ابوالعلاء سودآور اخیراً به گونه‌ای قانع کننده نشان داده است که در آثاری همچون اخلاق محسنی نقاشیها، و حداقل نقاشی دو صفحه‌ای اول کتاب بر یک نسخه قدیمی‌تر افزوده شده‌اند، و این کار در تبریز (یا به سبک رایج در تبریز)، در حدود سال ۹۳۷ برای یک کتابدوست عثمانی انجام گرفته است.^{۱۰}

حل مسأله برخی از نسخه‌های خطی که نقاشیهای آنها دیرتر و ظاهراً در تبریز برای

مجموعه داران زنده در امپراتوری عثمانی به منظور آراستن و زیبا کردن کتابهایی که در هرات کتابت شده بودند، کشیده شده‌اند کار ما نیست. به هر حال آنچه مسلم می‌نماید هنرمندان ایرانی پس از ماجرای چالدران تبریز را به قصد استانبول ترک کرده‌اند و تولیدات سالهای ۹۲۷ تا ۹۳۷ امپراتوری عثمانی نشان دهنده توفیق و قبول نقاشی ایرانی مکتبهای هرات و تبریز در میان عثمانیهاست.

نسخه خطی شماره AF92 کتابخانه ملی وین در اتریش^{۱۱} نیز می‌تواند از لحاظ وجود وجوه مشابهت بسیار نزدیک با نسخه شماره ۵۵۲ مخزن فارسی مورد مطالعه قرار گیرد. این نسخه مجموعه‌ای از اشعار فارسی کمال خجندی شاعر نامدار اواخر سده چهاردهم / هشتم است. دوروته دودا / Dorothea Duda در تحقیق بسیار دقیقی تزیینات این نسخه تاریخ کتابت آن را میان سالهای ۹۲۶ تا ۹۳۶ هجری و محل کتابت آن را استانبول دانسته است. این نسخه دارای نام یک کاتب است که فقط یک بار ضبط شده است: عبدالرحیم، که شاید همان خوشنویس معروف باشد که در تبریز در خدمت آخرین امیران آق‌قویونلو بود. مهر شاهزاده عثمانی، محمد فرزند سلیمان، که در ۱۵۴۳ / ۹۵۰ درگذشته است، روی نسخه دیده می‌شود. دو نقاشی برگهای ۲ پشت و ۳ یک صحنه شکار را نشان می‌دهند که ایوان شچوکین تصور کرده بود شهریاری که در تصویر در حال شکار است خود سلطان محمد عثمانی است. در این تصویر نقش و نگارهای بسیار با آدمها و جانوران گوناگون نقاشی شده‌اند. در برگ ۱۳۷ پشت، صحنه شکار شیر نقاشی شده است که احتمالاً اثر همان قلم برگهای ۲ پشت و ۳ نیست، اما به هر حال کار یک هنرمند ایرانی‌الاصل است.

این نسخه موجود در وین که در فاصله سالهای ۱۴۹۳ تا ۱۴۹۶ / ۸۹۹ تا ۹۰۲ در تبریز به دست عبدالرحیم خوشنویس کتابت شده است، در حدود سال ۱۵۱۴ / ۹۲۰ یا کمی پس از آن، در ضمن یکی از لشکرکشیهای سلطان سلیم اول به آذربایجان، به صورت غنیمت جنگی به استانبول برده شد، و احتمالاً به وسیله دو نقاش اهل تبریز مصور شده است. این تصویرها همچنین از لحاظ سبک نمایانگر تأثیر سبک هرات

هستند. " دوروته دودا " به همان شیوه که دیوان کمال خجندی را بررسی کرده است به بررسی کتابی دیگر، که دیوان شاهی است، پرداخته است که آن هم در سالهای ۹۲۷ تا ۹۳۷ در استانبول به اتمام رسیده و به شماره ۳۹۹ در کتابخانه ملی وین جای دارد.

نقاشیهای این نسخه نزدیکی تمام به تصویرهای نسخه شماره AF92 وین و نسخه شماره ۵۵۲ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه دارند. افزون بر اینها می‌توان از نقاشیهای دیگر مرتبط با این تصویرها یاد کرد، همچون برگ ۱۱۳ شاهنامه‌ای در کتابخانه تویقایی سرای استانبول (به شماره H ۱۵۹۷ - ۱۵۹۸) که می‌توان تاریخ آن را سال ۱۵۲۵ دانست.^{۱۲} این تصویر سلطان سلیم اول را در جنگ چالدران در سال ۱۵۱۴ / ۹۲۰ در برابر سپاهیان صفوی نشان می‌دهد. در این تصویر هم به همان شیوه، و البته به گونه‌ای ساده و اجمالی، گیاهان و مخصوصاً افراد با یک رشته رگه‌ها و خطوط ساده نشان داده شده‌اند. بدیهی است که سبک آن هنوز " خیلی ترکمنی " است.

برای تکمیل این مبحث باید از سه نسخه غریب‌الصغر نوایی که تاریخ کتابتشان را می‌توان میان سالهای ۹۲۷ تا ۹۳۷ هـ دانست یاد کرد. این نسخه‌ها به شماره‌های Or. 13061، Or. 4125 و Or. 5346 [Or. ملخص Oriental به معنای شرقی] در کتابخانه بریتیش لایبرری لندن حفظ می‌شوند. نورا تایتلی / Norah Titley تأثیر نزدیک و کامل سبک کارگاههای تبریز را در این نسخه‌ها مورد تأکید قرار داده است. همچنین باید به تصویرهای یک دیوان سلطان حسین بایقرا که در سال ۸۹۷ هـ در هرات به وسیله سلطانعلی مشهدی کتابت شده است، اشاره کرد. این نسخه هم اکنون به شماره EH. 1636 در مجموعه تویقایی سرای استانبول جای دارد. آیا این تصویرها هم از جمله تصویرهایی که در حدود سال ۹۲۷ در استانبول - و نه در هرات - کشیده شده‌اند، نیستند؟ تصویر اول نسخه که روی دو برگ مقابل هم کشیده شده است بیش از حد تصور یادآور تصویر نسخه شماره ۹۹۳ مخزن ترکی کتابخانه ملی فرانسه است و نشان می‌دهد که این نسخه‌ها تا چه اندازه به همدیگر ارتباط دارند و تقریباً از یک خانواده‌اند. در هر حال این نسخه‌ها امکان می‌دهند تا پیوند فرهنگی‌یی را که دربار هرات را در

حدود سال ۱۵۰۰ / ۹۰۶ از طریق تبریز به دربار استانبول پس از سال ۱۵۱۵ / ۹۲۱ می‌پیوست، بهتر تشخیص بدهیم.

نتیجه

همان‌گونه که در مورد آثار خود جامی صدق می‌کند، می‌توان در برآمدن سده شانزدهم / دهم در جهان عثمانی شاهد هجوم و رونق نمونه‌های تازه کتابت و نقاشی که ریشه در ایران داشتند، بود. این نمونه‌ها که در آغاز مورد ستایش و تعریف بودند، خیلی زود مورد تقلید قرار گرفتند، و به اقتضای سلیقه‌های حامیان هنرپرور و ادب دوست و هنرمندانی که غالباً ایرانی بودند یا به وسیله هنرمندان ایرانی الاصل آموزش دیده بودند، جابه‌جا شدند و دامنه و گسترش یافتند. نوعی بیان تصویری که متأثر از نبوغ هنرآفرینانی همچون بهزاد بود، نخست در تبریز و پس از آن در دنیای عثمانی رواج گرفت و در همه‌جا پراکنده شد. بهزاد افزون بر این در همان مکاتب صوفیانه آموزش دیده بود که جامی، و در این زمینه هر دو با یکدیگر همکاری کرده بودند.

نادیده گرفتن تأثیر شعر - و تفکر - جامی و فرهنگ ایرانی در سراسر خاور نزدیک و خاور میانه در اواخر سده پانزدهم / نهم و اوایل سده شانزدهم / دهم، اشتباهی بزرگ خواهد بود. مطالعه عمیق تأثیر آرا و نظریات شاعرانه، عرفانی، اخلاقی و زیبایی‌شناختی‌یی که جامی انتشار داده است و آنها را به فهم عامه نزدیک کرده است، امکان خواهد داد تا برخی از دگرگونیها و تحولات سلیقه و هنر زیستن نخبه‌های این کشورها را بهتر درک کنیم.

یادداشتها

۱. نسخه خطی ایاصوفیه به شماره ۴۰۰۹.
۲. احمد منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های پاکستان، جلد چهارم، اسلام‌آباد، ۱۹۸۶ / ۱۳۶۵.
3. *Drouot Richelieu, Salles 1 et 7, Lundi 6 et mardi 7 avril 1998, n° 295.*

هر صفحه این نسخه دارای دو ستون پانزده سطر است.

۴. در سی‌ام آوریل ۲۰۰۳ / ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۲ در حراج ساتبی / Sotheby لندن فروخته شد. این کتاب حاوی نسخه دیگری از دیوان است که در همان سال و به وسیله همان خوشنویس کتابت شده است.

۵. جولیان رابی...، صحافی کتاب در ترکیه سده پانزدهم / نهم...،

Julian Raby - Zeren Tanindi, *Turkish Bookbinding in the 15th Century. The Foundation of an Ottoman Court Style*, Londres, 1993.

۶. همچنین بنگرید به: فرانسیس ریشار، شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۸۹، ص ۱۴۱.

۷. با استفاده از کاغذ اروپایی رنگ زرد خورده، حاوی ته نقشی به شکل کله گاو از همان نوع که به شماره‌های ۱۵۳۶۷ تا ۱۵۳۸۰ در فهرست سی. ام. بریکه معرفی شده‌اند:

C-M. Briquet, *Les Filigranes. Dictionnaire historique des marques du papier de leur apparition vers 1282 jusqu'en 1600*, reprint, Amsterdam, 1968, t. II et IV.

و چون کاغذ آن همان کاغذ عطف است، این امر امکان می‌دهد تا تاریخ این بازسازیها را میان سالهای ۱۵۲۰ تا ۱۵۳۰ / ۹۲۷ تا ۹۳۷ تعیین کنیم.

۸. تصویر این درخت مثلاً در کتاب عجاینامه جلایری، که در اواخر سده چهاردهم / هشتم نگاشته شده است، دیده می‌شود. نسخه شماره ۳۳۲ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه، برگ ۱۶۰ پشت.

۹. برای نمونه بنگرید به: راجرز (و) وارد، سلیمان قانونی،... /

J.M. Rogers et R.M. Ward, *Süleyman the Magnificent*, Londres, 1988, n° 24-a, p. 80-81.

10. A. Soudavar, "The concepts of *al-aqdamo asahh* and *yaqîn-e sâbeq*, and the problem of semi-fakes", *Studia iranica*, 28 (2), 1999, p. 264-266.

۱۱. نگاه کنید به صفحات ۳۰ تا ۳۳ جلد اول کتابهای مذهب ... /

Dorothea Duda, *Illuminierte Handschriften. I. Persische Handschriften*, Vienne, 1983.

12. Rogers Ward, *Suleyman the Magnificent*, *op. cit.*, n° 41, p. 104. Titley, *Persian Painting*, p. 142-143 et fig. 79, p. 235. Rogers, *The Topkapi Saray Museum*, Boston, 1986, n° 61, p. 90.

سرلوح مُذْهَب:

تزئین رایج نسخه‌های خطی فارسی

تا کنون دربارهٔ ویژگی وجود نوارها یا قابهای مُذْهَبِ مستطیل شکلی که معمولاً و به کرات در صدر متون یافت می‌شوند و جزئی از هنر کتاب‌آرایی ایرانی هستند تحقیق و بحثی صورت نگرفته است^۱، اما اگر بنخواهیم اندکی بر سر این موضوع درنگ کنیم ملاحظه خواهیم کرد که این قابها و جدولهایی که غالباً با آنها همراهند شایع‌ترین نوع تزئین هستند که به کرات در کتابها دیده می‌شوند. چنان که این نکته در تقریباً یک چهارم مجموعه‌های موجود در کتابخانه ملی فرانسه صدق می‌کند. این نسخه‌های مخزن فارسی حاوی این نوع نماهای ابتدایی مستطیلی یا قاب گنبدی شکل هستند. در بررسی اجمالی زیر، به رغم عدم تناسب اصطلاحات فنی و فقط بر اساس عُرفِ صرف برای این نوع تزئینات اسم پیشانی مثلثی مُذْهَب یا نمای آغازهٔ مُذْهَب را به کار می‌بریم.

این تزئینات به سبب جایگاهی که در کتابها دارند تا اندازه‌ای "پیلِه / Pylé" نسخه‌های خطی یونانی، قبطی و اتیوپیایی را به ذهن متبادر می‌کنند. البته هیچ نشانه‌ای که بر پیوند میان این بنمایه‌ها دلالت کند، وجود ندارد. شاید فقط با مشابتهای صوری سر و کار داریم: شیوه‌ای برای مشخص کردن، البته به گونه‌ای خاص، سرآغاز یک کتاب، همچون دروازهٔ ورودی یک ساختمان. در فرهنگ‌گوازهٔ سرزمین اسلامی شرقی چندین واژه برای بیان این قابهای مستطیل شکل وجود دارد. از سدهٔ نوزدهم / سیزدهم به بعد کتابداران و مجموعه‌داران غالباً از اصطلاح "سرلوح" برای وصف تزئینات مُذْهَب

آغازین کتابها استفاده کرده‌اند که با تزیینات دیگر (معروف به "شمسه" که یادآور خورشید و اشعه آن است) تفاوت دارند. امروز در ایران گاهی اصطلاح "عنوان" به کار می‌رود که در درجه اول به معنای سرفصل (تیترو) و اسم (عنوان) است. دانشمندان ایرانی و هندی که یادداشتهایی برای وصف نسخه‌های خطی کتابخانه‌های سلطنتی در قرون هفدهم / یازدهم و هجدهم / دوازدهم می‌نوشتند غالباً این اصطلاح (لوح یا سرلوح) را به کار می‌بردند. اما یکی از دشواریهای کار ناشی از این است که این مستطیلهای مُذَهَب غالباً همچون عنصر سازنده و اصلی صفحه‌های دوگانه ابتدای نسخه‌های نفیس قرآن یا متون ادبی فارسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به این معنی که اصل بنمایه تغییر شکل نمی‌دهد بلکه فقط چهار بار - در بالا و پایین متن - تکرار می‌شود و در یک ترکیب تزیینی پیچیده‌تر ادغام می‌شود.

البته می‌توان استعمال اصطلاح سرلوح را برای آنچه در ابتدای یک کتاب دیده می‌شود، و در معنای عنوان، ترجیح داد. به همین ترتیب استعمال این اصطلاح در مورد کتیبه و سرآغاز یک کتاب یا باب یعنی به معنای عنوان مُزین و حتی عنوان اصلی، ایرادی ندارد زیرا که این قابهای مستطیلی آغازین در غالب اوقات حاوی عنوان کتاب یا یک کتیبه هستند.

وانگهی این اصطلاحها در طول زمان و بر حسب مکانهای مختلف تغییر کرده‌اند یا تغییر معنا داده‌اند. تا کنون تحقیق منظمی درباره این تزیینات و تاریخ آنها انجام نگرفته است، و فقدان چنین تحقیقی بیگمان عامل اصلی سردرگمی ما برای یافتن اصطلاحهای مناسب و تعریف و توضیح دقیق این بنمایه‌هاست.

اما هر چند که شمار اندکی تحقیق در زمینه این تزیینات غیر تصویری وجود دارد، در برخی از فهرستنامه‌های مصور یا در پژوهشهایی که درباره نسخه‌های خطی مذهب فارسی^۲ انجام گرفته‌اند، نکاتی یافت می‌شوند که اگر گرد آورده شوند، ممکن است راه را برای انجام تحقیق نظام‌مند این پدیده از ورای سبکها و دوره‌ها هموار سازند. پیچیدگی مسائلی که به آنها برخورد می‌شود و مقدار بس انبوه مواد و مصالحی که باید تجزیه و

تحلیل شوند تاکنون مانع از آن شده‌اند که چنین کاری آغاز گردد و به نتیجه برسد. لذا قصد ما در این جا فقط جلب توجه به ممتاز و خاص بودن این تزیینات و خاطر نشان کردن اهمیت و فایده آنهاست. این نکته انکار ناکردنی است که در زمینه کتابهای اسلامی و مخصوصاً کتابهای فارسی یا کتابهایی که زیر تأثیر فرهنگ ایرانی فراهم آمده‌اند، مشابهت و همخوانی بنمایه‌های این قابها با بنمایه‌های به کار گرفته شده در تزیینات ساختمانها برآستی شگفتی آور است. قابهای سرلوحها یادآور بنمایه‌های مستطیل شکلی هستند که بر بالای دیوارها یا پیشانی بسیاری از بناهای عمده مثل مساجد و کاخها یافت می‌شوند. خوشنویسی در این موارد غالباً نقش اصلی را دارد. و اگر خوشنویسی به کار گرفته نشده باشد از فقط طوماریهای سرستون یا اسلیمیها استفاده شده است، اما همین تزیین هم غالباً با خوشنویسی در آمیخته است. این پیوند نزدیک میان معماری و هنر کتاب‌آرایی نباید مایه شگفتی باشد. در کارگاههای مربوط به یک ارباب هنرور و ادب دوست گروههای مختلف هنرمندان و صنعتگران زیر نظر استادان هر فن کار می‌کردند، و این هنرمندان و صنعتگران از کارهای معماران سرمشق می‌گرفتند و بنمایه‌هایی را که در پیرامون خود می‌یافتند به کار می‌بردند.

بدین سان آگاهی ما از تزیینات ساختمانهای بزرگ و آثار یادمانی^۳ با تحقیق در زمینه بنمایه‌های مذهب نسخه‌های خطی همان مکان و همان دوره کامل تر می‌شود. تجزیه و تحلیل سبکهای نگارش نمی‌تواند مستغنی از مطالعه همزمان گچ‌بریها، آجرها، چوبهای تراشدار (منبت)، سفالهای لعابدار و تذهیبها باشد. همان گونه که خوشنویسان بزرگ غالباً ناچار می‌شدند که خوشنویسیهای بزرگ به یادماندنی و خوشنویسی بر روی پارچه یا نسخه‌های خطی تهیه کنند، به همان ترتیب تذهیبکاران، یعنی استادکاران همین سرلوحهای صفحات کتابهای تجملی و شکوهمند هم بوده‌اند که در مقام مدیران کارگاههای سلطنتی کار می‌کرده‌اند، که به روزگار ابراهیم سلطان تیموری در شیراز، حداقل یکی از آنان را می‌شناسیم: نصر (یا ناصر) مذهب سلطانی^۴ که در حدود سالهای ۱۴۳۰ تا ۱۴۳۵ / ۸۳۴ تا ۸۳۹ مدیر کارگاه سلطان بوده است. نمی‌توان تصور

کرد که او به وسیله هنرمندانی که زیر دستش کار می‌کرده‌اند طرحهای تزئینی تازه‌ای در همان سبک و سیاق برای ارباب خود که سلطان فارس بوده است، تهیه نکرده باشد. وانگهی، تهیه سرلوحهای تذهیب شده مستلزم آن بود که هنرمند در به کار بردن طلا، که در بیشتر موارد به صورت مایع آمیخته با سفیده تخم مرغ به کار می‌رفت، استاد باشد. یعنی که او تذهیبکار - طلا انداز (مُذهِب) و استادکار اصلی سرلوح تذهیب شده بود. برخی از این مُذهِبان، همچون خوشنویسان بس نامدار هستند.^۵ اما در مجموع خیلی کم از هنر خود سخن گفته‌اند.

سرمنشأ تذهیب

یکی از محتمل‌ترین سرمشقه‌های قابهای مستطیل شکل تزئینی را که می‌توان گفت در بالا سر نخستین کلمات متن گذاشته می‌شود، باید در میان نمونه‌هایی جست و جو کرد که در ابتدای سوره‌های برخی از قرآنهای مُذهِب گذاشته می‌شوند. این نمونه در واقع سرمشقی تمام عیار برای خوشنویسان و هنرمندانی است که در زمینه کتاب کار می‌کنند. در برخی از نسخه‌های خطی قدیمی کتاب قدسی، در آغاز سوره‌ها این گونه قابهای مستطیل شکل حاوی نوشته‌ای خوشنویسی شده با یک عنوان، که غالباً به خط طلا اندازی شده است، و تزئینی متشکل از گل‌های زیبا یا اسلیمی دیده می‌شوند. احتمالاً این نوع تزئین، به گونه‌ای طبیعی، به نسخه‌های غیر قرآنی نفیس اشاعه یافته است. مثلاً در یک نسخه روایت عربی کليلة و دمنه (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن عربی، شماره ۳۴۶۵، برگهای ۹۴ و ۱۱۱) که احتمالاً در بین النهرین کتابت شده است، و به نظر می‌رسد که نسخه‌ای کامل است، برای مشخص شدن فصلها در ابتدای هر فصل این نوع قابهای مزین به کار رفته است. این نسخه به سده سیزدهم / هفتم تعلق دارد.

از این گذشته، در نسخه‌های قدیمی‌تر هم، مثل روایت عربی رساله تریاق / La Thériaque منتسب به جالینوس که در سال ۱۱۹۹ / ۵۹۶ کتابت شده است (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن عربی، شماره ۲۹۶۴) و متأسفانه محل کتابت آن معلوم نیست - هر چند که موصل را منشأ اصلی آن می‌دانند -، نمونه‌های کاملی یافت می‌شوند که در آنها

خوشنویسی عنوانها و تزیینات اسلیمی در هم ترکیب شده‌اند.

وقتی که سخن از سرلوحهای آغازین تذهیب شده در معنای واقعی کلمه به میان می‌آید، نمونه‌های آن را در نسخه‌های خطی قرآن از اواخر سده یازدهم / پنجم و آغاز سده دوازدهم / ششم بازمی‌یابیم. چنین تزیینی که کلمه الله سه بار در آن تکرار شده است^۶ در نسخه شماره ۷۲۶۳ مخزن عربی کتابخانه ملی یافت می‌شود، که شاید در دوره سلجوقی کتابت شده است و بتوان تاریخ آن را در حدود سال ۱۱۰۰ / ۴۹۵ تعیین کرد. در قرآن بُست / Bost که مورخ سال ۱۲-۱۱۱۱ / ۵۰۵ است و به شماره ۶۰۴۱ در مخزن عربی کتابخانه ملی فرانسه جای دارد، چندین سرلوح دیده می‌شود که برخی از آنها تزیین اسلیمی دارند (برگ ۱۲۱، و غیر آن). یک سرلوح هم مزین به دو قاب تزیینی است (برگ ۳۴). یک سرلوح با سه دایره زینت یافته است (برگ ۴۹)، و یک سرلوح دیگر مزین به یک بیضی و دو دایره در ابتدای سوره ۲۸ (قصص) است. قرآن بُست احتمالاً در کارگاه سلطان مسعود غزنوی کتابت شده است. هنر تذهیب - که پیچیده و متنوع است - در این نسخه به حدّ انکار ناپذیری از بلوغ رسیده است: سرلوحهای مستطیل شکل به صورت جزء جدایی‌ناپذیر تزیینات کتابها درآمده‌اند.^۷

در یک نسخه عربی که در سال ۱۱۰۸ / ۵۰۲ به روزگار سلطنت محمد پسر ملکشاہ سلجوقی کتابت شده است و احتمالاً قرار بوده است که وقف یکی از مدارس سلجوقیان باشد، و نسخه‌ای از قانون مسعودی بیرونی است، در کنار عنوانهای خوشنویسی شده طلائندازی شده (چنان که در برگ ۷۶)، نمونه‌ای از یک سرلوح مذهب واقعی (برگ ۳۰) دیده می‌شود. این نسخه به شماره ۶۸۴۰ در مخزن عربی کتابخانه ملی فرانسه جای دارد.

یک نسخه از لطایف الحکمه (شماره ۱۲۱ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه) دو قرن دیرتر به سال ۶۸۴ هـ به وسیله ابوالحامد بخاری در قونیه، و به سبک سلجوقی آسیای صغیر کتابت شده است. در سرلوح آن در برگ^{۸۴} یک کلمه به خط کوفی سه بار خوشنویسی شده است. یک مزرع طلائندازی شده هم با سه گیاه نورزسته در سرلوح

دیده می شود.

کتاب شرف‌النبی راوندی که در سال ۶۸۰ هجرت ثبت شده است و به شماره ۸۲ در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه حفظ می شود، در برگ ۲ پشت [تصویر شماره ۲۴] دارای یک پیشانی‌بند تذهیب شده با بُنمایه موی بافته و کتیبه‌ای بر زمینه اسلیمی است. محل کتابت آن تعیین نشده است، اما سبک آن کاملاً نزدیک به نسخه‌ای است که در حدود سی سال بعد در شیراز کتابت شده است. افزون بر اینها، در یک نسخه خطی دیگر کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۱۴ مخزن فارسی که نسخه‌ای از کتاب معروف امام محمد غزالی به نام کیمیای سعادت است و در سال ۱۳۰۸ / ۷۰۸ به دست یحیی الدودی استنساخ شده است، پیشانی‌بندهای مذهب با گل و بوته‌های حاشیه‌ای دیده می شوند که خیلی نزدیک به تذهیبهای نسخه شماره ۹۵ مخزن فارسی^۹ هستند و تزئینهایشان یادآور تزئینهایی هستند که در قرآن‌ها ملاحظه می شوند. جالب این است که این نسخه هم در شیراز کتابت شده است و کاتب آن در خدمت شاهان اینجو بوده است که از سال ۱۳۰۳ تا ۱۳۵۷ / ۷۰۳ تا ۷۵۹ سلطنت کرده‌اند. یک نسخه دیگر کتابخانه ملی فرانسه، نسخه شماره ۱۲۹۴ مخزن فارسی،^{۱۰} یک رساله پزشکی است حاوی متن ذخیره خوارزمشاهی که سرآغاز بابهای مختلف آن با سرلوحهای مختلف مشخص شده است که در میان آنها می توان به سرلوح برگ ۶۴ پشت اشاره کرد. کاتب این نسخه عبدالکریم شیرازی نام دارد و کتاب را در سال ۱۳۲۶ / ۷۲۷ ظاهراً در شیراز به اتمام رسانده است. تزئینات این کتاب هم نمونه و گواه دیگری از سبک اینجوست. از این کتاب نسخه‌های متعدد در کتابخانه‌ها یافت می شود.

ایلخانان یعنی سلاطین مغول ایران تا حدود سال ۱۳۴۰ / ۷۴۰ بر سر قدرت بودند، و لذا فعالیت کارگاههای آنان ارزش آن را دارد که اندکی بر سر آن درنگ کنیم. این کارگاهها وسیعاً سنت هنر کتاب‌آرایی کارگاههای آخرین خلفای عباسی بغداد را کسب و حفظ کردند، اما در عین حال دستاوردهای بسیار دیگر هم بر آن افزودند.^{۱۱} در این زمینه باید از مجموعه کلان آثار عربی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر یاد کرد که به

شماره ۲۳۲۴ در مخزن عربی کتابخانه ملی فرانسه جای دارد،^{۱۲} و میان سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ / ۷۰۷ تا ۷۱۰ در تبریز، در کارگاه معروف وزیر به نام رُبَع رشیدی کتابت شده است.

نام مُذْهَب نسخه را که مسؤول تزیین آن بوده است، می‌شناسیم: محمد بن عقیف بن منصور الکاشی «نقاش» (تصویرگر، تزیین‌کار) که از سال ۱۳۰۵ / ۷۰۵ در خدمت سلطان اولجایتو بوده است.^{۱۳} تأثیرهای هنر بغداد و دیگر کانونهای هنری در سرلوحهای مستطیل شکل متعدد و متنوعی که سرآغاز هر رساله را تزیین می‌کنند و در این نسخه گرد هم آمده‌اند، با هم ترکیب شده‌اند. چنان که در برگ ۳۶ اسلیمیهای که زمینه آبی و تزیینی کاملاً شبکه وار دارند، برگ ۶۲ پشت با زمینه قهوه‌ای و دو چهار گوشه در دو طرف، برگ ۱۶۰ پشت با بنمایه‌های جانوری در چهار گوشه‌های کناری، برگ ۱۶۸ پشت با زمینه آبی و تزیین گل و بوته، و برگ ۳۱۴ پشت با قاب‌بندهای کناری که بس شگفتی آور می‌نماید، دیده می‌شوند. غنای فوق‌العاده مجموعه تذهیبها برآستی شگفتی آور و درخور توجه است. در این تزیینات طلا نسبتاً کم به کار رفته است، اما در این کتاب، با وجود قطع بسیار بزرگی که دارد، نمونه‌های انواع تزییناتی مشاهده می‌شوند که به شکلهای مختلف در قرن بعد سرمشق قرار خواهند گرفت. می‌توان میان این تزیینات و تزیینات کاشیها مقایسه‌هایی انجام داد.

در حدود همان زمان، یعنی تقریباً در سال ۱۳۳۰ / ۷۳۰ در کارگاه ایلخانی تبریز شاهنامه‌ای استنساخ شده که بعداً اوراق شده و برگهایش پراکنده شده‌اند. بازرگانی به نام دموت / Demotte که شاهنامه اوراق شده به نامش اشتها یافته است، یک برگ از آن را به کتابخانه ملی فرانسه فروخته است که حاوی یک عنوان در یک قالب مستطیل شکل شبیه قاب سرلوحهاست. [تصویر شماره ۲۵] این برگ، به شماره ۱۹۴۶ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه، در مقایسه با تزییناتی که در مجموعه سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ / ۷۰۷ تا ۷۱۰ خواجه رشیدالدین ملاحظه می‌شوند، دارای یک قاب اضافی است که با رشته‌های گل و بوته تزیین شده است و خط آن با نهایت دقت به نگارش درآمده است.

در ابتدای (برگ ۷ پشت) یک کلیله و دمنه موجود در کتابخانه ملی فرانسه (به شماره ۳۷۶ در مخزن فارسی)^{۱۴} تزییناتی کاملاً شبیه تزیینات شاهنامه دموت دیده می‌شوند که در حدود سال ۱۳۷۰ / ۷۷۲ یا ۱۳۸۰ / ۷۸۲ در غرب ایران (تبریز یا بغداد) تهیه شده‌اند و حال آن که خط آن متعلق به سده سیزدهم / هفتم است. در این کتاب سرلوح در بالای عبارت «بسمله» به خط کوفی سده سیزدهم / هفتم تهیه شده است.

آغاز سبک " سنتی مرسوم "

از یک دسته دیگر از نسخه‌های خطی باید جداگانه یاد شود. منظور نسخه‌هایی هستند که به سبک مکتب " مظفری " کتابت شده‌اند. این سبک در فارس (کرمان، یزد و شیراز) در فاصله سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۴۰۰ / ۷۶۲ تا ۸۰۳ در روزگاری رایج بوده است که سلاطین مظفری به گونه‌ای گسترده و قابل توجه از فعالیت‌های ادبی و هنری حمایت می‌کردند. در این دوره شکل‌های تازه‌ای در تذهیب رواج می‌یابند، و تزیینات در کتابهایی که قطع کوچک دارند، خیلی ریز می‌شوند که عناصر و اجزای آنها با نهایت ظرافت ترسیم و رنگ‌آمیزی شده‌اند. در این سبک هر چند که تأثیر مکتب تبریز مشهود است آثار مکاتب دیگری نیز که تعیین سرمنشأ آنها آسان نیست، مشاهده می‌شود. البته گمان می‌رود که برخی از این مکاتب تا اندازه‌ای ریشه خاور دوری و هندی داشته باشند.

در مقام نخستین نمونه این سبک می‌توان از نسخه شماره ۱۷۷۸ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه یاد کرد که در سال ۱۳۶۶ / ۷۶۸ به وسیله کاتبی کتابت شده است که فقط ابتدای نام او به صورت علی بن محمد خواناست (و دنباله نامش ممکن است " کاشی " از شهر کاشان باشد). این نسخه مجموعه‌ای از همه آثار (کلیات) سعدی است که به خطی خاص که یادآور خط نسخه‌های دوره مظفری است، نگاشته شده است. در میان پیشانی بندهای مذهب یا سرلوح‌های این نسخه می‌توان در برگ ۵۱ پشت به یک مستطیل اشاره کرد که در آن هنرمند تذهیبکار به گونه‌ای عجیب و شگفتی‌آور مستطیل و قاب سرلوح را به هم پیوند داده است؛ در برگ ۱۰ یا در برگ ۱۵ پشت، دو چهارگوشه تزیینی را از دو سوی کتیبه مرکزی به یکدیگر متصل کرده است، و این شیوه در پایین

همان برگ ۱۰ نیز دیده می‌شود؛ در برگ ۹ پشت یک قاب نوشته مرکزی با زمینه نرده‌وار ظریف درون یک مزرعه آبی رنگ با تصاویر سایه نمای گلکاری شده طلا اندازی شده مشاهده می‌شود (نوعی تزیین که یک سده بعد رونق و رواج بسیار یافت). برگ ۱۱۵ پشت دارای یک نوشته کوفی و تزیینی است که در آن رنگ آبی غلبه دارد، در حالی که برگ ۱۴ حاوی یک قاب به رنگ گل سرخ چند پره با سطوح آبی است. در مجموع تنوع این تزیینات برآستی شگفتی‌آور است.

تزیینات نسخه شماره ۱۵۱۸۱۷ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه که یک خمسه نظامی است، با دقت و ظرافت خیلی بیشتری انجام گرفته‌اند. این نسخه در سال ۱۳۶۱ / ۷۶۳ به دست احمد بن حسین بن سانح [؟] هروی به احتمال زیاد در فارس یا کرمان و ظاهراً برای یکی از شهریاران مظفری فراهم آمده است. در میان پنج سرلوح موجود در این نسخه، سرلوح برگ ۱۸ پشت با نوشته کوفی، دسته گل طلا اندازی شده، قاب موی بافته طلایی و وجود یک پیشانی‌بند چند پره که یادآور تزیینات بناهای یادمانی است، از همه شاخص‌تر است. سرلوح برگ ۱۳۴ پشت که در آن رنگ آبی غلبه دارد، حاوی یک گل پیاز واقعی است که به زینتی ختم می‌شود که گویی گنبد مسجد است. افزون بر اینها هلالهای ماه نیز وارد سرلوح شده‌اند. در بالای سرلوح برگ ۹۹ پشت، که عنوان آن هم به خط کوفی تزیینی است، یک دسته هلال در هم با بنمایه تکراری دیده می‌شود. در این کتاب بیشتر اشکال سرلوح که بعدها رواج خواهند یافت، دیده می‌شوند: مستطیل تنها، مستطیل همراه با گنبد، مستطیل همراه با هلالهای تکراری ...

نسخه شماره ۲۷۶ مخزن فارسی^{۱۶} در سال ۱۳۸۰ / ۷۸۲ به وسیله یک پزشک در کرمان کتابت شده است. در ابتدای نسخه (برگ ۲ پشت) سرلوحی دیده می‌شود که یک نوار ساده قسمت فوقانی مستطیل آن رازینت می‌دهد. تذهیب نسخه اصیل است و از دو قاب کوچک تشکیل شده است که عبارت «السلطان العالم» در آن خوانده می‌شود. در کتاب دیگری که چند سالی پس از آن در فارس تهیه شده است، شمار قابل توجهی سرلوح به چشم می‌خورد. این کتاب که به شماره ۸۱۶ در مخزن فارسی کتابخانه ملی

جای دارد از لحاظ سبک نگارش و آرایش به نسخه شماره ۱۴۶۹ مخزن فارسی^{۱۷}، که مجموعه کوچکی از سه دیوان است، شباهت دارد. و اما کتاب مورد نظر ما نسخه حجیمی است که آثار سعدی، نظامی و امین‌الدین بلیانی در آن گرد آورده شده‌اند و حاوی شمار قابل توجهی سرلوح تذهیب شده است. این سرلوحها هم از لحاظ ظرافتشان و هم از جهت تنوع قابل توجه هستند. بر پایه نوشته‌ای که در شمسه مرکزی برگ اول قرار دارد، معلوم می‌شود که تصویر (رسم) این نسخه به وسیله مطهر بن محمد مذهب در سال ۱۴۰۴ / ۸۰۶ برای شبلی، شهریار مظفری فارس، که تیموریان او را از تخت انداختند، تهیه شده است. تزیینات این نسخه نشاندهنده غنای تصویرها و تزیینات تذهیبکاران فارس در اواخر عصر مظفریان و اوایل کار تیموریان است. یکی از نخستین سلاطین تیموری که از سال ۱۳۹۴ / ۷۹۷ به بعد در شیراز فرمان راند پیر محمد است که او و جانشینانش در فارس با سنتی شکوفا و جا افتاده در قلمرو هنر کتاب‌آرایی مذهب رو به رو شدند و با حمایت از آن با علاقه‌مندی این سنت را ادامه دادند.

صفحه اول برگ اول نسخه ۸۱۶ مخزن فارسی از لحاظ تزیین بسیار غنی است، و در مرکز آن بنمایه سرلوحی به صورت هاله بادامی شکل و پره‌دار دیده می‌شود. این یکی از نخستین نمونه‌های تزییناتی است که در آنها سرلوح در صفحه مذهب ابتدای نسخه ادغام شده است. پس از آن دو یا چهار سرلوح مشابه که در تزیینات صفحه‌ها کار رفته‌اند، دیده می‌شود. روی هر یک از آنها دو متن مستقل از یکدیگر نگاشته شده است: در برگ ۴ یک سرلوح مستطیل شکل در وسط صفحه تصویر شده است، و سرلوح دوم به شکل بیضی است. در این تصاویر رنگهای آبی و طلایی غلبه دارند، و قاب آنها در نهایت دقت کشیده شده است. نسخه شماره ۸۱۶ حاوی ۳۴ مستطیل تذهیب شده سرلوحی است که مذهب آنها یعنی مطهر بن محمد توانسته است حد اعلای هنر خود را نشان دهد. در برگ ۲۳۵ پشت، هلالهای ماه با گلهای طلایی کاشته شده در زمینه آبی به چشم می‌خورند. در برگ ۹ پشت، هاله بادامی شکل مرکزی، در زمینه‌ای به رنگ آبی حاوی نوشته‌ای به خط "ثلث" طلالاندازی شده است اما زمینه مستطیل به رنگ سیاه با

شاخه‌های گل مُطلا در مرکز آن است. در برگ ۳۸ پشت، دو عنصر دایره‌وار در دو سوی مستطیل مرکزی مشاهده می‌شود. این بنمایه یادآور بنمایه سرلوح نسخه شماره ۷۴۵ مخزن فارسی^{۱۸} است که در سال ۱۳۸۴ / ۷۸۶ در شیراز فراهم آمده است و حاوی اشعار عماد فقیه است. بالأخره این که در برگ ۵۰۸ بار دیگر هلالها ظاهر می‌شوند و قاب مرکزی که شکلی پیچیده دارد، بر فراز ابرهای مزرعه‌ای مرکب از شبکه گل‌های سرخ بسیار ظریف کشیده شده است. این تزیین برای قابهای عنوانهای فصلها، مخصوصاً از سال ۱۴۲۰ / ۸۲۳ به بعد بسیار رواج یافته است، هر چند که پیش از آن در اوایل سده چهاردهم / هشتم در تبریز رایج بوده است.

نسخه شماره ۹۹۸ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه که به وسیله شخصی به نام حسن بن ابراهیم فراهم آمده است، مجموعه‌ای از اشعار سلمان ساوجی است و نمونه خوبی از سبک دوره مظفریان به‌شمار می‌آید. این نسخه دارای سه سرلوح است که بکلی با یکدیگر فرق دارند، ولی می‌توان آنها و مخصوصاً سرلوح سوم را از همان سبک سرلوحهای نسخه شماره ۸۱۶ و مخصوصاً سرلوح برگ ۹ پشت، دانست. یک نسخه دیگر به شماره ۶۷۳ در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه وجود دارد که مجموعه‌ای از اشعار شاهدخت جهان خاتون (دیوان جهان خاتون) است و میان سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ / ۷۸۲ تا ۷۹۲ کتابت شده است. تعیین محل کتابت این نسخه که شیراز یا به احتمال بیشتر غرب ایران (و شاید بغداد) بوده است، دشوار است زیرا که سرلوح آغازین آن در برگ ۴ بسیار ظریف و دقیق کشیده شده است.

در مقام مقایسه می‌توان به وجود دو مستطیل تذهیب شده با تزیینات اسلیمی بسیار منظم اشاره کرد، که حاوی یک نوشته به خط کوفی است. این دو مستطیل در قسمت چپ سرلوح به کار رفته‌اند. البته همین قسمت از سرلوح باقی مانده است. این نسخه (به شماره ۹۱۳ مخزن فارسی، برگ ۴) در سال ۱۳۹۲ / ۷۹۵ به احتمال فراوان در بغداد برای شاه ولد جلایری کتابت شده است. ساختار سرلوحها به شکل کاملاً هندسی و با شبکه‌ای مفصل از قسمت‌بندی تنظیم شده است.

اگر بخواهیم این " سبک فارس " را از سبکی که در آن روزگار در غرب فلات ایران رایج بود، متمایز کنیم می‌توانیم به عنوان نمونه به یکی از آخرین نسخه‌هایی که می‌توان آن را متعلق به مکتب جلایریان بغداد دانست، اشاره کنیم. این نسخه که به شماره ۱۵۳۱ مخزن فارسی در کتابخانه ملی فرانسه جای دارد، مجموعه‌ای از اشعار همام تبریزی است که در سال ۱۴۱۳ / ۸۱۶ به وسیله خوشنویس معروف، جعفر تبریزی، کتابت شده است و حاوی تذهیبهای بسیار زیباست. برای مثال می‌توان از سرلوح برگ ۲ پشت [تصویر شماره ۲۶] نام برد که با یک نوشته به خط کوفی در زمینه آبی اسلیمی^{۱۹} طلااندازی شده همراه است. قاب آن در زمینه‌ای با مایه سبز رنگ است و در بالای آن یک شبکه کوچک تزیینی دیده می‌شود. اما سرلوح برگ ۵ پشت، از آن متفاوت است زیرا که در این جا تزیین آبی رنگ اصلی بر زمینه‌ای از یک گونه رنگ آبی دیگر و شبکه مانند با دو مستطیل کوچک در دو طرف ترسیم شده است. سرلوح برگ ۹۹ پشت، دارای دو چهار گوشه با بنمایه چلیپامانند در دو طرف آن است، و این نمونه یادآور تزیینی است که در نسخه‌های قدیمی‌تر (مثلاً در شیراز، در اوایل سده چهاردهم / هشتم) دیده می‌شود و دارای ستونهای عمودی است. هنرمندان، که قطعاً تذهیبکار بودند و در دربار جلایریان بغداد خدمت کرده بودند، پس از برافتادن جلایریان مشاغلی در دربارهای شهریاران تیموری پیدا می‌کردند^{۲۰} و سبک و دانش خود را به آن‌جاها منتقل می‌کردند. در نتیجه، در بسیاری از موارد نوعی ترکیب میان هنر محلی و هنرهای ایالات دیگر، از جمله در فارس پدید آمد، هر چند که در این خطه سنتهای منطقه‌ای همچنان قوی و زنده باقی ماندند.

به این ترتیب به طور خیلی طبیعی می‌توان همچنان به فعالیت کارگاههای اسکندر سلطان، نخست در فارس و پس از آن تا سال ۱۴۱۴ / ۸۱۷ در اصفهان و آثار آنها رجوع کرد. در این زمینه می‌توان به سرلوح برگ ۴ نسخه شماره ۱۹۶۳ مخزن فارسی^{۲۱} اشاره کرد، که نسخه‌ای است از رساله پزشکی اسماعیل جرجانی که برای اسکندر سلطان استنساخ شده است. مشخصه تذهیب آن زمینه خاکستری آن است که همچون تزیینات

گل مانند آن^{۲۲} غیر عادی است. در این سرلوح بنمایه‌های چلیپاوار که از مشخصه‌های شیوه‌ای قدیمی‌تر هستند، به شکلی تازه در دو سوی آن به تصویر درآمده‌اند. قاب یا جدول بیرونی و شبکه مخطط بالایی با نهایت دقت ترسیم شده‌اند. این رنگ خاکستری در سرلوح یک نسخه خطی دیگر هم دیده می‌شود که آن نیز برای اسکندر سلطان کتابت شده است. این سرلوح در برگ ۲۶۰ نسخه شماره ۱۴۸۸ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه^{۲۳} که مجموعه‌ای در نجوم و اخترشناسی است جای دارد. در این جا هم استفاده از بنمایه‌های چلیپاوار که درون چهارگوشه‌های اطراف مستطیل ترسیم شده‌اند، به چشم می‌آید. این بنمایه‌ها در تزیینی قسمت بندی شده و دایره‌ای که با پرگار کشیده شده‌اند، جای داده شده‌اند. در برگ ۲۷۶ همین نسخه نجومی، سرلوح خیلی ساده رسم شده است: نوشته‌ای خوشنویسی شده در زمینه‌ای از ابر با تزیین رگه‌های ظریف، و کناره ضخیم متشکل از یک نوار طلااندازی شده. از آن پس از این مستطیله‌ها به کرات و به طور مرتب برای مشخص کردن عنوانهای داخلی یا سرفصلهای کتاب، و به ندرت در سرلوح، استفاده شده است.

در مجموعه‌های کتابخانه ملی فرانسه، هیچ گونه سرلوح را نمی‌شناسیم که پیش از سال ۱۴۳۴ / ۸۳۸ در کارگاههای بایسنقر میرزای معروف در هرات تولید شده باشد.^{۲۴} در عوض، مشاهده سرلوحی که در معراجنامه معروف به ترکی اویغور یافت می‌شود، جالب توجه خواهد بود. این نسخه در حدود سال ۱۴۴۰ / ۸۴۴ احتمالاً در شهر هرات به دست ملک بخشی هراتی کتابت شده است، و هرچند که هیچ‌گونه نشانه‌ای ندارد می‌توان گفت که برای شخص شاهرخ میرزا استنساخ شده بوده است.^{۲۵} در برگ ۴ سرلوحی وجود دارد که دو شکل چلیپاوار جانبی روی آن دیده می‌شود. در مرکز سرلوح نوشته‌ای خوشنویسی شده به زبان اویغوری به چشم می‌خورد، و قاب آن حاوی کتیبه‌ها و دوایر تزیینی است. اما در مجموع، تزیینات گلی غلبه دارند. در سرلوح برگ ۶۹ پشت همان نسخه که سرآغاز روایت ترکی اویغوری تذکره‌الاولیای عطار است و در سال ۱۴۳۶ / ۸۴۰ در هرات کتابت شده است، تزیینات که ظاهراً کار همان تذهیبکار هستند، با

نوارهای سیاه پلاناندازی شده گل‌های چند رنگ و دو چلیپای سن آندره / Saint - André محدود و مشخص شده‌اند.

نسخه شماره ۶۵۷ مخزن فارسی، که مجموعه‌ای از اشعار شیخ عطار و سعدی است، در همان تاریخ در حدود سال ۱۴۵۰ / ۸۵۴ به وسیله محمود النقیب کتابت شده است. در این نسخه، مثلاً در برگ ۹۴ پشت [تصویر ۲۷]، یک تذهیب بی‌نهایت ظریف که در نهایت دقت کشیده شده است، دیده می‌شود: عنوان کتاب در یک گردن‌آویز بیضی شکل که در دو سوی آن یک دایره زینتی نصب شده، نوشته شده است. شبکه بالای آن روی یک سه گوشه جانبی و مستطیل مرکزی را گرفته است تا یکپارچگی کتاب نشان داده شود. البته محل استنساخ نسخه مشخص نشده است، اما می‌توان تصور کرد که در مرکز ایران تهیه شده است.

شیوه تذهیبکاری رایج در اوایل سده پانزدهم / نهم تا حدود سال ۱۴۵۰ / ۸۵۴ را می‌توان در کتابهای بسیار دیگر مشاهده کرد. از جمله می‌توان به سرلوحهای زیبای برگ ۱۰ پشت نسخه ۶۴۵۴ مخزن عربی کتابخانه ملی فرانسه اشاره کرد که مورخ سال ۱۴۴۷ / ۸۵۱ است و نسخه‌ای از قانون ابن سیناست که برای یکی از بزرگان آن زمان که گویا رکن‌الدین نام داشته، کتابت شده است، اما مهر او چنان با دقت انباشته شده که تشخیص نوشته درون آن دشوار است. خوشنویسی گردن‌آویز بیضی شکل مرکزی آن با نهایت دقت نگاشته و تزیین شده است، اما بنمایه آن پیچیده است و یک شکل گنبدی سه لبه بر بالای آن مشخصه دیگر این سرلوح است که محل تهیه آن معلوم نیست. در برگ ۳۸۹ پشت همین کتاب سرلوحی وجود دارد که یک شبکه آبی روشن با تصویرهای کوچک سیاه‌رنگ به شکل انار در بالای آن دیده می‌شود.

در برگ ۴ نسخه شماره ۷۱ مخزن فارسی کتابخانه ملی یک تزیین ساده دیده می‌شود که تفاوت ناچیزی با بقیه دارد. این نسخه هر چند که خیلی تجملی و شکوهمند نیست نسخه‌ای است از ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی که در سال ۱۴۴۵ / ۸۴۹ در ابرقو، چهار راه شهرهای شیراز، اصفهان و یزد، کتابت شده است و مسلماً یک نمونه دیگر سنت

کتاب آرایبی رایج در فارس است.

نسخه شماره ۸۱۳ مخزن فارسی از اینها هم متأخرتر است زیرا که در حدود سال ۱۴۷۰ / ۸۷۵ فراهم آمده است. این نسخه مجموعه‌ای از آثار مثنوی و منظوم پیر جمالی اردستانی، مؤلف عارفی است که مدت درازی را در شیراز گذرانده است. این نسخه فاقد انجامه است، اما در عوض دارای چندین سرلوح مستطیل شکل است که به همین سبک تهیه شده‌اند، مثل سرلوح برگ ۲ پشت، که تزیین چلیپای سن آندره در آن یافت می‌شود و با دقت خاص ترسیم شده است. خوشنویسی عنوان آن بر زمینه‌ای طلاندازی شده انجام گرفته است که سالها پیش از آن، البته به صورت نادر، گهگاهی به کار رفته است. سرلوح برگ ۲۲۹ پشت، در دو سوی عنوان، حاوی تصویرهای چلیپاوار داخل یک چهارگوشه است که کاملاً سنتی است، اما دو گل و بوته چپ و راست گردن‌آویز در همان برگ روی زمینه طلاندازی شده رسم شده‌اند. به احتمال بسیار قوی این نسخه هم در کارگاههای هنری مرکز یا شمال ایران تهیه شده است.

از اینها گذشته، در برگ ۲۴۳ پشت نسخه شماره ۱۷۷۷ مخزن فارسی، که مجموعه‌ای است از آثار قاسم انوار که در سال ۱۴۴۸ / ۸۵۲ به دست احمد بیهقی کتابت شده است و به سلطان جهانگیر آق‌قویونلو، فرمانروای بخشی از ایران از سال ۱۴۳۵ / ۸۳۹ به بعد تعلق داشته است، با نمونه یک سبک تازه مواجه می‌شویم. نوشته مرکزی آن روی زمینه طلاندازی شده با توماری سرستونی و قاب متشکل از نوارهای سفید حاوی چلیپاهای ریز و قاب آبی مزین به گل، نوشته شده است. سرلوح آن شبیه مستطیل مرکزی است اما ترکیبات آن دگرگون شده است. متن این صفحه به صورت مؤرب در حاشیه نگاشته شده است.

با سرلوح برگ ۴ کیله و دمنه، که به شماره ۱۶۳۹ در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه جای دارد و در سال ۱۴۶۷^{۲۶} کتابت شده است، نمونه خوبی از یکی از سبکهای رایج در دربار آق‌قویونلوهای تبریز در آن روزگار، در اختیار داریم: مستطیل مرکزی به رنگ آبی است، با همان قالب سفید دارای چلیپاهای کوچک، و یک قاب حاوی

کتیبه‌های گلی طلائاندازی شده در زمینه آبی. شاید سرلوح برگ ۴ نسخه شماره ۱۵۲۸ مخزن فارسی که مستطیل آن دارای زمینه طلائاندازی شده است، نمونه‌ای دیگر از این سبک باشد. این کتاب نسخه‌ای از فراقنامه سلمان ساوجی است که درویش محمود بن عبدالله نقاش کتابت کرده است و جزو کتابخانه سلطان یعقوب آق‌قویونلو (۱۴۷۹ تا ۱۴۹۱ / ۸۸۴ تا ۸۹۷) بوده است.

حائمانه عارفی شاعر، که به شماره ۱۴۲۷ در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه محفوظ است، و در سال ۱۴۷۵ / ۸۸۰ در تبریز کتابت شده است، اثر یک خوشنویس دربار آق‌قویونلو به نام شرف‌الدین حسین سلطانی است که در خدمت اوزون حسن بوده است. در برگ ۴ این نسخه سرلوحی با یک گنبد بزرگ دیده می‌شود که به لحاظ سبک غیرعادی می‌نماید، و هر چند که احتمالاً دستکاریهای ناچیزی در آن شده است، حکایت از نوعی ابداع در هنر تذهیبکاری آن روزگار می‌کند [تصویر ۲۸].

برای این که منصفانه و دقیق رفتار کرده باشیم باید به نسخه‌هایی هم که در سالهای ۱۴۷۰ تا ۱۴۹۵ / ۸۷۵ تا ۹۰۰ در شیراز نگاشته شده‌اند، اشاره کنیم. آنچه در آن مدت فراهم آمده است تولیدی بس فراوان و غالباً در نهایت ظرافت است. در واقع شیراز در فاصله قرون وسطی تا سال ۱۶۰۰ / ۱۰۱۰ مهمترین کانون تهیه کتابهای مذهب فارسی بوده است، و سالهای آخر سده پانزدهم / نهم یکی از بارورترین دوره‌های کاری کارگاههای هنری ایران به شمار می‌آیند.^{۲۷} در عین حال، در میان مجموعه‌های کتابخانه ملی فرانسه می‌توان از سه نمونه کاملاً مشخص و متمایز یاد کرد که خاص سبکی هستند که فعالیت وسیع کاتبان و مذهبیان شیراز آن را برای مجموعه‌داران آشنا و خودمانی کرده است.

به این ترتیب می‌توان سرلوح برگ ۴ نسخه شماره ۲۷۱ مخزن فارسی را به عنوان نمونه ذکر کرد که یک دیوان حافظ است که در سال ۱۴۷۱ / ۸۷۶ به وسیله فخرالدین احمد کاتب هروی کتابت شده است: قابی حاوی نوشته‌ای به خط کوفی بر زمینه آبی که با تزیینات گلی طلائاندازی شده، همخوانی ندارد، مستطیل آن دارای چندین کُنج و یک

قاب گلی است. نمونه دیگری که طلائاندازان شیراز در اواخر سده پانزدهم / نهم به فراوانی تهیه می‌کردند در برگ ۴ نسخه شماره ۱۵۲۵ مخزن فارسی دیده می‌شود، و نسخه‌ای از دیوان مغربی شاعر است که همان خوشنویس در سال ۱۴۷۹ / ۸۸۴ در شیراز کتابت کرده است.^{۲۸} بنمایه آن از همان نوع بنمایه نسخه شماره ۲۷۱ مخزن فارسی است، اما رنگها وارونه شده‌اند و عنوان کتاب به خط نسخ کتابت شده است. نمونه سوم سبک برگ ۴ نسخه شماره ۲۷۰ مخزن فارسی است که آن هم نسخه دیگری از دیوان حافظ است که در سال ۱۴۹۱ / ۸۹۷ به دست شیخ محمد، فرزند همان فخرالدین خوشنویس استنساخ شده است. تصویر این نسخه تا اندازه‌ای تحول یافته است. در این جا باید به اهمیت زمینه آبی تصویر که تزیینات گلی با دقت تمام در آن نقاشی شده‌اند، اشاره کرد. این شیوه پیش‌درآمد سبک تذهیبی است که در سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۵۲۰ / ۹۰۵ تا ۹۲۷ در شیراز رواج داشت و معروف به سبک "روزبهانی" است.^{۲۹} این سبک روزبهانی کاملاً شناخته شده است و نمونه‌های آن در کتابخانه ملی فرانسه و کتابخانه‌های دیگر بس فراوان هستند. در مقام نمونه می‌توان از سرلوح نسخه شماره ۸۱۴ مخزن فارسی یاد کرد که در سالهای آخر سده پانزدهم / نهم یا سالهای اول سده شانزدهم / دهم نگاشته شده است.^{۳۰} همچنین می‌توان سرلوح برگ ۳۵ پشت یک نسخه دیگر را که کار همان خوشنویس است، مثال آورد. این نسخه به شماره ۷۳۱ در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه جای دارد.^{۳۱}

نمی‌توان در برابر لذت اشاره به تذهیب بسیار زیبای برگ ۴ دیوان امیرخسرو دهلوی پایداری کرد که به شماره ۶۳۶ در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه جای دارد.^{۳۲} این نسخه تاریخ ندارد اما می‌توان سال کتابت آن را در حدود سالهای ۱۴۹۰ تا ۱۵۰۰ / ۸۹۶ تا ۹۰۶ تعیین کرد. تذهیب این نسخه کوچک را عضدالمذهب بخاری امضا کرده است که در تبریز کار می‌کرده است. اما احتمالاً در شیراز و نه در تبریز - که هر دو جزو قلمرو آق‌قویونلوها به شمار می‌رفتند - بوده است که عضد مذهب این نسخه امضا شده را تهیه کرده است. امضا در قاب آبی با چلیپاهای کوچک سفید مستطیل پایینی سرلوح دیده

می‌شود و با حروف ریز نوشته شده است. در کنار اسم او یک قطعه شعر هم نوشته شده است که مضمون آن چنین است: «هدف این تصویر این است که در خاطر ما زنده بماند، زیرا که هیچ چیز هستی را نمی‌بینیم که بقایی داشته باشد [که هستی را نمی‌بینیم بقایی]. اگر روزی مردی پرهیزگار با گفتن دعایی در صفت کار مرد بیچاره‌ای که ما هستیم بر ما منت نگذارد». هنر میرعصد نمایانگر پایان دوره آق‌قویونلوها و سرآغاز عصر صفویه در تبریز است.^{۳۳}

نگاهی سریع به سرلوحهای تذهیب شده که می‌توان در نسخه‌های خطی کتابت شده در نیمه دوم سده پانزدهم / نهم در امپراتوری عثمانی یافت امکان می‌دهد تا دریابیم که کارگاههای ترک، که غالباً کارگاههای امپراتوری بودند، با این فعالیت درخشان آشنا بوده‌اند.^{۳۴} بنابراین مجموعه‌های موجود در کتابخانه ملی فرانسه حاوی چند تذهیب فوق‌العاده هستند.

از آثار اواخر نیمه اول این قرن می‌توان سرلوحی را که در برگ ۴ نسخه شماره ۳۱۳ مجموعه ترک کتابخانه ملی فرانسه یافت می‌شود، ذکر کرد که در نسخه‌ای به تاریخ ۸۴۸ (۱۴۴۴) جای دارد. نسخه شماره ۶۵۲۷ مجموعه عربی نیز که در سال ۸۲۷ (۱۴۶۸) برای سلطان محمد دوم (۱۴۴۴ تا ۱۴۸۱ / ۸۴۸ تا ۸۸۶) استنساخ شده است، دارای یک سرلوح بسیار زیبا در برگ ۳ پشت است. این کتاب، به لحاظ تزیینات مذهب دو صفحه اول آن در برگهای ۲ پشت و ۳، کاملاً شبیه کتابی است که در کتابخانه توپقاپی سرای استانبول جای دارد.^{۳۵} برگ ۴ نسخه شماره ۱۳۲۵ مخزن فارسی هم دارای یک سرلوح تذهیب شده خیلی زیباست که در آن رسمهای اسلیمی و بنمایه‌های گل و بوته در هم ترکیب شده‌اند و عنوان آن با خط کوفی در زمینه طلااندازی شده نقش بسته است. این نسخه به احتمال بسیار در استانبول در حدود سال ۱۴۷۵ / ۸۸۰ به دست سیدمحمد منشی سلطانی برای سلطان محمد دوم استنساخ شده است و شامل نسخه‌ای از رساله راحة الانسان است. به نظر می‌رسد که تذهیبکار آن همچون کاتب نسخه در دربار آق‌قویونلوها تربیت شده است. سرلوح برگ ۴ نسخه شماره ۱۳۲۴ مخزن فارسی دارای

مشخصه‌های همان روزگار است و به دست همان مذهب تهیه شده است. متن آن هم به وسیله همان خوشنویس رساله اخلاقی آداب السلطنه کتابت شده است، اما عنوان رساله روی زمینه آبی نقش شده است. این نسخه‌ها اگر برای خود سلطان محمد دوم تهیه نشده باشند بیگمان برای یکی از شاهزادگان عثمانی استنساخ شده‌اند.^{۳۶}

تاریخ نسخه شماره ۱۸۱۶ مخزن فارسی را می‌توان میان سالهای ۱۴۶۰ تا ۱۴۷۰ / ۱۸۶۵ تا ۱۸۷۵ تعیین کرد، و آن نسخه‌ای است از مجموع آثار خاقانی که ظاهراً برای سلطان محمد دوم یا یکی از شاهزاده‌های عثمانی کتابت شده است. یک سرلوح دوگانه یا جفتی در برگ ۴ آن دیده می‌شود، همراه با خط کوفی و تزیینات بسیار غنی که در آنها رنگ آبی غلبه دارد، و بنمایه‌های چلیپاوار در دو سوی تصویر مرکزی. یک سرلوح جفتی هم در برگ ۳۴ پشت دیده می‌شود که به لحاظ سبک کاملاً نزدیک به سرلوح برگ ۴ است. این آثار امکان می‌دهند تا میزان نفوذ و تأثیر هنرمندانی را که از روزگار سلطان محمد دوم از ایران به استانبول رفته بودند، دریابیم.

و اما، سرلوح برگ ۴ نسخه شماره ۱۴۹۸ مخزن فارسی، که نسخه‌ای از دیوان جامی است، در بورسه [ترکیه] تهیه شده است. سرلوح برگ ۳ پشت آن، که صرفاً جنبه تزیینی دارد، فاقد کتیبه است. این سرلوح تا اندازه‌ای یادآور برخی از صفحه‌هایی است که در اواخر روزگار آل جلایر در بغداد تهیه شده‌اند. مثل سرلوح نسخه شماره ۱۵۳۱ مخزن فارسی که در سال ۱۴۱۳ / ۱۸۱۶ استنساخ شده است و پیش از این به آن اشاره شد. این سرلوح نمایانگر نوعی محافظه‌کاری یا گرایش منطقه‌ای است. در مقابل، سرلوح برگ ۴ نسخه شماره ۱۳۴۵ مخزن فارسی احتمالاً در اواخر سده پانزدهم / نهم در استانبول تهیه شده است. این سرلوح عجیب با توماریهای سیاه بر زمینه طلااندازی شده و کتیبه خط کوفی به رنگ سفید تهیه شده است. این کتاب، نسخه‌ای از دیوان فانی یعنی اشعار فارسی امیر علیشیر نوایی، وزیر معروف سلطان حسین بایقراست.

بیگمان، لازم است که پژوهشی عمیق و خلاق در زمینه به‌کارگیری خط کوفی در سرلوحهای تذهیب شده صورت گیرد. البته به‌نظر نمی‌رسد که همه کارگاهها این شیوه را

به کار بسته باشند ولی چنین می‌نماید که در سدهٔ پانزدهم / نهم چه در استانبول و چه در ایران رواج و رونق بسیار داشته است.

همان گونه که از مجموعه شمارهٔ ۸۲۲ مخزن فارسی، که مجموعه همه آثار جامی در سال ۱۴۹۱ / ۸۹۷ است و به سلطان حسین بایقرا تعلق داشته است برمی‌آید، به نظر می‌رسد که هنر تذهیب در هرات پایان روزگار تیموریان یعنی اواخر سدهٔ پانزدهم / نهم - البته در صورتی که نمونه‌های خیلی مجلل و شکوهمند را کنار بگذاریم - ۳۷، به چند شیوه صورت می‌گرفته است که کار استادان بزرگ یا هنرمندان درجهٔ دو بوده‌اند. این نسخه دارای دو دسته تزیینات تذهیب شده است: برگ ۹۰ پشت، همچون سرلوح ابتدایی آن، به دستهٔ اول که دقیق‌تر و ظریف‌تر است تعلق دارد و تزیینات آن بس غنی و متشکل از زمینه‌های متنوع سیاه، سرخ و آبی است.

برگ ۲۲۷ پشت، همچون بیشتر سرلوحها، به دستهٔ دوم تعلق دارد که مشخصهٔ آن وجود زمینه‌های چلیپاوار در دو سوی کتیبهٔ مرکزی است که عنوان در آن نوشته شده است. در صورت فقدان زمینهٔ چلیپاوار تزییناتی به کار می‌رود که به طور هندسی تقسیم‌بندی می‌شوند. می‌توان میان این شیوه و شیوهٔ تزیینات خمسهٔ نظامی مکتوب به سال ۱۴۹۵ / ۹۰۱ در هرات مشابهت‌هایی یافت. این نسخه به شمارهٔ ۶۸۱۰ مخزن شرقی در کتابخانهٔ بریتانیا جای دارد.^{۳۸}

نمونه‌های دیگر هنر تذهیبکاری مکتب هرات در حدود سال ۱۵۰۰ / ۹۰۵ را می‌توان در مجموعه‌ای از اشعار هاتقی [خواهرزادهٔ جامی] بازیافت که به شمارهٔ ۳۵۷ در مخزن فارسی جای دارد و پیش از سال ۱۵۰۹ / ۹۱۵ به دست سلطانعلی قائنی، که در سال ۱۴۹۷ / ۹۰۷ از زیارت مکه بازگشته بوده است، کتابت شده است.^{۳۹} تزیینات برگ ۴ این نسخه تقسیم‌بندی شده است که درون یک ساختار هندسی قرار گرفته‌اند، و عنوان آن بر زمینهٔ طلااندازی شده به خط کوفی بسیار ریز و ظریف نوشته شده است. از اینها گذشته، این نسخه به احتمال قوی در کارگاه سلطان حسین بایقرا در هرات تذهیب شده است. اما تزیینات برگ ۶۶ پشت آن بکلی متفاوت است و در آن رنگمایه‌های آبی

گونگون به کار رفته است. هر یک از سرلوحها به شیوه‌ای کمابیش متفاوت کشیده شده است، اما هیچ یک از آنها امضا ندارد.

نسخه شماره ۱۵۰۹ مخزن فارسی کتابخانه فرانسه که به دست شکرالله هروی خوشنویس در سال ۱۵۰۱ / ۹۰۷ در سبزوار خراسان کتابت شده است، کتاب کوچکی است شامل یکی از اشعار جامی. برگ ۲ پشت آن سرلوح کوچکی دارد که بکلی متفاوت از سرلوحهایی است که تا این جا شناخته‌ایم، و نشان می‌دهد که در آن روزگار سبکهای گوناگون در خراسان، و نه تنها در دربار، رایج بوده‌اند. با وجود اینها، هرات پس از سقوط تیموریان همچنان کانون فعالیت بزرگی در زمینه استنساخ کتاب باقی ماند. در این زمینه می‌توان چند کتاب موجود در کتابخانه ملی فرانسه را که دارای سرلوحهای تذهیب شده هستند، مثال آورد. از آن جمله یک دیوان اول جامی به شماره ۱۸۱۲ در مخزن فارسی، که در سال ۱۵۱۹ / ۹۲۵ به دست مقصود بن بایزید هروی استنساخ شده است. این نسخه دارای چند سرلوح است، مثلاً در برگ ۴ با تزیینات تقسیم‌بندی شده به شکل دایره و مستطیل، و برگ ۶۶ پشت، که به همان شیوه است اما بنمایه‌های هندسی ندارد. همچنین نسخه شماره ۱۹۶۲ مخزن فارسی که در حدود سالهای ۱۵۲۰ یا ۱۵۴۰ / ۹۲۷ یا ۹۴۷ در هرات کتابت شده است، نسخه دیگری از دیوان شاهی است که به وسیله سلطان محمد خندان استنساخ شده است،^{۴۰} و به همین شیوه است. سرلوح آن قطعاً در حدود سالهای ۹۲۷ تا ۹۴۷ هجری تهیه شده است، یعنی روزگاری که شهر به تصرف صفویه درآمده بود. در این سرلوح نوآوری قابل ملاحظه‌ای به چشم نمی‌آید.

یک اثر دیگر مربوط به خراسان، نسخه دیوان شاهی به شماره ۱۹۶۰ مخزن فارسی است^{۴۱} که در سال ۱۵۱۴ / ۹۲۰ کتابت شده است، و سرلوح برگ ۲ پشت آن نشاندهنده به کارگیری دوباره نمونه‌هایی است که در کارگاه سلطان حسین بایقرا رواج داشتند. حتی سبک خوشنویسی کوفی هم این نکته را تأیید می‌کند. این هم مسلم است که پس از سقوط تیموریان همان هنرمندان کارگاه هرات و شاگردان بلاواسطه ایشان نخست در هرات، و پس از آن در کانونهای دیگر به کار پرداختند.

سده شانزدهم / دهم

پای تخت ایران در آغاز سده شانزدهم / دهم تبریز بود. نسخه شماره ۱۷۷۲ مخزن فارسی نسخه‌ای از کتابی در تاریخ به نام مطلع السعیدین اثر درویش محمد بن علی است که در سال ۱۵۱۸ / ۹۲۴ احتمالاً در تبریز استنساخ شده است. در برگهای ۴ و ۲۱۲ پشت آن سرلوحهای کاملاً تازه‌ای یافت می‌شوند که در آنها جای بسیار مهمی به تزیینات پیچیده بالایی مستطیلی داده شده است که ستاً محل نگارش عنوان کتاب یا دعای مؤمنانه است. در این تذهیبها همچنین بنمایه‌ای از گلهای کوچک سیاهرنگ بر زمینه طلائندازی شده دیده می‌شود که تازه می‌نماید.^{۴۲}

در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه نسخه‌ای از گلستان سعدی به شماره ۱۴۷۸ جای دارد که در حدود سال ۱۵۳۰ / ۹۳۷ به دست محمود بن نظام‌الدین کتابت شده است. نوشته مرکزی سرلوح برگ ۴ آن در یک شکل هندسی پیچیده و کاملاً اصیل ثبت شده است. اما بنمایه برگ ۲ پشت نسخه ۱۴۳۱ مخزن فارسی از آن ساده‌تر است، در حالی که قاب یا جدول آن جایی بس مهم پیدا کرده است. این کتاب نسخه‌ای است از بوستان سعدی که در سال ۱۵۴۰ / ۹۴۷ در تبریز به دست شاه محمود کتابت شده است. نسخه شماره ۱۴۸۶ مخزن فارسی هم که حاوی غزلیات بلخی است، در همان دوره استنساخ شده است: سرلوح برگ ۴ آن به سبکی است که یادآور سبک آثار تهیه شده در عثمانی در حدود سال ۱۵۳۰ / ۹۳۷ یا ۱۵۴۰ / ۹۴۷ هستند و احتمالاً از نمونه‌های تبریز بهره گرفته‌اند.^{۴۳}

نمی‌دانیم که سبک تبریز یا شیراز الهام‌بخش تهیه تذهیب سرلوحهای نسخه خطی شماره ۲۱۶ اسمیت - لوزوئف کتابخانه ملی فرانسه بوده است که نسخه‌ای است از خمسه نظامی که در حدود سال ۱۵۵۰ / ۹۵۷^{۴۴} در کابل برای امپراتور همایون کتابت شده است: تزیینات گل مانند آن روی زمینه آبی روشن بسیار ساده است. بیگمان این یکی از سبکهایی است که بعدها در هندوستان روزگار تیموریان رواج یافتند. نسخه شماره ۱۴۸۱ احتمالاً در قزوین فراهم آمده است. این نسخه که در میانه سده

شانزدهم / دهم نگارش یافته است حاوی چند تذهیب است، از جمله در ابتدای رباعیات خیام (برگ ۴) که گنبد بالایی و بنمایه‌های زینتی قاب آن بس دقیق و پرورده تهیه شده‌اند. نسخه شماره ۲۴۳ مخزن فارسی نیز در همان میانه سده شانزدهم / دهم استنساخ شده است، و آن نسخه‌ای است از فراقنامه سلمان ساوجی که به دست ملک دیلمی کتابت شده است. ملک دیلمی عمدتاً در قزوین کار می‌کرده است و به احتمال بسیار در همان جا بوده است که سرلوح برگ ۲ پشت نسخه را تذهیب کرده است.

ماریانا سمسون در پژوهشی که درباره نسخه خطی حجیم و مجلل اشعار جامی انجام داده است چندین سرلوح مُذهب را که در نیمه دوم سده شانزدهم / دهم در خراسان تهیه شده‌اند، چاپ کرده است.^{۴۵} این نسخه برای ابراهیم میرزا تیموری استنساخ شده بوده است. به این ترتیب می‌توان از تنوع تزیینات و شیوه‌های گوناگون ترسیم که در کارگاه‌های آن شهریار رایج بوده‌اند، آگاه شد. در این جا با سبکی بکلی متفاوت از سبکی که در آن هنگام در شیراز رواج داشته است، سر و کار داریم. بیگمان این سبک بسیاری از عناصر خود را از مکتب بخارا که در سالهای ۱۵۴۰ یا ۱۵۵۰ / ۹۴۷ تا ۹۵۷ رایج بوده است، گرفته است.

نسخه شماره ۱۴۵۰ مخزن فارسی مجموعه‌ای از غزلیات شریف تبریزی است که در سال ۱۵۷۰ / ۹۷۸ در خراسان استنساخ شده است. تذهیب برگ ۲ پشت [تصویر ۳۰] این نسخه حاوی تزیینی گلی روی زمینه سیاه است، که روشی برای تزیین زمینه بنمایه‌هاست و در اواخر سده شانزدهم / دهم در خراسان رواج داشته است.

و اما سرلوحی که در برگ ۳۵۴ پشت خمسه نظامی دیده می‌شود، بکلی متفاوت است. این نسخه که به شماره ۵۸۱ در مخزن فارسی جای دارد، در سال ۱۵۶۸ / ۹۷۶ در شیراز یا اصفهان استنساخ شده است و نزدیک به سبک شیراز در نیمه دوم سده شانزدهم / دهم است. در آن تصویرگریهای گُلواره کاملاً متمایز و مخصوص زمینه‌های طلایی کاملاً روشن به چشم می‌خورد. در برگ ۲ نسخه دو سرلوح وجود دارد که شباهتی به هم ندارند.

خوشنویسی به نام قطب‌الدین کاتب، ظاهراً در بغداد، نسخه شماره ۲۳۴ مخزن فارسی را کتابت کرده است که منظومه تیمورنامه هاتفی درباره جهانگشاییهای تیمور است. این نسخه با سرلوحی در برگ ۴ آغاز می‌شود که به شیوه‌ای کاملاً سنتی با تأثر از سبک شیراز ترسیم شده است، هر چند که محل ترسیم آن بغداد است و بغداد در آن هنگام جزء خاک عثمانی بوده است. چنین می‌نماید که مکتب بغداد، همچنان که در نقاشی، در این زمینه هم از نمونه‌های شیراز پیروی می‌کرده است.

در این جا نمی‌توانیم به هندوستان دوره مغولان هند که از نظر هنری غالباً میراثخوار دربار شیبانی بخارا در سده شانزدهم / دهم بوده است، بپردازیم، ولذا فقط به دو نمونه اشاره می‌کنیم. نخستین نمونه نسخه شماره ۵۷۶ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه است که یک خمسه نظامی است که در سال ۱۵۸۱ / ۹۸۹ در دربار اکبر شاه در شهر فتحپور سیکری کتابت شده است. سرلوح برگ ۲۶۱ پشت، به خوبی تداوم تأثیرهای هنر هرات را که از راه بخارا به هند رسیده‌اند، نشان می‌دهد. نمونه دوم نسخه شماره ۷۲۳ مخزن فارسی است که رونویس رساله سلطانعلی مشهدی در زمینه خوشنویسی است. سرلوح برگ ۴ آن [تصویر ۳۱] نمونه‌ای دیگر از هنر دوره مغولان هند در آخر سده شانزدهم / دهم یا اوایل سده هفدهم / یازدهم است که البته بیشتر نمایانگر تأثیر سبک خراسان است. به طور کلی، تنوع عظیم تذهیبات هر گونه نتیجه‌گیری در این زمینه را شتابزده می‌کند.

می‌توان سه نمونه از تزیینات شکوفا و پررونق را که به دلیل تنوع رنگها و فراوانی تصویرها شاخص و درخور توجه هستند در اواخر سده شانزدهم و اوایل سده هفدهم در این جا ذکر کرد. نسخه شماره ۶۲۰ مخزن فارسی مجموعه‌ای از همه آثار کاتبی است که در سال ۱۶۰۰ / ۱۰۰۹ در شیراز استنساخ شده است. در برگ ۴ آن ساختاری دیده می‌شود که برای آن عصر سنتی به حساب می‌آید. و در برگ ۱۶۹ پشت آن، افزون بر مستطیل آغازین مرسوم، مستطیل دیگری در زیر گنبد بالایی دیده می‌شود. برگ ۲۶۸ پشت هم مزین به بنمایه‌ای از ابرهای رنگارنگ است که به شیوه‌ای کاملاً مخصوص

ترسیم شده است.

مجموعه‌ای از روایت فارسی چند کتاب تورات در نوامبر ۱۶۰۵ / آبان ۱۰۱۴ به دست ملا دریایی در تته / Tattah ی سند برای یکی از برادران وکی یتی کتابت شده است که به شماره ۲ در مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه جای دارد. این نسخه دارای تذهیبی به سبک شیراز است که احتمالاً در سال ۱۶۰۶ در ایران تهیه شده و بعداً به کتاب افزوده شده است. در وسط این تذهیب نشانهای پاپ کلمان هشتم رسم شده است.^{۴۶} این نسخه قرار بوده به این پاپ تقدیم شود، اما در سال ۱۶۰۸ / ۱۰۱۷ که وکی یتی به ایتالیا بازگشت پل پنجم جای او را گرفته بود. این نوع تزئینات که در آنها خیالبافی به کار رفته است تا اندازه‌ای خبر از سرلوحهایی می‌دهد که به نام سبک «روکوکو» / rococo در اواخر سده هجدهم / دوازدهم در عثمانی رایج شد. از این تاریخ به بعد، حداقل، عنوانی که در مستطیل سرلوح نوشته شده است، در نسخه‌ها به چشم می‌خورد.

نسخه شماره ۱۳۱۳ مخزن فارسی نیز مجموعه‌ای از داستانهای زندگی ائمه اسلام، نوشته نیشابوری است که در حدود سال ۱۵۹۰ / ۱۰۰۰ در قزوین کتابت و مصور شده است. تذهیبی که در برگ ۲ پشت آن دیده می‌شود حاوی تزئینی است با زمینه آبی و انواع تقسیم بندیهای بسیار پیچیده. این نوع تزئین کاملاً خاص هنر دربار صفوی در سالهای آخر سده شانزدهم / دهم است.

این سبک در اصفهان سده هفدهم / یازدهم که پای‌تخت تازه ایران است، جای خود را به سبکی کاملاً متفاوت می‌دهد که نمونه‌های بسیار از آن تهیه شده است و در دسترس هستند. مثل برگ ۴ نسخه شماره ۷۶۹ مخزن فارسی^{۴۷} در کتابخانه ملی فرانسه که نسخه‌ای از سوز و گداز است و می‌توان تاریخ کتابت آن را سال ۱۶۲۰ / ۱۰۳۰ یا ۱۶۳۰ / ۱۰۴۰ تعیین کرد. این سرلوح از این دیدگاه کاملاً درخور توجه و شاخص است. همچنین می‌توان تذهیبات آغازین خمسه نظامی را ذکر کرد که به شماره ۱۰۲۹ در مخزن فارسی جای دارد و در فاصله سالهای ۱۶۱۹ تا ۱۶۲۴ / ۱۰۲۹ تا ۱۰۳۴ استنساخ شده

است^{۴۸}. در این نسخه خوشنویسی عنوانها غالباً فراموش شده است. وانگهی شیوه ترسیم بنمایه‌ها هم دگرگون شده است، که علت آن ممکن است تغییر و تبدیل نقاشی ایرانی در آن عصر باشد.

البته هنر تذهیب در ایران و شیوه تهیه سرلوح باز هم دچار دگرگونیهایی می‌شود که سرلوح برگ ۴ نسخه شماره ۱۷۷۹ گواه آن است. این کتاب ترجمه‌ای فارسی از قرآن است که به فرمان نادر شاه انجام گرفته است [تصویر ۳۲]. این نسخه که در سال ۱۷۴۰ / ۱۱۵۳ استنساخ شده است ثابت می‌کند که در آن تاریخ هنوز هم فعالیت خلاق و سازنده و سببی در زمینه تهیه نمونه‌های سنتی وجود داشته است.

این شیوه‌های تزئین نسخه‌های خطی در ایران دوره قاجار در سده نوزدهم / سیزدهم تداوم یافتند و حتی در ابتدای کتابهای چاپ سنگی نیز به کار گرفته شدند. شمار انبوهی از سرلوحهایی که در سرزمینهای پیرامون ایران تهیه شده‌اند نشانگر انتشار و پخش نمونه‌های ایرانی هنر کتاب‌آرایی هستند که البته همپای گسترش فرهنگ ایرانی تحقق می‌یافت. این سرزمینها، افزون بر هندوستان^{۴۹}، و افغانستان^{۵۰}، و بین‌النهرین^{۵۱} عبارتند از سرزمینهای ماوراءالنهر^{۵۲}.

نتیجه

آنچه تا این جا نقل شد انبوهه‌ای است از نمونه‌هایی که تقریباً به گونه‌ای تصادفی از این جا و آن جا گرد آورده شده‌اند. اکنون می‌توان درباره چارچوبی اندیشید که باید برای دسته‌بندی آنها انتخاب شود تا بتوان سرلوحها را به گونه‌ای رضایتبخش وصف کرد. در این زمینه معیارهای گوناگون در برابر ما قرار دارند:

– ساختار تزیینات و نیز حضور یا فقدان گنبد، شبکه تزیینی، تقسیم‌بندی هندسی؛

– بنمایه‌های تزیینی که در داخل این شکلها به کار رفته‌اند: نقش شاخ و برگ، توماری سرستون، اسلیمی، دسته گل و انواع گل‌های کوچک.

پیوند میان معماری و تذهیب غالباً بسیار قوی است. لذا خوشنویسی تزئینی به یک اندازه توجه کتیبه شناسان و باستانشناسان را به خود جلب می‌کند.

البته برای وصف و شرح تزئینات بیدرنگ به مشکل اصطلاحات فارسی یا غربی برمی‌خوریم که حل ناشدنی می‌نماید.^{۵۳} افزون بر این، در هر عصر چندین مکتب وجود داشته است که همه آنها کمابیش مجموع امکانات موجود را بویژه برای شکل و بنمایه به کار می‌گرفتند. در نتیجه در یک نسخه واحد گاه به سرلوحهایی برمی‌خوریم که ترسیم - یعنی معماری - آنها تقریباً همیشه تفاوت می‌کند.

بدیهی است که می‌توان رنگهایی را که به کار رفته‌اند، و شکل گلها و شکل اسلیمیها را که غالباً مشخص هستند، وصف و تعریف کرد، اما این کار حد و مرز ندارد.

بالآخره این که کار چاپ مجموعه تذهیبا بر حسب مکتب و دوره نیز حل نشده مانده است. اگر به این کار پرداخته شود، کار مقایسه میان تصویرها و دوره‌ها و مکتبها بس سازنده خواهد بود. پیشرفت عکاسی امیدهایی در جهت تهیه مجموعه‌های بزرگ حاوی تصاویر و سرلوحها و دسته‌بندی آنها بر حسب معیارهای گوناگون، پدید آورده است. این مجموعه‌ها می‌توانند ابزارهایی سودمند برای مورخان و کتابداران و تاریخنگاران هنر باشند.

یادداشتها

۱. در عین حال بنگرید به فصلی که اولگ اکیموشکین و آناتول ایوانف در کتاب هنر کتاب‌آرایی در ماوراء النهر به «هنر تزیینات» اختصاص داده‌اند /

Oleg Akimushkin et Anatol Ivanov, "The Art of illumination", dans *The Arts of the book in Central Asia, 14th-16th Centuries* (Basil Gray editor), Paris, Unesco, 1979, p. 35-53.

۲. مثلاً، علاوه بر مقاله‌ای که فوقاً ذکر شد به منابع زیر مراجعه شود: فهرستنامه دوروته دودا /
Dorothea Duda, *Die illuminierten Handschriften und Inkunabeln der Österreichischen Nationalbibliothek, IV, Islamische Handschriften, I, Persische Handschriften*, 2 vol., texte et planches, Vienne, 1983,

فصلی کوتاه از کتاب نورا تایتلی /

Norah M. Titley, *Persian Miniature Painting and its influence on the Art of Turkey and India*, Londres, 1981.

اما مطالعات دیگر در این زمینه بس اندک هستند. در مقابل، اگر بخواهیم سرلوحه‌های چاپ شده را برشماریم باید از شمار انبوه فهرستنامه‌های نمایشگاهی یاد کنیم که در آنها تزیینات سبکها و دوره‌های مختلف، معمولاً همراه با تشخیص دقیق منشأ نسخه‌ها، توضیح داده شده‌اند. مثلاً در این زمینه می‌توان به این فهرستنامه رجوع کرد:

Timur and the Princely Vision. Persian Art and Culture in the Fifteenth Century, Los Angeles, 1989,

که تی. لنتز (و) جی. لوری / T. Lentz et G. Lowry تهیه کرده‌اند و حاوی نمونه‌های فراوان از تذهیبکاری دوره تیموری است. همچنین می‌توان از پژوهشهای مربوط به تاریخ هنر یاد کرد، مثل کتاب حمید سلیمان و فضیله سلیمانوا /

Hamid Suleiman et Fazila Suleimanova, *Amir Husrav Dehlevi Asarlarina ishlangan rasmlar*,

Miniatures illuminations of Amîr Hosrov Dehlevi's Works, Tachkent, 1983,

که لوح‌های شماره ۹۰ تا ۱۱۷ به تحقیق دربارهٔ سرلوح‌های مُذَهَّب زیباترین نسخه‌های خطی امیر خسرو دهلوی اختصاص دارند. فضیله سلیمان‌نوا تحقیقی دیگر در همین زمینه دارد به نام مینیاتورهای خمسه نظامی /

F. Suleïmanova, *Miniatury Khamse Nizami. Miniatures illuminations of Nizami's Hamsah*, Tachkent, 1985, planches 4, 8-16 et 19-28 de la fin de l'album.

۳. بنگرید به: شیلا پلر، کتیبه‌های اسلامی، ادیمبورگ، ۱۹۹۸ /

Sheila S. Blair, *Islamic Inscriptions*, Édimbourg, 1998.

۴. مثلاً بنگرید به: فرانسیس ریشار، «نصرالسلطانی، ناصرالمذهب ۲۰۰۰»، /

F. Richard, "Nasr al-Soaltânî, Nâser al-Mozahheb et la bibliothèque d'Ebrâhîm Soltân à Shîrâz", *Studia iranica*, XXX, 1, 2000, p. 87-104 (avec 2 pl.).

۵. بنگرید به کتاب ایو پورتر با عنوان نقاشی و هنر کتاب

Yves Porter, *Peinture et art du livre. Essai sur la littérature technique indo-persane*, Paris-Téhéran, 1992.

۶. بنگرید به: شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۱، ص ۳۷ /

Splendeurs Persanes, Paris, 1997, n° 1 bis, p. 37.

۷. همان‌جا.

۸. بنگرید به: شکوهمندیهای ایرانی، ش ۵، ص ۳۹.

۹. برای آگاهی بیشتر در مورد این دو نسخه بنگرید به: شکوهمندیهای ایرانی، شماره‌های ۱۸ و ۲۰، ص ۴۸ و ۴۹.

۱۰. بنگرید به: در سایهٔ ابن سینا... /

À l'ombre d'Avicenne. La médecine au temps des califes, catalogue de l'exposition de l'Institut du monde arabe, Paris, 1996, n° 227, p. 317.

۱۱. بنگرید به: میراث هنر درباری چنگیز خانی ... /

The Legacy of Genghis Khan Courtly Art and Culture in Western Asia, 1256, 1353, sous la direction de Linda Komaroff et Stefano Carboni, New York, Metropolitan Museum of Art, 2002.

از جمله صفحه‌های ۴۸، ۵۳، ۱۳۸، ۱۵۸ و ۱۵۹؛ و نقاشیهای شاهنامهٔ مکتوب به حدود سال ۱۳۰۰ / ۷۰۰ که در آن مستطیله‌ها حاوی عنوان فصلها هستند؛ و مخصوصاً پیشانی‌بندهای قرآنی مکتوب به سالهای ۱۲۸۲، ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۸ و ۱۳۱۳ (ص ۲۰۴، ۲۰۵ و ۲۰۷) که خیلی متأخر هستند.

۱۲. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۱۲، ص ۴۴.
۱۳. میراث چنگیزخانی...، شماره ۵، ص ۲۴۵.
۱۴. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۳۰، ص ۶۹.
۱۵. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۲۳، ص ۶۵.
۱۶. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۲۶، ص ۶۷.
۱۷. همان، شماره ۳۹، ص ۷۵.
۱۸. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۲۷، ص ۶۷.
۱۹. نام فارسی بنمایه نقش و نگار عربانه / عَرَبِسْک «اسلیمی» است.
۲۰. برای مثال بنگرید به: فرانسیس ریشار، «شاهد ناشناخته و دست نخورده هنرپروری اسکندر سلطان در اصفهان»، /
- F. Richard, "Un témoignage inexploité concernant le mécénat d'Eskandar Soltân à Esfahân", *Oriente Moderno*, XV (LXXVI), 2, 1996, p. 45-72.
۲۱. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۳۷، ص ۷۴.
۲۲. در زبان فارسی برای نامیدن بنمایه‌ها، که غالباً بسیار متنوع هستند و معمولاً از گل تشکیل شده‌اند، می‌توان اصطلاح "اختایی" را به کار برد که به معنای چینی است.
۲۳. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۳۸، ص ۷۴.
۲۴. بنگرید به کتاب تیمور و چشم انداز شهریارانه.
۲۵. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۴۱، ص ۷۷.
۲۶. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۷۶، ص ۱۱۵.
۲۷. نگاه کنید به: بی. رابینسون، «نقاشان و تصویرگران سده شانزدهم شیراز»، /
- B.W. Robinson, "Painters-illustrators of the 16th Century Shiraz", *Iran*, XVII, 1979, p. 105-108.
۲۸. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۶۹، ص ۱۰۶.
۲۹. بنگرید به: بی. رابینسون، همان جا.
۳۰. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۷۵، ص ۱۱۴.
۳۱. همان، شماره ۸۳، ص ۱۳۶.
۳۲. همان، شماره ۷۴، ص ۱۱۴.
۳۳. بنگرید به: اکیموشکین و ایوانف که پیش از این ذکر شده است.
۳۴. شماری از نمونه‌های تاریخدار این سبک در کتاب جولیان رابی و زرن تانیندی، کتاب سازی ترکی در سده پانزدهم / نهم دیده می‌شوند. /

Julian Raby et Zeren Tanindi, *Turkish Bookbinding in the 15th Century*, Londres, Azimuth, 1993.

برای نمونه آثار مربوط به سالهای ۱۴۸۰ / ۸۸۵ می توان قرآن بایزید دوم را ذکر کرد که قسمتی از آن در جلد دوم کتاب اف. مارتین، نقاشی مینیاتوری و نقاشان ایران نقل شده است:

F.R. Martin, *The Miniature Painting and Painters of Persia, India and Turkey from the 8th to the 18th Century*, Londres, 1912.

۳۵. بنگرید به: رابی - تانیندی، شماره ۱۲ که پیش از این ذکر شده است.

۳۶. بنگرید به: فرانسویس ریشار، «دیوانی یا تعلیق، خوشنویسی در خدمت سلطان محمد دوم...»، /

F. Richard, "Dîvânî ou ta'liq, un calligraphe au service de Mehmet II, Sayyidi Mohammad Monchî", *Les manuscrits du Moyen-Orient. Essais de codicologie et de paléographie*, actes du colloque d'Istanbul (Istanbul, 26-29 mai 1986), publiés par F. Déroche, Istanbul-Paris, 1989, p. 90-93 et planche XI (B) (frontispice de Supplément persan 1325).

۳۷. مثل کتابهای حجیمی که به گونه‌ای شکوهمند استنساخ شده‌اند همچون کلیات سعدی که در سال ۱۴۶۱ / ۸۶۶ کتابت شده است (بنگرید به: شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۵۱، ص ۹۸).

۳۸. بنگرید به: تایتلی...، /

Titley, *Persian Painting. op. cit.*, pl. 45, p. 214.

۳۹. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۵۹، ص ۱۰۳.

۴۰. شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۱۱۳، ص ۱۶۹.

۴۱. همان، شماره ۹۲، ص ۱۴۳.

۴۲. می توان این پرسش را مطرح کرد که سرلوح برگ ۲ پشت نسخه شماره ۵۶۵ مخزن فارسی در کجا تهیه شده است؟ این نسخه حاوی دو شعر از جامی و پندنامه شیخ عطار است که در سال ۱۵۱۸ / ۹۲۴ به وسیله عبدالله بن ابراهیم کتابت شده است.

۴۳. برای مقایسه چند سرلوح سبک عثمانی که در آن روزگار تهیه شده‌اند، فهرستنامه جان راجرز (و) آر. وارد، و نیز فهرستنامه مارت برنوس تایلر و همکاران دیده شوند. /

John M. Rogers et R.M Ward, *Süleyman the Magnificent*, Londres, 1988, p. 65-87 ou de

Marthe Bernus Taylor et alii, *Soliman le Magnifique*, Paris, 1990, p. 98 et 118-122.

۴۴. بنگرید به: شکوهمندیهای ایرانی، شماره ۱۰۱، ص ۱۴۹.

۴۵. بنگرید به: ماریانا شِروسمسون، هفت اورنگ سلطان ابراهیم میرزا...، /

Marianna Shreve Simpson, *Sultan Ibrahim Mirza's Haft Awrang, a Princely Manuscript from Sixteenth Century Iran*, Washington, 1997.

همه تصویرهای این کتاب رنگی هستند.

۴۶. بنگرید به: فرانسیس ریشار، «نسخه‌های خطی فارسی که در هند کتابت شده‌اند...»، /

F. Richard, "Les manuscrits persans d'origine indienne à la Bibliothèque nationale", *Revue de la Bibliothèque nationale*, XIX, 1986.

تصویر صفحه ۳۹.

۴۷. شکوه‌مندیهای ایرانی، شماره ۱۵۳، ص ۲۲۰.

۴۸. بنگرید به: شکوه‌مندیهای ایرانی، شماره ۱۵۲، ص ۲۱۹. همچنین صورت چاپ شده همین تزئینات به وسیله فرانسیس ریشار، پاریس، ۱۹۹۵ (۱۳۷۴).

۴۹. در میان دهها نمونه که یافت می‌شوند، سرلوحهای برگ ۴ و برگ ۳۰ پشت نسخه شماره ۱۴۹۰ مخزن فارسی را ذکر می‌کنیم که در سالهای ۱۷۵۴ تا ۱۷۶۴ / ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۸ در هند تهیه شده‌اند.

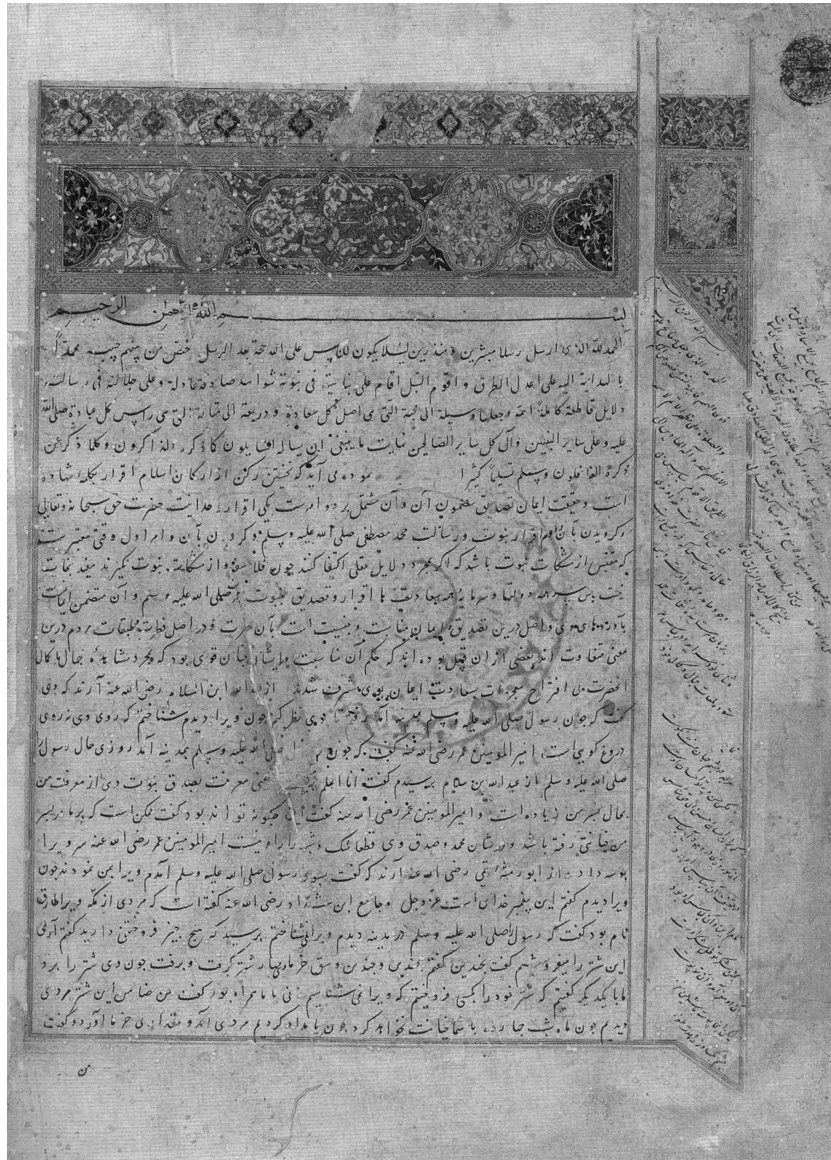
۵۰. مثلاً نسخه شماره ۱۷۷۰ مخزن فارسی که روایت پشتوی یوسف و زلیخاست و در آخر سده هفدهم / یازدهم در افغانستان کتابت شده است.

۵۱. مثلاً نسخه شماره ۱۴۹۳ مخزن فارسی که در سال ۱۸۴۳ / ۱۲۵۹ در بغداد کتابت شده است.

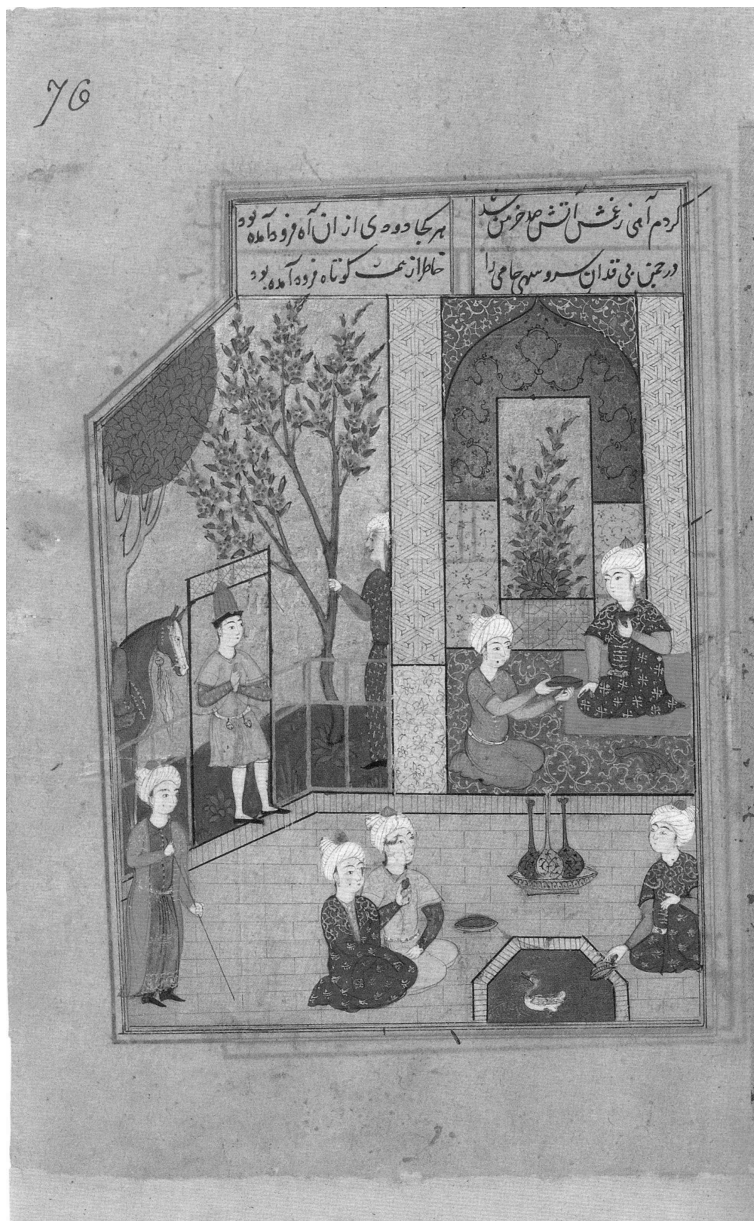
۵۲. نمونه آن در نسخه شماره ۲۰۳۳ مخزن فارسی دیده می‌شود که در میانه سده نوزدهم / سیزدهم در بخارا تهیه شده است.

۵۳. در این زمینه باید از یک اثر ارزنده و فوق‌العاده یاد کرد:

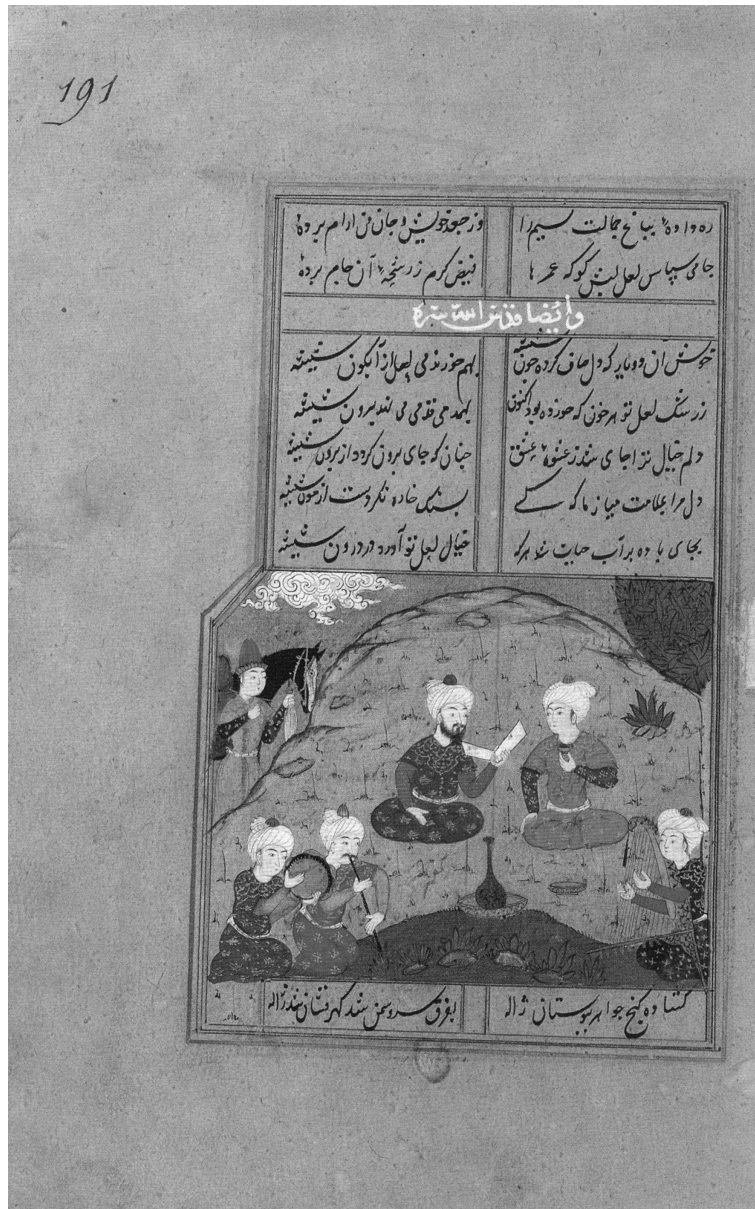
Vocabulary of Codicology and Book Crafts, Illumination, Calligraphy, Binding, Paper, Color and Ink, English-Persian, Persian-English, de Hasan Hâshemi-ye Mînâbâd, Téhéran, 2001.



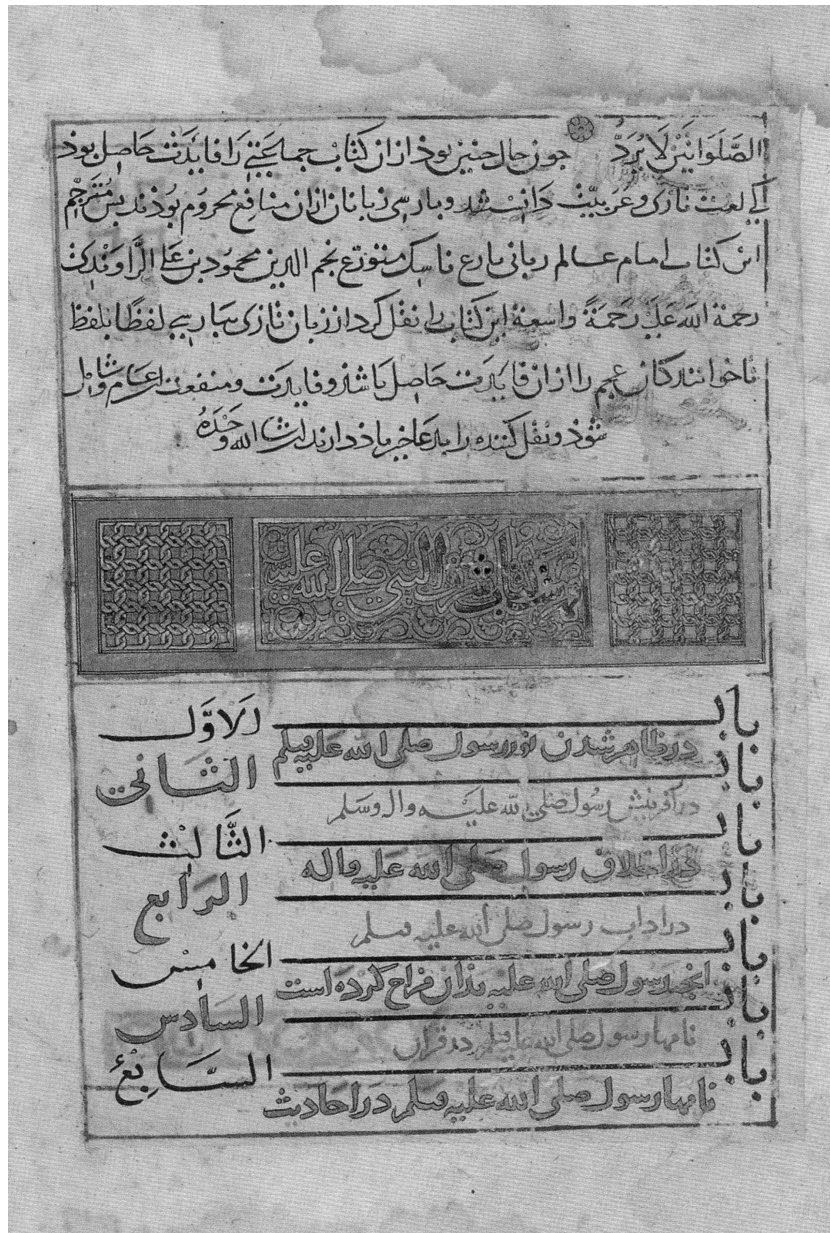
۲۱. عبدالرحمان جامی، کلیات، که احتمالاً در سال ۱۴۹۰ / ۸۹۶ در هرات برای حسین میرزا بايقرا کتابت شده است. کاتب آن درویش محمدبن امير سُرخ بن امير شيخ محمد بوده است. سرلوح آغازين آن دارای یک سه گوشه تذهیب شده در سمت راست است که نشانهٔ متنی است که در حاشیه کتابت شده است (کتابخانهٔ ملی فرانسه، مخزن فارسی، شمارهٔ ۸۲۲).



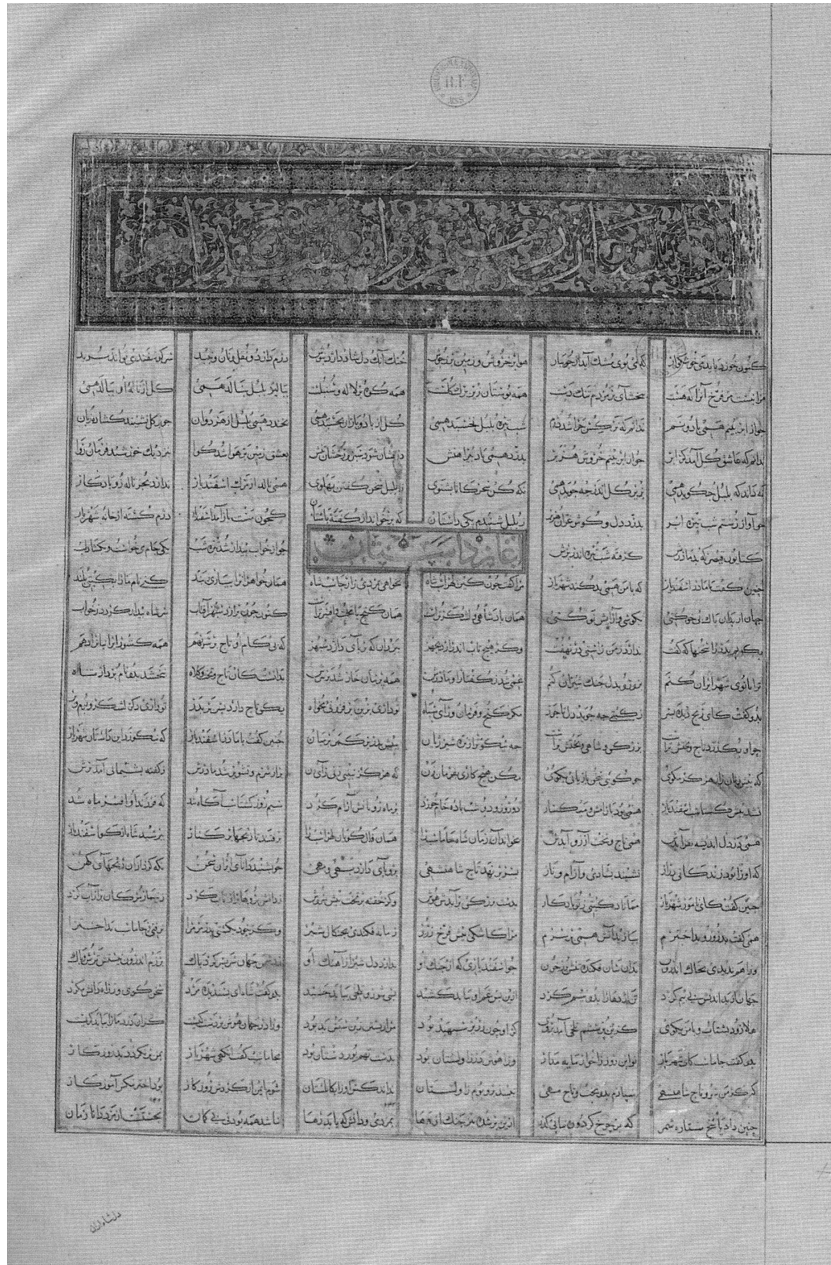
۲۲. عبدالرحمان جامی، دیوان اول، متنی فارسی که در اواخر سدهٔ پانزدهم / نهم کتابت شده و در اوایل سدهٔ شانزدهم / دهم در عثمانی تکمیل شده است. این پرده نشان می‌دهد که تصویرگر کاملاً به متن وفادار بوده است.
(کتابخانهٔ ملی فرانسه، مخزن فارسی، شمارهٔ ۵۵۲).



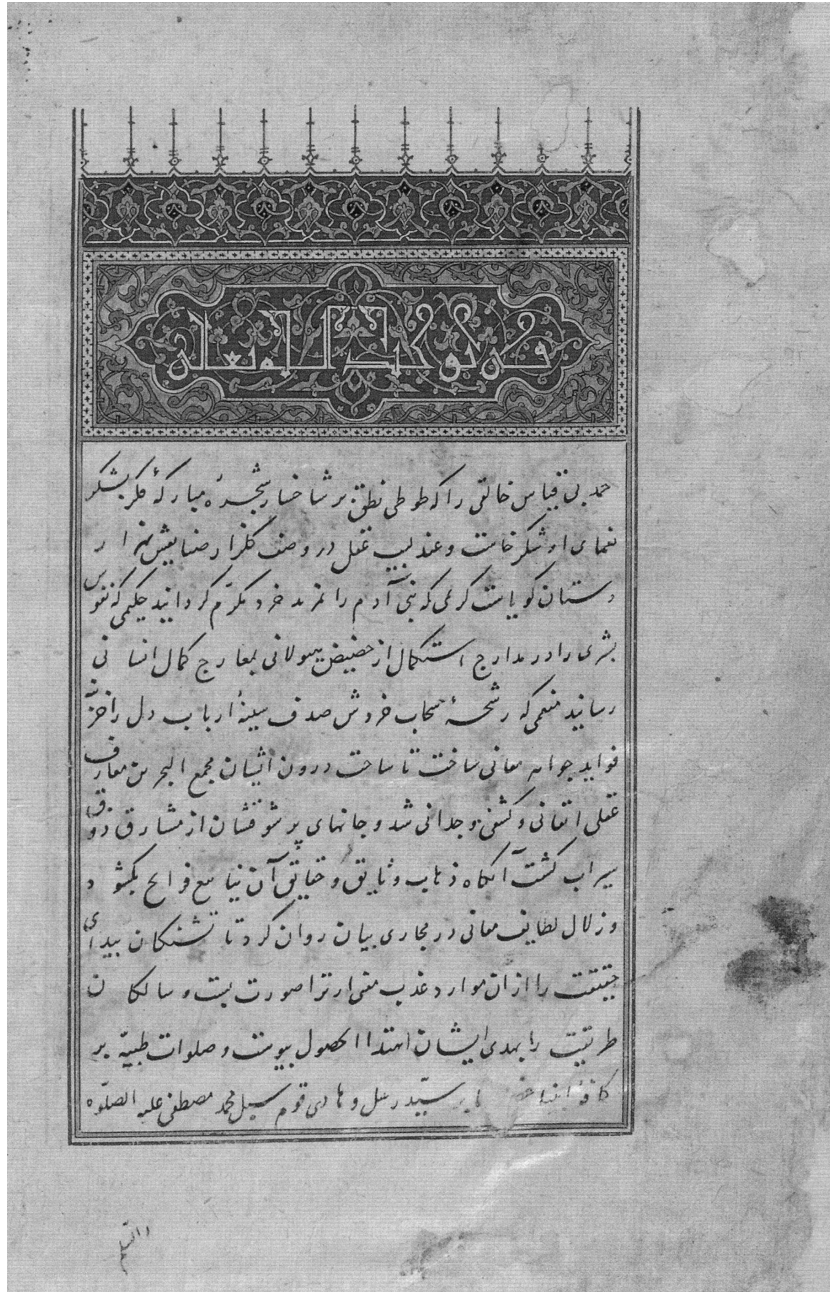
۲۳. همان نسخه معرفی شده در تصویر شماره ۲۲. جامی شاعر یک جلد کتاب (سفینه) در دست دارد. سفینه جزوهای است که شاعران دربار برای یادداشت کردن شعرهای خود به کار می بردند و به آسانی در جیب لباس جا می گرفت.



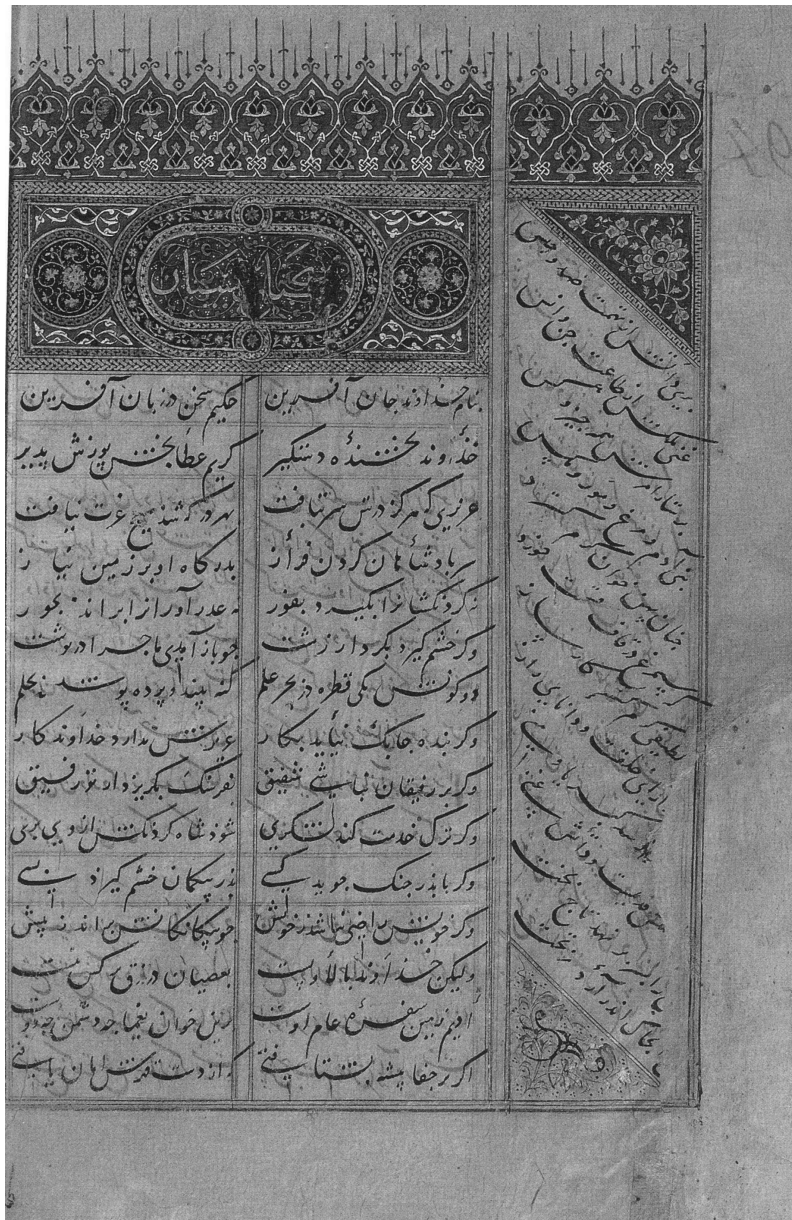
۲۴. راوندی، کتاب شرف النبی، سرلوح وسط دنباله دیباچه است و پیش از عنوان فصلها جا گرفته است. (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن فارسی، شماره ۸۲).



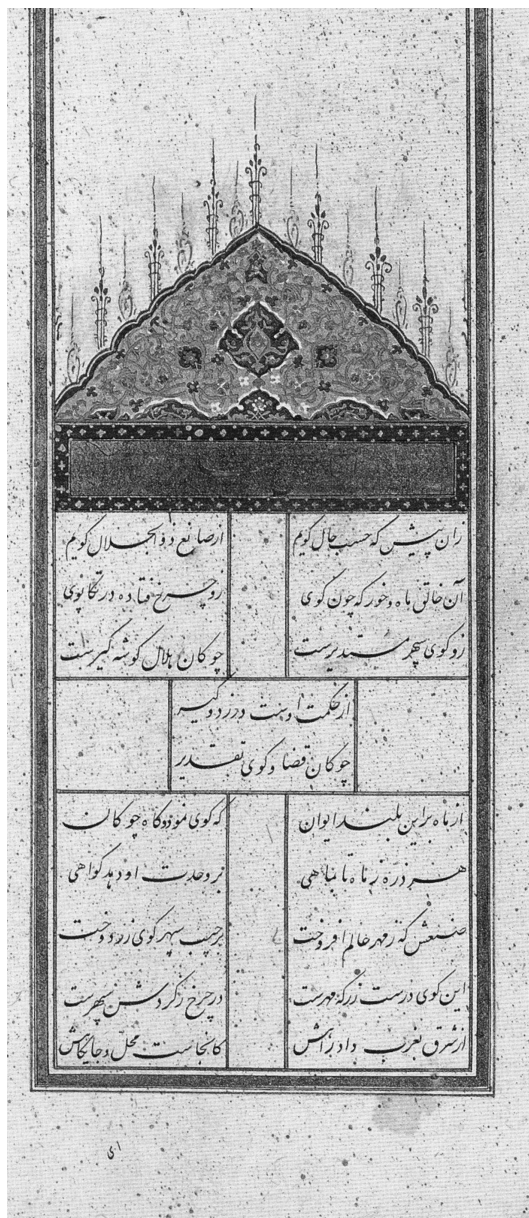
۲۵. فردوسی، شاهنامه، سرلوح حاوی عنوان یکی از داستانهای کتاب یعنی داستان رستم و اسفندیار است. (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن فارسی، شماره ۱۹۴۶).



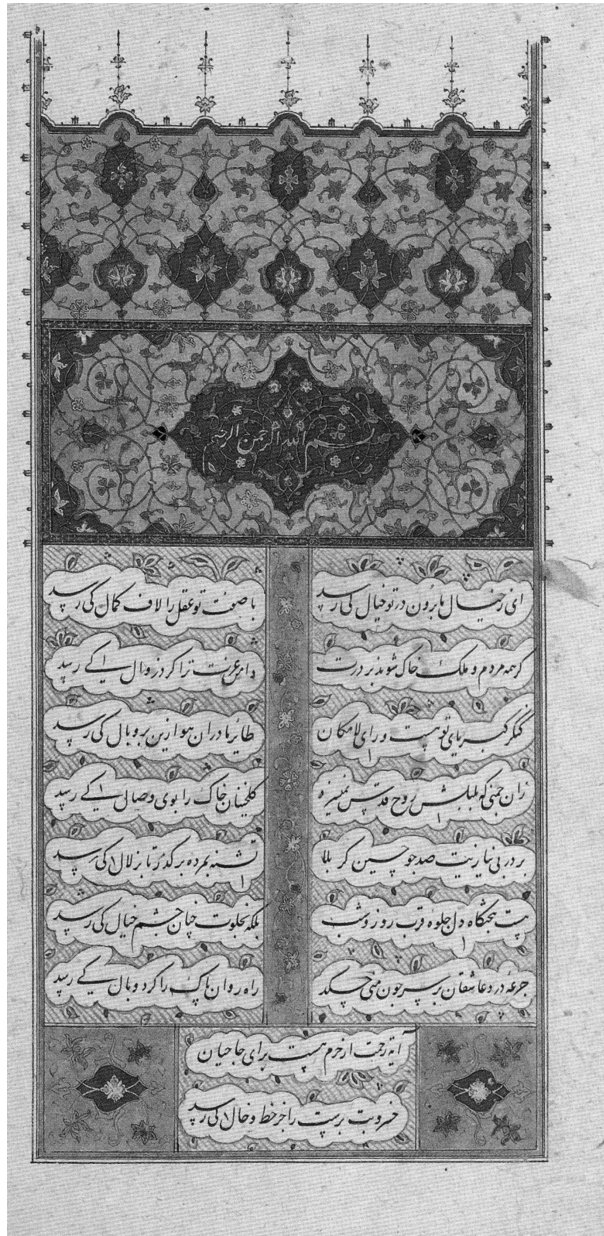
۲۶. همادالدین تبریزی، کلیات، نوشته خط کوفی دعایی است که با حروف تزئینی نوشته شده است. (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن فارسی، شماره ۱۵۳۱).



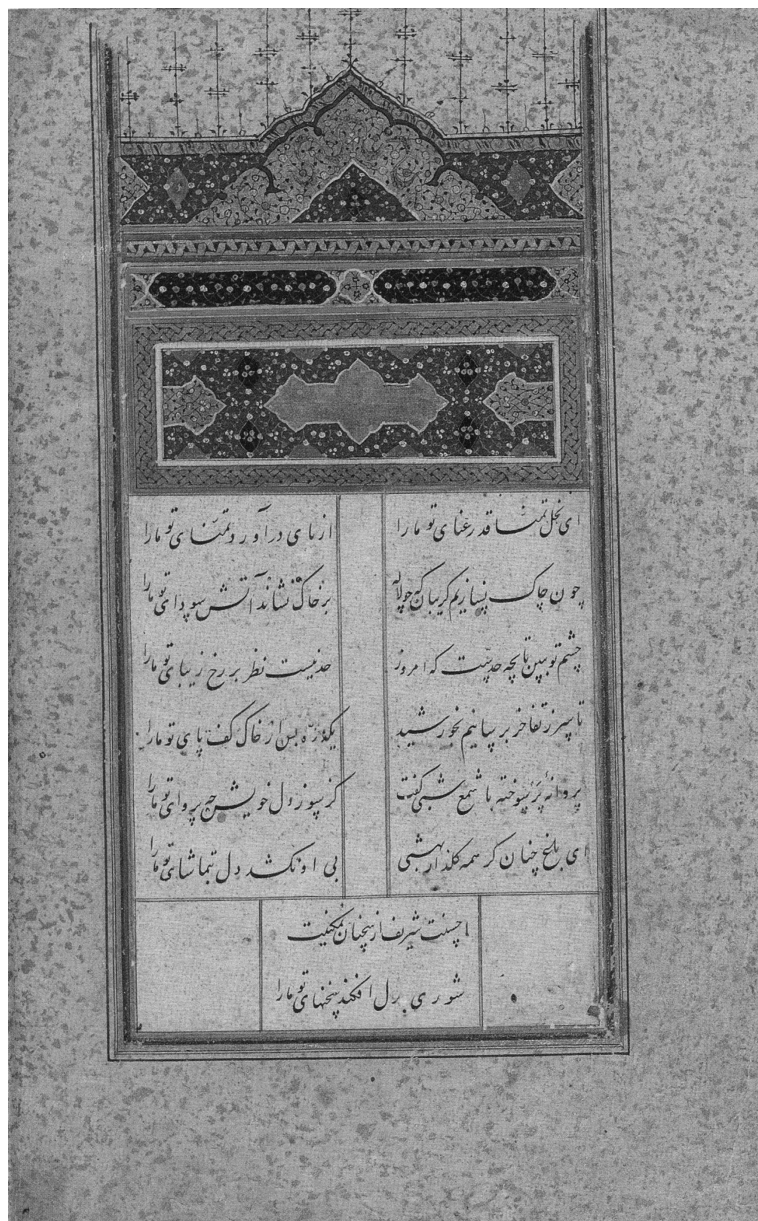
۲۷. عطار، منطق الطیر؛ و سعدی، بوستان. ترتیب متن به همان شکل است که در نسخه شماره ۸۲۲ (تصویر شماره ۲۱) دیده می‌شود. نمونه گل‌جانبی سرلوح ممکن است از یک گلدان چینی گرفته شده باشد. (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن فارسی، شماره ۶۵۷).



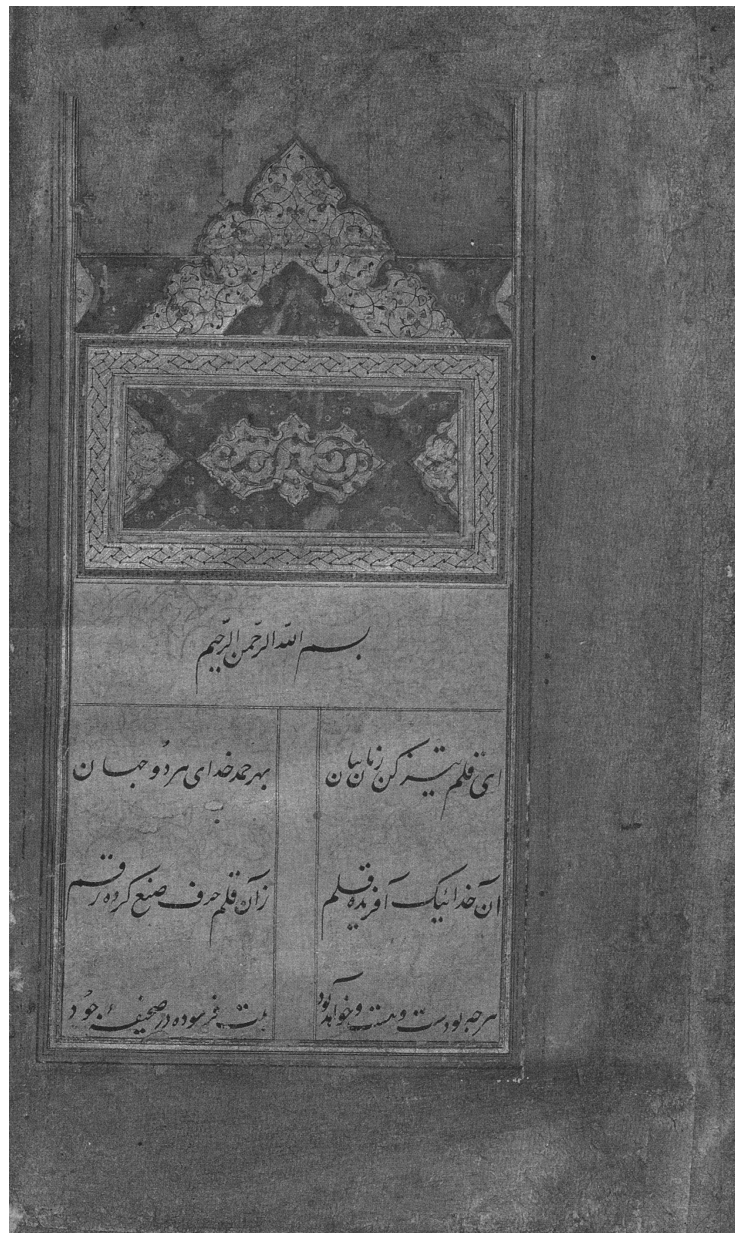
۲۸. عارفی هراتی، حالنامه، روزگار فرمانروایان آق قویونلو در زمینه هنر کتاب، سرمنشأ نوآوریهای بسیار بوده است. از آن جمله است استفاده فراوان از طلاکوبی در حاشیه سرلوح. (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن فارسی، شماره ۱۴۲۷).



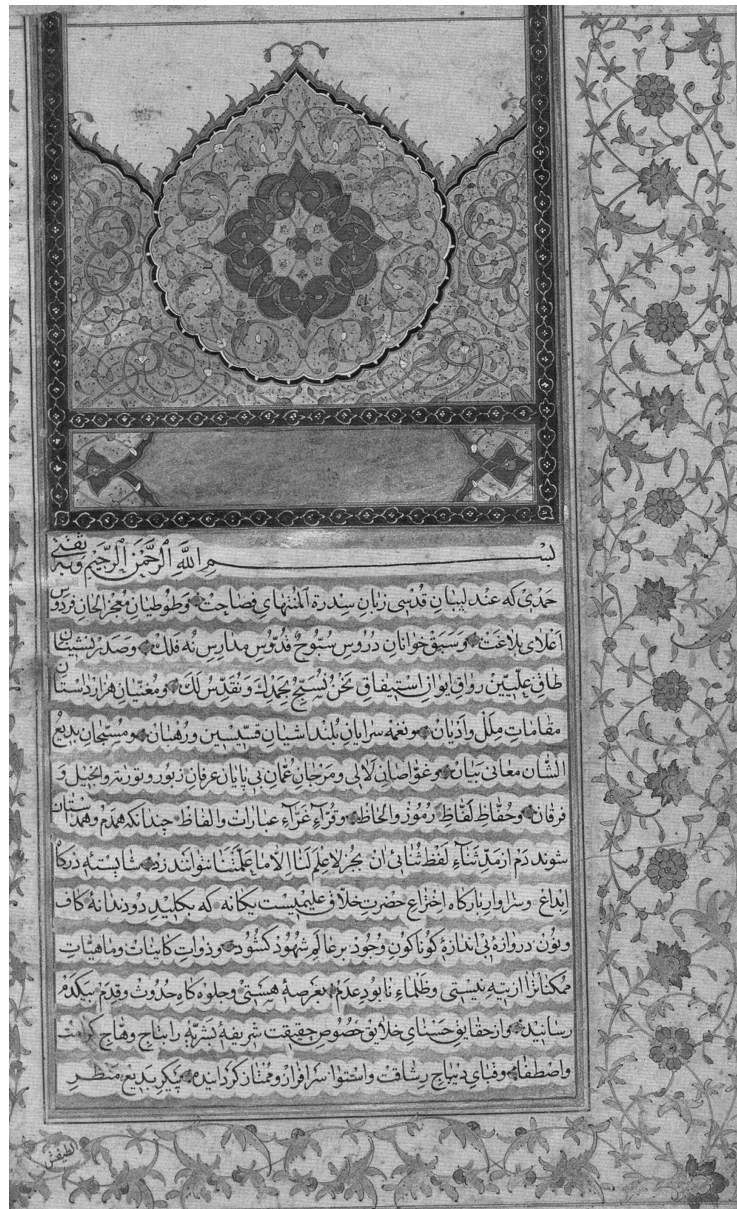
۲۹. امیر خسرو دهلوی، دیوان. اسم مذهب در قاب آبی رنگ سه گوشه پنهان شده است.
(کتابخانه ملی فرانسه، مخزن فارسی، شماره ۶۳۶).



۳۰. شریف تبریزی، غزلیات، نام مقرر معلوم نیست. تذهیبها دارای گل و بوته بر زمینه سیاه تا حدود سال ۱۶۲۰ / ۱۰۳۰ رواج کامل داشته‌اند.
 (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن فارسی، شماره ۱۴۵).



۳۱. سلطانعلی مشهدی، آداب خط. در تذهیب‌گری دوره مغول به ندرت به کتیبه‌های تذهیب شده به وسیله مُذْهَب برمی‌خوریم. وانگهی، آثار مکتب بخارا در کتاب آثار مکتب خراسان ظاهر می‌شود. (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن فارسی، شماره ۷۲۳).



۳۲. شرف‌الدین علی یزدی، شرفنامه، هنر تذهیب در سده هجدهم / دوازدهم دگرگونی تمام یافت، و سلیقه
 تهیه کتابهای زیبا در تمام سده نوزدهم ادامه یافت
 (کتابخانه ملی فرانسه، مخزن فارسی، شماره ۱۷۷۹).

گزارش احوال و آثار فرانسیس ریشار

نام کامل: فرانسیس ژان اوگوست ریشار / Francis Jean Auguste Richard
متولد سوم دسامبر ۱۹۴۸ / ۱۲ آذر ۱۳۲۷ در پاریس.
متأهل و پدر ۵ فرزند از ازدواج با خانم ماریا لاستکویکا / Maria Lastowiecka.

۱۹۵۴ تا ۱۹۶۶ / ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۵: تحصیل در دبیرستان Saint François-de-Sales در دیژون
(Dijon).

۱۹۶۶ / ۱۳۴۵: دیپلم رشته فلسفه (با درجه " بسیار خوب ").
۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ / ۱۳۴۹: رئیس اتحادیه عمومی دانشجویان در شهر دیژون.
۱۹۷۰ / ۱۳۴۹: لیسانس ادبیات کهن (با عنوان: «استانداران ایالات در روزگار نرون»، با
درجه " خوب ") در دانشگاه دیژون.
۱۹۷۰ / ۱۳۴۹: لیسانس زبان فارسی از مدرسه عالی زبانهای شرقی زنده.
۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ / ۱۳۵۰: بورسیه دانشگاه تهران.
۱۹۷۳ / ۱۳۵۲: ورود به مدرسه ملی E.N.S.B.
۱۹۷۴ / ۱۳۵۳: کتابدار شعبه نسخه‌های خطی کتابخانه ملی فرانسه (بخش شرقی)، و
مسئولیت اداره مخزن فارسی و تهیه فهرست آن.
۱۹۹۲ / ۱۳۷۱: رئیس کتابخانه شرقی.

سپتامبر ۲۰۰۳ / شهریور ۱۳۸۲: استخدام در موزه لوور با مسئولیت اداره مجموعه‌های شعبه جدیدالتأسیس هنرهای اسلامی.
دسامبر ۲۰۰۳ / آذر ۱۳۸۲: کتابدار اصلی کتابخانه‌ها.
مارس ۲۰۰۴ / اسفند ۱۳۸۲: استخدام در گروه میراث فرهنگی.

زبانها

فارسی (کتبی و شفاهی)، عربی، آلمانی، انگلیسی، لهستانی، لاتین، یونانی باستان، روسی، ترکی.

موضوعها و رشته‌های مطالعه و تحقیق

۱. کتابخانه‌داری و تاریخ کتاب، نسخه‌شناسی.
۲. تاریخ ایران و ادبیات فارسی کهن؛ تاریخ روابط ایران با اروپا، ترکیه، ماوراءالنهر و هند تا سده نوزدهم، و مجموعه‌ها (ی خطی).
۳. تاریخ ادیان در سده‌های هفدهم و هجدهم (یازدهم و دوازدهم هجری)؛ تاریخ هنر. از ۱۹۹۳ / ۱۳۷۲ رئیس «انجمن تحقیق در نسخه‌های خطی خاورمیانه» (بر اساس قانون ۱۹۰۱ م / ۱۲۸۰ ه.ش)، که به چاپ «برگه‌دان نسخه‌های خطی تاریخدان خاورمیانه» می‌پردازد (و نیز تدوین حدود بیست برگه در باره نسخه‌های خطی فارسی). این برگه‌ها سالی دوبار در نشریه اخبار نسخه‌های خطی خاورمیانه چاپ می‌شوند. هدف از این کار تهیه مجموعه‌ای دیرینه‌شناختی برای شناخت نوشته‌های عربی و انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به کتابشناسی است.

فعالیت در موزه لوور

استقرار شعبه جدید هنرهای اسلامی که در تابستان ۲۰۰۳ / ۱۳۸۲ تأسیس شد و هشتمین شعبه موزه است.

فعالیت حرفه‌ای در کتابخانه ملی فرانسه (تا سال ۲۰۰۳/۱۳۸۲)

مسئولیت اداره مخزن فارسی و تدوین فهرست تازه‌ای از نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه، که از سال ۱۹۷۴/۱۳۵۳ بر عهده داشته است. نخستین جلد فهرست نسخه‌های خطی فارسی حاوی کتابشناسی توصیفی ۳۸۸ جلد، در سال ۱۹۸۹/۱۳۶۸ منتشر شد. تدوین مشخصات کتابشناختی ۱۰۴۸ جلد شماره‌گذاری شده مخزن فارسی در اوت ۲۰۰۳ / مرداد ۱۳۸۲ پایان یافت.

– از ۱۹۹۰/۱۳۶۹ مدیریت فعالیت‌های فهرست‌بندی نقاشیهای نسخه‌های خطی شرقی کتابخانه ملی: مخزن فارسی، قبطی، سُریانی، گرجی، عرب، ارمنی، ترک، عبری و اتیوپیایی.

– در ۱۹۹۳/۱۳۷۲ شرکت در مدیریت نمایشگاه «در دربار مغول بزرگ».

– در ۱۹۹۷/۱۳۷۶ مسئولیت اداره نمایشگاه «شکوه‌مندی‌های ایرانی».

– در ۲۰۰۲/۱۳۸۱ نایب رئیس نمایشگاه «کاردینال مازارن، جنگ فروند و کتابدار».

– در ۲۰۰۵/۱۳۸۴، مسؤل نمایشگاه هنرهای اسلامی در موزه لوور (که در موزه ملی ریاض، عربستان سعودی برپا خواهد شد).

فعالیت‌های خارجی

– از ۲۰۰۱/۱۳۸۰ عضو کمیته علمی نشریه نامه بهارستان (تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی).

– از سال ۲۰۰۴/۱۳۸۳ عضو کمیته علمی میراث مکتوب (نشریه مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران).

– از سال ۱۹۹۱/۱۳۷۰ عضو هیئت تحریریه *Studia Iranica*.

– از سال ۱۹۹۲/۱۳۷۱ عضو هیئت تحریریه نشریه خاورمیانه و اقیانوس هند - *Moyen*

Orient et Ocean indien.

– دبیر «انجمن پیشبرد مطالعات ایرانی» در پاریس.

- عضو «انجمن آسیایی»، پاریس.
- عضو وابسته «انجمن ملی عتیقه‌داران فرانسه».

آموزش حرفه‌ای

- تدریس در «کارگاه سابله» درباره «کاغذهای شرقی».
- تدریس درباره نسخه‌های خطی و ترمیم‌کنندگان.
- تدریس درباره «کاغذهای ایرانی».

نشانهای افتخاری

- شوالیه لژیون دونور (Légion d'honneur).
- جایزه محقق برتر سال در چارچوب «جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران» (که در بهمن ۱۳۸۳ از دست آقای خاتمی دریافت شد).

In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

Like a very large sea, the rich Islamic culture of Iran has produced countless waves of handwritten works. In truth these manuscripts are the records of scholars and great minds, and the hallmark of us Iranians. Each generation has the duty to protect this valuable heritage, and to strive for its revival and restoration, so that our own historical, cultural, literary, and scientific background be better known and understood.

Despite all the efforts in recent years for recognition of this country's written treasures, the research and study done, and the hundreds of valuable books and treatises that have been published, there is still much work to do. Libraries inside and outside the country preserve thousands of books and treatises in manuscript form which have been neither identified nor published. Moreover, many texts, even though they have been printed many times, have not been edited in accordance with scientific methods and are in need of more research and critical editions.

Responsibility of the revival and publication of manuscripts is a researchers and cultural institutions. The Written Heritage Publication Centre, in pursuing its cultural goals, has sponsored these goals through the efforts of researchers and editors and with the participation of publishers, it may have a share in the publication of this written heritage, presenting a valuable collection of texts and sources to the friends of Islamic Iranian culture and society.

The Written Heritage Publication Centre

Written Heritage Research Centre, 2006
First Published in I. R. of Iran by Mīrās-i Maktūb

ISBN 964-8700-15-X

All rights reserved. No part of this book
may be reproduced, in any form or by any
means, without the prior permission of the publisher.

P R I N T E D I N T E H R A N

KITĀB-I ĪRĀNĪ

(Four Essays on Textology and Codicology)

Francis Richard

Edited by

'A. Rūhbakhshān



Mirās-i Maktūb
Tehran, 2006